

کیمهان

۵۳۳

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده
جمعه ۱۸ تا پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهارم و دوم - شماره ۱۹۹۹

صلح در خاور میانه پایان «محور مقاومت»

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۱۹۹۹ (۵۳۳)

۱۸ تا ۲۴ مهر ۱۴۰۴
۱۰ تا ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHANLONDON
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاهل عنکیوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های «دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. عالمان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. P.O. Box 30887, Bethesda, MD 20824-0887, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا
لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۲۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com

کیمهان

فهرست مطالب

سر مقاله - مشروطه به زبان ساده / الاهی بقرات ۴

تیر هفته - صلح در خاور میانه پایان «محور مقاومت» ... / ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی: عامل اصلی فلاکت ایران، رژیم جمهوری اسلامی است نه عوامل خارجی ... / ۶-۷

بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس: جمهوری اسلامی توسعه موشک‌های بالستیک ... / ۸

وال استریت ژورنال: چین از طریق یک کانال مالی مخفیانه پول نفت جمهوری اسلامی را ... / ۹

گزارش ویژه: «جنگ مجدد» با «فروپاشی» اقتصادی؛ دو پیش‌بینی عمده استادان دانشگاه و تحلیلگران ... / ۱۰-۱۱

کلاشنیکوف ... / خیر اندیش (احمد/حرار) ۱۱

بر ارتش چه گذشت (۳) ... / یادداشتها و خاطرات سپهبد جعفر صانعی ۱۲-۱۳

واشنگتن پست: اسرائیل حمله مجدد به جمهوری اسلامی را بررسی می‌کند ... / ۱۴-۱۵

بنیامین نتانیاها: موشک‌هایی که رژیم ایران تولید می‌کند، می‌تواند در آینده به آمریکا نیز برسد ... / ۱۵

پیشرفت اولیه «طرح صلح» غزه؛ دونالد ترامپ: حماس آماده‌ی پذیرش صلح است ... / ۱۶-۱۷

توافق اسرائیل و حماس برای «آتش‌بس»؛ ترامپ: باور دارم ایران نیز بخشی از روند صلح خواهد بود ... / ۱۷-۱۹

طرح تسهیل تروریستی اعلام‌شدن سپاه پاسداران به پارلمان استرالیارائه‌شد ... / ۱۹

رئیس سازمان فضایی جمهوری اسلامی: ماهواره‌های «ظفر ۲»، «پایا» و «ناهدی ۳» پر تاب خواهند شد ... / ۲۰

انفجار مرگبار در آزمایشگاه دانشگاه تهران ... / ۲۱

دوران محمدرضا شاه: تبلیغات هرز شوروی (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی ۲۱

طرح درخشان غزه: از حذف ایدئولوژی تا بازسازی تکنوکراتیک ... / دیوید اعتباری ۲۲

وزارت خزانهداری ایالات متحده چندشرکت چینی و آمریکایی را به دلیل همکاری با ... / ۲۳

واقعی یا «روانی»؟! ... / بهنام محمدی ۲۳

«۱۵۳ کانت» و «پژوهش» برای روایت‌سازی و جعل واقعیت ... الاهی بقرات ۲۴-۲۷

ماهواره «هدهد» قبل از جنگ ۱۲ روزه «فرمان ناخواسته گرفت و ارتباطش قطع شد» ... / ۲۷

ویرانی خودساخته‌ی چپ ایران: از وایمار تا تهران ... / علی بردبار جهانتیغی ۲۸-۲۹

ریشه‌های حقیقی جنگ اوکراین ... / اسید عرفان نوربخش ۲۹-۳۰

حماس قابل اعتماد نیست و عین جمهوری اسلامی فریبکاری می‌کند ... / حنیف حیدر نژاد ۳۰-۳۱

وزیر خارجه آلمان: جمهوری اسلامی در مذاکرات شفاف نبود؛ اثر بخشی تحریم‌ها اجتناب‌ناپذیر شد ... / ۳۱

عرفان قانعی فرد: اگر به ایران دیپورت شوم سرنوشتی جز مرگ در انتظارم نیست ... / ۳۲

اعدام اشرف زندانی در اهواز به اتهام عضویت در «یک شبکه تروریستی تجزیه‌طلب وابسته به ... / ۳۲-۳۳

پخش اعتراض اجباری امیر حسین موسوی: سناریوی نخ‌نمای نهادهای امنیتی ... / ۳۳

نامه امیر حسین موسوی از زندانی اوین: ویدئوی پخش‌شده از صداوسیما «اجباری» و تحت فشار ... / ۳۴-۳۵

دوران محمدرضا شاه: ایران، خانه امن ملت (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی ۳۵

چهار وزیر دولت پزشکیان در مسیر استیضاح؛ اصلاح‌طلبان می‌گویند رقابت جناحی است ... / ۳۶-۳۷

«بازی بیست»؛ از شگفتی‌های باستانی «شهر سوخته» در سیستان ... / ۳۷

جشنواره مهرگان در لندن ... / ۳۷

تعطیلی کارکنان دولت در روزهای پنجشنبه به استانداران سپرده‌شد ... / ۳۸-۳۹

«ارزان‌نمایی» با حذف چهار صفر از پول ملی؛ اقدامی هزینه‌زایی اثر بر کاهش تورم! ... / ۳۹-۴۰

سفره‌های خالی، درآمدهای ناکافی و گرانی روزانه کالاها در ایران ... / ۴۰-۴۱

شیوع سرطان خون و بیماری‌های خودایمنی و نادر در میان ساکنان اطراف تالاب گاوخونی ... / ۴۲-۴۳

حمله به پایگاه بسیج سرو و آبادان کرستان با پنج کشته و زخمی ... / ۴۳

۱۲ میلیارد دلار ائتلاف گاز در ایران؛ معادل نیمی از کل اقتصاد ارمنستان! ... / ۴۴

نرخ بیکاری تابستان امسال با «نامیدی و خروج جویندگان از بازار کار» کاهش یافت ... / ۴۵

بیش از یک پنجم جمعیت ۱۵ تا ۱۷ ساله کشور از تحصیل بازمانده‌اند! ... / ۴۶-۴۷

افزایش شاگردان «مدرسه رستم» در لندن ... / آدوم صابونچیان ۴۷-۴۸

پژواک ملودی‌های ایرانی در آثار احمد پژمان ... / آدوم صابونچیان ۴۸-۴۹

مانور تبلیغاتی مقامات دولت پزشکیان درباره کشف ذخایر جدید در میدان گازی پازن ... / ۵۰

خالی‌شدن روستاها به علت توفان نمک بر خاسته از دریاچه ارومیه ... / ۵۱

اقدام خطرناک دولت پزشکیان: واگذاری سهام شرکت ملی نفت ایران به اسم «خصوصی‌سازی»! ... / ۵۲

موج افزایش قیمت مواد غذایی؛ یک‌شانه تخم‌مرغ ۲۰ هزار تومان و یک کیلو لوبیا چینی ... / ۵۳

مخالفت سازمان برنامه و بودجه با سیاست ارزی وزیر اقتصاد ... / ۵۴

بازگشت تحریم‌های فولاد ایران از سوی اتحادیه اروپا ... / ۵۵

تغییر سبک زندگی به علت گرانی؛ از خرید جهیز به دست‌دوم تا حلقه نقره ... / ۵۶

بحران کمبود آب و خشکی تالاب‌ها و دریاچه‌ها؛ راهکارهای دولت غیر کارشناسی و ناکارآمد است! ... / ۵۷

سقوط ۲۶۱ درصدی ارزش دستمزد کارگران در کمتر از یک دهه ... / ۵۸

افزایش آمار بزه جرم‌باری‌شده‌های اقتصادی و مالی ... / ۵۹

خبسره‌های کوتاه ... / ۶۰-۶۱

پشت‌جلد - عکس هفته / دو سال و یک روز پس از هفتم اکتبر ۶۲

بازنشر
بازنشر



مشروطه به زبان ساده

تیر هفته

صلح در خاورمیانه

پایان «محور مقاومت»



● امروز جمهوری اسلامی دو سال پس از هفتم اکتبر، با از دست رفتن «محور مقاومت» و «عمق استراتژیک» و با اجرای «مکانیسم ماشه» و انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی نه تنها قادر نیست ویرانی خود را ترمیم کند بلکه چه بسا زیر آوار آن دفن خواهد شد.

ترامپ که تصور می‌کند حتی جمهوری اسلامی نیز از این روند حمایت خواهد کرد، بسیاری از کارشناسان با تجربه در امور خاورمیانه معتقدند که هنوز راه بستن پرونده درگیری بین اسرائیل و فلسطین هموار نشده و باید مسیری طولانی و پر پیچ و خم را طی کند.

مراحل بعدی طرح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ که اسرائیل و حماس باید بر سر آن توافق کنند، بسیار پیچیده‌تر از اعلام آتش‌بس است که هر لحظه هر کدام از طرفین می‌تواند از اجرای آن سر باز زند. یکی از مشکلات بر سر راه این طرح، آینده حماس و خلع سلاح این گروه تروریستی است. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل اعلام کرده است که جنگ تا نابودی کامل حماس ادامه خواهد یافت. حماس هم به نوبه خود می‌گوید تنها در صورتی سلاح را بر زمین خواهد گذاشت که روند تشکیل دولت مستقل فلسطین آغاز شود. نخست وزیر اسرائیل هم بارها تکرار کرده است هرگز با آغاز چنین روندی موافقت نخواهد کرد. حماس هم تکرار می‌کند تنها زمانی دست از مبارزه مسلحانه برخواهد داشت (البته بدون پذیرفتن خلع سلاح) که یک سیستم اجرائی کاملاً فلسطینی با همکاری حکومت خودگردان فلسطین و حمایت کشورهای عربی اداره باریکه غزه را برعهده بگیرد.

آینده غزه در ابهام

در طرح بیست ماده‌ای دونالد ترامپ به تشکیل یک هیأت غیرسیاسی شامل تکنوکرات‌های مستقل فلسطینی اشاره می‌شود که البته باید تحت نظر یک نهاد انتقالی بین‌المللی جدید به ریاست رئیس جمهور آمریکا و با حضور برخی شخصیت‌های دیگر چون تونی بلر نخست وزیر سابق بریتانیا، عمل کند. حماس که نظارت نهادهای

نخستین گام برای پایان دادن به دو سال جنگ در غزه با توافقی در شهر بندری «شرم‌الشیخ» مصر بین حماس و اسرائیل آغاز شد. این گام دقیقاً یک روز پس از دومین سالگرد حمله تروریستی حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ برداشته شد. بر پایه این توافق قرار است پس از تصویب آن روز پنجشنبه در کنست (پارلمان اسرائیل)، ارتش اسرائیل به پشت «خط زرد» عقب‌نشینی کند. ۷۲ ساعت بعد قرار است حماس بیست اسرائیلی را که در ۷ اکتبر دو سال پیش در جریان حمله تروریستی به خاک اسرائیل به گروگان گرفته بود، آزاد نماید. پیکر ۲۸ گروگان دیگر که کشته شده‌اند، طی روزهای آینده و در همکاری نظامیان چند کشور عرب و اسلامی جستجو و به اسرائیل تحویل داده خواهد شد. در آرای تحویل این گروگان‌ها، اسرائیل متعهد شده است ۱۹۵۰ فلسطینی را آزاد کند. ۲۵۰ نفر از این افراد در زندان‌های اسرائیل سرگرم گذراندن دوران محکومیت خود به حبس ابد هستند، در حالی که ۱۷۰۰ نفر دیگر در جریان جنگ اخیر غزه دستگیر شدند.

طرح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ

امضای اجرای مرحله اول طرح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ که هدف آن نه تنها پایان دادن به جنگ در غزه بلکه گذاشتن نقطه پایان بر درگیری دردناکی است که با اعلام موجودیت کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی تشدید شد، در شهرهای مختلف اسرائیل و در نوار غزه جشن گرفته شد. البته توافقی‌هایی مشابه مرحله اول نقشه راه رئیس جمهور آمریکا در گذشته نیز با تبادل زندانی و عقب‌نشینی ارتش اسرائیل صورت گرفته بود. با وجود خوشبینی سران کشورهای عربی و غربی و البته دونالد

اطلاعات درباره «مشروطه» و «انقلاب مشروطه» و «متمم قانون اساسی» به فراوانی در دسترس همگان قرار دارد. در اینجا موضوع بر سر لزوم دقت در رویدادها و مفاهیم است. گرچه از همه چیز می‌توان تفاسیر متفاوت داشت ولی محک این تفاسیر چیزی جز واقعیت نیست و واقعیت از هر زاویه که بنگرید، یکبست! یک، ایده «مشروطه» یا «مشروطیت» (constitutionalism) یک مفهوم ساختاری و حقوقی مدرن برای مهار قدرت مطلقه و تحقق حاکمیت قانون مبتنی بر آزادی و تجدد است که جزو اندیشه‌های لیبرال به شمار می‌رود. می‌بایست که بر این ایده بنا و از آن حفاظت کرد.

دو، انقلاب مشروطه در ایران که بر اساس ایده مشروطه زمینه‌های آن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با گسترش روابط با



غرب فراهم شد و به عنوان نخستین انقلاب دموکراتیک و مدرن در خاورمیانه به وقوع پیوست. می‌بایست که این انقلاب را ارج نهاد و از آن آموخت اما در آن متوقف نماند.

سه، «نظامنامه» مشروطه بر اساس آن ایده و آن انقلاب در ۸ دی ۱۲۸۵ به امضای مظفرالدین شاه قاجار رسید که شرایط تشکیل مهم‌ترین دستاوردش یعنی مجلس شورای ملی و همچنین مجلس سنا را مقرر می‌داشت. کمتر از یکسال بعد در ۱۴ مهر ۱۲۸۶ آنچه «متمم قانون اساسی» نامیده شد، به امضای محمدعلی شاه قاجار رسید. اصل اول و دوم قانون اولیه با مجلس شورای ملی و نمایندگی مردم آغاز می‌شود. اصل اول و دوم متمم قانون اساسی اما به مذهب رسمی شیعه و اینکه هیچ قانونی نباید مخالف با «قواعد مقدسه اسلام» باشد اختصاص دارد.

به این ترتیب، وقتی صحبت از «مشروطه» می‌شود، اول از همه باید دانست درباره کدامیک از این سه پدیده است تا آنچه به حال آینده مربوط است با آنچه به گذشته تعلق دارد مخلوط نشود. رضاشاه تازه تقریباً دو دهه بعد از آن انقلاب و قتلش، و پنج سال پس از فرماندهی قوای قزاق و ریاست وزارت جنگ و نخست‌وزیری احمدشاه قاجار، به سلطنت رسید.

۵۳ سال بعد، تناقض‌های «متمم قانون اساسی» در ۵۷ به سود مشروطه و جمهوری اسلامی حل شد. اگرچه طی این مدت بر اساس همان قانون و با همت پنجاه سال حکومت پهلوی ایران نوین بناگشت. اکنون در حالی که ۴۷ سال است مشروطه و پادشاهی و پهلوی در قدرت نیستند، صحبت از «اجرای» «متمم قانون اساسی» آنهم نه پس از این رژیم که هنوز در قدرت است، بلکه اکنون و در خارج کشور، با هر استبدالی، با انکار واقعیت گسست ۵۷ و پیامدهای آن ممکن است به ویژه وقتی که خود وارث پادشاهی و پهلوی، بر اساس گفته‌هایش، چنین عقیده‌ای ندارد و انتخاب شکل نظام آینده را به رأی و انتخاب ملت سپرده است. درواقع برای اثبات مشروطیت پادشاهی وی، اتکا بر قانون رسمی نیز لغو می‌شود که ملایان مرتجع به دلیل دور زدن نیمه مشروطه‌ای آن، معترض دو پادشاه پهلوی بودند!

این در حالیست که قدرت اجتماعی و مشروطیت (حقانیت) از قانون نمی‌آید بلکه برعکس؛ قانون ناشی از قدرت اجتماعی و مشروطیت است. دلیل اقبال داخل و خارج به پهلوی نه «متمم قانون اساسی» و نه حتی «ایده» و «انقلاب» مشروطه، بلکه عملکرد پهلوی‌ها و به ویژه مواضع و ایستادگی خود شاهزاده رضا پهلوی است. چنانکه اگر آن قانون بطور رسمی نیز لغو می‌شد، هیچ نقشی در مشروطیت و موقعیت امروز مشروطه و پادشاهی و پهلوی نمی‌داشت! «متمم قانون اساسی» نه به خاطر «قدیمی» بودن بلکه به خاطر تناقضات و نیمه مشروطه‌ای که جامعه را دچار بلاتکلیفی می‌کند، متعلق به گذشته است. تغییر رژیم یا تحولات انقلابی در هیچ کشوری، از جمله در خود ایران نیز از زمان وقوع تا پس از دوران گذار، بر اساس «قانون» صورت نگرفته بلکه برای آن می‌بایست «ایده»، «برنامه» و «چشم‌انداز» داشت تا «روند» را عین انقلاب مترقی مشروطه و روی کار آمدن پهلوی و انقلاب ارتجاعی مشروطه و روی کار آمدن جمهوری اسلامی به یک «رویداد» تبدیل کرد. مضامین مترقی «متمم قانون اساسی»، هرقدر هم که از عمرش گذشته باشد، قطعاً مبنای نظام حقوقی آینده نیز خواهد بود؛ چنانکه مضمون حقوق بشری کتیبه کوروش در پانصد سال پیش از میلاد!

با هفتم اکتبر «محور مقاومت» و «عمق استراتژیک» جمهوری اسلامی فرو ریخت

جمهوری اسلامی با هدف متوقف کردن روند اجرای «پیمان ابراهیم» بین اسرائیل و کشورهای عربی و اسلامی که در دوران دولت قبلی دونالد ترامپ آغاز شده بود، حمله ۷ اکتبر گروه تروریستی حماس را طراحی و حمایت کرده

حضور دارند تحت فشار دولت‌های عربی چون قطر و مصر و یا ترکیه قرار دارند و مواضعی اتخاذ می‌کنند که در برخی نکات مورد قبول فرماندهان نظامی که دو سال در غزه جنگیدند نیست». در داخل خود غزه به گفته‌ی این منبع، نگاه‌ها «به سمت حکومت‌هایی چون جمهوری اسلامی ایران است که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند و حماس را نه یک گروه

غیرفلسطینی را تا کنون نپذیرفته، اگرچه احتمالاً نظارت کشورهای عرب و اسلامی را خواهد پذیرفت، اعلام کرده تنها در چنین حالتی از اداره باریکه غزه چشم خواهد پوشید. البته حماس در مورد ادامه حضور در نوار غزه به عنوان یک نیروی سیاسی هنوز ابراز نظر روشنی نکرده است. بسیاری معتقدند که این گروه تروریستی می‌تواند



بود. البته می‌توان گفت که در رسیدن به این هدف موقتاً موفق نیز بوده است. با آغاز جنگ در غزه پیوسته پادشاهی سعودی به «پیمان ابراهیم» منتفی شد و کشورهای چون امارات متحده عربی و بحرین نیز که به این پیمان پیوسته بودند، سطح روابط خود با اسرائیل را کاهش دادند. ولی این موفقیت لحظه‌ای شکست حیاتی و بزرگتری به دنبال داشت. اسرائیل بعد از ۷ اکتبر که با تهدید جدی علیه موجودیت خود روبرو شد، فقط جنگ در غزه را آغاز نکرد. به لبنان هم حمله کرد و بسیاری از فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی حزب الله چون حسن نصرالله و هاشم صفی‌الدین را کشت و انبارهای تسلیحاتی مهم‌ترین بازوی «محور مقاومت» جمهوری اسلامی را از بین برد. حماس هم بسیاری از رهبران سیاسی خود را چون اسماعیل هنیه و فرماندهان نظامی چون یحیی سینوار را از دست داد. حوثی‌های یمن هم در حملات اسرائیل ضربه‌های سختی را متحمل شدند. بشار اسد هم در سوریه سقوط کرد و مجبور شد به روسیه پناه برد و در جنگ ۱۲ روزه نیز خود جمهوری اسلامی بسیاری از فرماندهان و عوامل اتمی خود را از دست داد.

در این میان، قطر هم که زمانی متحد جمهوری اسلامی به حساب می‌آمد امروز در جبهه مقابل آن قرار دارد و یکی از بازیگران اصلی روند صلح در خاورمیانه است که جمهوری اسلامی با وجود همه این ضربات از هیچ تلاشی برای شکست آن فروگذار نخواهد کرد.

امروز «محور مقاومت» که قرار بود «عمق استراتژیک» جمهوری اسلامی را توسعه دهد، تبدیل به نیرویی زخم‌خورده و با امکانات عملیاتی بسیار محدود تبدیل شده. میلیون‌ها دلاری که در چهار دهه گذشته خرج نیروهای نیابتی شدند، دود شدند و به هوا رفتند. جمهوری اسلامی نیز دو سال پس از هفتم اکتبر، با اجرای «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی نه تنها قادر نیست ویرانی خود را ترمیم کند بلکه چه بسا که زیر آوار آن دفن خواهد شد.

تروریستی بلکه نهاد مقاومت علیه اشغالگر می‌دانند.» این در حالیست که جمهوری اسلامی نیز در رابطه با توافق شرم‌الشیخ موضع مبهم و ناروشنی اتخاذ کرده بطوری که می‌تواند در تأیید سخنان این منبع مطلع باشد.

جمهوری اسلامی مخالف صلح در غزه

وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای پس از اعلام این توافق می‌نویسد، «با در نظرداشت ابعاد و جنبه‌های خطرناک طرح آتش‌بس در غزه، هرگونه تصمیم‌گیری در این خصوص را در صلاحیت مردم و مقاومت فلسطین می‌دانیم.» در ادامه این بیانیه آمده است جمهوری اسلامی «از هر تصمیم آنها [منظور حماس است] که متضمن توقف نسل‌کشی فلسطینیان، خروج ارتش صیونیستی از غزه، احترام به حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین و ورود کمک‌های بشردوستانه و بازسازی غزه باشد» استقبال می‌کند.

همان منبع آگاه به مسائل حماس در رم به تهدید جمهوری اسلامی علیه حکومت خودگردان فلسطین اشاره می‌کند و می‌گوید: «از تهران به رام‌الله هشدار داده‌اند که هرگونه همکاری با طرح صلح واشنگتن، که به نظر آنها تنها منافع اسرائیل را در نظر دارد، می‌تواند عواقب جدی داشته باشد.» تهدیدهایی که بنا بر اخباری که از اسرائیل می‌رسند زیاد هم تو خالی نیستند. «شین‌بت» یکی از نهادهای امنیتی اسرائیل اعلام کرده است که اوایل هفته جاری محموله‌ای شامل انواع سلاح‌های سنگین و سبک و مهمات را در رام‌الله در کرانه باختری توقیف کرده است. این محموله، به گفته این نهاد امنیتی اسرائیلی، توسط «یگان ۴۰۰» سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کرانه باختری با استفاده از یک شبکه قاچاق مواد مخدر فرستاده شده بود. این اولین بار نیست که نیروهای امنیتی اسرائیلی اسلحه و مهماتی را که توسط جمهوری اسلامی به کرانه باختری فرستاده شده، کشف و توقیف می‌کنند.

انحلال خود را اعلام کند و چند هفته بعد با نام دیگری در صحنه سیاسی فلسطین ابراز وجود نماید.

مخالفت برخی از احزاب اسرائیل با طرح صلح ترامپ

البته طرح دونالد ترامپ تنها با مخالفت حماس مواجه نیست. جناح‌هایی در اسرائیل نیز با کل این طرح یا بخش‌هایی از آن مخالف هستند. ایتامار بن‌گوریر وزیر امنیت داخلی دولت بنیامین نتانیاهو، روزی که توافق بر سر اجرای مرحله اول این طرح در شرم‌الشیخ به دست آمد، در اقدامی تحریک‌آمیز با اسکورت پلیس و ارتش و همراه با گروهی از شهرک‌نشینان به مسجد الاقصی در اورشلیم (که فلسطینی‌ها آن را «قدس» می‌خوانند) رفت و مناسک مذهبی یهودی در آن برگزار کرد. پتسائیل اسموتریچ وزیر دارائی اسرائیل نیز اعلام کرد که با این توافق موافق نیست و پس از بازگشت گروگان‌ها باید جنگ را تا نابودی کامل حماس ادامه داد. وزیر دارائی دولت بنیامین نتانیاهو تبادل زندانیان فلسطینی با گروگان‌های اسرائیلی را نیز محکوم کرد و گفت: «ما با آزادی زندانیان فلسطینی نسل‌جدیدی از رهبران گروه‌های تروریستی را تحویل دادیم.» البته چهره‌های افراطی حاضر در دولت کنونی اسرائیل اینبار از تهدید به خروج از دولت ائتلافی استفاده نکردند، زیرا احزاب میانه و حزب کارگر اعلام کردند که در صورت خروج آنها از دولت نتانیاهو، تا زمانی که متعهد به طرح صلح دونالد ترامپ باشد از دولت وی حمایت خواهند کرد.

اختلاف نظر در حماس

یک منبع آگاه به مسائل به حماس در رم به کیهان لندن می‌گوید: «در چندین مورد بین نیروهای حماس در داخل غزه و اعضای این گروه که در مذاکرات شرم‌الشیخ حضور دارند اختلاف نظرهای جدی وجود دارد.» همین منبع در ادامه می‌افزاید: «کسانی که در مذاکرات غیرمستقیم با اسرائیل

شاهزاده رضا پهلوی در اندیشکده «شورای روابط خارجی»: عامل اصلی فلاکت ایران، رژیم جمهوری اسلامی است نه عوامل خارجی



شاهزاده رضا پهلوی در مؤسسه «شورای روابط خارجی» آمریکا / ۱۱ مهرماه ۱۴۰۴ / ۳ اکتبر ۲۰۲۵

ایران گوش دهید، می‌گویند: چه خیال می‌کردید که ما را به این وضعیت گرفتار کردید؟ حالا چطور باید خودمان را از نتیجه نهایی آن رها کنیم؟»

روزی برگزاری دادگاه‌های مقامات جمهوری اسلامی فرا خواهد رسید

شاهزاده رضا پهلوی در بخشی از سخنان خود تأکید کرد که پایان جمهوری اسلامی نهایتاً باید به دست مردم ایران رقم بخورد و نه مداخله خارجی. او افزود: «طبیعتاً مردم ایران حق دارند به دنبال عدالت باشند و روز حضور آنها در دادگاه خواهد رسید و مسئولان باید پاسخگوی جنایاتشان باشند.»

وی همچنین گفت: «اما اکثریت افرادی که جزو لایه‌های بالای رژیم نیستند و از این ترتیبات سود می‌برند در واقع بخشی از یک مافیا هستند که دارد از ایران و منابع آن بهره‌کشی می‌کند. وقتی اینها [از قدرت] رانده شوند، آنها هستند که باید پاسخگوی کارهایشان باشند. آیا ترجیح می‌دهند همچنان با یک کشتی در حال غرق شدن همراه باشند، یا فکر می‌کنند اکنون زمان پیوستن به مقاومت است؟»

در همین ارتباط، استیون کوک درباره‌ی میزان انسجام اپوزیسیون و اتحاد جامعه‌ی ایرانیان خارج کشور پرسشی مطرح کرد که شاهزاده توضیح داد قدرت اپوزیسیون را از طریق شبکه‌های اجتماعی و اطلاعاتی از داخل ایران ارزیابی می‌کند. او به کارزار QR Code اشاره کرد که بیش از ۶۰ هزار درخواست همکاری یا جدایی از رژیم را از داخل ایران دریافت کرده است. وی همچنین بر اهمیت مشارکت حداکثری همه گروه‌های اجتماعی که می‌توانند از تغییر رژیم سود ببرند تأکید کرد.

تا این رژیم هست اوضاع اقتصادی همین خواهد بود
او همچنین بر این نکته تأکید کرد که «مردم ایران

شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی خود به تشریح دیدگاه‌هایش درباره‌ی ایران سکولار و دموکراتیک پرداخت و بر ضرورت تغییر رژیم و اهمیت نافرمانی مدنی تأکید کرد. او همچنین درباره «پروژه شکوفایی ایران» و استراتژی پنج مرحله‌ای خود توضیحاتی ارائه داد و با اشاره به برگزاری همایش «همکاری ملی برای نجات ایران» در مونیخ (۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵) خبر داد که همزمان با جشن مهرگان روغایی شد و در عرض ۲۴ ساعت بیش از یک و نیم میلیون بازدید داشته است. او همچنین نکاتی را درباره‌ی نگرانی‌هایی که در مورد ثبات پس از فروپاشی رژیم مطرح می‌شود و نیاز به یک روند گذار شفاف مطرح کرد.

در همین ارتباط وی با اشاره به فعالیت‌هایش برای تقویت صدای مردم ایران در مسیر رسیدن به آزادی گفت: «نقش من نامزد شدن برای یک مقام سیاسی نیست. نیستم. نقش من این است که بیشترین امکان را برای هم‌میهنانم فراهم کنم تا بتوانند خودشان را آزاد کنند و در نهایت از طریق صندوق رأی و از طریق همه‌پرسی تصمیم بگیرند که چه چیزی را می‌خواهند؛ آن چیزی که من در نهایت مایلم جایگزین این دیکتاتوری مذهبی شود، یک حکومت سکولار و دموکراتیک است.»

شاهزاده رژیم کنونی ایران را یکی از شوم‌ترین حکومت‌های تاریخ معاصر خواند که ترکیبی از تمامیت‌خواهی فاشیسم و نژادپرستی است و به همین دلیل سیاست‌های مفاشات‌گرانه‌ی کشورهای غربی را به شدت محکوم کرده و خواستار تغییر این رویکرد در جهت حمایت از مردم ایران شد. او با اشاره به مبارزات مردم افزود: «من فکر می‌کنم این موضوع مربوط به بازگرداندن چیزی یا رسیدن به یک نتیجه خاص باشد. موضوع بر سر دموکراسی و حق تعیین سرنوشت است. و فکر می‌کنم هر آنچه ایرانیان در آن زمان فکر می‌کردند، اگر امروز به حرف‌های نسل زد

● شاهزاده رضا پهلوی روز شنبه سوم اکتبر ۲۰۲۵ (۱۱ مهرماه) در اندیشکده «شورای روابط خارجی» حضور یافت و طی سخنانی با اشاره به زبان‌های شدید فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی برای منافع ملی گفت: «جاه‌طلبی هسته‌ای رژیم ایران، بیش از یک تریلیون دلار به کشور خسارت وارد کرده است.»

● شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی خود به تشریح دیدگاه‌هایش درباره‌ی ایران سکولار و دموکراتیک پرداخت و بر ضرورت تغییر رژیم و اهمیت نافرمانی مدنی تأکید کرد. رژیم کنونی ایران را یکی از شوم‌ترین حکومت‌های تاریخ معاصر خواند که ترکیبی از تمامیت‌خواهی فاشیسم و نژادپرستی است و به همین دلیل سیاست‌های مفاشات‌گرانه‌ی کشورهای غربی را به شدت محکوم کرده و خواستار تغییر این رویکرد در جهت حمایت از مردم ایران شد.

● در بخش پرسش و پاسخ، سوال باربارا اسلاوین از مرکز «استیمسون» و پاسخ شاهزاده رضا پهلوی با واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد. شاهزاده در پاسخ به پرسش وی که به «فشار حداکثری» و تحریم‌ها و وضعیت مردم مربوط می‌شد، از جمله گفت: «آنچه آزادیخواهی و رهایی ما را به تأخیر انداخته، سیاست‌های غلط دولت‌های شماست، زیرا مقصر اصلی خامنه‌ای و رژیم اوست و شما کاری جدی برای کمک به ما در رهایی از آنها نکرده‌اید، نه از سر دلسوزی برای ما، بلکه از روی محاسبه برای منافع خودتان! آیا دستاوردی حاصل شده که از منظر مثلاً «رنال پولیتیک» قابل توجیه باشد؟»

● «من چه می‌خواهم از جهان؟ همبستگی! همان همبستگی‌ای که مخالفان شوروی از جهان آزاد غرب انتظار داشتند، همان همبستگی‌ای که مردم آفریقای جنوبی برای پایان آپارتاید خواستند، همان همبستگی‌ای که به لخ والسا و دوستانش کمک کرد تا [در لهستان] بر ظلم غلبه کنند؛ ما آن همبستگی را برای ایرانیان می‌خواهیم. اما در مورد ایران همیشه رویکرد مفاشات و مذاکرات مداوم را دیده‌ایم؛ رژیم صرفاً زمان می‌خرد و هیچ دستاوردی حاصل نمی‌شود. تا وقتی این طرز فکر بازنگری نشود، مردم ایران همچنان گرسنه خواهند ماند، نه به خاطر تحریم‌ها، بلکه به خاطر اینکه رژیم می‌تواند با درآمد‌هایش ماشین سرکوب و نیابتی‌سازی خود را تغذیه کند.»

شاهزاده رضا پهلوی روز شنبه سوم اکتبر ۲۰۲۵ (۱۱ مهرماه) در اندیشکده «شورای روابط خارجی» حضور یافت و طی سخنانی با اشاره به زبان‌های شدید فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی برای منافع ملی گفت: «جاه‌طلبی هسته‌ای رژیم ایران، بیش از یک تریلیون دلار به کشور خسارت وارد کرده است.» در آغاز این نشست، استیون ای. کوک پژوهشگر ارشد مؤسسه «شورای روابط خارجی» در حوزه‌ی خاورمیانه و آفریقا به حضار خوشامد گفت و با معرفی شاهزاده رضا پهلوی به ارتباط شخصی خود با بحران گروگانگیری در جمهوری اسلامی اشاره و از اینکه با شاهزاده درباره‌ی ایران گفتگو می‌کند ابراز خشنودی کرد. شاهزاده رضا پهلوی نیز از حضور در این گردهمایی معتبر ابراز خرسندی کرده و به دیدارهای پیشین خود با شورای روابط خارجی اشاره نمود.

ماشین سرکوب و نیابتی‌سازی خود را تغذیه کند. این وضعیت موجب ماندن طولانی آنها در قدرت می‌شود و بازی را تغییر نمی‌دهد. تغییردهنده بازی این است که این رژیم دیگر نباشد. ما از «تغییر رژیم» سخن می‌گوییم، چون معتقدیم این رژیم علت اصلی فلاکت ماست، نه عوامل خارجی. این رژیم مستقیماً مسئول به وجود آمدن این وضعیت برای ایرانیان است. ما می‌خواهیم این رژیم دیگر نباشد و از شما سؤال می‌کنیم آیا شما هم با ما هم‌نظر هستید که در نهایت تغییر رژیم راه حل است؟ یا هنوز فکر می‌کنید می‌توان با آنها کنار آمد، آنها را مهار کرد، راضی‌شان کرد، با دادن امتیاز و باج گرفتن از آنها رفتارشان را تغییر داد؟ سیاست مماشات و باج دادن اما عملاً رفتار آنان را تغییر نداده و آن‌ها به سیاست‌های خود ادامه داده‌اند.

برخی پرسش‌های دیگر نیز در ارتباط با چشم‌اندازهای آینده مطرح شد. از جمله ولی لیمن درباره‌ی نقش فقر اقتصادی، خواست دموکراسی، و تنش‌های قومی در شکل‌گیری اعتراضات سراسری پرسید. شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به رنج اقتصادی همه مردم در سراسر ایران و شکنندگی رژیم بر بر اهمیت تنوع قومی و مذهبی در هویت ملی ایرانیان و ضرورت برابری همه آنان در برابر قانون و همچنین نقش «پروژه شکوفایی ایران» در حل مسائل اقتصادی و اجتماعی پس از تغییر رژیم تأکید کرد.

لزلی وارنر درباره‌ی حفظ انسجام میان گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی پس از فروپاشی رژیم پرسشی مطرح کرد که شاهزاده توضیحاتی در ارتباط با برنامه صد روز نخست پس از تغییر رژیم از جمله ترکیب حکومت موقت و فرآیند تدوین قانون اساسی ارائه داد. او همچنین بر شفافیت و مشارکت فراگیر در روند گذار و اهمیت نقش احزاب سیاسی در تشکیل دولت آینده و نیاز به پلتفرم مشترک برای تمامی گروه‌ها تأکید نمود.

جاش موگول درباره‌ی مرگ خامنه‌ای و احتمال یک دولت انتقالی و حمایت جهان از آن پرسید که شاهزاده پاسخ داد کارزار و تلاش‌های وی وابسته به وضعیت جمهوری اسلامی و خامنه‌ای نیست بلکه بر نیاز به تغییر رژیم استوار است. او بر اهمیت نافرمانی مدنی و مقاومت بدون خشونت برای تغییر رژیم از جمله نقش اعتصابات سراسری کارگران و کارمندان در فلج کردن رژیم از درون تأکید کرد.

در یک پرسش مربوط به منطقه، کوین شیهان درباره‌ی مسائل امنیتی پس از سقوط رژیم سؤال کرد. شاهزاده به امکان حمایت شورای همکاری خلیج فارس (GCC) و دیگر همسایگان ایران برای این تغییر اشاره کرد و گفت که در همه این موارد نقش نیروهای داخلی ایران در فرآیند گذار و همبستگی بین‌المللی تعیین‌کننده است و مسائل امنیتی و ثبات پس از تغییر رژیم در «پروژه شکوفایی ایران» مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از پرسش‌کنندگان در این نشست، شیرین هانت بود که مانند باربارا اسلاوین در طول سال‌های گذشته حامی خط مماشات و سیاست «تغییر رفتار رژیم» بوده است. وی چشم‌انداز شاهزاده رضا پهلوی را در ارتباط با دموکراسی در ایران پس از جمهوری اسلامی «خوشبینانه» دانسته و با وجود کمبود وقت و چندبار تذکر مجری برنامه، پس از طرح نظر خود، درباره این خوشبینی سؤال کرد. شاهزاده رضا پهلوی تأکید نمود که جنبش مردمی کنونی در ایران بسیار متحدتر و آگاه‌تر از سال ۱۳۵۷ است و آزادی و دموکراسی خواست مردم ایران است. وی بار دیگر سیاست مماشات با جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار داد و تأکید کرد که سیاست بین‌المللی باید یک استراتژی تازه برای حمایت از مردم ایران در پیش بگیرد.

نشان می‌دهد جامعه چطور به من پاسخ می‌دهد. این یک ارتباط واقعی و قابل اندازه‌گیری است.»

نگاهی به پرسش و پاسخ

در بخش پرسش و پاسخ، سوال باربارا اسلاوین از مرکز «استیمسون» و پاسخ شاهزاده رضا پهلوی با واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد به ویژه آنکه اسلاوین سابقه حمایت از اصلاح‌طلبان و ارتباط با لابی رژیم و پیشبرد خط تبلیغاتی جمهوری اسلامی را دارد.

اسلاوین در ابتدا گفت: «دو سؤال دارم. شما از تحریم‌ها حمایت زیادی نشان داده‌اید، با این حال ما می‌بینیم ایران تا حدود سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۰ دارای طبقه متوسط قابل‌توجهی بود، از زمان اعمال به اصطلاح فشار حداکثری اقتصاد فرو پاشیده است. این یعنی مردم فقیرتر شده‌اند و برای آمدن به خیابان‌ها فشار بیشتری دارند. چه چیز باعث می‌شود شما فکر کنید فشار حداکثری بیشتر به نتایج مطلوب خواهد انجامید؟ و سؤال دومی که باید بپرسم درباره نسبت شما با اسرائیل است و اینکه آیا فکر می‌کنید این درست بوده است یا نه؟»

رضا پهلوی به او پاسخ داد: «خب، اولاً مردم ایران غرب را به خاطر فقرشان سرزنش نمی‌کنند؛ آنها رژیم و کارهایی را که آن رژیم انجام داده تا مردم را به این وضعیت برساند مقصر می‌دانند. تنها ماله‌کشان جانب رژیم را می‌گیرند و می‌گویند «تحریم‌ها کشور را فقیر می‌کند و این باعث رنج مردم می‌شود». ببینید، ما به عنوان ایرانی در جنگ با این رژیم هستیم و حاضریم برای نجات خود کمر بندها را سفت بندیم. مشکل ما تحریم‌ها نیست؛ مشکل ما این است که هر بار فرصتی پیش آمده، مردم را قربانی کرده‌اند. آنها در زمان جنبش سبز زیر چرخ‌های سیاست‌های بین‌المللی مانده‌اند؛ در دوره اوپاما، در دوره بایدن- بعد از جنبش‌های عظیم، آیا دوباره از روی آنها خواهند گذشت؟ تا وقتی این رژیم سر کار باشد، وضعیت اقتصادی همچنان وخیم خواهد ماند؛ اما وقتی این رژیم برچیده شود، آنگاه فرصت بیرون آمدن از این فلاکت فراهم می‌شود.»

او در ادامه گفت: «آنچه آزادیخواهی و رهایی ما را به تأخیر انداخته، سیاست‌های غلط دولت‌های شماس، زیرا مقصر اصلی خامنه‌ای و رژیم اوست و شما کاری جدی برای کمک به ما در رهایی از آنها نکرده‌اید، نه از سر دلسوزی برای ما، بلکه از روی محاسبه برای منافع خودتان! آیا دستاوردی حاصل شده که از منظر مثلاً «رئال پولیتیک» قابل‌توجه باشد؟ یا این فقط یک دیپلماسی است که صرفاً زمان می‌خرد و کسی پاسخگو نیست؟ نتیجه اینکه هر روز ایرانیان بیشتری کشته می‌شوند. تنها در همین ماه گذشته بیش از صد اعدام داشتیم؛ در امسال [که هنوز تمام نشده] بیش از هزار اعدام صورت گرفته. این یک مسئله جاری و حیاتی است، فراتر از اینکه مردم بتوانند غذا تهیه کنند. فرزندان مردم هر روز کشته می‌شوند. این باید تغییر کند.»

شاهزاده رضا پهلوی افزود: «من چه می‌خواهم از جهان؟ همبستگی! همان همبستگی‌ای که مخالفان شوروی از جهان آزاد غرب انتظار داشتند، همان همبستگی‌ای که مردم آفریقای جنوبی برای پایان آپارتاید خواستند، همان همبستگی‌ای که به لخ والسا و دوستانش کمک کرد تا [در لهستان] بر ظلم غلبه کنند؛ ما آن همبستگی را برای ایرانیان می‌خواهیم. اما در مورد ایران همیشه رویکرد مماشات و مذاکرات مداوم را دیده‌ایم؛ رژیم صرفاً زمان می‌خرد و هیچ دستاوردی حاصل نمی‌شود. تا وقتی این طرز فکر بازنگری نشود، مردم ایران همچنان گرسنه خواهند ماند، نه به خاطر تحریم‌ها، بلکه به خاطر اینکه رژیم می‌تواند با درآمدهایش

→ غرب را برای فقرشان مقصر نمی‌دانند. آنها رژیم و همه کارهایی را که باعث شده به این مرحله برسند، مقصر می‌دانند.» رضا پهلوی توضیح داد: «مسئله ما پذیرش تحریم‌ها نیست؛ مسئله ما این است که هر بار وقتی فرصتی پیش آمده، ما را نادیده گرفته‌اند. در دولت اوپاما زمان جنبش سبز نادیده گرفته شدیم، در دولت بایدن زمان جنبش مهسا ما را نادیده گرفتند. آیا باز هم قرار است ما را نادیده بگیرند؟ چون تا زمانی که این رژیم هست، همین وضعیت اقتصادی ادامه خواهد داشت.»

وضعیت برای حکومت قابل دوام نیست

شاهزاده رضا پهلوی خواستار حمایت دولت‌های غربی از اعتراضات مردم ایران شد و گفت: «چیزی که آزاد شدن ما را از این فلاکت به تأخیر انداخته، سیاست اشتباه دولت‌های شماس» وی در بخش دیگری از سخنان خود به وضعیت بحرانی اقتصادی ایران و تأثیر تحریم‌های بین‌المللی از جمله «مکانیسم ماشه» اشاره کرد و اظهار داشت: «با توجه به کاهش درآمدهای رژیم و فشارهای فزاینده، من نمی‌بینم که این وضعیت برای حکومت قابل دوام باشد. اگرچه تا کنون برخی عوامل باعث شده‌اند رژیم دوام بیاورد، اما در نهایت سقوط خواهد کرد. مسئله این نیست که آیا این اتفاق می‌افتد یا نه، بلکه بر سر این است که چه زمانی روی خواهد داد.»

او همچنین با مقایسه وضعیت کنونی ایران با روزهای پایانی اتحاد جماهیر شوروی گفت: «همانطور که دیوار برلین روزی فرو ریخت، رژیم ایران نیز روزی سقوط خواهد کرد، اما سوال مهم این است که آیا برای دوران پس از آن آماده‌ایم یا نه؟»

تأکید بر ثبات ایران پس از گذار

شاهزاده رضا پهلوی به نگرانی‌ها درباره بی‌ثباتی پس از فروپاشی احتمالی رژیم نیز اشاره کرد و گفت: «ایران نه عراق است، نه افغانستان. جامعه مدنی ایران، با وجود سرکوب، زنده و پویاست و ظرفیت اداره کشور را دارد» و هدف از تغییر رژیم، صرفاً تغییر رفتار نیست، بلکه «آزاد ساختن ملتی» است که خواهان ارتباط با جهان آزاد است. او با انتقاد از نقش جمهوری اسلامی در بی‌ثباتی منطقه گفت که در صورت روی کار آمدن یک حکومت جدید، ایران می‌تواند بجای تهدید، به «عنصری سازنده» در ثبات خاورمیانه تبدیل شود.

شاهزاده در ادامه به «پیمان ابراهیم» بین کشورهای عربی و اسرائیل اشاره کرد و گفت: «اگر آن توافق‌نامه‌ها را به پیمان کوروش ارتقاء دهیم، یک ایران متفاوت می‌تواند نقطه اتصال صلح در منطقه باشد.»

شاهزاده رضا پهلوی هشدار داد که جمهوری اسلامی تنها در تلاش برای خرید زمان است و جامعه بین‌الملل باید از تکرار سیاست مماشات با جمهوری اسلامی پرهیز کند.

وبسایت «ایران را پس می‌گیریم»

بخشی از صحبت‌های شاهزاده رضا پهلوی در این نشست تشریح عملکرد وبسایت «ایران را پس می‌گیریم» بود. او با بیان اینکه بازدید گسترده از این پلتفرم دیجیتال نشانه‌ای از «همبستگی فزاینده مخالفان رژیم جمهوری اسلامی» است افزود: «اگر این نشانه‌ای از اتحاد و همبستگی نباشد، نمی‌دانم چه چیز دیگری را می‌توانم به عنوان مدرک ارائه دهم.»

به گفته او، «رومایی از این پلتفرم با جشن باستانی مهرگان همزمان بود و برای نخستین بار در چهار دهه اخیر، این جشن در داخل کشور بطور گسترده برگزار شده که

بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس: جمهوری اسلامی توسعه موشک‌های بالستیک را متوقف کند



نشست مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس

امنیت مسیرهای دریایی و مقابله با سیاست بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی ایران» شد.

یوهان وادفول افزود: «شبه‌نظامیان حوثی یمن به عنوان یک سازمان تروریستی، نه تنها اسرائیل، بلکه آزادی تردد محموله‌های کالا در دریای سرخ را نیز تهدید می‌کنند.»

او تأکید کرد: «شبه‌نظامیان حوثی یمن به عنوان یک سازمان تروریستی، نه تنها اسرائیل، بلکه آزادی تردد محموله‌های کالا در دریای سرخ را نیز تهدید می‌کنند.» به گفته وادفول کشورهای خلیج فارس همانگونه در معرض آسیب هستند که اروپا در معرض تهدید قرار داد، او بر همین اساس تأکید کرد، باید هدف «کوتاه کردن دست حوثی‌ها» باشد.

وادفول همچنین گفت: «این مشکلات ریشه در [رژیم] ایران دارد، زیرا جمهوری اسلامی از شبه‌نظامیان برای بی‌ثبات کردن منطقه استفاده می‌کند.» او افزود برای مقابله با این تهدید نوعی همسویی منافع با بسیاری از کشورهای منطقه وجود دارد.

واکنش جمهوری اسلامی

اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و دولت‌های عربی خلیج فارس را «مداخله‌جویانه و بی‌اساس» دانست و با انتقاد از تکرار ادعای امارات متحده عربی راجع به مالکیت جزایر ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، درخواست آنها برای توقف ساخت موشک‌های بالستیک را «دخالت ناروا» در موضوعات دفاعی ایران دانست.

برخی منابع غیررسمی گزارش دادند در حاشیه این نشست گفتگوهایی برای تشکیل ائتلاف دریایی با هدف مقابله با دور زدن تحریم‌ها توسط جمهوری اسلامی مطرح شده است.

و اتحادیه اروپا تأکید کردند که درباره جمهوری اسلامی ایران، در زمینه مواردی مانند اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای و توقف توسعه موشک‌های بالستیک اشتراک نظر دارند.

آنها همچنین درخواست کردند که جمهوری اسلامی باید در مسیر تنش‌زدایی در منطقه حرکت کند.

این بیانیه همچنین بر لزوم از سر گرفتن همکاری‌های جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کرده و از رژیم ایران خواسته است تا به تعهدات خود طبق قوانین بازگردد و اعتمادسازی کند. در بخشی از این بیانیه به «بازگشت تحریم‌ها و اعمال تحریم‌های بین‌المللی» علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره شده و آمده که مذاکرات فشرده در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل نتوانست شرایط را برای تمدید مهلت مکانیسم ماشه فراهم کند.

این بیانیه می‌افزاید که بازگشت تحریم‌ها به معنی پایان دیپلماسی نیست و فقط راه حل دیپلماتیک می‌تواند چاره مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی باشد. این بیانیه همچنین از نقش مثبت عمان در تسهیل گفتگو بین جمهوری اسلامی و طرفین درگیر در این مسئله تشکر کرده است.

در بیانیه مشترک شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا همچنین بر اهمیت پیروی از قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل، شامل احترام به تمامیت ارضی و مداخله نکردن در امور داخلی دیگر کشورها و استفاده از زور و تهدید تأکید شده است.

در این بیانیه ادعاهایی تکراری و خطرناک نیز درباره حق مالکیت جزایر سه‌گانه ایران مطرح شده است.

وادفول: ریشه بی‌ثباتی در منطقه رژیم ایران است

وزیر خارجه آلمان در این نشست خواستار تعمیق همکاری با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای «تأمین

● اتحادیه اروپا و «شورای همکاری خلیج فارس» دوشنبه ششم اکتبر (۱۴ مهرماه) در پایان بیست و نهمین نشست مشترک که در کویت برگزار شد، طی بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواستند توسعه موشک‌های بالستیک، پهپادها و دیگر تکنولوژی‌هایی که امنیت منطقه و فراتر از آن را تهدید می‌کند، متوقف کند و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری نماید.

● وزیر خارجه آلمان در این نشست خواستار تعمیق همکاری با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای «تأمین امنیت مسیرهای دریایی و مقابله با سیاست بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی ایران» شد.

● یوهان وادفول در حاشیه این نشست گفت: «ریشه ناامنی در منطقه [رژیم] ایران است زیرا از شبه‌نظامیان برای بی‌ثبات کردن منطقه استفاده می‌کند.»

● اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و دولت‌های عربی خلیج فارس را «مداخله‌جویانه و بی‌اساس» دانست و با انتقاد از تکرار ادعای امارات متحده عربی راجع به مالکیت جزایر ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، درخواست آنها برای توقف ساخت موشک‌های بالستیک را «دخالت ناروا» در موضوعات دفاعی ایران دانست.

اتحادیه اروپا و «شورای همکاری خلیج فارس» دوشنبه ششم اکتبر (۱۴ مهرماه) در پایان بیست و نهمین نشست مشترک که در کویت برگزار شد، طی بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواستند توسعه موشک‌های بالستیک، پهپادها و دیگر تکنولوژی‌هایی که امنیت منطقه و فراتر از آن را تهدید می‌کند، متوقف کند و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری نماید.

وزیر شورای همکاری خلیج فارس متشکل از عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان و قطر

والاستریت ژورنال: چین از طریق یک کانال مالی مخفیانه پول نفت جمهوری اسلامی را پرداخت می‌کند



کشتیرانی و شرکت‌های نفتی جمهوری اسلامی در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارند

در بخش دیگری از گزارش این روزنامه آمده، چین در طرح‌های ساخت فرودگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و پروژه‌های حمل و نقل ایران مشارکت دارد. در ۱۶ مورد از ۵۴ قراردادی که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ بین دو کشور امضا شده بود، «سینوسور» نقش مستقیم داشته است. با این حال، این گزارش تأکید دارد که هیچ سندی در دست نیست که «سینوسور» را به توافق پنهان «نفت در برابر ساخت‌وساز» بین چین و ایران مرتبط کند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا از اظهار نظر در مورد شرح فعالیت‌های «سینوسور» و «چوکسین» خودداری کرد اما معاون این وزارتخانه ماه گذشته با اعلام تحریم افراد و نهادهایی در امارات و هنگ‌کنگ گفته بود «نهادهای ایرانی برای فرار از تحریم‌ها و نقل و انتقال پول به شبکه‌های بانکی سایه متکی هستند».

وزارت خارجه چین نیز در مورد جزئیات گزارش وال الاستریت ژورنال اظهار بی‌اطلاعی کرده، شرکت‌های «سینوسور» و «چوکسین» و همچنین هیئت نمایندگی رژیم ایران در سازمان ملل به درخواست برای اظهار نظر در خصوص این گزارش واکنش نشان نداده‌اند.

محسن پاک‌نژاد وزیر نفت جمهوری اسلامی که خود تحریم شده است، مدعی شد که بازگشت تحریم‌های جهانی علیه جمهوری اسلامی، «تحریم تازه‌ای به همراه ندارد» و صادرات نفت ایران «در بالاترین سطوح» ادامه دارد.

مقامات دیگری در جمهوری اسلامی نیز در دوره اخیر گفتند که تهران در دور زدن تحریم‌های آمریکایی و جهانی تجربه اندوخته و باز قادر به صادرات نفت خواهد بود. مسعود پزشکیان پرسیده بود چطور می‌توانند ایران را که ۱۵ کشور همسایه دارد، تحریم کنند؟! نفت پس از یک قرن هنوز تأمین‌کننده اصلی منابع

بوده‌ای ایران برای زندگی بیش از ۸۲ میلیون شهروند است.

در دولت اول دونالد ترامپ و در شرایطی که او تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی را از همان زمان به اجرا گذاشت، تا کنون خریدار اصلی نفت ایران بوده است. در بخش دیگری از گزارش وال‌الاستریت ژورنال آمده، بعد از تحریم‌های متعددی که دولت دوم دونالد ترامپ علیه افراد و برخی نهادهای نسبتاً کوچک و میانی چینی اعمال کرد، صادرات نفت ایران به این کشور کاملاً ادامه یافته و تقریباً «در همان حد پیشین» باقی مانده است.

چین و روسیه هفته گذشته در یک اقدام مشترک در شورای امنیت تلاش کردند مانع از بازگشت تحریم‌های این نهاد علیه جمهوری اسلامی شوند اما کوشش آنها ناکام ماند. مقامات گمرک چین از سال ۲۰۲۳ به بعد، هیچ موردی از خرید نفت خام از ایران را گزارش نکرده‌اند.

در ادامه این گزارش آمده شرکت بیمه دولتی بزرگ چین به نام «سینوسور» و یک ساز و کار مالی چینی با عنوان «چوکسین» این شبکه را هدایت می‌کنند.

مقامات رسمی که مورد استناد این گزارش بوده‌اند، گفته‌اند استنباط آنها در این مورد، بر اساس اطلاعات برگرفته از اسناد مالی، ارزیابی‌های اطلاعاتی و کانال‌های دیپلماتیک است.

این گزارش مدعی است یک شرکت زیر کنترل ایران فروش نفت به یک خریدار چینی وابسته به شرکت دولتی «ژوهای ژن‌رونگ» را ثبت می‌کند و خریدار یادشده به نوبه خود، ماهانه صدها میلیون دلار به «چوکسین» واریز می‌کند. «ژوهای ژن‌رونگ» در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارد.

این گزارش حاکی است که «چوکسین» مبالغ دریافتی را به پیمانکاران چینی که در کارهای مهندسی در ایران بر روی طرح‌های تأمین مالی شده از سوی «سینوسور» مشارکت دارند، منتقل می‌کند. این گزارش «سینوسور» را به عنوان عاملی که این مهره‌ها را مانند چسب به یکدیگر ربط می‌دهد، توصیف کرده است.

● روزنامه «وال‌الاستریت ژورنال» می‌گوید چین از طریق یک کانال مالی پنهان که تحریم‌های آمریکا را دور می‌زند، پول نفت دریافتی جمهوری اسلامی را پرداخت کرده است. در این گزارش که دوشنبه ششم اکتبر (۱۴ مهرماه) منتشر شد پرداخت محرمانه پول نفت به رژیم ایران از طریق یک شرکت بیمه دولتی چین و یک نهاد مالی این کشور فراهم شده است.

● این سیستم تجاری به صورت تهاجر کار می‌کند، یعنی در ازای واردات نفت از ایران، شرکت‌های چینی با حمایت جمهوری اسلامی، در طرح‌های زیرساختی آن مشارکت می‌کنند.

● این گزارش مدعی است یک شرکت زیر کنترل ایران فروش نفت به یک خریدار چینی وابسته به شرکت دولتی «ژوهای ژن‌رونگ» را ثبت می‌کند و خریدار یادشده به نوبه خود، ماهانه صدها میلیون دلار به «چوکسین» واریز می‌کند. «ژوهای ژن‌رونگ» در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارد.

● این گزارش حاکی است که «چوکسین» مبالغ دریافتی را به پیمانکاران چینی که در کارهای مهندسی در ایران بر روی طرح‌های تأمین مالی شده از سوی «سینوسور» مشارکت دارند، منتقل می‌کند. این گزارش «سینوسور» را به عنوان عاملی که این مهره‌ها را مانند چسب به یکدیگر ربط می‌دهد، توصیف کرده است.

روزنامه «وال‌الاستریت ژورنال» می‌گوید چین از طریق یک کانال مالی پنهان که تحریم‌های آمریکا را دور می‌زند، پول نفت دریافتی جمهوری اسلامی را پرداخت کرده است. در این گزارش که دوشنبه ششم اکتبر (۱۴ مهرماه) منتشر شد پرداخت محرمانه پول نفت به رژیم ایران از طریق یک شرکت بیمه دولتی چین و یک نهاد مالی این کشور فراهم شده است.

این سیستم تجاری به صورت تهاجر کار می‌کند، یعنی در ازای واردات نفت از ایران، شرکت‌های چینی با حمایت جمهوری اسلامی، در طرح‌های زیرساختی آن مشارکت می‌کنند.

این شبکه پرداخت محرمانه توسط یک شرکت بیمه دولتی چین که خود را بزرگترین آژانس صادراتی جهان می‌نامد، تکمیل می‌شود. چند نهاد دیگر چینی نیز در این شبکه به صورت مخفیانه فعال هستند.

مراودات پنهان میان جمهوری اسلامی ایران و چین شرایط دور زدن سیستم بانکی بین‌المللی را فراهم می‌کند.

چند مقام رسمی آمریکایی به «وال‌الاستریت ژورنال» گفته‌اند جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۴ از طریق این سیستم محرمانه، تا هشت میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار نفت به چین صادر کرد و با مشارکت چین در پروژه‌های بزرگ زیرساختی در ایران، تأمین مالی مورد نیاز خود را امکان‌پذیر کرده است.

برآوردهای اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده نشان می‌دهد، جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۴ در مجموع ۴۳ میلیارد دلار نفت خام صادر کرد. منابع غربی ارزیابی کرده‌اند که حدود ۹۰ درصد از این صادرات به چین بود. چین از زمان خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷

گزارش ویژه؛ «جنگ مجدد» یا «فروپاشی» اقتصادی؛ دو پیش‌بینی عمده استادان دانشگاه و تحلیلگران داخل ایران از وضعیت جمهوری اسلامی



تظاهرات در تهران / خیزش ملی ۱۴۰۱

برخی نویسندگان و صاحب‌نظرانی که گزینه نظامی را برای مجازات جمهوری اسلامی محتمل می‌دانند بر این باورند احتمالاً فشارهای آمریکا به طالبان برای در اختیار گرفتن پایگاه بگرام نتیجه خواهد داد. آنها می‌گویند «حضور نظامی آمریکا در افغانستان به معنای حضور مستقیم اطلاعاتی و پهبادی در مرزهای شرقی، افزایش تهدیدات امنیتی و احتمال فعال‌سازی گروه‌های افراطی است.»

وبسایت Armyrecognition در این زمینه می‌نویسد، اعزام گسترده فراآتلانتیک به ویژه به سوی پایگاه العدید، مقر سنتکام، نشان‌دهنده چیزی فراتر از مانورهای صرفاً لجستیک و تدارکاتی است. تانکرهای سوخت‌رسان هوایی نقش حیاتی در پشتیبانی از عملیات حمله دوربرد دارند، به ویژه آنهایی که شامل جنگنده‌های رادارگریز اف ۲۲- رپتور یا بی-۲ روح B-2 می‌شوند. پایگاه خبری «مشرق» می‌نویسد: «بگرام در موقعیت کلیدی آسیای مرکزی و مسیرهای ترانزیتی قرار دارد و می‌تواند بر کریدورهای ایران- روسیه- هند و چین- ایران فشار وارد کند و حلقه پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس و آسیای میانه را تکمیل سازد.»

عزیز نصیرزاده وزیر دفاع جمهوری اسلامی که از قرار معلوم این هشدارها را «جنگ روانی» می‌داند، ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴ در یک برنامه تلویزیونی گفت: «مرتب می‌گویند حمله خواهد شد تا جامعه دچار معضل شود، تورم افزایش یابد و ثبات اقتصادی از بین برود اما مردم حواسشان به این جنگ شناختی باشد.» او تأکید کرد: «اگر جنگی تحمیل شود، وظیفه ما نظامی‌هاست دفاع کنیم و برایش آمادگی کامل داریم.»

اسماعیل خطب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی نیز انتشار اخبار و گزارش‌ها در مورد انتقال گسترده تجهیزات نظامی به منطقه را «تولید و نشر اخبار جعلی و ایجاد یک فضای روانی» می‌داند و می‌گوید: «در راستای ایجاد ناامنی روانی در جامعه است.» او مدعی شده «علائم جدی

موسی غنی‌نژاد اقتصاددان می‌گوید: «اقتصاد ایران در آستانه از فروپاشی است.» مهدی مظهرنیا تحلیلگرسیاسی و استاد پیشین دانشگاه در تحلیل وضعیت آینده ایران می‌گوید در یک «جنگ مینیاتوری» بعد از ترور فرماندهان و مقامات عالی، مرحله فلج اقتصادی، فروپاشی و سپس تشکیل دولت گذار در پیش است.

از قرار معلوم این صداهای هشداردهنده به گوش علی خامنه‌ای رهبر نظام هم رسیده است. وی دوم شهریورماه در یک سخنرانی بدون اشاره به نام شاهزاده رضا پهلوی گفت، در جریان جنگ ۱۲ روزه «یک عده از عوامل آمریکا در یک پایتخت اروپایی نشستند درباره حکومت بعد از این نظام تصمیم گرفتند و پادشاه هم انتخاب کردند.»

اساس تحلیل‌هایی که نسبت به ضربه خوردن نظام و فروپاشی آن هشدار می‌دهند بر واقعیت‌های میدانی از جمله تحرکات نظامی اسرائیل و آمریکا استوار است.

تصمیم آمریکا برای انتقال چندین فروند هواپیمای غول‌پیکر سوخت‌رسان به منطقه و استقرار آنها در پایگاه العدید قطر، ورود ناوگروه هواپیمابر جرال آر. فورده به مدیترانه، پرواز دائمی هواپیماها و پهبادهای شناسایی آمریکا و اسرائیل بر فراز آب‌های خلیج فارس و دریای عمان و همچنین انتقال تجهیزات و محموله‌های نظامی به اسرائیل نشانه‌های وقوع احتمالی یک نبرد سنگین در خاورمیانه است.

گزینه نظامی

شماری از تحلیلگران بر این باورند که حتی اصرار دونالد ترامپ برای بازگشت مجدد نیروهای آمریکایی به پایگاه هوایی بگرام در افغانستان بی‌ارتباط با ایران نیست. همچنین طرح صلح غزه را نیز که مورد پشتیبانی جهانی و منطقه‌ای و خود فلسطینی‌ها قرار گرفته، مرحله‌ای از تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند.

● در صحنه سیاسی ایران در داخل کشور دو دیدگاه عمده مطرح است: برخی از این تحلیلگران درباره پیامدهای جنگ و خطر سرنگونی نظام و برخی در مورد «فلج اقتصادی» و «فروپاشی» رژیم هشدار می‌دهند. صدای همگی آنها با اجرای تحریم‌های بین‌المللی ناشی از «مکانیسم ماشه» رساتر و توجهات به این قبیل دیدگاه‌ها بیشتر از گذشته شده است.

● شماری از تحلیلگران عمدتاً مخالف رژیم بر این باورند که حتی اصرار دونالد ترامپ برای بازگشت مجدد نیروهای آمریکایی به پایگاه هوایی بگرام در افغانستان بی‌ارتباط با ایران نیست. همچنین طرح صلح غزه را نیز که مورد پشتیبانی جهانی و منطقه‌ای و خود فلسطینی‌ها قرار گرفته، مرحله‌ای از تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند.

● موسی غنی‌نژاد اقتصاددان می‌گوید: «اقتصاد ایران در آستانه از فروپاشی است.» مهدی مظهرنیا تحلیلگرسیاسی و استاد پیشین دانشگاه در تحلیل وضعیت آینده ایران می‌گوید در یک «جنگ مینیاتوری» بعد از ترور فرماندهان و مقامات عالی، مرحله فلج اقتصادی، فروپاشی و سپس تشکیل دولت گذار در پیش است.

● عزیز نصیرزاده وزیر دفاع جمهوری اسلامی ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴ که از قرار معلوم این هشدارها و تحلیل‌ها را «جنگ روانی» می‌داند، در یک برنامه تلویزیونی گفت: «مرتب می‌گویند حمله خواهد شد تا جامعه دچار معضل شود، تورم افزایش یابد و ثبات اقتصادی از بین برود اما مردم حواسشان به این جنگ شناختی باشد.»

● در مقابل اما روزنامه «کیهان» چاپ تهران ۱۲ مهرماه در سرمقاله خود جنگ دوباره میان جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و اسرائیل را «بسیار محتمل» دانسته است.

● روزنامه «وطن امروز» نیز پنجشنبه نهم مهرماه ۱۴۰۴ در گزارشی تحت عنوان «جنگ می‌شود یا نمی‌شود؟» هشدار می‌دهد: «کاملاً پیداست اسرائیل و آمریکا تلاش می‌کنند سایه جنگ را بر سر ایران حفظ کنند تا تبعات سیاسی، امنیتی و اقتصادی این وضعیت بر ایران تحمیل شود.»

● برخلاف تبلیغات رژیم، در جنگ ۱۲ روزه نیز مردم در کنار و یا با نظام نماندند بلکه به توصیه و راهنمایی اسرائیل، پایتخت و مناطق مورد حمله را ترک کردند و رژیم و مقاماتش را با ضربات مرگباری که بر آنها وارد آمد، تنها گذاشتند.

دو نگرانی عمده جمهوری اسلامی «احتمال وقوع جنگ مجدد» و «تظاهرات مردم» در پی افزایش تورم و گرانی شدید موادخوراکی و کالاهای مصرفی است.

مدتها پیش از بازگشت تحریم‌های بین‌المللی که از سوی سازمان ملل وضع شده، تحلیلگران داخل ایران حتی شماری از استادان شاغل در دانشگاه‌های ایران در مصاحبه‌هایی هشدار داده بودند که با فعال شدن و اجرای مکانیسم ماشه وضعیت برای جمهوری اسلامی پیچیده‌تر و اسفبارتر خواهد شد.

در این میان دو دیدگاه عمده مطرح است: برخی از این تحلیلگران درباره پیامدهای جنگ و خطر سرنگونی نظام هشدار می‌دهند و برخی در مورد «فلج اقتصادی» و «فروپاشی» که صدای آنها با اجرای تحریم‌های ناشی از «مکانیسم ماشه» رساتر و توجهات به این قبیل دیدگاه‌ها بیشتر از گذشته شده است.

بازنش

کلاشنیکوف

خبراندیش (احمد احرار)

کیهان لندن شماره ۱۱۶۶ مرداد ۱۳۸۶



ارتش سرخ خدمت می‌کرد. در نبرد معروف تانکها تیر خورد و مجروح شد (سال ۱۹۴۱) و در حالی که بر زمین افتاده بود و با درد دست و پنجه نرم می‌کرد با خود اندیشید علت ناتوانی روسها در برابر آلمانی‌ها، برتری سلاحهای آلمانی نسبت به سلاحهای روسی است. از اینجا به فکر افتاد که اسلحه‌های بسازد سبکتر از مسلسل‌های سنگین و شش سال روی این پروژه کار کرد تا سرانجام در سال ۱۹۴۷ موفق به تکمیل پروژه و تولید سلاح مورد نظر شد.

در طول شصت سال، کلاشنیکوف بیش از هر سلاح دیگری در جنگهای میدانی و چریکی به کار رفته است. پنج سال پیش، میخائیل کلاشنیکوف که آن زمان ۸۲ سال داشت به مناسبتی گفت «ای کاش به جای تفنگ معروف، یک ماشین چمن‌زنی اختراع کرده بودم».

این سخن، ندامت آلفرد نوبل سوئدی مخترع دینامیت را به یاد می‌آورد که وقتی دید اختراع او تبدیل به وسیله کشتار شده است دچار ندامت وجدان شد و ثروت خود را وقف جایزه معروف «نوبل» کرد.

اما تأسف میخائیل کلاشنیکوف دلیل دیگری دارد. او از بابت اختراع تفنگی که ساخته است و هر قبضه‌اش به‌طور متوسط هزار دلار قیمت دارد دیناری عاید نمی‌کند. حال آن که وقتی به آمریکا سفر کرد و به دعوت مخترع آمریکایی تفنگ M۱۶ میهمان وی شد، کله‌اش از دیدن زندگی مجلل او و خانه‌های متعدد مجهز به سونا و استخر که همه را از برکت اختراع خود به دست آورده است، کله‌اش سوت کشید!

مرد موسیپی که در عکس ملاحظه می‌کنید آقای کلاشنیکوف است در مراسم شصتمین سالروز تولد سلاحی به همین نام.

مراسم، روز جمعه ششم ژوئیه ۲۰۰۷ در موزه نیروهای مسلح مسکو برگزار شد. پشت سر میخائیل کلاشنیکوف که نخستین نمونه سلاح ابتکاری خود را در دست دارد پرچم سرخ داس و چکش نشان - علامت رسمی اتحاد جماهیر شوروی - دیده می‌شود. این پرچم، بدین دلیل ارزش تاریخی یافته و در موزه جای گرفته که در ماه مه ۱۹۴۵ پس از سقوط برلن و ورود فاتحان ارتش سرخ به پایتخت آلمان نازی، بر فراز «رایش‌تاک» به اهتزاز درآمد.

مسلسل معروف به کلاشنیکوف را نخستین بار در سال ۱۹۴۹ ارتش سرخ زیر عنوان AK - ۴۷ به مجموعه سلاحهای خود افزود. مزیت این سلاح، که اکنون شهرت جهانی یافته و به اشکال مختلف کپی شده در سبکی و کارآمدی آن است. سلاحی است که به آسانی حمل می‌شود، به سادگی مورد استفاده قرار می‌گیرد، زنگ نمی‌زند و بر اثر ماندن در زیر آب یا زیر توده شن از کار نمی‌افتد.

ولادیمیر پوتین که در مراسم زادروز «کلاشنیکوف» شرکت کرده بود آن را «مظهر نبوغ خلاقیت ملت روس» توصیف کرد و می‌دانیم که این اسلحه، طی نیم قرن گذشته سمبول بسیاری از جنبشهای چریکی و مبارزات ضد استعماری نیز بوده است.

و اما بشنویید از احوالات جناب میخائیل کلاشنیکوف. کلاشنیکوف در جنگ دوم جهانی با درجه ستوانی در

→ برای حمله نظامی وجود ندارد و آرامش کشور در سال جاری پیش‌بینی می‌شود.»

در مقابل اما روزنامه «کیهان» چاپ تهران ۱۲ مهرماه در سرمقاله خود جنگ دوباره میان جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و اسرائیل را «بسیار محتمل» دانسته است.

افزایش ناراضی‌تها و اعتراضات

یک دیدگاه شاخص دیگر بر به راه افتادن موج اعتراضات تأکید می‌کند. برخی مقامات حکومت می‌گویند آمریکا و اسرائیل بیشتر از آنکه در پی جنگ دوباره باشند، با تحریم‌ها به دنبال افزایش ناراضی‌تهای اجتماعی و به راه افتادن «اغتشاش» هستند.

در این میان، راهکارهایی که حکومت برای جلوگیری از اعتراضات دارد در حد توزیع «کالابری» (کوپن)، توزیع بسته‌های معیشتی شامل کمی گوشت، تعدادی تن ماهی و مقداری حبوبات و البته تهدید مداوم به سرکوب و مقابله با ناآرامی و همچنین اجرای احکام اعدام با اتهامات واهی از جمله «جاسوسی» است.

هرچند رسانه‌ها و مقامات چنین تبلیغ می‌کنند که مردم در جنگ ۱۲ روزه کنار نظام ایستادند و در خیابان‌ها اعتراض نکردند اما آنچه برای خود آنها نیز آشکار است، فعلاً تنها عامل بازدارنده برای مقابله با اعتراضات همان تهدید و سرکوب همیشگی است. در همین ارتباط محمدمصدق معتمدیان استاندار تهران می‌گوید: «با وجود تهدیدها، امروز امنیت کاملی در سطح استان برقرار است؛ دشمنان وارد جنگ روانی شدند اما با تلاش و مجاهدت در نیروی انتظامی، سپاه و وزارت اطلاعات وضعیت خوبی در استان برقرار است.»

معتمدیان در واقع تأیید می‌کند در شرایطی که ناراضی‌تها به اوج خود رسیده است، قوای قهریه و سرکوبگر هستند که جلوی اعتراضات مردم را گرفته‌اند. این در حالیست که حکومت با تبلیغات گسترده ادعا می‌کند که مردم در جریان جنگ ۱۲ روزه و پس از آن نشان دادند که حامی نظام و انقلاب هستند!

اما در جنگ ۱۲ روزه نیز مردم در کنار و با یا نظام نماندند بلکه به توصیه و راهنمایی اسرائیل، پایتخت و مناطق مورد حمله را ترک کردند و رژیم و مقاماتش را با ضربات مرگباری که بر آنها وارد آمد، تنها گذاشتند.

روزنامه «وطن امروز» پنجشنبه نهم مهرماه ۱۴۰۴ در گزارشی تحت عنوان «جنگ می‌شود یا نمی‌شود؟» هشدار می‌دهد که «کاملاً پیداست اسرائیل و آمریکا تلاش می‌کنند سایه جنگ را بر سر ایران حفظ کنند تا تبعات سیاسی، امنیتی و اقتصادی این وضعیت بر ایران تحمیل شود.»

در این گزارش از مسئولان نظام خواسته شده به «معیشت مردم» و «حفظ و تقویت قدرت خرید مردم و افشار ضعیف» پرداخته شود و باید امید دشمن به فشارهای اقتصادی و معیشتی تحریم‌ها ناکام بماند. ولی با کدام بودجه و بنیه اقتصادی؟!

پیشتر احمد راستینه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز گفته بود فعال شدن مکانیسم ماشه تلاش آمریکا و کشورهای اروپایی برای بروز ناراضی‌تهای عمومی در داخل کشور است. به این ترتیب، آنچه رژیم از آن هراس دارد، بیش از آنکه حمله نظامی و جنگ مجدد باشد، اعتراضات و به راه افتادن یک خیزش سراسری دیگر است و تمام توان خود را در در حال حاضر برای مقابله با آن به کار گرفته است و نه مقابله با حملاتی که جنگ ۱۲ روزه ثابت کرد رژیم ناتوان‌تر از آن است که بتواند در برابر آن مقاومت کند چه برسد به حالا که بسیاری از فرماندهانش کشته شده و بخش مهمی از توان نظامی و پدافندی آن ناکار شده است!

طرح ضربتی سپهبد جعفریان برای شکستن اعتصاب در صنایع نفت و تاسیسات برق رسانی خوزستان

شاه پس از شنیدن گزارش جعفریان گفت: همه میگویند نمی شود تو میگویی میشود؟
سپهبد مقدم در شورای فرماندهان گفت وضع وخیم است و اقدامات امنیتی باید سریعاً و قاطعانه به اجرا درآید
(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی و بهمن ماه ۱۳۸۱ - شماره های ۹۴۳ - ۹۳۷)



یادداشتها و
خاطرات سپهبد جعفر صناعی
بر ارتش چه گذشت (۳)
از ۱۷ شهریور تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

از ایشان سیاست‌گزاریم که یادداشت‌های خود را در اختیار ما گذاشته‌اند. نکته‌های دقیقی درین یادداشت‌ها وجود دارد که پژوهشگران را در ریشه‌یابی وقایعی که منجر به کنار کشیدن ارتش و امضای بیانیه بیطرفی شد یاری خواهد داد.

خاطرات کسانی که در سالهای ۵۶ و ۵۷ عهده‌دار مشاغل در سازمان سیاسی و اداری یا نظامی آن دوران بوده و نقشی در تصمیم‌گیریها داشته‌اند به تجزیه و تحلیل منطقی قضایا و در نتیجه داوری منصفانه‌تر کمک می‌کند. ازین دست خاطرات، ما پیش ازین در صفحه خاطرات و تاریخ داشته‌ایم و ازین شماره خاطرات و یادداشت‌های سپهبد جعفر صناعی را در معرض مطالعه علاقه‌مندان قرار می‌دهیم.

سپهبد صناعی که اینک ساکن کاناداست در سال ۱۳۵۷ معاونت لجستیکی فرماندهی نیروی زمینی را برعهده داشت و در جلسات شورای فرماندهان شرکت می‌کرد و نام و امضای او نیز ذیل اعلامیه بیطرفی به چشم می‌رسد.

بیست و چهار سال پس از فروپاشی رژیم پادشاهی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی، هنوز این سؤال وجود دارد که آیا این سرنوشت مقدر ایران بود یا در زمستان ۱۳۵۷ تاریخ می توانست به شکل دیگری نوشته شود.

درباره این سؤال، با وجود مطالب بسیاری که اظهار یا افشا شده، هنوز جای بحث باقی است. بی شک، پاسخ قطعی برای چنین سؤالی نمی‌توان یافت. گفته‌اند اگر دماغ کلتوپانرا کمی بزرگتر (یا کوچکتر) بود تاریخ جهان مسیر دیگری می‌پیمود. در هر حادثه تاریخی شماری بیش یا کم از «اگر»ها وجود دارد و به همین دلیل است که قضاوت درباره این وقایع به آسانی مقدور نمی‌شود.

حساس و آن وضع سیاسی مملکت و آن آشفته‌گی در حالی که ساختمان عظیم ارتش بر اثر تندباد حوادث به لرزه افتاده بود. به جای آن که ستونهای اصلی آن را برای مقاومت و پایدگی تقویت کنند. با تعویض و تبدیلیهای نابجا و گماردن پایه‌های ضعیفتر، بر آسیب پذیری آن افزودند.

در یک نگاه

وضع به وجود آمده در یک نگاه گذرا بدین قرار بود:

۱ - شاهنشاه که فرماندهی کل قوا را به موجب قانون بر عهده داشتند ارتش و قوای مسلح را طوری بار آورده بودند. که در جزء و کل امور شخصا دخالت و نظارت کرده و اجازه رشد فکری و ابتکار به هیچ فردی نمی‌دادند به طوری که کلیه فرماندهان و مسئولین ارتش فقط گوش به فرمان همایونی بوده و از درگیری با مسائل بازمانده و رو بهمرفته به افرادی بدون خاصیت تبدیل می‌شدند. با این سابقه در حالی که کشور در مسیر تند باد حوادث قرار داشت. از صدور قرامین قاطع و روشن بازمانده و پیدا بود مقهور حوادث شده اند تا روزی که سرانجام قصد خروج از مملکت را نمودند.

۲- در عالیترین مقام نظامی بعد از خودشان یکی از ضعیفترین امراء ارتش را گذاشتند که مرد آن روز نبود و افراد کارآمد را هم مثل همیشه از خود دور می‌کرد.

۳- نیروی زمینی را که نیروی سرنوشت ساز مملکت بود. بر داشتن فرمانده قوی و لایق و با تجربه و گماردن امیری بی بهره از قدرت فرماندهی و تصمیم گیری در واقع از کار انداخته و بی خاصیت نمودند.

فرمانداری نظامی تهران را که بر دیگر فرمانداران نظامی هم نظارت و فرمانداری داشت، به جای آن که تقویت کنند به معاون آن سپهبد مهدی رحیمی سپردند که روانش شاد. یکپارچه انرژی و وطنپرستی و شاهدوستی بود.

۵- رئیس شهربانی کل کشور از مدتی پیش به علت بیماری در خارج از کشور به سر می‌برد و امور آن هم باز به سپهبد مهدی رحیمی سپرده شد. خدایا پناه بر تو از اینهمه ظلم بر ارتش و مملکت!

بشناسد. اضافه کردم که من در موقعیت ارشد ترین و با سابقه ترین امیر نیروی زمینی در این زمان سپهبد جعفریان را برای این مقام پیشنهاد می‌کنم که بیش از هر کس صلاحیت دارد و خود با این که نسبت به ایشان ارشدیت دارم بخاطر مصالح ارتش و مملکت حاضر صمیمانه زیر دست ایشان همکاری کنم این پیشنهاد را به طور جدی و قاطع به ارتشید قره باغی داده است دعا کردم در موقع شرفیانی مراتب را به عرض برساند. ایشان مانند. اکثر اوقات کاملا سکوت کرده پاسخی نداد.

بعد از ظهر همان روز مطلع شدیم که تیمسار سپهبد بدره ای با حفظ فرماندهی گارد شاهنشاهی برای فرماندهی نیروی زمینی انتخاب شده است نیمبار سهند نجیمی نائینی به ستاد بزرگ ارتشتاران منتقل گردید.

سپهبد بدره ای دارای شخصیت بسیار ممتاز انسانی بود لکن بیشترین مدت از خدمت خود را بخصوص در درجات بالای نظامی در کاره شاهنشاهی گذرانیده و کمترین ارتباط و تجربه ای از نیروی زمینی نداشت. از روزی که سپهبد بدره ای در ستاد نیروی زمینی حاضر شد آنچه را که ما مدتی از زمان را در شناخت می دیدیم مدتی از زمان را نیروی زمینی گذرانده و هر روز به مدت چند ساعت به ستاد بزرگ ارتشتاران می رفت که گفته می شد وقتش در آنجا به مذاکرات جمع جمعی با حضور ژنرال هویز می گذشت ضمنا بعد از ظهرها هم همه روزه می بایستی به امور مربوط به گارد شاهنشاهی بپردازد. هفته ای یک روز صبح سه شنبه کلیه معاونین را برای رسیدگی به این امور مهم در دفتر خود می پذیرفت. در آن ایام از قیافه سپهبد بدره ای و صحبت‌های ایشان کاملا مشهود بود که مثل کلاف سردرگم نمی دانست چه کاری از دستش ساخته است و کار به آن سنگینی در آن زمان را از کجا باید شروع کند.

فرمانداری نظامی تهران هم به عهده سپهبد مهدی رحیمی معاون ارتشید اویسی قرار گرفت ضمن این که ریاست شهربانی کل کشور را هم عهده دار بود. واقعا معلوم نبود که چه دارد می شود و چه باید بشود. ما همگی بکلی گیج و مبهوت مانده و نمی دانستیم چه باید کرد. در آن موقعیت

با خروج ارتشید اویسی از کشور در نیروی زمینی وضعیت عجیبی به وجود آمد. ارتشید اویسی علاوه بر فرماندهی نیروی زمینی فرماندار نظامی تهران هم بود. ضمنا در پست.. فرماندهی نیروی زمینی کلیه فرماندهان نظامی را در شهرستانها زیر نظر داشت لذا با رفتن او امور فرمانداری نظامی در تهران و شهرستانها دچار اختلال گردید.

یک روز قبل از خروج از تشید اویسی از مملکت ارتشید قره باغی به ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران منصوب شده همه می دانستیم که ارتشید قره باغی از لحاظ فرماندهی خصوصیات برتر از اویسی نداشته است و این انتصاب در چنان شرایط و اوضاعی شگفت انگیز بود. ارتشید اویسی سربازی سخت کوش و فرماندهی قاطع بود در حالی که ارتشید قره باغی بسیار تشریفاتی و وقت گذران بود. به هر حال بیش از یک هفته نیروی زمینی فاقد فرمانده بود سپهبد نجیمی نائینی که در پست جانشین فرماندهی نیرو بود. خود می دانست که او را در محل فرماندهی نیرو نمی گذارند و این را از اولین روز انتصابش به آن مقام بر زبان آورده بود. بنابراین همگی منتظر تعیین و معرفی فرمانده جدید برای نیروی زمینی بودیم یکی از آن روزها سپهبد بقراط جعفریان را در دفتر معاونت اطلاعات و عملیات دیدم در آن زمان جعفریان فرماندهی نیروهای مسلح خوزستان را بر عهده داشت و برای اداری گزارش به تهران آمده بود. او داشت با ارتشید قره باغی که در کاخ نیاوران در انتظار شرفیانی بود صحبت می کرد در خواست کردم پس از خاتمه صحبتش اجازه بگیرد که من هم با استفاده از فرصت چند کلمه ای بگویم در آغاز گفتگو با ایشان ضرورت و اهمیت تعیین فرمانده نیروی زمینی را یادآور شدم و پیشنهاد نمودم که در این شرفیابی حتما تکلیف این موضوع را روشن کند همچنین نظر دادم میادا چنین موقعیتی فقط مسأله ارشدیت در نظر گرفته شود بلکه باید. کسی را تعیین نمود که مناسب برای این مقام در وضع موجود باشد. گفتم کنید کسی را در این سمت سعی بگذارید که سابقه خدمت در نیروی زمینی داشته و نیروی زمینی را شناخته باشد. نیروی زمینی هم او را

→ طرح بازداشت اخلاگران

از زمان حکومت ارتشید ازهارای و هنگامی که من در ماموریت کرمانشاه بودم مکرر از رئیس ساواک آن استان می شنیدم که طبق طرحی قرار است. تعداد زیادی افراد خرابکار و سران گروههای مخالف در یک زمان بازداشت شوند. در زمان حکومت آقای بختیار و حضور من در ستاد نیروی زمینی به نیرو ابلاغ گردید که در اجرای طرح یاد شده نیروی زمینی باید این افراد را در پادگانهای خود نگهداری کند. حمل و نقل آنان نیز بر عهده نیروی هوایی و هوانیروز خواهد بود.

من که در محل معاونت لجستیکی نیرو انجام وظیفه می کردم و می بایستی چگونگی اجرای طرح را از نظر ستادی بررسی کنم. رئیس دایره مهندسی تاسیسات را برای شناسایی و تعیین ظرفیت پادگانهای خاش و چابهار که خالی از سکنه و محلی مناسب بودند.

اعزام نمودم پس از مراجعت ایشان و گزارش اجرای ماموریت با نظر هیأت مقدمات کار از نظر پذیرش و نگهداری برآورد گردید.

صورتی که استنفکافی صورت گیرد بعد از آن که چند نفر از بین رفتند بقیه حساب کار خودشان را می کنند و اعتصاب پایان می پذیرد.

سپهبد جعفریان اضافه کرد: اعلیحضرت در موقع شنیدن گزارش انگشتان خود را در جیب جلیقه کرده قدم زنان طول دفترشان را می پیمودند. پس از آن با پاس و نومییدی فرمودند چه می گویی؟! همه می گویند نمی شود. تو می گویی می شود؟ نه نمی شود. در زمان حکومت آقای بختیار و تصدی ارتشید قره باغی به ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران یکی از روزها قبل از آن که اعلیحضرت از مملکت خارج شوند. سپهبد بدره ای فرمانده نیروی زمینی و سپهبد وشمگیر معاون ایشان و من به ستاد بزرگ به منظور ادای توضیحات درباره پذیرش افراد بازداشتی احضار شدیم جلسه به ریاست ارتشید قره باغی با حضور سپهبد مقدم رئیس ساواک و فرماندهان نیروی هوایی و نیروی دریایی و تعدادی از امیران ارشد تشکیل گردید.

رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران اعلام نمود که اعلیحضرت در نظر دارند برای مدتی از کشور خارج شوند و بایستی پس

به مورد اجرا بگذاریم این طرح بایستی شامل سه قسمت مهم باشد.

۱- دستگیری افراد محرک و سرجنابان گروههای خرابکار و دستجات برانداز که کاملا شناخته شده می باشند.

۲- به جریان انداختن نیروی برق و سوخت مملکت طبق طرح سپهبد جعفریان

۳- فعال نمودن دستگاههای تبلیغات مملکت که ظاهرا در اختیار قوای نظامی ولی عملا غیر فعال می باشد و اعلام آنچه می گذرد به مردم ایران

اقدامات ذکر شده باید با نهایت سرعت و شدت عمل و با قاطعیت انجام گیرد. اسم آن را هر چه می خواهید بگذارید (اعاده نظم و امنیت در کنترل گرفتن اوضاع با یک کودتای نظامی با کمک به دولت دکتر شاپور بختیار) پس از آنکه اوضاع به طور کامل تحت کنترل درآمد مراتب به عرض اعلیحضرت خواهد رسید که در صورت تمایل مسافرت نمایند. «در خاتمه نظرات و پیشنهادانم که باشور و هیجان گفته می شد و حضار در جلسه کاملا گوش می دادند اضافه نمودم که

آرزو می کنم آنچه گفتم در تاریخ نظامی ارتش شاهنشاهی



درج گشته باز هم توانایی جمع شدن در اینجا را داشته باشیم» در این موقع ارتشید قره باغی با نهایت خونسردی و بی تفاوت اعلام نمود «احساسات و نظرات تیمار قابل تحسین است» لکن هیچگونه اظهار نظر قطعی درباره هیچ یک از پیشنهادات و نظرات من ننموده و به سکوت برگردار کرد. به خاطر دارم که در آن جلسه سپهبد ناصر مقدم اعلام می کرد که اوضاع مملکت وخیم است و بایستی اقدامات امنیتی سریعا و قاطعا انجام گیرد.

سپهبد خواجه نوری رئیس اداره سوم بنا برخواست رئیس ستاد طرحوضعیتهای زرد و سبز و قرمز را قرائت می نمود که من و ناصر مقدم اعتراض کرده گفتیم زمان را با این حرفها و نوشته ها نگذرانید.

به هر صورت آن جلسه با یک سری حرفهای بی سر و ته وقت تلف کن گذشت و هیچ تصمیمی اتخاذ نشد و هیچ نتیجه ای به دست نیامد. افراد مورد نظر هم دستگیر نشدند.

شماره آینده یک روز مصیبت بار

از خروج اعلیحضرت اقدامات وسیع امنیتی در مملکت به عمل آید. طرحی بدین منظور تهیه شده بود که در آن روز خروج اعلیحضرت به نام روز «ر -» نامیده شده بود و روز شروع عملیات روز «ر-بعلاوه» و اولین کار مورد نظر هم بازداشت افراد مورد نظر بود. من که مسئول برآورد اجرای این ماموریت در نیروی زمینی بودم اظهار نمودم نیروی زمینی آمادگی پذیرش این افراد را به هر تعداد که باشند دارد لکن در این موقعیت حساس و بحرانی مملکت به هیچ وجه مصلحت نیست که اعلیحضرت به مسافرت خارج تشریف ببرند. بدیهی است که پس از خروج ایشان گروههای مخالف که انتظار چنین روزی را میکشند اغتشاشات را توسعه خواهند داد و کنترل اوضاع از دست می رود. بنابراین، من به نام قدیمی ترین امیر نیروی زمینی قاطعا و جدا پیشنهاد میکنم اولا از اعلیحضرت استعفا شود که از مملکت خارج نشده مسافرتشان را به بعد موکول کنند. ثانیا اقدامات امنیتی بلافاصله و بی درنگ آغاز گشته بدین منظور طرح را به جای (+) معکوس عمل کرده و از (-)

در همین حال، سپهبد جعفریان که سابقه فرماندهی بر لشکر ۹ خوزستان و تیپ هوا برد شیراز را داشت پس از تشکیل دولت نظامی با سمت استاندار خوزستان و سرپرست واحدهای نظامی به آن استان اعزام گردید. شنیده میشد که ایشان ماموریت داشته است. درباره شکست اعتصاب کارگران صنعت نفت و نیروی برق در خوزستان بررسی و نتیجه را گزارش نماید.

یکی از روزها که سپهبد جعفریان برای گزارش حضوری به تهران آمده و به حضور اعلیحضرت هم رسیده بود ایشان را در ستاد نیروی زمینی دیدم او گفت به پیشگاه شاهانه عرض کردم در صورتی که اجازه فرمایند با در اختیار داشتن پانصد نفر از درجه داران تیپ هواپرد مسلح به سلاح سبک کارگران و کارمندانی را که در شرکت نفت و تاسیسات برق سراسری در خوزستان مسئول جریان برق و نفت هستند و ادار به انجام وظایف مربوطه کنم به طوری که پشت سر هر کدام یک درجه دار مسلح و اداشته از او خواسته شود کارش را انجام دهد والا هدف گلوله قرار خواهد گرفت. در

واشنگتن پست: اسرائیل حمله مجدد به جمهوری اسلامی را بررسی می‌کند



تهران در جنگ ۱۲ روزه

میان جمهوری اسلامی و اسرائیل انجامید که با میانجیگری دولت ترامپ به آتش‌بس غیررسمی منجر شد؛ آتش‌بسی بدون مکانیسم نظارت و مسیر مشخص دیپلماتیک برای صلح پایدار.

واشنگتن پست در ادامه با استناد به تصاویر ماهواره‌ای می‌نویسد، جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر ساخت و ساز در یکی از سایت‌های هسته‌ای زیرزمینی خود را افزایش داده است. این اقدامات از نظر تحلیلگران می‌تواند نشانه‌ای از تلاش جمهوری اسلامی برای بازسازی تدریجی تاسیسات آسیب‌دیده باشد.

در همین حال، تهران تهدید کرده است در صورت تداوم تحریم‌ها، دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به تاسیسات هسته‌ای محدود خواهد کرد.

برخی نمایندگان مجلس نیز خواستار خروج جمهوری اسلامی از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) شده‌اند؛ گامی که از نگاه بسیاری، نشانه‌ای نگران‌کننده از احتمال نظامی‌شدن برنامه هسته‌ای رژیم ایران است.

یک مقام ارشد عرب، نزدیک به دولت ترامپ، به واشنگتن پست گفت منطقه در شرایطی نیست که بتواند تحمل جنگ دیگری میان ایران و اسرائیل یا بحران‌های مشابه دو سال گذشته را داشته باشد. او هشدار داد: «تنها راه حل ممکن، کاهش تنش از طریق دیپلماسی است.»

این مقام عرب به هم‌تایان آمریکایی خود توصیه کرده از مسیر نظامی فاصله بگیرند.

چهار شرط کلیدی برای مذاکره

با این حال، مقامات کاخ سفید می‌گویند تحریم‌ها برای فراهم کردن زمینه مذاکرات ضروری‌اند. به گفته یکی از مقامات آمریکایی، که نامش فاش نشده، دولت ترامپ چهار شرط کلیدی برای آغاز مذاکرات تعیین کرده است: مذاکرات مستقیم و معنادار، توقف کامل غنی‌سازی، محدودسازی برنامه موشکی و توقف حمایت از نیروهای نیابتی. شروطی که در دور پیشین مذاکرات نیز با مخالفت

در حالی که مقامات آمریکایی این تحریم‌ها را اهرمی برای بازگرداندن جمهوری اسلامی به میز مذاکره توصیف می‌کنند، متحدان آمریکا در منطقه هشدار داده‌اند که ادامه این روند ممکن است به درگیری نظامی مستقیم منجر شود. ولی نصر استاد مطالعات خاورمیانه در دانشگاه «جانز هاپکینز» [مشاور باراک اوباما که موضعی همسو با جمهوری اسلامی دارد] به واشنگتن پست گفت: «این یک قمار خطرناک است.»

او هشدار داد که هر چه تعلل در از سر گرفتن گفتگوها میان تهران و واشنگتن بیشتر شود، احتمال ورود به مرحله نظامی نیز افزایش می‌یابد.

اجرای تحریم‌های مکانیسم ماشه که شامل ممنوعیت غنی‌سازی اورانیوم، محدودیت بر برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران، ممنوعیت فروش تسلیحات و مسدودسازی دارایی‌ها نیز می‌شود، عملاً آخرین نشانه‌های باقیمانده از برجام را از بین برده است. این تحریم‌ها با رأی‌گیری اخیر شورای امنیت و با همراهی اروپا به اجرا گذاشته شده‌اند.

در حالی که مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند تحریم‌ها بی‌اثر است، شواهد میدانی حکایت از افزایش فشار بر اقتصاد ایران دارد. نرخ ارز در بازار آزاد ایران بار دیگر رکورد شکسته و تورم شتاب گرفته است.

نگرانی اسرائیل و تهدید به حملات دوباره

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در سخنرانی اخیر خود در سازمان ملل هشدار داد که اسرائیل اجازه نخواهد داد جمهوری اسلامی برنامه هسته‌ای نظامی خود را بازسازی کند. او گفت: «ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران باید نابود شود.»

مقامات امنیتی اسرائیل نیز به رسانه‌های آن کشور گفته‌اند که بررسی گزینه‌های حمله دوباره به جمهوری اسلامی در دستور کار قرار دارد.

حمله اسرائیل در ۲۳ خرداد به تاسیسات هسته‌ای در ایران، مذاکرات هسته‌ای را متوقف کرد و به جنگی ۱۲ روزه

● روزنامه «واشنگتن پست» پنجشنبه دوم اکتبر (۱۰ مهرماه) در گزارشی نوشت بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل موسوم به مکانیسم ماشه، فضای دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی و آمریکا را مسدود کرده و همزمان نشانه‌هایی از تحرکات نظامی جدید اسرائیل در منطقه به چشم می‌خورد.

● ولی نصر استاد مطالعات خاورمیانه در دانشگاه «جانز هاپکینز» [مشاور باراک اوباما که موضعی همسو با جمهوری اسلامی دارد] به واشنگتن پست گفت: «این یک قمار خطرناک است.» او هشدار داد که هر چه تعلل در از سر گرفتن گفتگوها میان تهران و واشنگتن بیشتر شود، احتمال ورود به مرحله نظامی نیز افزایش می‌یابد.

● در حالی که مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند تحریم‌ها بی‌اثر است، شواهد میدانی حکایت از افزایش فشار بر اقتصاد ایران دارد. نرخ ارز در بازار آزاد ایران بار دیگر رکورد شکسته و تورم شتاب گرفته است.

● مقامات امنیتی اسرائیل نیز به رسانه‌های آن کشور گفته‌اند که بررسی گزینه‌های حمله دوباره به جمهوری اسلامی در دستور کار قرار دارد.

● رسانه‌های داخلی ایران گزارش‌هایی درباره ورود هواپیماهای سوخت‌رسان گول‌پیکر آمریکایی به منطقه منتشر کرده و آن را بخشی از آماده‌سازی برای تهدید نظامی دانسته‌اند.

همزمان با افزایش فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی با بازگشت تحریم‌های شش‌گانه شورای امنیت، احتمال تکرار حملات نظامی مجدد علیه جمهوری اسلامی شدت یافته است.

روزنامه «واشنگتن پست» پنجشنبه دوم اکتبر (۱۰ مهرماه) در گزارشی نوشت بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل موسوم به مکانیسم ماشه، فضای دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی و آمریکا را مسدود کرده و همزمان نشانه‌هایی از تحرکات نظامی جدید اسرائیل در منطقه به چشم می‌خورد.

بنیامین نتانیاهو: موشک‌هایی که رژیم ایران تولید می‌کند، می‌تواند در آینده به آمریکا نیز برسد



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل

قاره‌پیمایا را برای تهدید شهرهای آمریکا توسعه دهد، [رژیم] ایران بود و ما با کمک پرزیدنت ترامپ آن را از بین بردیم.»

او افزود: «جمهوری اسلامی در حال توسعه موشک‌هایی با برد هشت هزار کیلومتر است. اگر سه هزار کیلومتر دیگر هم به این برد اضافه شود، خواهد توانست نیویورک، واشنگتن، بوستون، میامی و حتی عمارت مارآلگویی (محل اقامت شخصی دونالد ترامپ در فلوریدا) را نشانه بگیرد. شما حتما نمی‌خواهید در تیرس افرادی باشید که فریادهای «مرگ بر آمریکا» سر می‌دهند. اسرائیل مانع این کار شد.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این اظهارات نتانیاهو، جنگ ۱۲ روزه را «شکست‌خورده» دانست و در «ایکس» نوشت: «با شکست این اقدامات، اسرائیل اکنون در تلاش است از توان دفاعی ما تهدید خیالی بسازد.» او همچنین مدعی شد: «تا امروز آمریکایی‌ها از جنگ‌های بی‌پایان اسرائیل به ستوه آمده‌اند.»

یکی از شروط غربی‌ها برای مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی توقف توسعه و ساخت موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایا است اما علی‌خامنه‌ای رهبر رژیم ایران گفته آنچه غرب می‌خواهد «خلع سلاح» جمهوری اسلامی است و هیچ آدم عاقلی به آن تن نمی‌دهد.

پیش از این عراقچی در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفته بود «در حال حاضر وضعیت موشکی ما خوب است و توانمندی ایران همچنان حفظ شده و برنامه موشکی خود را ادامه می‌دهیم.»

او همچنین تأکید کرد که «تعداد قابل توجهی موشک برای دفاع از خود در اختیار داریم.»

● در سالگرد عملیات تروریستی «هفت اکتبر»، نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید که جمهوری اسلامی ایران در حال کار روی موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایا با برد هشت هزار کیلومتری است که می‌توانند خاک آمریکا را هدف قرار دهند.

● نتانیاهو می‌گوید: «جمهوری اسلامی در حال توسعه موشک‌هایی با برد هشت هزار کیلومتر است. اگر سه هزار کیلومتر دیگر هم به این برد اضافه شود، خواهد توانست نیویورک، واشنگتن، بوستون، میامی و حتی عمارت مارآلگویی (محل اقامت شخصی دونالد ترامپ در فلوریدا) را نشانه بگیرد.»

● عباس عراقچی ضمن رد این ادعا، نتانیاهو را به بهانه‌جویی برای حمله مجدد به جمهوری اسلامی متهم کرد.

در سالگرد عملیات تروریستی «هفت اکتبر»، نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید که جمهوری اسلامی ایران در حال کار روی موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایا با برد هشت هزار کیلومتری است و در آینده‌ای نزدیک با اضافه کردن سه هزار کیلومتر به برد این موشک‌ها می‌تواند خاک آمریکا را هدف قرار دهد. اما عباس عراقچی ضمن رد این ادعا، نتانیاهو را به بهانه‌جویی برای حمله مجدد به جمهوری اسلامی متهم کرد.

بنیامین نتانیاهو ۱۵ مهرماه ۱۴۰۴ در مصاحبه با «بن شاپیرو» (پادکستر آمریکایی)، هشدار داد موشک‌هایی که رژیم ایران تولید می‌کند، می‌تواند در آینده به آمریکا نیز برسد و اسرائیل با نابود کردن این موشک‌ها در واقع از آمریکا نیز مراقبت می‌کند.

به گفته نتانیاهو، «عاملی که سعی کرد موشک‌های

جمهوری اسلامی مواجه شده بودند و از نگاه کارشناسان احتمال کمی برای پذیرش آنها وجود دارد.

بی‌نتیجه ماندن مذاکرات

در تابستان گذشته، نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا پنج دور مذاکره برگزار کردند اما هیچ‌کدام به نتیجه نرسیدند. یک مقام آمریکایی به واشنگتن‌پست گفت دلیل این ناکامی، نبود اختیار کافی برای تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی بوده است.

پس از حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی در خردادماه، مذاکرات به حالت تعلیق درآمد و پس از آن، فضای بی‌اعتمادی تشدید شد. جمهوری اسلامی ایران نیز در پاسخ به حمله آمریکا، یک پایگاه آمریکایی در قطر را هدف قرار داد. در بخش دیگری از این گزارش آمده، نگرانی‌ها در میان کشورهای عربی خلیج فارس از حملات غیرقابل پیش‌بینی اسرائیل رو به افزایش است. حمله اخیر به مقامات حماس در دوحه، پایتخت قطر، این تصور را در منطقه تقویت کرده که اسرائیل آماده انجام عملیات نظامی حتی در خاک کشورهای ثالث است.

از سوی دیگر، رسانه‌های ایران گزارش‌هایی درباره ورود هواپیماهای سوخت‌رسان غول‌پیکر آمریکایی به منطقه منتشر کرده و آن را بخشی از آماده‌سازی برای تهدید نظامی دانسته‌اند.

چرخه‌ی درگیری‌های مداوم

افشون استوار استاد امنیت ملی در دانشگاه نیروی دریایی آمریکا به واشنگتن‌پست گفته است، احتمال وقوع درگیری تمام‌عیار میان جمهوری اسلامی و اسرائیل پایین است، چرا که اسرائیل بیشتر زیرساخت‌های کلیدی در ایران را منهدم کرده و تهران نیز انگیزه‌ای برای بازسازی آنها ندارد.

به گفته او، رهبران جمهوری اسلامی می‌دانند حمله به تاسیسات جدید به معنای حملات تلافی‌جویانه فوری خواهد بود. با اینهمه افشون استوار هشدار داد که ممکن است دو طرف وارد چرخه‌ای از درگیری‌های کم‌شدت اما مداوم شوند.

او گفت: «هر زمان [جمهوری اسلامی] ایران شروع به ساخت و ساز کند، اسرائیل آن را هدف قرار می‌دهد و برنامه هسته‌ای آن را شش ماه عقب می‌اندازد.»

او از اصطلاح «زدن چمن» استفاده کرد؛ عبارتی که اسرائیل برای توصیف حملات مکرر به غزه به کار می‌برد و منتقدان آن را نشان‌دهنده نبود استراتژی مشخص برای حل ریشه‌ای بحران می‌دانند.

واشنگتن‌پست در پایان می‌نویسد، در جنوب لبنان نیز پس از آتش‌پس با حزب‌الله، حملات اسرائیل همچنان ادامه دارد. در شرایطی که تحریم‌ها بازگشته‌اند، تورم در ایران اوج گرفته، دیپلماسی در بن‌بست است و تهدید حمله مجدد اسرائیل افزایش یافته، آینده تنش‌ها در منطقه بیش از پیش به تصمیم‌گیری‌های روزهای آینده وابسته است. در این میان، رهبران جمهوری اسلامی همچنان تأکید دارند که «تسلیم فشار نخواهند شد.»

مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی در جریان سفر به نیویورک اعلام کرد: «اگر بتوانیم اختلافات را حل کنیم، توان عبور از بحران را داریم؛ اما دیوار بی‌اعتمادی به آمریکا، بسیار بلند است.»

پیشرفت اولیه «طرح صلح» غزه؛ دونالد ترامپ: حماس آماده پذیرش صلح است

این طرح در اداره‌ی آینده غزه نقش خواهد داشت، از این طرح استقبال کرده است. این طرح همچنین مورد استقبال کشورهای عرب و مسلمان‌نشین قرار گرفته است.

شادی در غزه

در این میان، شبکه العربیه ویدیویی منتشر کرده که نشان می‌دهد تعدادی از مردم ساکن غزه پس از ادعای پذیرش توافق توسط حماس به جشن و پایکوبی پرداخته‌اند.

با اینهمه در مورد اینکه آیا حماس طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ را بطور کامل پذیرفته یا نه تردید وجود دارد زیرا گفته می‌شود این گروه همچنان شرط «خلع سلاح» را قبول نکرده و اصرار دارد که در آینده غزه نقش ایفا کند.

در همین ارتباط روزنامه «والاستریت ژورنال» خبر داد که حماس همچنان بر سر مفاد طرح صلح ترامپ دچار اختلاف داخلی است. بر اساس این گزارش، رهبران سیاسی حماس در قطر متمایل به پذیرش طرح هستند اما فرماندهان نظامی در غزه با تحویل سلاح و آزادی گروگان‌ها مخالفت می‌کنند.

واکنش دفتر علی خامنه‌ای

«صدای ایران» نشریه‌ی متعلق به وبسایت دفتر علی خامنه‌ای با اشاره به اینکه «مقاومت تسلیم نخواهد شد» درباره طرح صلح ترامپ برای غزه نوشته است: «طرح صلح ترامپ با ظاهر بازسازی غزه و آزادی اسرا، در واقع هدفش خلع سلاح مقاومت و نجات نتانیاهو از فشار داخلی است؛ چیزی که او در سه سال جنگ نتوانست به دست آورد. طبق طرح، مقاومت کاملاً خلع سلاح می‌شود، اداره غزه به شورایی به ریاست ترامپ واگذار خواهد شد، و حتی تشکیلات خودگردان هم نقشی ندارد. نیروی نظامی بین‌المللی در غزه مستقر می‌شود اما ارتش اسرائیل نیز در مناطق مرزی و عمق باقی خواهد ماند.»

تازه‌ترین تحولات

در تازه‌ترین تحولات ایال زمریر رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل به نیروهای مسلح این کشور دستور داده خود را برای اجرای مرحله اول طرح دونالد ترامپ جهت پایان دادن به جنگ غزه و آزادی گروگان‌ها آماده کنند.

بر اساس بیانیه ارتش اسرائیل، این تصمیم پس از تحولات اخیر و اظهارات گروه حماس و ترامپ درباره آمادگی برای آغاز روند صلح اتخاذ شده است. در این بیانیه آمده است که «به دستور نهاد سیاسی، ارتش اسرائیل موظف به آمادگی برای اجرای مرحله اول این طرح شده است.» جزئیاتی از این مرحله منتشر نشده است.

ارتش اسرائیل همچنین با اشاره به توقف عملیات نظامی در شهر غزه تاکید کرد که ماموریت نیروها از این پس متمرکز بر «دفاع» خواهد بود: «امنیت نیروهای ما اهمیت مطلق دارد و تمام ظرفیت‌های ارتش برای حفاظت از نظامیان مستقر در جنوب بسیج خواهد شد.»

این تصمیم پس از آن اعلام شد که رسانه‌های اسرائیلی از دستور رهبران سیاسی به ارتش برای توقف پیشروی در غزه خبر دادند. گفته می‌شود این دستور در پی تماس‌های شبانه مقامات اسرائیل و آمریکا صادر شده و هدف از آن، فراهم کردن زمینه برای مذاکرات بر سر اجرای طرح ترامپ است.



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

حماس آماده صلح است و از اسرائیل خواست مباران غزه را متوقف کند. این اظهارات پس از آن بیان شد که در پی اولتیماتوم او به حماس، آنها اعلام کردند حاضرند همه گروگان‌های اسرائیلی را آزاد کنند.

ترامپ جمعه ۱۱ مهرماه در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» نوشت: «بر اساس بیانیه‌ای که همین حالا از سوی حماس صادر شد، من باور دارم آنها آماده یک صلح پایدار هستند. اسرائیل باید فوراً مباران غزه را متوقف کند تا بتوانیم گروگان‌ها را به سرعت و با امنیت آزاد کنیم.»

او همچنین در یک پیام ویدیویی از کشورهایی که برای پیشبرد صلح غزه کمک کردند، از جمله قطر، ترکیه، عربستان سعودی، مصر و اردن قدردانی کرد و دستیابی به صلح در خاورمیانه را بسیار نزدیک دانست. ترامپ گفت: «افراد زیادی بسیار سخت جنگیدند. امروز روز بزرگی است. خواهیم دید که در نهایت چگونه پیش می‌رود. ما باید حرف آخر را محکم و مشخص بزنیم.»

ترامپ این توافق صلح را از بسیاری جهات بی‌سابقه خواند و گفت: «همه یک‌صدا بودند و می‌خواستند این جنگ پایان یابد و صلح را در خاورمیانه ببینند و ما بسیار به دستیابی به آن نزدیک هستیم.»

رئیس جمهوری آمریکا تاکید کرد با همه طرفین عادلانه رفتار خواهد شد.

ترامپ روز هفتم مهرماه طرحی ۲۰ ماده‌ای برای پایان دادن به جنگ اسرائیل و حماس و ایجاد یک حکومت پس از جنگ در سرزمین‌های جنگ‌زده فلسطینی ارائه و اعلام کرد با نخست‌وزیر اسرائیل بر سر این طرح به توافق رسیده است.

رئیس جمهور آمریکا در دیدار با بنیامین نتانیاهو گفته بود اسرائیل در صورت عدم پذیرش توافق صلح پیشنهادی از سوی حماس، از «حمایت کامل» ایالات متحده برای برداشتن گام‌هایی برای شکست این گروه برخوردار خواهد بود.

طرح صلح ترامپ از حمایت گسترده بین‌المللی برخوردار است. ژان نوتل بارو وزیر خارجه فرانسه گفته بود حماس در نبرد غزه «شکست خورده» و باید در چارچوب طرحی که از سوی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا ارائه شده است «تسلیم» شود. تشکیلات خودگردان فلسطین نیز که طبق

گفته می‌شود گروه تروریستی حماس طرح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا برای «صلح در غزه» را پذیرفته است. برخی منابع می‌گویند حماس این طرح را بطور «مشروط» پذیرفته و بعضی منابع می‌گویند هنوز داخل این گروه بر سر تسلیم یا مقاومت اختلاف وجود دارد.

اسامه حمدان از مقامات ارشد حماس روز شنبه سوم اکتبر (۱۱ مهرماه) اعلام کرد که این گروه آماده است وارد مذاکرات برای تبادل اسرا شود اما تاکید کرد اجرای این روند نیازمند بیش از ۷۲ ساعت زمان است که تنها از طریق تفاهم امکان‌پذیر است.

ترامپ که روز جمعه به حماس اولتیماتوم داده بود باید تا ساعت شش روز یکشنبه این طرح را بپذیرد، در یک پیام ویدیویی از کشورهایی که برای پیشبرد صلح غزه کمک کردند، از جمله قطر، ترکیه، عربستان سعودی، مصر و اردن قدردانی کرد و دستیابی به صلح در خاورمیانه را بسیار نزدیک دانست.

شبکه العربیه ویدیویی منتشر کرده که نشان می‌دهد تعدادی از مردم ساکن غزه پس از ادعای پذیرش توافق توسط حماس به جشن و پایکوبی پرداختند.

در تازه‌ترین تحولات، ایال زمریر رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل به نیروهای مسلح دستور داده خود را برای اجرای مرحله اول طرح دونالد ترامپ جهت پایان دادن به جنگ غزه و آزادی گروگان‌ها آماده کنند.

گفته می‌شود گروه تروریستی حماس طرح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا برای «صلح در غزه» را پذیرفته است. برخی منابع می‌گویند حماس این طرح را بطور «مشروط» پذیرفته و بعضی منابع می‌گویند هنوز داخل این گروه بر سر تسلیم یا مقاومت اختلاف وجود دارد.

اسامه حمدان از مقام‌های ارشد حماس روز شنبه سوم اکتبر (۱۱ مهرماه) اعلام کرد که این گروه آماده است وارد مذاکرات برای تبادل گروگان‌های اسرائیلی با زندانیانی شود که این گروه در اسرائیل دارد؛ اما تاکید کرد اجرای این روند نیازمند بیش از ۷۲ ساعت زمان است که تنها از طریق تفاهم امکان‌پذیر است.

دونالد ترامپ روز جمعه ۳ اکتبر اولتیماتوم داد که اگر تا روز یکشنبه ساعت شش بعد از ظهر به وقت آمریکا حماس توافق را نپذیرد، جهمی علیه آن بپا خواهد شد که کسی هرگز نظیر آن را ندیده است.

حمدان به شبکه «العربی» گفت حماس با حضور یا مدیریت هرگونه نیروی خارجی در نوار غزه مخالف است و اداره این منطقه باید بر عهده یک نهاد ملی و مستقل فلسطینی باشد.

او همچنین با اشاره به موضوع گروگان‌ها گفت که واقعیت‌های میدانی خاصی وجود دارد که باید در هر توافقی مد نظر قرار گیرد. حمدان در پایان یادآور شد که میان گروه‌های فلسطینی توافقی برای اداره غزه توسط یک نهاد فلسطینی وجود دارد.

ترامپ: حماس آماده صلح است

از سوی دیگر دونالد ترامپ اعلام کرد که باور دارد گروه

توافق اسرائیل و حماس برای «آتش‌بس»؛ ترامپ: باور دارم ایران نیز بخشی از روند صلح خواهد بود



اتاق مذاکرات در مصر



رویو وزیر خارجه آمریکا حین سخنرانی ترامپ به او گزارشی از مذاکرات مصر داد

چیزی که بدون آن ممکن نبود چنین نتیجه‌ای حاصل شود. کشورهای منطقه همه توافق را امضا کردند و پیام تبریک و تعهد خود را برای کمک اعلام کردند.»

او در پایان گفت: «این فقط درباره غزه نیست؛ این درباره صلح در خاورمیانه است و یک اتفاق باورنکردنی است.» بنیامین نتانیاهاو نخست وزیر اسرائیل نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: «با تصویب مرحله نخست طرح، همه گروهان‌های ما به خانه بازخواهند گشت. این موفقیتی دیپلماتیک و پیروزی ملی و اخلاقی برای دولت اسرائیل است.»

حماس نیز در بیانیه‌ای رسمی تأیید کرد که به توافقی برای پایان جنگ و مبادله گروهان‌ها دست یافته است. این گروه افزود: «ما بطور جدی از تلاش‌های میانجیگران در قطر، ترکیه و مصر قدردانی می‌کنیم و همچنین از تلاش‌های دونالد ترامپ تقدیر می‌کنیم.»

حماس همچنین گفت: «ما از ترامپ و کشورهای ضامن می‌خواهیم که اسرائیل را به اجرای توافق ملزم کنند.»

شادی در اسرائیل و غزه

اعلام آتش‌بس واکنش‌های مختلفی در پی داشت و باعث شادی مردم اسرائیل و غزه شد. خانواده‌های گروهان‌های اسرائیلی در سرزمین خود آتش‌بازی به راه انداختند و فلسطینی‌ها به خیابان آمدند و پایکوبی کردند.

حماس نیز تأیید کرد که توافقی برای پایان جنگ به دست آمده و مدعی شد این توافق شامل خروج نیروهای اسرائیلی از غزه و تبادل گروهان‌ها و زندانیان است.

کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا در واکنش به این توافق گفت: «این لحظه‌ای از آسودگی عمیق است که در سراسر جهان احساس خواهد شد.»

او همچنین با تأکید بر اینکه «تلاش‌های دیپلماتیک بی‌وقفه آمریکا، مصر، قطر و ترکیه، برای حرکت به سوی صلح حیاتی بوده است، افزود: «ما از همه طرفین می‌خواهیم به تعهدات خود عمل کنند، جنگ را تمام کرده و پایه‌های یک پایان عادلانه و پایدار برای این درگیری و مسیری قابل دوام برای صلحی درازمدت را بنا کنند.»

یک منبع در حماس گفت گروهان‌های زنده ظرف ۷۲ ساعت پس از تصویب توافق در دولت اسرائیل تحویل داده خواهند شد. مقامات حماس افزودند جمع‌آوری پیکر

«تروث‌سوشال» نوشت: «بسیار مفتخرم اعلام کنم که اسرائیل و حماس هر دو مرحله نخست طرح صلح ما را امضا کرده‌اند. این یعنی همه گروهان‌ها به زودی آزاد خواهند شد و اسرائیل نیروهای خود را تا خط توافق‌شده عقب خواهد کشید، به عنوان نخستین گام به سوی صلحی پایدار، محکم و همیشگی.»

مصاحبه ترامپ بعد از اعلام توافق

ترامپ در مصاحبه‌ای با شبکه فاکس‌نیوز گفت که در پی توافق میان اسرائیل و حماس برای آزادی گروهان‌ها و برقراری آتش‌بس در غزه، با بنیامین نتانیاهاو تلفنی گفتگو کرده است.

ترامپ در این مصاحبه عنوان کرد: «همین چند لحظه پیش با بی‌بی [نتانیاهاو] صحبت کردم. او گفت: باورم نمی‌شود، همه الان مرا دوست دارند. من به او گفتم: مهم‌تر این است که دوباره اسرائیل را دوست دارند و این واقعاً حقیقت دارد. به او گفتم اسرائیل نمی‌تواند با دنیا بجنگد و او هم این را خوب درک می‌کند. واقعاً شگفت‌انگیز است که همه چیز چطور کنار هم قرار گرفت.»

رویو وزیر خارجه آمریکا حین سخنرانی ترامپ به او گزارشی از مذاکرات مصر داد و سپس ترامپ جلسه را ترک کرد

ترامپ همچنین به مجموعه‌ای از تحولات اشاره کرد که از نظر او به این توافق منتهی شده‌اند و گفت: «این فقط یک سلسله اتفاق نبود؛ از جمله اقداماتی مثل نابودی ظرفیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. اتفاقات زیادی افتاد که واقعاً حیرت‌انگیز بودند. البته افراد با استعدادی هم درگیر بودند، اما باید بگویم کمی هم شانس لازم بود. چیزی به نام شانس هم وجود دارد... باور دارم ایران نیز بخشی از روند صلح خواهد بود.»

رئیس جمهوری آمریکا با اشاره به نقش تیم خود در رسیدن به این توافق گفت: «از استیو ویتکاف، جرد کوشتر، مارکو رویو، جی‌دی ونس و بقیه اعضای تیم گرفته تا ارتش آمریکا، همه نقشی فوق‌العاده ایفا کردند. ما یک ارتش عالی با رهبری قوی داریم.»

ترامپ در ادامه تأکید کرد که حمایت جهانی از این توافق بی‌سابقه بوده است: «کشورهایی که انتظارش را نداشتید، همه کنار هم ایستادند. جهان حول این توافق متحد شد؛

یک روز پس از دومین سالگرد حمله تروریستی حماس به اسرائیل که آغازکننده جنگ در غزه بود، مذاکرات غیرمستقیم در مصر منجر به توافق بر سر مرحله اول «طرح ۲۰ ماده‌ای» ترامپ برای برقراری صلح در نوار غزه شد.

ترامپ در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «این فقط یک سلسله اتفاق نبود؛ از جمله اقداماتی مثل نابودی ظرفیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. اتفاقات زیادی افتاد که واقعاً حیرت‌انگیز بودند. البته افراد با استعدادی هم درگیر بودند، اما باید بگویم کمی هم شانس لازم بود. چیزی به نام شانس هم وجود دارد... باور دارم ایران نیز بخشی از روند صلح خواهد بود.»

بنیامین نتانیاهاو در بیانیه‌ای اعلام کرد: «با تصویب مرحله نخست طرح، همه گروهان‌های ما به خانه بازخواهند گشت. این موفقیتی دیپلماتیک و پیروزی ملی و اخلاقی برای دولت اسرائیل است.»

حماس نیز در بیانیه‌ای رسمی تأیید کرد که به توافقی برای پایان جنگ و مبادله گروهان‌ها دست یافته است. این گروه تروریستی افزود: «ما بطور جدی از تلاش‌های میانجیگران در قطر، ترکیه و مصر قدردانی می‌کنیم و همچنین از تلاش‌های دونالد ترامپ تقدیر می‌کنیم.»

حماس گفته است تنها در صورتی اداره غزه را واگذار می‌کند که به دولتی تکنوکرات فلسطینی، زیر نظر تشکیلات خودگردان و با حمایت کشورهای عرب و مسلمان سپرده شود. این در حالیست که طرح صلح ترامپ اداره غزه را نیز در بند نهم طرح بیست ماده‌ای به روشنی ترسیم کرده است.

اسرائیل و حماس شامگاه هشتم اکتبر (۱۶ مهرماه) اعلام کردند بر سر توافق بلندمدت برای «آتش‌بس» و «آزادی گروهان‌ها» به توافق رسیده‌اند. این نخستین مرحله از طرح صلح دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا برای «صلح در غزه» است. یک روز پس از دومین سالگرد حمله تروریستی حماس به اسرائیل که آغازکننده جنگ در غزه بود، مذاکرات غیرمستقیم در مصر منجر به توافق بر سر مرحله اول «طرح ۲۰ ماده‌ای» ترامپ برای برقراری صلح در نوار غزه شد. ترامپ بعد از اعلام «آتش‌بس» در شبکه اجتماعی

عهده‌دار مسئولیت ارائه خدمات همگانی و امور روزانه شهری برای مردم غزه خواهد بود، اداره خواهد شد. این کمیته متشکل از کارشناسان واجد شرایط فلسطینی و بین‌المللی خواهد بود و زیر نظارت و سرپرستی یک نهاد گذار بین‌المللی جدید، به نام «هیئت صلح» تحت ریاست پرزیدنت دونالد جی. ترامپ و دیگر اعضا و سران کشورها، از جمله تونی بلر، نخست وزیر سابق [بریتانیا] قرار خواهد داشت. این نهاد ضمن تعیین چارچوب، منابع مالی لازم برای توسعه مجدد غزه را تا زمانی که تشکیلات خودگردان فلسطینی برنامه اصلاحاتش را- همانگونه که در پیشنهادهای مختلف، از جمله طرح صلح پرزیدنت دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۰ و پیشنهاد عربستان سعودی-فرانسه، تشریح شده است- تکمیل کند و بتواند به نحوی ایمن و مؤثر کنترل غزه را پس بگیرد، مدیریت خواهد کرد. این نهاد از بهترین استانداردهای بین‌المللی برای ایجاد حکومتی

۲. غزه به نفع مردم غزه که بیش از حد رنج کشیده‌اند، بازسازی خواهد شد.
۳. چنانچه هر دو طرف با این پیشنهاد موافقت کنند، جنگ بی‌درنگ به پایان خواهد رسید. نیروهای اسرائیلی به خطی که بر سر آن توافق شده است، عقب‌نشینی خواهند کرد تا برای آزادی گروگان‌ها آماده شوند. طی این مدت تمامی عملیات‌های نظامی- از جمله بمباران‌های هوایی و گلوله‌باران توپخانه‌ای- به حالت تعلیق در خواهد آمد و خطوط نبرد تا زمان تحقق شرایط برای عقب‌نشینی کامل مرحله‌ای، در وضعیت ثابت و بدون تغییر باقی خواهند ماند.
۴. ظرف مدت ۷۲ ساعت از پذیرش علنی این توافق توسط اسرائیل، همه گروگان‌ها- اعم از زنده و متوفی- بازگردانده خواهند شد.

۵. وقتی همه گروگان‌ها آزاد شدند، اسرائیل ۲۵۰ زندانی محکوم به حبس ابد و نیز ۱۷۰۰ غزه‌ای را که پس از ۷

گروگان‌های جانباخته که حدود ۲۸ نفر تخمین زده می‌شود زمان بیشتری خواهد برد.

ارتش اسرائیل هشدار داد برخی مناطق غزه هنوز مناطق نبرد خطرناک محسوب می‌شوند و بازگشت به شهر غزه «بسیار خطرناک» است.

آنتونیو گوتش دیرکل سازمان ملل خواستار پایبندی کامل همه طرفین به مفاد توافق شد و گفت: «ورود فوری و بدون مانع کمک‌های بشردوستانه و کالاهای ضروری به غزه باید تضمین شود. این رنج باید پایان یابد.»

حماس صبح چهارشنبه هشتم اکتبر فهرست گروگان‌ها و فهرست زندانیان فلسطینی را که خواهان مبادله‌شان بود، تحویل داد.

مخالفت حماس با «خلع سلاح»

یک منبع فلسطینی گفت حماس هنوز درخواست اسرائیل برای خلع سلاح را نپذیرفته و تا زمانی که نیروهای اسرائیلی



جشن و پایکوبی در غزه بعد از توافق آتش‌بس / عکس: رویترز

پیشرفته و کارآمد که به مردم غزه خدمت کند و برای جذب سرمایه‌گذاری سودمند باشد، استفاده خواهد کرد.

۱۰. یک طرح توسعه اقتصادی ترامپ برای بازسازی و انرژی بخشیدن به غزه با تشکیل هیأتی از متخصصانی که به ایجاد برخی از شهرهای پیشرفته و پررونق در خاورمیانه کمک کرده‌اند، تهیه خواهد شد. بسیاری از پیشنهادهای سرمایه‌گذاری اندیشمندانه و ایده‌های توسعه‌ای همچنان‌انگیز توسط گروه‌های خیرخواه بین‌المللی تدوین شده است و برای ترکیب چارچوب‌های امنیتی و حاکمیتی با هدف جذب و تسهیل این سرمایه‌گذاری‌ها- که باعث ایجاد شغل، فرصت، و امید برای آینده غزه خواهد شد- در نظر گرفته خواهد شد.

۱۱. یک منطقه ویژه اقتصادی با نرخ‌های تعرفه و دسترسی ترجیحی- که با کشورهای شرکت‌کننده مورد مذاکره قرار خواهد گرفت- تاسیس خواهد شد.

۱۲. هیچکس وادار نخواهد شد غزه را ترک کند و کسانی که مایل به ترک آنجا باشند، می‌توانند آزادانه این کار را انجام دهند و آزادانه بازگردند. ما مردم را تشویق خواهیم کرد که بمانند و به آنها فرصتی خواهیم داد که غزه‌ای بهتر را بسازند.

۱۳. حماس و دیگر جناح‌ها موافقت می‌کنند که در حاکمیت غزه- چه مستقیم، چه غیرمستقیم، و چه به هر شکلی- هیچ نقشی نداشته باشند. همه زیرساخت‌های نظامی، تروریستی، و تهاجمی، از جمله تونل‌ها و تأسیسات اسلحه‌سازی، منهدم می‌شوند و دیگر ساخته نخواهند

اکتبر ۲۰۲۳ بازداشت شده‌اند- از جمله همه زنان و کودکان بازداشت‌شده در آن شرایط- را آزاد خواهد کرد. در ازای رهایی پیکر هر اسرائیلی متوفی، اسرائیل پیکرهای ۱۵ غزه‌ای متوفی را رها خواهد کرد.

۶. پس از بازگشت همه گروگان‌ها، اعضای حماس که به همزیستی مسالمت‌آمیز و دست کشیدن از سلاح‌هایشان متعهد شوند، مشمول عفو عمومی خواهند شد. به آندسته از اعضای حماس که مایل به ترک غزه باشند اجازه داده خواهد شد که بطور ایمن به کشورهایی که پذیرای آنها باشند، بروند.

۷. پس از پذیرش این توافق، کمک‌های کامل بی‌درنگ به نوار غزه ارسال خواهد شد. میزان کمک‌ها دست‌کم با آنچه در توافق ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ در رابطه با کمک‌های بشردوستانه گنجانده شده بود- از جمله بازسازی زیرساخت‌ها (آب، برق، فاضلاب)، بازسازی بیمارستان‌ها و نانوائی‌ها، و ورود تجهیزات لازم برای آواربرداری و باز کردن جاده‌ها، همخوانی خواهد داشت.

۸. ورود و توزیع کمک‌ها به نوار غزه بدون دخالت دو طرف از طریق سازمان ملل و نهادهای آن و هلال احمر، و نیز دیگر نهادهای بین‌المللی که به هیچ عنوان با هیچیک از طرفین ارتباطی ندارند، به انجام خواهد رسید. باز کردن گذرگاه رفح در هر دو جهت بر اساس همان ساز و کاری خواهد بود که ذیل توافق ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ به اجرا در می‌آید.

۹. مدیریت بر غزه توسط یک حکومت موقت گذار، متشکل از یک کمیته فن‌سالار غیرسیاسی فلسطینی، که

در سرزمین‌های فلسطینی باقی بمانند، چنین درخواستی را رد خواهد کرد.

مرحله بعدی طرح ترامپ تشکیل نهادی بین‌المللی به رهبری او و با مشارکت تونی بلر نخست وزیر پیشین بریتانیا برای نقش‌آفرینی در اداره غزه پس از جنگ است. کشورهای عربی حامی این طرح گفته‌اند که این صلح باید در نهایت به استقلال کشور فلسطین بیانجامد؛ امری که نتانیاها در حال حاضر رد کرده است.

با وجود اجرای گام‌های اولیه طرح صلح علاوه بر اینکه حماس «خلع سلاح» را نپذیرفته، هنوز مشخص نیست چه کسی پس از پایان جنگ غزه را اداره خواهد کرد. نتانیاها، ترامپ، کشورهای غربی و عربی همگی نقش حماس را رد کرده‌اند؛ گروهی که علاوه بر اسرائیل، آمریکا و اتحادیه اروپا نیز آن را یک سازمان تروریستی می‌دانند.

حماس گفته است تنها در صورتی اداره غزه را واگذار می‌کند که به دولتی تکنوکرات فلسطینی، زیر نظر تشکیلات خودگردان و با حمایت کشورهای عرب و مسلمان سپرده شود. این در حالیست که طرح صلح ترامپ اداره‌ی غزه را نیز در بند نهم به روشنی ترسیم کرده است.

مفاد طرح صلح ترامپ

طرح ۲۰ ماده‌ای صلح در غزه که توسط کاخ سفید اعلام شده به شرح زیر است:

۱. غزه به منطقه‌ای عاری از افراط‌گرایی و تروریسم که تهدیدی برای همسایگان خود ایجاد نمی‌کند، تبدیل خواهد شد.

طرح تسهیل تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران به پارلمان استرالیا ارائه شد



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم تشییع جنازه سرداران کشته شده سپاه

جزئیاتی از طرح جدید

این طرح پیشنهادی چارچوبی برای طبقه‌بندی بازیگران دولتی خارجی به عنوان «دولت‌های حامی تروریسم» ارائه می‌کند؛ اقدامی که رولند آن را راهکاری برای پر کردن «شکاف حیاتی» در قوانین موجود توصیف کرد.

پیش از این، استرالیا تنها می‌توانست گروه‌های غیردولتی مانند حماس را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. رولند در ادامه توضیح داد: «دولت زمان لازم را صرف کرده تا این چارچوب به درستی تدوین شود. ما با همکاری سازنده میان وزارتخانه‌ها و ایالت‌ها کار کرده‌ایم تا اطمینان حاصل کنیم این طرح محکم، متعادل و هدفمند است.»

بر اساس طرح پیشنهادی جدید، دولت می‌تواند هر نهاد خارجی را که مستقیم یا غیرمستقیم از اقدامات تروریستی علیه استرالیا حمایت یا برای آن برنامه‌ریزی کرده و یا از آن دفاع کرده باشد، در فهرست تروریسم قرار دهد.

پس از قرار گرفتن در فهرست، عضویت در آن نهاد یا ارائه هرگونه پشتیبانی مادی، تامین مالی یا آموزش به آن، جرم محسوب می‌شود. این طرح همچنین هرگونه ارتباط با دولت‌های خارجی فهرست‌شده به عنوان حامی تروریسم از جمله هماهنگی، تبادل اطلاعات یا کمک‌های لجستیک را جرم‌انگاری می‌کند، مگر در مواردی که تماس مشروع اجتناب‌ناپذیر باشد، مانند فعالیت‌های کنسولی یا مذاکرات دیپلماتیک.

همچنین بر اساس این طرح، نهادهای اطلاعاتی و مجری قانون اختیارات گسترده‌تری برای تحقیق و مختل کردن فعالیت‌های تروریستی مورد حمایت دولت‌ها به دست خواهند آورد و پلیس فدرال استرالیا و سازمان اطلاعات و امنیت این کشور مجاز خواهند بود از ابزارهای موجود مبارزه با تروریسم در چارچوبی که گسترش یافته استفاده کنند.

رولند گفت: «این مقررات جدید اطمینان می‌دهد که نهادهای ما همان اختیاراتی را برای پاسخ دادن به تروریسم دولتی و جلوگیری از آن دارند که هم‌اکنون در قبال بازیگران غیردولتی در اختیار دارند.»

● استرالیا تصمیم گرفته در ساختار امنیتی خود برای مبارزه با تروریسم خود بازنگری کند و به همین دلیل قانونی تازه را معرفی می‌کند که برای نخستین بار به دولت این کشور اجازه می‌دهد نهادهای دولتی خارجی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان سازمان تروریستی معرفی نماید.

● میشل رولند دادستان کل روز هشتم اکتبر (۱۶ مهرماه) «طرح اصلاح قانون کیفری (حامیان دولتی تروریسم) ۲۰۲۵» را به پارلمان ارائه کرد.

● رولند گفت: «این طرح چارچوب مبارزه با تروریسم را در استرالیا تقویت می‌کند و شرایطی ایجاد می‌کند که در آن آسیب‌رساندن به استرالیا و جامعه ما برای بازیگران خارجی بدخواه دشوارتر، پرخرطه‌تر و پرهزینه‌تر می‌شود.»

استرالیا تصمیم گرفته در ساختار امنیتی خود برای مبارزه با تروریسم خود بازنگری کند و به همین دلیل قانونی تازه را معرفی می‌کند که برای نخستین بار به دولت این کشور اجازه می‌دهد نهادهای دولتی خارجی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان سازمان تروریستی معرفی نماید.

● میشل رولند دادستان کل روز هشتم اکتبر (۱۶ مهرماه) «طرح اصلاح قانون کیفری (حامیان دولتی تروریسم) ۲۰۲۵» را به پارلمان استرالیا ارائه کرد.

این قانون پس از آن مطرح شد که سازمان اطلاعات و امنیت استرالیا (ASIO) اعلام کرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دو حمله ضربه‌دهی در ملبورن و سیدنی در اواخر سال ۲۰۲۴ دست داشته است. دولت استرالیا به دنبال این اعلام، سفارت خود را در ایران بست و سفیر جمهوری اسلامی را از کانبرا اخراج کرد.

رولند گفت: «این طرح چارچوب مبارزه با تروریسم را در استرالیا تقویت می‌کند و شرایطی ایجاد می‌کند که در آن آسیب‌رساندن به استرالیا و جامعه ما برای بازیگران خارجی بدخواه دشوارتر، پرخرطه‌تر و پرهزینه‌تر می‌شود.»

او افزود که این طرح هشدار است برای هر دولت خارجی که در پی ارباب یا اجبار استرالیا از طریق خشونت است.

→ شد. یک روند غیرنظامی‌سازی غزه تحت نظارت ناظران مستقل به انجام خواهد رسید. این روند شامل از کار انداختن دائمی جنگ‌افزارها خواهد بود و از طریق یک فرآیند توافق‌شده برای از رده خارج کردن آنها که از سوی یک برنامه بازرخرد و ادغام مجدد با بودجه بین‌المللی که تماماً توسط ناظران مستقل تأیید شده است، پشتیبانی خواهد شد. غزه جدید به ایجاد یک اقتصاد شکوفا و همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگانش کاملاً متعهد خواهد بود.

۱۴. شرکای منطقه‌ای تضمین می‌کنند که حماس و جناح‌ها به تعهداتشان عمل خواهند کرد و غزه جدید هیچ تهدیدی برای همسایگانش یا مردم خود محسوب نخواهد شد.

۱۵. ایالات متحده با شرکای عرب و بین‌المللی خود برای ایجاد یک «نیروی ثابت‌بخش بین‌المللی» (ISF) موقت به منظور استقرار فوری در غزه، همکاری خواهد کرد. این نیروی ثابت‌بخش بین‌المللی، نیروهای پلیس فلسطینی تأیید صلاحیت‌شده در غزه را آموزش خواهد داد و از آنها پشتیبانی خواهد کرد و با اردن و مصر، که تجربه گسترده‌ای در این زمینه دارند، به رایزنی خواهد پرداخت. این نیرو راه حل بلندمدت امنیت داخلی خواهد بود. این نیروی ثابت‌بخش بین‌المللی به همراه نیروهای پلیس فلسطینی تازه آموزش‌دیده، به منظور کمک به تأمین امنیت مناطق مرزی با اسرائیل و مصر همکاری خواهد کرد. این امر برای جلوگیری از ورود مهمات به غزه و تسهیل جریان سریع و ایمن کالا برای بازسازی و احیای غزه، بسیار حیاتی است. طرف‌های ذربط بر سر یک ساز و کار رفع مناقشه توافق خواهند کرد.

۱۶. اسرائیل غزه را اشغال یا ضمیمه نخواهد کرد. در حالی که نیروی ثابت‌بخش بین‌المللی به برقراری کنترل و ثبات می‌پردازد، نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) مطابق با استانداردها، نقاط عطف، و چارچوب‌های زمانی مرتبط با غیرنظامی‌سازی که میان نیروهای دفاعی اسرائیل، نیروی ثابت‌بخش بین‌المللی، ضامن‌ها، و ایالات متحده توافق خواهد شد، به منظور ایجاد غزه‌ای امن که دیگر تهدیدی برای اسرائیل، مصر، یا شهروندان نباشد، عقب‌نشینی خواهند کرد. ارتش اسرائیل در عمل تا زمان خروج کامل از غزه، مطابق توافقی که با مقامات حکومت‌گذار انجام خواهد داد، به تدریج قلمرو غزه را که اشغال کرده است به نیروی ثابت‌بخش بین‌المللی تحویل خواهد داد. البته به استثناء حضور امنیتی در یک منطقه امن که تا زمان ایمن‌سازی کامل غزه از هرگونه تهدید تروریستی دوباره، این امر پابرجا خواهد بود.

۱۷. چنانچه حماس این پیشنهاد را به تأخیر بیندازد یا رد کند، موارد فوق، از جمله عملیات امدادسانی گسترده، در مناطق عاری از تروریسم - که توسط نیروهای دفاعی اسرائیل به نیروی ثابت‌بخش بین‌المللی تحویل داده شده است - ادامه پیدا خواهد کرد.

۱۸. یک فرآیند گفتگوی میان ادیان بر اساس ارزش‌های مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار خواهد شد تا با تأکید بر مزایایی که می‌توان از طریق صلح به دست آورد، ذهنیت‌ها و روایت‌های فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را دگرگون کند.

۱۹. همزمان با پیشرفت روند بازسازی غزه و اجرای صادقانه برنامه اصلاحات تشکیلات خودگردان فلسطینی، شرایط ممکن است سرانجام برای ایجاد یک مسیر معتبر به سوی حق تعیین سرنوشت و تشکیل کشوری فلسطینی - که ما آن را به عنوان آرمان مردم فلسطینی می‌شناسیم - فراهم شود.

۲۰. ایالات متحده گفتگویی را میان اسرائیل و فلسطینیان برقرار خواهد کرد تا در مورد یک افق سیاسی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و مرفه به توافق برسند.

رئیس سازمان فضایی جمهوری اسلامی:

ماهواره‌های «ظفر ۲»، «پایا» و «ناهید ۳» پرتاب خواهند شد



پرتاب ماهواره «سامان» توسط موشک ماهواره‌بر سیمرغ

ماهی طراحی شده که قابلیت حمل ماهواره‌های سنگین‌تر و پرتاب‌های چندگانه را خواهد داشت.»

جمهوری اسلامی یک روز پیش از فعال شدن رسمی «مکانیسم ماشه» اقدام به آزمایش یک موشک بالستیک قاره‌پیما کرد و مقامات ارشد نظام انجام این آزمایش را تأیید کردند. دو روز بعد از اجرای بازگشت تحریم‌ها نیز بر اساس گزارش‌ها میدانی در چند استان یک موشک بالستیک در ارتفاع بالا مشاهده شد اما هیچ مقامی درباره آن اظهار نظر نکرد. منابع و مقامات غربی می‌گویند جمهوری اسلامی در پوشش ارسال ماهواره‌های علمی، اقدام به آزمایش موشک‌های بالستیک قاره‌پیما با قابلیت حمل کلاهک سنگین می‌کند.

خرگزاری رویترز پیش از این با انتشار تصاویر ماهواره‌ای از دو سایت نظامی عمده متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نزدیکی تهران گزارش داد که جمهوری اسلامی تولید موشک‌های بالستیک را در این دو سایت به شکلی چشمگیر توسعه داده است.

رویترز با استناد به این تصاویر و بر اساس ارزیابی دو پژوهشگر آمریکایی نوشت که این دو سایت سپاه پاسداران با هدف افزایش تولد موشک، توسعه یافته‌اند.

ارزیابی این دو پژوهشگر را سه مقام ارشد جمهوری اسلامی نیز تأیید کرده‌اند. بر اساس این گزارش، گسترش این سایت‌ها با توافق میان تهران و مسکو در اکتبر ۲۰۲۲ برای تهیه و انتقال موشک به روسیه مرتبط است.

این تصاویر را شرکت تجاری «پلنت لبز» تهیه کرده و ناظر بر توسعه سایت‌ها در پایگاه موشکی «خجیر» و پایگاه نظامی «مدرس» است که هر دو به سپاه پاسداران تعلق دارند.

به منابع ارزشمند طبیعی و انرژی در فضای ماورای جو» دانست و از مذاکرات در زمینه همکاری در طراحی و ساخت ایستگاه‌های فضایی خبر داد. سالاریه همچنین تکمیل پایگاه پرتاب چابهار را از



ماهواره اطلاعاتی «نور ۳»

اولویت‌های وزارت ارتباطات و سازمان فضایی دانست و توضیح داد: «فاز نخست این پایگاه ویژه پرتابگرهای سوخت جامد رو به تکمیل است و آماده‌سازی برای نخستین پرتاب در حال انجام است.»

او افزود: «فاز دوم این پایگاه نیز برای پرتابگرهای سوخت

● حسن سالاریه رئیس سازمان فضایی جمهوری اسلامی خبر داد ماهواره‌های «ظفر ۲» و «پایا» با پرتابگر خارجی و نمونه جدید «ناهید ۲» با پرتابگر داخلی «سیمرغ» در صف پرتاب قرار دارند.

● رئیس سازمان فضایی جمهوری اسلامی همچنین از همکاری با جمهوری خلق چین در پروژه «چانگ ۸» خبر داد و گفت: «طراحی این پروژه به اتمام رسیده و ساخت نمونه مهندسی آن به زودی آغاز می‌شود.»

● او حضور فعال جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های بین‌المللی «اکتشافات ماه و سایر کرات را زمینه‌ساز دسترسی به منابع ارزشمند طبیعی و انرژی در فضای ماورای جو» دانست و از مذاکرات در زمینه همکاری در طراحی و ساخت ایستگاه‌های فضایی خبر داد.

● سالاریه همچنین تکمیل پایگاه پرتاب چابهار را از اولویت‌های وزارت ارتباطات و سازمان فضایی اعلام کرد و توضیح داد: «فاز نخست این پایگاه ویژه پرتابگرهای سوخت جامد رو به تکمیل است و آماده‌سازی برای نخستین پرتاب در حال انجام است.»

رئیس سازمان فضایی جمهوری اسلامی خبر داد ماهواره‌های «ظفر ۲» و «پایا» با پرتابگر خارجی و نمونه جدید «ناهید ۲» با پرتابگر داخلی «سیمرغ» در صف پرتاب قرار دارند.

حسن سالاریه روز شنبه ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴ از همکاری جمهوری اسلامی با جمهوری خلق چین در پروژه «چانگ ۸» خبر داد و گفت: «طراحی این پروژه به اتمام رسیده و ساخت نمونه مهندسی آن به زودی آغاز می‌شود.»

او «حضور فعال جمهوری اسلامی ایران» در برنامه‌های بین‌المللی «اکتشافات ماه و سایر کرات را زمینه‌ساز دسترسی

دوران محمدرضا شاهی؛ تبلیغات هرز شوری

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

پیمان خارج شود. اما با مخالفت ایران روبرو شد. شوری از یکسو با پشتیبانی از عوامل چپ‌گرای مروج ایدئولوژی کمونیسم و از سوی دیگر با تبلیغات رسانه‌ای تلاش می‌کرد به اهداف خود برسد. تلاشی که امرداد ۱۳۳۷ در نهایت منجر به سقوط پادشاهی و اسقرار جمهوری در عراق شد.

همکلاسی‌های کلاسه گفته است: «ما تا ساعت ۶ بعد از ظهر در بیمارستان بودیم اما نه نیلی آمد و نه بیلر. هیچکدام کوچک‌ترین مسئولیتی برعهده نگرفتند.»

علاوه بر این، دانشجویان به وضعیت فرسوده و ناایمن تجهیزات آزمایشگاهی نیز اشاره کرده‌اند. به گفته آنان، بسیاری از دستگاه‌ها و امکانات آزمایشگاه دهه‌هاست به‌روزرسانی نشده و حتی برخی تجهیزات از زمان پهلوی باقی مانده و همچنان با همان برچسب‌های قدیمی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اکنون با انتشار اظهارات دوستان و شاهدان عینی، موجی از خشم و اعتراض در گروه‌های دانشجویی دانشگاه تهران به راه افتاده و دانشجویان خواستار پاسخگویی فوری مسئولان درباره نقش مستقیم نیلی احمدآبادی و بی‌توجهی سیستماتیک مدیریت دانشکده در وقوع این فاجعه شده‌اند.

این انفجار در آزمایشگاه دانشگاه تهران واقع در خیابان امیرآباد تهران ظهر پنجشنبه دهم مهرماه ۱۴۰۴ رخ داد. رضاییان معاون دانشگاه تهران اعلام کرد منشأ این رویداد انفجار یک کپسول هیدروژن در آزمایشگاه دانشکده مواد و متالورژی بوده است. در این حادثه یک دانشجو کشته و اعلام شد که دو الی سه نفر دیگر مصدوم شدند.

در عین حال برخی منابع غیررسمی نیز ادعا کردند، این دانشجویان روی پروژه‌ای کار می‌کردند که مرتبط با تحقیقاتی مشابه تحقیقات پایه‌ای بود که تیم‌های علمی وابسته به محسن فخری‌زاده در آن حوزه فعال بودند. آنها این انفجار را مشکوک دانسته‌اند و می‌گویند هیچ‌کدام بی‌نیست که حذف عمدی صورت گرفته باشد. هیچکدام از این ادعاها بطور مستقل قابل رد یا تأیید نیست.

با پیوستن ایران به پیمان سنتو در ۱۳۳۴ که پیمانی دفاعی در خاورمیانه در برابر توسعه‌طلبی شوروی و نفوذ کمونیسم در منطقه بود، تبلیغات هرز اتحاد جماهیر شوروی برای فروپاشاندن حکومت‌های منطقه شدت گرفت. شوروی به شدت شاهنشاهی ایران را تحت فشار قرار داد تا از این

همچنین به گفته دانشجویان چند ماه پیش نیز در آزمایشگاه نیلی احمدآبادی، دست یکی از دانشجویان زیر دستگاه نورد آسیب دیده بود، اما در این مدت هیچ اقدامی برای افزایش ایمنی دانشجویان از سوی مسئولان صورت



اعطای تقدیرنامه به محمدجواد ظریف توسط محمود نیلی احمدآبادی از اساتید دانشگاه تهران (بهمن ۱۳۹۴)

نگرفت.

انفجار در ساعت ۱۴:۳۰ روز پنجشنبه دهم مهرماه ۱۴۰۴ رخ داد اما به گفته منابع آگاه دانشجویی، تا ساعت‌ها پس از این حادثه، نه نیلی احمدآبادی و نه ملک‌ان (رئیس دانشکده)، هیچ‌کدام در بیمارستان یا محل حادثه نداشتند. یکی از

انفجار مرگبار

در آزمایشگاه

دانشگاه تهران

«خبرنامه امیرکبیر»: تحمیل

پروژه مرگبار» توسط استاد

اصلاح‌طلب به دانشجویان

● در پی انفجار کپسول هیدروژن در دانشکده مهندسی متالورژی و مواد دانشگاه تهران که به کشته شدن محمدمبین کلاسه دانشجوی کارشناسی ارشد و مصدوم شدن چند نفر دیگر انجامید، «خبرنامه امیرکبیر» جزئیات تازه‌ای از سوی دوستان و هم‌کلاسی‌های او منتشر کرده است.

● در این گزارش، محمود نیلی احمدآبادی (استاد راهنمای کلاسه) به عنوان مسئول اصلی تحمیل «پروژه خطرناک» به دانشجویان معرفی شده است.

● همچنین به نقل از نزدیکان دانشجویی کشته‌شده، آمده «مرحوم کلاسه بارها نسبت به خطرناک بودن پروژه هشدار داده و حتی اعلام کرده بود که تمایلی به کار روی این موضوع ندارد. با این حال، محمود نیلی احمدآبادی-استاد راهنمای او و از چهره‌های شناخته‌شده اصلاح‌طلب و رئیس دانشگاه تهران در دولت روحانی- بر اجرای این پروژه اصرار کرده و آن را به دانشجو تحمیل کرده است.»

● برخی دانشجویان می‌گویند: «اگرچه آقای کلاسه نمی‌خواست روی این پروژه کار کند، اما استاد او بارها بر ادامه آن پافشاری کرد.»

● یک منبع آگاه به «خبرنامه امیرکبیر» گفته است که محمدمبین کلاسه پیشتر به دلیل ابراز عقاید میهن‌پرستانه مخالف جمهوری اسلامی، دو بار توسط نهادهای اطلاعاتی احضار شده بود.

در پی انفجار کپسول هیدروژن در دانشکده مهندسی متالورژی و مواد دانشگاه تهران که به کشته شدن محمدمبین کلاسه دانشجوی کارشناسی ارشد انجامید، «خبرنامه امیرکبیر» جزئیات تازه‌ای از سوی دوستان و هم‌کلاسی‌های او منتشر کرده است.

در این گزارش محمود نیلی احمدآبادی (استاد راهنمای کلاسه) به عنوان مسئول اصلی تحمیل «پروژه خطرناک» به دانشجویان معرفی شده است.

همچنین در این گزارش به نقل از نزدیکان دانشجویی کشته‌شده آمده «مرحوم کلاسه بارها نسبت به خطرناک بودن پروژه هشدار داده و حتی اعلام کرده بود که تمایلی به کار روی این موضوع ندارد. با این حال، محمود نیلی احمدآبادی-استاد راهنمای او و از چهره‌های شناخته‌شده اصلاح‌طلب و رئیس دانشگاه تهران در دولت روحانی- بر اجرای این پروژه اصرار کرده و آن را به دانشجو تحمیل کرده است.»

دانشجویان می‌گویند: «اگرچه آقای کلاسه نمی‌خواست روی این پروژه کار کند، اما استاد او بارها بر ادامه آن پافشاری کرد.» یک منبع آگاه به «خبرنامه امیرکبیر» گفته است که محمدمبین کلاسه پیشتر به دلیل ابراز عقاید میهن‌پرستانه مخالف جمهوری اسلامی، دو بار توسط نهادهای اطلاعاتی احضار شده بود.

طرح درخشان غزه: از حذف ایدئولوژی تا بازسازی تکنوکراتیک



بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ/ کاخ سفید/ واشنگتن دی سی/ ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵ / رویترز

این طرح تلاشی است برای بازگرداندن منطق به میدان. همانگونه که در کتاب «فراتر از ایدئولوژی» نیز اشاره کرده‌ام، در جوامعی که از جنگ، ایدئولوژی، فساد و فرقه‌گرایی خسته‌اند، تنها راه بازسازی پایدار، سپردن اداره کشور به نهادهای تخصصی، غیرسیاسی و پاسخگو است. غزه، در نسخه پیشنهادی این توافق، می‌تواند نخستین آزمایش واقعی چنین مدلی برای منطقه باشد؛ مدلی که نه بر مبنای ایمان یا نفرت، بلکه بر اساس مدیریت و کارآمدی بنا می‌شود.

از منظر منطقه‌ای نیز، این طرح برای نخستین بار میان سه حلقه متفاوت- آمریکا، اعراب و اسرائیل- نوعی «مسئولیت مشترک» ایجاد می‌کند. اگر این ساز و کار دوام آورد، نه تنها از بازگشت جنگ جلوگیری می‌کند، بلکه مسیر بازسازی غزه را به سوی یک نظم اقتصادی چندجانبه سوق می‌دهد؛ نظمی که سرمایه عربی، فناوری غربی و امنیت اسرائیلی را بهم پیوند می‌زند.

بی‌تردید، این توافق شکننده است و موفقیت آن به اراده سیاسی و نظارت مستمر قدرت‌های منطقه‌ای و جامعه جهانی بستگی دارد. اما در میانه توفان‌های خاورمیانه، این نقشه مرحله به مرحله شاید نخستین طرحی باشد که بر بنیان عقلانیت و واقع‌گرایی نوشته شده است. در سرزمینی خسته از ایمان و انتقام، شاید اینبار صلح نه از راه شعار، که از مسیر شعور، تخصص و فن‌سالاری آغاز شود.

*دیوید اعتباری، نویسنده کتاب *Beyond Ideology: The Technocratic Roadmap to a Free Iran* (۲۰۲۵)، بنیانگذار سازمان *Stop Child Executions* و از نظریه‌پردازان گذار ساختارمند، دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.

اکنون این سازمان در نقطه‌ای ایستاده که اگر مرحله نخست توافق را اجرا کند اما به ادامه طرح تن ندهد، دیگر چیزی برای توجیه ماندن ندارد؛ نه مشروعیت، نه ابزار نظامی، و نه حمایت اجتماعی.

اما بخش درخشان‌تر طرح در آینده نزدیک اجرای آن نهفته است: در مرحله دوم، عقب‌نشینی اسرائیل نه ناگهانی بلکه تدریجی و مشروط به اجرای کامل تعهدات مرحله اول خواهد بود. این یعنی هیچ پاداشی بدون عمل واقعی وجود ندارد. در عین حال، مسئولیت امنیت به تدریج از دوش اسرائیل برداشته می‌شود و به کشورهای عربی و ایالات متحده سپرده خواهد شد. اکنون نوبت همان بازیگرانی است که در سال‌های گذشته اسرائیل را متهم به بی‌رحمی می‌کردند تا نشان دهند چگونه می‌توان در غزه امنیت را بدون بازتولید چرخه خشونت حفظ کرد.

این جابجایی مرکز مسئولیت، هوشمندانه‌ترین بخش طراحی توافق است: از این پس، عرب‌هایی که در گفتمان سیاسی خود اسرائیل را «مقصر مطلق» می‌دانستند، باید خود ضامن ثبات باشند.

مرحله سوم، افق بلندمدت این طرح است؛ همانجایی که منطق تکنوکراتیک وارد میدان می‌شود. بر اساس نقشه ارائه‌شده، اداره موقت غزه به یک دولت انتقالی غیرایدئولوژیک و فن‌سالار سپرده خواهد شد. نهادی متشکل از کارشناسان و مدیرانی که مأموریت‌شان نه شعار سیاسی، بلکه بازسازی، نظم‌داری و مدیریت منابع است. چنین رویکردی، نقطه چرخش مهمی در تاریخ سیاست خاورمیانه است: گذار از سلطه ایدئولوژی به سوی کارآمدی نهادی.

در منطقه‌ای که همواره سیاست با احساسات مذهبی، ایدئولوژی‌های افراطی و منازعات قومی گره خورده است،

● مرحله نخست طرح صلح غزه با میانجیگری ایالات متحده و همکاری مصر و قطر، بر سه محور ساده اما سرنوشت‌ساز استوار است: آتش‌بس فوری، آزادی گروگان‌ها و باز شدن مسیر کمک‌های انسانی.

● این طرح نه شعاری است، نه وعده‌ای توخالی برای «صلح نهایی»، بلکه نقشه‌ای مرحله به مرحله است که منطق آن بیش از هر چیز به تفکر مدیریت بحران و برنامه‌ریزی تکنوکراتیک شباهت دارد.

● اکنون حماس در نقطه‌ای ایستاده که اگر مرحله نخست توافق را اجرا کند اما به ادامه طرح تن ندهد، دیگر چیزی برای توجیه ماندن ندارد؛ نه مشروعیت، نه ابزار نظامی، و نه حمایت اجتماعی.

● بخش درخشان‌تر طرح در آینده نزدیک اجرای آن نهفته است: در مرحله دوم، عقب‌نشینی اسرائیل نه ناگهانی بلکه تدریجی و مشروط به اجرای کامل تعهدات مرحله اول خواهد بود. این یعنی هیچ پاداشی بدون عمل واقعی وجود ندارد.

● در جوامعی که از جنگ، ایدئولوژی، فساد و فرقه‌گرایی خسته‌اند، تنها راه بازسازی پایدار، سپردن اداره کشور به نهادهای تخصصی، غیرسیاسی و پاسخگو است. غزه، در نسخه پیشنهادی این توافق، می‌تواند نخستین آزمایش واقعی چنین مدلی برای منطقه باشد؛ مدلی که نه بر مبنای ایمان یا نفرت، بلکه بر اساس مدیریت و کارآمدی بنا می‌شود.

● در سرزمینی خسته از ایمان و انتقام، شاید اینبار صلح نه از راه شعار، که از مسیر شعور، تخصص و فن‌سالاری آغاز شود.

دیوید اعتباری - پس از دو سال جنگ و ویرانی، و در شرایطی که همه راه‌های نظامی و سیاسی به بن‌بست رسیده بود، روز هشتم اکتبر ۲۰۲۵ نخستین گام از طرحی امضا شد که می‌تواند سرنوشت غزه و شاید منطق سیاست خاورمیانه را دگرگون کند. مرحله نخست طرح صلح غزه با میانجیگری ایالات متحده و همکاری مصر و قطر، بر سه محور ساده اما سرنوشت‌ساز استوار است: آتش‌بس فوری، آزادی گروگان‌ها و باز شدن مسیر کمک‌های انسانی.

در ظاهر، این توافق تنها یک توقف موقت درگیری‌هاست، اما در بطن خود معادله‌ای بسیار عمیق‌تر را رقم می‌زند. این طرح نه شعاری است، نه وعده‌ای توخالی برای «صلح نهایی»، بلکه نقشه‌ای مرحله به مرحله است که منطق آن بیش از هر چیز به تفکر مدیریت بحران و برنامه‌ریزی تکنوکراتیک شباهت دارد.

حماس در این توافق ناچار شده است تنها کارت واقعی خود را رو کند: گروگان‌ها. ابزاری که ماه‌ها وسیله معامله و بقای سیاسی‌اش بود. با آزادی آنان، حماس تقریباً همه سرمایه چانه‌زنی خود را از دست می‌دهد. آنهم در حالی که تونل‌ها و زیرساخت‌های نظامی‌اش نابود شده‌اند، منابع مالی‌اش قطع شده، و محبوبیت‌اش میان اکثریت مردم غزه و بخش مهمی از افکار عمومی عربی سقوط کرده است. در صحنه جهانی نیز، پس از رویدادهای ۷ اکتبر ۲۰۲۳، همدلی گسترده‌ای که با اوضاع فلاکت‌ناپذیر مردم غزه وجود دارد، از حماس جدا شده است.

وزارت خزانهداری ایالات متحده چند شرکت چینی و آمریکایی را به دلیل همکاری با جمهوری اسلامی تحریم کرد



رومایی از پهپادهای انتحاری سپاه پاسداران و حمل آنها پشت وانت‌های تویوتا

اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی «قادر به بی‌اثر کردن هر تهدیدی» در خلیج فارس و دریای عمان هستند.

واقعی یا «روانی»؟!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

● دولت آمریکا بیش از ۲۰ شرکت در چین، ترکیه و امارات متحده عربی و همچنین چند شرکت زیرمجموعه یک شرکت تراشه‌سازی آمریکایی را به اتهام حمایت غیرقانونی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن تحریم کرد.

● بر اساس گزارش وزارت خزانهداری آمریکا دو شرکت زیرمجموعه شرکت آمریکایی «ارو الکترونیکس» که در چین و هنگ‌کنگ مستقرند، در فهرست موسوم به «نهادهای تحت تحریم» قرار گرفته‌اند. دلیل این اقدام، نقش آنها در تسهیل خرید فناوری‌های آمریکایی برای نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی عنوان شده است.

● جان هوریگان سخنگوی شرکت «ارو»، اعلام کرد که فعالیت این شرکت‌ها کاملاً مطابق با مقررات کنترل صادرات آمریکا بوده و شرکت در حال گفتگو با اداره صنعت و امنیت وزارت برای رفع این ابهام است.

به گزارش رویترز، دولت آمریکا بیش از ۲۰ شرکت در چین، ترکیه و امارات متحده عربی و همچنین چند شرکت زیرمجموعه یک شرکت تراشه‌سازی آمریکایی را به اتهام حمایت غیرقانونی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن تحریم کرد.

بر اساس گزارش وزارت خزانهداری آمریکا دو شرکت زیرمجموعه شرکت آمریکایی «ارو الکترونیکس» که در چین و هنگ‌کنگ مستقرند، در فهرست موسوم به «نهادهای تحت تحریم» قرار گرفته‌اند. دلیل این اقدام، نقش آنها در تسهیل خرید فناوری‌های آمریکایی برای نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی عنوان شده است.

قرار گرفتن نام شرکت‌های آمریکایی در این فهرست اقدامی کم‌سابقه به شمار می‌رود.

جان هوریگان سخنگوی شرکت «ارو»، اعلام کرد که فعالیت این شرکت‌ها کاملاً مطابق با مقررات کنترل صادرات آمریکا بوده و شرکت در حال گفتگو با اداره صنعت و امنیت وزارت برای رفع این ابهام است.

بر اساس اعلام اداره صنعت و امنیت که مسئول نظارت بر صادرات است، در مجموع ۲۶ شرکت و سه نشانی جدید به فهرست تحریم‌ها افزوده شده‌اند. شرکت‌های آمریکایی بدون مجوز دولت اجازه فروش کالا یا فناوری به این نهادها را ندارند و طبق بیانیه رسمی، درخواست‌های صادراتی مرتبط به دلایل امنیت ملی به احتمال زیاد رد خواهند شد.

وزارت خزانهداری آمریکا اعلام کرد که تحریم اخیر پس از کشف قطعات الکترونیک ساخت آمریکا در لاشه پهپادهای مورد استفاده نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۷ و همچنین در پهپادهای حماس که پس از حمله ۷ اکتبر دو سال پیش توسط ارتش اسرائیل بازیابی شدند، اعمال شده است.

پیشتر شبکه «المیادین» وابسته به حزب‌الله لبنان گزارش داده بود که در روزهای اخیر نشانه‌هایی از آماده شدن آمریکا برای متوقف کردن کشتی‌های مرتبط با جمهوری اسلامی، به دلیل بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، مشاهده شده است.

این منابع ادعا کرده بودند که سپاه پاسداران انقلاب

«۵۳ اکانت» و «پژوهش» برای روایت‌سازی و جعل واقعیت؛ با پشتیبانان واقعی چه می‌کنید؟!



شاهزاده رضا پهلوی در میان جوانان آسیب‌دیده در اعتراضات / نشست «همکاری ملی برای نجات ایران» / مونیخ / شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵ / ۴ مرداد ۱۴۰۴

اسرائیلی را، از تهدید علیه رژیم آیت‌الله گرفته تا ستایش از پسر تبعیدی شاه، بازنشر می‌کنند؟» هدف مقاله با این جملات از همان آغاز مشخص می‌شود. در مطلبی که اکنون می‌خوانید، تلاش‌ها و نیرنگ‌های مجازی دولت‌ها و کمپین‌های سایبری برای تأثیر بر افکار عمومی نفی و انکار می‌شود بلکه مطالب «هاآرتص» و گزارش «سیتیزن لب» (آزمایشگاه شهروندی) مورد نقد قرار می‌گیرند چراکه آشکارا بطور هدفمند به تبلیغ روایت‌های جعلی و دروغی پرداخته‌اند که نه تنها علیه مبارزات و تمایلات مردم ایران برای تغییر رژیم و به سود و منطبق با منافع جمهوری اسلامی است، بلکه مهم‌تر از همه دستاویزی در اختیار دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم و محاکم مرگ برای بازداشت و اعدام بیشتر شهروندان ایران قرار می‌دهند.

تحقیق یا کمپین ضد وزیر اسرائیلی؟!

نویسنده در مقاله هفتم اوت همچنین به یک ویدئو اشاره می‌کند که گاملیل آن را در حساب کاربری خود در ایکس منتشر کرده بود و می‌نویسد: «کمتر از یک هفته پس از پایان جنگ بین اسرائیل و [جمهوری اسلامی] ایران، وزیر نوآوری، علوم و فناوری، ویدئویی غیرمعمول در حساب X خود منتشر کرد که بازخورد زیادی داشت. این کلیپ که با هوش مصنوعی تهیه شده با عنوان «سال آینده در تهران آزاد» آغاز می‌شود و نخست وزیر بنیامین نتانیاهو و همسرش را همراه با گاملیل و شریک زندگی‌اش، و رضا پهلوی پسر تبعیدی محمدرضا پهلوی شاه مخلوع ایران و همسرش را نشان می‌دهد که قدم‌زنان در خیابان‌های تهران با صدای موسیقی ایرانی لبخند می‌زنند.»

خبرنگار «هاآرتص» که آنطور که از نوشته‌اش بر می‌آید از این ویدئو بسیار ناراحت است، این اقدام را به یک «کارزار

رسانه‌های اجتماعی دیگر مخاطبان به مراتب کمتری دارد. قابل توجه اینکه برخی از این اکانت‌ها به سود جمهوری اسلامی و مقاماتش پست گذاشته‌اند! برخی شعار «زن زندگی آزادی» می‌دهند و برخی نیز از طرفداران «آرمان فلسطین» و «غزه» هستند!

● یک ادعای عجیب نویسندگان «سیتیزن لب» اینست که حتا اخبار مداوم مربوط به کمبود و آب و برق را به همین شبکه جعلی نسبت می‌دهند و می‌نویسند: «این شبکه همچنان بطور مداوم در مورد بحران آب و کمبود انرژی پست می‌گذارد، که احتمالاً تلاشی برای تشدید تنش‌ها بین شهروندان ایرانی و حکومت‌شان است.» این نویسندگان اگر به رسانه‌ها و سخنان کارشناسان داخل ایران نیز سر می‌زدند می‌دیدند که روزانه چقدر مطلب درباره این بحران‌ها و کمبودها منتشر می‌شود!

● در حالی که مقامات خود رژیم نیز مخالفت‌ها را «اغتاش» اما دست‌کم واقعی می‌دانند، اما گزارش «سیتیزن لب» مخالفت‌ها را مجازی و تحریک به «اغتاش» از طریق فضای مجازی می‌داند!

الاهه بقرط -روزنامه «هاآرتص» (به معنی سرزمین) پیشتر در هفتم اوت ۲۰۲۵ مقاله‌ای به قلم یکی از خبرنگارانش منتشر کرده بود که در آن به «شبکه‌ای از حساب‌های کاربری ایکس» پرداخته شده بود که به ادعای نویسنده در حال تقویت یک وزیر اسرائیلی هستند. منظور گیلا گاملیل وزیر اطلاعات سابق اسرائیل و وزیر علوم و نوآوری و فناوری کنونی آن کشور است. این خبرنگار نوشته بود: «به نظر می‌رسد که این فعالیت یک کارزار نفوذ خارجی باشد.» در این مقاله از جمله پرسیده شده بود: «چه کسی پشت حساب‌هایی قرار دارد که پست‌های گیلا گاملیل وزیر

● در مطلبی که می‌خوانید، کارزارهای مجازی دولت‌ها و کمپین‌های سایبری برای تأثیر بر افکار عمومی نفی می‌شود بلکه مطالب «هاآرتص» و گزارش «سیتیزن لب» مورد نقد قرار می‌گیرند چرا که بطور هدفمند به تبلیغ روایت‌های جعلی و دروغ پرداخته‌اند.

● نویسندگان «هاآرتص» با استناد به گزارش «سیتیزن لب» و با اشاره به سفر شاهزاده رضا پهلوی در آوریل سال ۲۰۲۳ به اسرائیل و نقش گیلا گاملیل مدعی می‌شوند که «کمپین‌های آنلاین فارسی بطور غیرمستقیم توسط اسرائیل تأمین مالی می‌شوند.» آنهم در حالی که در گزارش «سیتیزن لب» یک کلمه از پهلوی و وزیر اسرائیلی نامی برده نشده است! این ادعای «هاآرتص» در واقع تهیه خوراک برای دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم و دادگاه‌های مرگ جمهوری اسلامی علیه زندانیان و مخالفانی است که به اتهام «جاسوسی» اعدام می‌شوند.

● هر دو گزارش هزاران پیام از شهروندان حقیقی و شعارهای مردم در اعتراضات و ویدئوهای واقعی و خبرهای موثق توسط رسانه‌ها و حتا اعتراضات خود مقامات رژیم و هزاران دستگیری و زندان و اعدام و قتل مخالفان آنهم نه در جنگ ۱۲ روزه و پس از آن، بلکه طی ده سال گذشته، یعنی دست‌کم از سال ۱۳۹۵ به اینسو، را انکار می‌کنند و به کمپینی ربط می‌دهند که به گفته‌ی آنها تازه از سال ۲۰۲۳ آنهم توسط فقط ۵۳ اکانت به راه افتاده است! اگر خود این ادعا، یک کمپین تنها ضد پهلوی و ضد مبارزات ملت ایران و به سود جمهوری اسلامی نیست، پس چیست؟!

● قابل توجه اینکه تمامی این جنجال از جمله از سوی برخی رسانه‌های فارسی‌زبان بر سر فقط ۵۳ اکانت است! نه ۱۰۰ یا ۵۰۰ یا ۵۰۰۰ و پنجاه هزار بلکه فقط ۵۳ اکانت! آنهم فقط در ایکس که بین کاربران ایرانی نسبت به

➔ خارجی برای نفوذ» ربط می‌دهد. نگاهی به مطالب این خبرنگار در این روزنامه اسرائیلی مواضع وی را درباره مسائل کشور و خاورمیانه و غرب بیشتر مشخص می‌کند. دو ماه بعد در اکتبر، «هآرتص» مطلب دیگری در ارتباط با همین موضوع منتشر کند که این روزها مورد بحث برخی رسانه‌های «فارسی‌زبان» و کاربران ایرانی در رسانه‌های اجتماعی قرار گرفته است. این مطلب که می‌گوید با استناد به تحقیقات خود «هآرتص» و بخش اقتصادی همین روزنامه (TheMarker) و همچنین گزارش «سیتیزن لب» تهیه شده، تمام توجه خود را مانند مقاله ماه اوت علیه شاهزاده رضا پهلوی و گیلا گاملیل متمرکز کرده آنهم در حالی که در گزارش «سیتیزن لب» هیچ اسمی از آنها برده نشده است.

آیا کسی مخالف ضرورت دوستی ایران و اسرائیل است؟! همه می‌دانند که گیلا گاملیل میزبان شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین و هیئت همراه در آوریل ۲۰۲۳ بود. این سفر تابوی رابطه با اسرائیل را در برقراری مناسبات عادی و همچنین دوستانه با این کشور عضو سازمان ملل، همانگونه که تا پیش از سال ۱۳۵۷ و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی برقرار بود، شکست.

هم پهلوی‌ها و هم بخشی از مقامات و شخصیت‌های اسرائیلی از جمله گیلا گاملیل (گذشته از مردم عادی و کشور که به هر شکلی و به فراوانی در این مورد اظهار نظر و از این مناسبات استقبال می‌کنند) نه تنها رابطه دوستانه خود را پنهان نکرده‌اند بلکه درباره آن بارها گفته و نوشته‌اند و آرزوی خود را برای آینده‌ای که در آن دو ملت ایران و اسرائیل در دوستی و مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در کنار هم به همزیستی و صلح زندگی کنند بیان کرده‌اند. شاهزاده رضا پهلوی در تمامی نشست‌های سال‌های اخیر چشم‌انداز سیاست خارجی ایران آینده را در منطقه و جهان در چارچوب مناسبات عادی و دوستانه با تمام کشورها از جمله اسرائیل و آمریکا ترسیم کرده است. آیا این سیاست که جهان برای برقراری صلح در منطقه به آن نیازمند است، مورد مناقشه «هآرتص» و برخی رسانه‌های «فارسی‌زبان» و بعضی دیگر است که در این مورد به اظهارات مغرضانه و «کشف رمز» پرداخته‌اند؟! آیا کسی مخالف روابط عادی و همچنین دوستانه ایران و اسرائیل است، که با جمهوری اسلامی هرگز اتفاق نخواهد افتاد؟

آن ویدئویی که گیلا گاملیل در حساب کاربری خود منتشر کرده و خبرنگار «هآرتص» آن را «غیرمعمول» توصیف نموده نیز چیزی جز بیان این سیاست و آرزوی همزیستی بین دو کشور نیست و با توجه به اقبالی که نسبت به اسرائیل در افکار عمومی ایران طی سال‌های گذشته شکل گرفته و همچنین جایگاه پهلوی‌ها در جامعه ایران، طبیعی است که هر ویدئو و اظهار نظری در حمایت از ایران آزاد و آباد آینده و دوستی با کشورهای منطقه و جهان از جمله و به ویژه با اسرائیل که پهلوی منادی آن است با «لایک» و باز نشر حامیان این سیاست روبرو شود! برای این کار اصلاً نیازی به راه انداختن کارزار آنهم توسط «نیروی خارجی» و یا «نفوذ» نیست! این موضع را خود جمهوری اسلامی بیش از هر «دولت خارجی» در جامعه ایران تقویت کرده است!

«هآرتص» و نویسندگانش و همچنین «سیتیزن لب» که مشخصات اکانت‌های مورد نظر را منتشر نیز کرده، باید بدانند که این «اتهام» درست مانند پرورده‌سازی‌های جمهوری اسلامی در خدمت سرکوب و اعدام فعالان سیاسی و اجتماعی در ایران و ترور آنها در خارج کشور قرار دارد. آنها می‌بایست پاسخگوی این تبلیغات مغرضانه و همدستی

خود با دادگاه‌های انقلاب و دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم ایران در تهیه خوراک برای آنها باشند.

سوء استفاده از فضای مجازی برای تأثیر بر افکار عمومی
البته استفاده از فضای مجازی با اکانت‌های جعلی و انتشار ضداطلاعات برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و رویدادهای کشورهای مختلف، از انتخابات تا جنگ، دیگر موضوع جدیدی نیست. به ویژه کشورهای غیردموکراتیک در این زمینه بسیار فعال هستند و گزارش‌های مستند زیادی در ارتباط با فعالیت‌های جعلی در این زمینه منتشر شده که در اینترنت در دسترس‌اند.

علاوه بر دولت‌ها و دستگاه‌های امنیتی، گروه‌های غیردولتی و اپوزیسیون‌ها و همچنین دستجات تبهکار و گروه‌های فشار و سودجو و هکرهای باج‌گیر نیز در این زمینه به شدت فعال‌اند. ولی در رابطه با جمهوری اسلامی و مناسبات ایران و اسرائیل که بخش مهمی از افکار عمومی دو کشور به خاطر صلح و همزیستی از آن دفاع می‌کنند، به نظر نمی‌رسد که نیازی به هیچ فعالیت سازمانیافته‌ی متکی بر جعل و دروغ باشد! آنهم در حالی که با اینهمه مسائل بین‌المللی، رابطه ایران و اسرائیل بخش نسبتاً کوچکی از مشکلات سیاست جهانی را تشکیل می‌دهد و کارزاری که ادعا شده به زبان «فارسی و انگلیسی و آلمانی» پیش برده می‌شود، معلوم نیست از یکسو چه سطح از افکار عمومی جهان را پوشش داده و تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر، چرا دولت‌های خارجی و قدرتمند می‌بایست سیاست‌های خود را بر اساس بازخوردهای فضای مجازی که قابل اتکا نیستند، تنظیم و تدوین کنند! آنها رویدادها را بر اساس گزارش‌های سفارتخانه‌ها و مأموران پیدا و پنهان و آنچه در واقعیت جامعه و خیابان‌ها جریان دارد، رصد می‌کنند و قطعا بر اساس نظرات اکانت‌های ناشناس در «ایکس»، آنهم فقط ۵۳ تا، تصمیم نمی‌گیرند!

البته باید توجه داشت که بخشی از این نوع گزارش‌ها درواقع بیش از آنکه به ایران و پهلوی مربوط باشد، به رقابت‌های سیاسی داخلی خود اسرائیل و علیه دولت نتانیاهو و وزیرانش مربوط می‌شود.

خوراک برای جمهوری اسلامی توسط «هآرتص» و «سیتیزن لب»

کمی بعد از مقاله‌ی هفتم اوت، «هآرتص» مطلب دیگری در سوم اکتبر به قلم دو خبرنگار دیگرش با عنوان «عملیات نفوذ اسرائیل در ایران برای بازگرداندن سلطنت شاه» منتشر کرد. مقاله قبلی فقط با عکس گیلا گاملیل بود و این مقاله عکسی از شاهزاده را نیز به عکس وی اضافه کرده و در کنارش با یک موضع سیاسی مشخص نوشته شده است: «گیلا گاملیل و رضا پهلوی؛ بر چه اساسی فرض می‌شود که او نماینده مردم ایران است؟» این مقاله نیز از همان اول با این عبارت هدف خود را لو می‌دهد.

در مطلب اول، پشت سر گیلا گاملیل وزیر اسرائیلی سرهای سیاه بی پرچم و یا با پرچم جمهوری اسلامی همراه با یک «ایکس» بزرگ دیده می‌شد. اینبار و در مطلب دوم پشت سر وی و شاهزاده پوستری از علی خامنه‌ای که دست خود را رو به طرفدارانش بلند کرده با عبارت «السلام و علیک یا ابا عبدالله» با اعداد مربوط به «لایک» و باز نشر و «کامنت» دیده می‌شود!

چنانکه گفته شد، نویسندگان این مقاله به مطلبی از «سیتیزن لب» استناد کرده‌اند که گویا دریافته «یک شبکه آنلاین در جریان حملات هوایی اسرائیل به زندان اوین تهران، ویدیوهای دیپ‌فیک منتشر می‌کرده است.» «سیتیزن

لب» (آزمایشگاه شهروندی) یک مرکز تحقیقاتی وابسته به دانشگاه تورنتو در کانادا است که در ارتباط با مسائل حقوق بشری، مسائل امنیتی جهان و فناوری دیجیتال فعالیت می‌کند. با گردانندگان آن می‌توانید در وبسایت آن بیشتر آشنا شوید.

عنوان گزارش بسیار طولانی «سیتیزن لب» که از همان تیتیر خود به نفی و انکار اعتراضات و تظاهرات جامعه ایران می‌پردازد چنین است: «ما می‌گوییم که شما خواهان انقلاب هستید؛ فرار از زندان؛ یک عملیات نفوذ با هوش مصنوعی با هدف سرنگونی رژیم ایران.»

به نکاتی در این مطلب پایین‌تر پرداخته خواهد شد اما نویسندگان «هآرتص» با استناد به این گزارش و با اشاره به سفر شاهزاده رضا پهلوی در آوریل سال ۲۰۲۳ به اسرائیل و نقش گیلا گاملیل مدعی می‌شوند که «کمپین‌های آنلاین فارسی بطور غیرمستقیم توسط اسرائیل تأمین مالی می‌شوند.» آنهم در حالی که در گزارش «سیتیزن لب» یک کلمه از پهلوی و وزیر اسرائیلی نامی برده نشده است! این ادعای خبرنگاران «هآرتص» درواقع تهیه خوراک برای دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم و دادگاه‌های مرگ جمهوری اسلامی علیه زندانیان و مخالفانی است که به اتهام «جاسوسی» اعدام می‌شوند و یا احکام سنگین زندان علیه آنها صادر می‌شود. اساساً این مقالات با اندکی حذف و تغییر همگی قابل انتشار از سوی نهادهای امنیتی و رسانه‌های جمهوری اسلامی هستند.

ادعاهای بدون سند و مدرک

نویسندگان «هآرتص» در مقاله سوم اکتبر با اشاره به مصاحبه‌های شاهزاده طی سفرش به اسرائیل می‌نویسند که او در پاسخ به این پرسش که چه واکنش‌هایی از این سفر از عموم دریافت کرده، خبرنگاران را به حساب‌های کاربری خود در رسانه‌های اجتماعی ارجاع داد و گفت: «اگر حرف مرا قبول ندارید در شبکه‌های اجتماعی جستجو کنید... جواب در برابر چشم شماست.» نویسندگان با همین پاسخ به سادگی نتیجه می‌گیرند: «این پاسخ پهلوی به ویژه بر اساس یافته‌های هآرتص و روزنامه اقتصادی همین نشریه (TheMarker) قابل توجه است. مشخص شد که یک کمپین نفوذ دیجیتال در مقیاس بزرگ به زبان فارسی فعال بوده که از اسرائیل هدایت می‌شده و توسط یک نهاد خصوصی که از حمایت دولتی برخوردار است، تأمین مالی می‌شود.» به چه دلیل به این نتیجه رسیدند؟! با کدام سند و مدرک؟! نویسندگان جز همان پاسخ شاهزاده که ارجاع به استقبال عمومی در شبکه‌های اجتماعی است که اکثریت آنها اسم و رسم واقعی دارند، چیزی ارائه نمی‌دهند و می‌خواهند که مخاطبان همین که آنها نوشته‌اند «بر اساس یافته‌های هآرتص»، آن را باور کنند!

آنها همچنین ادعا می‌کنند که «این کمپین تصویر عمومی پهلوی را ارتقا می‌دهد و درخواست‌ها برای بازگرداندن سلطنت را تقویت می‌کند. این کمپین بر پروفایل‌ها و شخصیت‌های جعلی آنلاین متکی است که خود را شهروندان ایرانی جا می‌زنند.» بخش اول این حرف در مورد خواست عمومی جامعه ایران بدون این اکانت‌ها و این کمپین نیز درست است اما بخش دوم جعل واقعیت و دروغ است که باز هم بدون سند و مدرک ادعا می‌شود. این ادعا هزاران پیام از شهروندان حقیقی و شعارهای مردم در اعتراضات و ویدئوهای واقعی و خرابی‌های موثق توسط رسانه‌ها و حتا اعترافات خود مقامات رژیم و هزاران دستگیری و زندان و اعدام و قتل مخالفان آنهم نه در جنگ ۱۲ روزه و پس از آن، بلکه طی ده سال گذشته، یعنی دست‌کم از سال ۱۳۹۵

نیز «به دنبال تشدید این تنش‌ها بین شهروندان ایرانی و حکومت‌شان» هستند؟! همین موضوع یکی از نکاتی است که گزارش و مقاله هم «سیتیزن لب» و هم «هاآرتص» را به شدت مشکوک و با هدف تبلیغ علیه اسرائیل و ایران و مردم و پهلوی و به سود جمهوری اسلامی نشان می‌دهد.

گذشته از تیتیر گزارش «سیتیزن لب» که منکر خواست تغییر رژیم توسط جامعه ایران است، نویسندگان در آغاز گزارش «یافته‌های کلیدی» خود را آورده‌اند که همین یافته‌ها نیز به روشنی خط و هدف سیاسی آن را مشخص می‌کند: مخالفت علیه جمهوری اسلامی یک واقعیت نیست بلکه «تحریک علیه جمهوری اسلامی» توسط «عملیات نفوذ» با استفاده از اکانت‌های جعلی و هوش مصنوعی است! این در حالیست که مقامات خود رژیم نیز مخالفت‌ها را «اغتشاش» اما دست‌کم واقعی می‌دانند! این گزارش اما فراتر از آنها رفته و اعتراضات را مجازی و تحریک به «اغتشاش» از طریق فضای آنلاین می‌داند!

«یافته‌های کلیدی» که «سیتیزن لب» در آغاز گزارش خود آورده عبارتند از:
* یک شبکه هماهنگ متشکل از بیش از ۵۰ پروفایل غیرمعتبر ایکس [۵۳ اکانت] در حال انجام یک عملیات نفوذ با استفاده از هوش مصنوعی است. این شبکه که ما آن را «فرار از زندان» می‌نامیم روایت‌هایی را منتشر می‌کند که مخاطبان ایرانی را به شورش علیه جمهوری اسلامی ایران تحریک می‌کند.

* در حالی که این شبکه در سال ۲۰۲۳ ایجاد شد، تقریباً تمام فعالیت‌های آن از ژانویه ۲۰۲۵ آغاز شد و تا امروز ادامه دارد.

* به نظر می‌رسد فعالیت این پروفایل‌ها، حداقل تا حدی، با عملیات نظامی که نیروهای دفاعی اسرائیل علیه اهدافی در ایران در ژوئن ۲۰۲۵ انجام دادند، هماهنگ بوده است.
* در حالی که به نظر می‌رسد ارتباطات ارگانیک با محتوای این شبکه محدود است، برخی از پست‌ها ده‌ها هزار بازدید داشته‌اند. این عملیات، چنین پست‌هایی را در جوامع عمومی بزرگ در X منتشر کرده و احتمالاً هزینه تبلیغ آنها را نیز پرداخت کرده است.

* پس از بررسی سیستماتیک توضیحات آلترناتیو، ارزیابی ما نشان می‌دهد فرضیه‌ای که بیشترین تطابق را با شواهد موجود دارد، اینست که یک آژانس غیرقابل شناسایی مربوط به دولت اسرائیل یا یک واسطه فرعی که تحت نظارت دقیق آن کار می‌کند، مستقیماً این عملیات را انجام می‌دهد.
[توجه کنید: همه‌اش «به نظر می‌رسد» و «احتمالاً» و «فرضیه» بر اساس «مشاهدات» و «شواهد» نویسندگان است؛ از سند و مدرک خبری نیست!]

قابل توجه اینکه یک مرور کوتاه بر این اکانت‌ها نشان می‌دهد که برخی از آنها به سود جمهوری اسلامی و مقامات پست گذاشته‌اند! برخی شعار «زن زندگی آزادی» می‌دهند و برخی نیز از طرفداران «آرمان فلسطین» و «غزه» هستند! برخی به توصیه‌های مربوط به مسائل زناشویی می‌پردازند و بعضی نیز درباره ته‌دیگ و قورمه‌سبزی پست می‌گذارند و یا جملات احساساتی و کلمات قصار درباره جدایی و اندوه و غیره می‌نویسند.

تشخیص جعل و مستعار

در عین حال نویسندگان گزارش هربار درباره مثلا ویدئوهایی که صحت آنها را مورد تردید قرار می‌دهند، می‌نویسند: «ما نمی‌توانیم صحت هیچیک از ویدئوها را تأیید کنیم و ممکن است برخی از آنها توسط هوش مصنوعی تولید شده باشند.» پس ادعای «دیپ فیک» ←

«سیتیزن لب» نام کاربری این اکانت‌ها را نیز با نمونه‌هایی از پست‌های آنها منتشر کرده است. صاحبان این اکانت‌ها اگر مطابق آنچه در این گزارش ادعا شده، جعلی نباشند، آیا می‌توانند دعوی حقوقی مطرح کنند؟

March 2023	ahmadsafaei789	1
September 2023	aliasia45	2
August 2023	amirhosstav	3
August 2023	Amirifer	4
September 2023	armantharman	5
August 2023	Arshfrah	6
September 2023	azad leylaas	7
August 2023	DoustMehmans	8
April 2023	Eldeminareza	9
September 2023	Fatemehaazar	10
March 2023	Fatemehmavi6	11
March 2023	fereshteh5588	12
August 2023	feridounazari	13
April 2023	firoz_soltani	14
April 2023	hadirrezvani7	15
August 2023	hamidshahr6	16
April 2023	hokaseri	17
April 2023	iamramhei	18
April 2023	jamsheidrezvani	19
June 2023	kamrezi	20
February 2023	KarNiloufar	21
August 2023	kavehhamme	22
March 2023	lalehfarah	23
December 2023	leila_farhadi	24
August 2023	leyla_zare	25
August 2023	LeylaLeylaebra	26
August 2023	mahjabbari	27
August 2023	masoudfarhadi	28
February 2023	mehdim156	29
April 2023	mihoss6	30
September 2023	moharezjavan	31
September 2023	nadiazazz	32
August 2023	Nedakkhal	33
August 2023	Nimassshahbaz	34
February 2025	NPiruzi	35
August 2023	odelia69986	36
August 2023	omid_hosseini2	37
August 2023	Parvaneh81179	38
May 2023	persiancat4587	39
August 2023	ranataabrizi	40
August 2023	Re8Ali	41
April 2023	royareads	42
May 2023	sarafefee	43
May 2023	Sepideh7895	44
August 2023	ShahinRmez	45
August 2023	ShandiKeik2394	46
September 2023	shayanpoahm	47
August 2023	sshahriyaresfah	48
April 2023	vafa4587	49
August 2023	YasamanZamni	50
September 2023	zahara_aminpour	51
August 2023	Zahrashahb55	52
September 2023	zarabithegr8	53

یک ادعای عجیب در این گزارش اینست که نویسندگان ش تا اخبار مداوم مربوط به کمبود و آب و برق را به همین شبکه جعلی و کمپین «فرار از زندان» و نسبت می‌دهند! آنها می‌نویسند: «بحران آب و کمبود انرژی پس از جنگ دوازده روزه، زندگی را برای ایرانیان بطور فراینده‌ای دشوار کرد. به نظر می‌رسد که این شبکه با ایجاد و به اشتراک گذاشتن محتوای مربوط به این مسائل، به دنبال تشدید این تنش‌ها بوده است. در زمان نگارش این گزارش، این شبکه همچنان بطور مداوم در مورد بحران آب و کمبود انرژی پست می‌گذارد، که احتمالاً تلاشی برای تشدید تنش‌ها بین شهروندان ایرانی و حکومت‌شان است.» و بعد عکس دو نمونه را می‌گذارد!

این نویسندگان اگر به رسانه‌ها و سخنان کارشناسان داخل ایران نیز سر می‌زدند می‌دیدند که روزانه چقدر مطلب درباره این بحران‌ها و کمبودها منتشر می‌شود! آیا آنها

به اینسو، را انکار می‌کند و به کمپینی ربط می‌دهد که به گفته‌ی آنان تازه از سال ۲۰۲۳ آنهم توسط فقط ۵۳ اکانت به راه افتاده است! اگر خود این ادعا، یک کمپین تنها ضد پهلوی و ضد مبارزات ملت ایران و به سود جمهوری اسلامی نیست، پس چیست؟!

گزارش طولانی و چند ده صفحه‌ای «سیتیزن لب» اتفاقاً همزمان با تحقیقات «هاآرتص» در دوم اکتبر منتشر شده. این نویسندگان هم «فاش» کرده‌اند که کمپین مربوطه شامل ده‌ها حساب جعلی است که محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی را منتشر می‌کردند که «به احتمال زیاد» توسط دولت اسرائیل یا توسط یک واسطه که از طرف آن عمل می‌کند، اداره می‌شود.

گزارش این محققان نیز بر اساس مشاهدات و تعبیر و تفسیر خودشان و بدون سند و مدرک است: مثلاً هماهنگی بین محتوای کمپین آنلاین و اقدامات نظامی اسرائیل در طول جنگ ۱۲ روزه! سند؟ مدرک؟ چیزی ارائه نمی‌شود و همه‌اش «احتمال» و «احتمال زیاد» و «به نظر می‌رسد» است! ولی آیا خیلی عجیب است که در یک جنگ در هر جایی ناگهان همه اکانت‌ها اعم از جعلی و غیرجعلی در ارتباط با آن و به سود یکی از طرفین فعال شوند؟!

آیا عجیب است که دولت‌ها بخواهند از طریق اکانت‌های فیک بر افکار عمومی به سود خود تأثیر بگذارند؟!

چرا چنین چیزی در مورد اسرائیل و جمهوری اسلامی و مخالفانش، آنهم صرفاً شاهزاده رضا پهلوی و نه دیگر مخالفان، ناگهان به چنان موضوع جنجالی برای چند رسانه فارسی‌زبان و ابواب جمعی معروف آنها تبدیل می‌شود؟!

پاسخ روشن است! همانکه علی‌خامنه‌ای در سخنرانی‌های چند سال گذشته مرتب از هراس آن سخن گفته و در یکی از سخنرانی‌های اخیرش صریح‌تر از همیشه درباره‌اش حرف زده است؛ یکبار در ۱۴ خرداد به مناسبت سالمرگ خمینی و اندکی پیش از جنگ ۱۲ روزه که از انقلاب فرانسه و بازگشت سلطنت حرف زد و بار دیگر در ۲ شهریور که در مراسم عزاداری مرگ امام هشتم شیعیان از نشست «عوامل آمریکا» در یک «پایتخت اروپایی» گفت و مدعی شد که آنها بر سر این صحبت کردند که «حالا بعد از جمهوری اسلامی کدام حکومتی و چگونه حکومتی بر ایران حکومت کند، پادشاه هم معین کردند، شاه هم معین کردند، فلان کس پادشاه ایران بشود.» و بعد افزود: «در بین این جمع ابلیهی که نشستند که جایگزین برای جمهوری اسلامی در ایران پیدا کنند، یک ایرانی هم بود، خاک بر سر آن ایرانی!»

چند اکانت؟ فقط ۵۳ تا؛ از «زن زندگی آزادی» تا «ته‌دیگ»! آنهم «احتمالاً»!

قابل توجه اینکه تمامی این جنجال از جمله از سوی برخی رسانه‌های فارسی‌زبان بر سر فقط ۵۳ اکانت است! نه ۱۰۰ یا ۵۰۰ یا ۵۰۰۰ و پنجاه هزار بلکه فقط ۵۳ اکانت! آنهم فقط در ایکس که بین کاربران ایرانی نسبت به رسانه‌های اجتماعی دیگر مخاطبان به مراتب کمتری دارد.

اساساً چرا چنین موضوعی بر اساس فقط ۵۳ اکانت می‌بایست مورد توجه عده‌ای پژوهشگر یک دانشگاه کانادایی قرار بگیرد که با وجود مطرح کردن «متدولوژی» و «روش تحقیق» خود در این گزارش، اما جملاتشان در ارتباط با «جعلی» و سازمانیافته بودن و ارتباط این اکانت‌ها با کمپینی از سوی یک «دولت خارجی»، پر است از عدم قطعیت و عباراتی مانند «به نظر می‌رسد» و «احتمالاً» و «به احتمال زیاد»؟! آیا خود این گزارش «به نظر نمی‌رسد» که «احتمالاً» مشکوک و هدفمند و به سفارش یک «دولت خارجی» برای «نفوذ» در افکار عمومی تهیه شده باشد؟!

ماهواره «هدهد» قبل از جنگ ۱۲ روزه «فرمان ناخواسته گرفت و ارتباطش قطع شد»



پرتاب ماهواره هدهد

توسط ماهواره دریافت شد و بعد از آن ارتباط ما با ماهواره قطع شد و نتوانستیم با هدهد ارتباط برقرار کنیم.» او درباره ماهواره پرتاب شده دیگر به مدار زمین با نام «کوثر» نیز اعلام کرد این ماهواره نیز دچار مشکل شده و نمی‌تواند «عکس و تصویر» ارسال کند. مقامات جمهوری اسلامی آبان ۱۴۰۳ اعلام کرده بودند که دو ماهواره «کوثر» و «هدهد» توسط یک موشک روسی به فضا پرتاب شدند. گفته می‌شد این دو ماهواره به عنوان «نخستین ماهواره‌های ساخت بخش خصوصی» است. شهرابی که شرکت او مجری تولید این ماهواره‌ها بوده درباره مشکل آنها مدعی شد که «نقص فنی را احتمالاً می‌دانیم». وی اما افزود دو ابهام وجود دارد: «یکی تقارن این وضعیت با جنگ ۱۲ روزه که تقریباً دو هفته قبل از این جنگ، این اتفاق رخ داد و دوم اینکه قبل از این موضوع، ما یک فرمان خارج از سیستم هدایت دریافت کردیم.» او درباره اتفاق دوم اعلام کرد «قطعی است» که این فرمان از طرف ما صادر نشده است. ماهواره «هدهد» ۱۵ آبان ۱۴۰۴ با ماهواره روسی «سایوز» از پایگاه پرتاب «وستوچنی» به مدار ۵۰۰ درجه پرتاب شد. منابع اطلاعاتی غربی می‌گویند حکومت ایران در پوشش پرتاب ماهواره‌های تحقیقاتی و علمی موشک‌های بالستیک با بُرد بلند را آزمایش می‌کند.

برای تشدید تنش‌ها بین شهروندان ایرانی و حکومت‌شان است.» رسانه‌های داخلی وابسته به رژیم و سخنان مقاماتش پر از همین حرف‌های «هاآرتص» و «سیتیزن لب» است. در هر حال، به خبرنگاران و پژوهشگرانی که آنقدر در عقاید سیاسی و «احتمالا» منافع خود غرق شده‌اند که واقعیت و خشم و انزجار جامعه‌ی متلاطم ایران و خیزش‌های آن علیه جمهوری اسلامی و تلاش‌هایش برای تغییر رژیم و داشتن یک ایران آزاد و آباد را در همزیستی با منطقه و جهان با حمایت و رهبری شاهزاده رضا پهلوی نمی‌بینند، نمی‌توان اعتماد کرد و این بی‌اعتمادی بخش مهمی از جامعه ایرانی را در همان ساعات اولیه انتشار این مطالب و جنجال دستجات ضدپهلوی می‌توان به روشنی دید.

● حسین شهرابی مدیرعامل شرکت «امیدفضا» می‌گوید یکی از ماهواره‌های ارسالی به مدار زمین دو هفته قبل از آغاز جنگ ۱۲ روزه یک «فرمان ناخواسته» دریافت کرد و ارتباطش قطع شد.

● شهرابی ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴ در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا درباره ماهواره «هدهد» گفت: «تا دو هفته قبل از جنگ ۱۲ روزه همه چیز خوب بود... یکسری اتفاقاتی افتاد که متأسفانه فرمان ناخواسته خارج از مجموعه کنترل ماهواره توسط ماهواره دریافت شد و بعد از آن ارتباط ما با ماهواره قطع شد و نتوانستیم با هدهد ارتباط برقرار کنیم.»

● او درباره ماهواره پرتاب شده دیگر به مدار زمین با نام «کوثر» نیز اعلام کرد این ماهواره نیز دچار مشکل شده و نمی‌تواند «عکس و تصویر» ارسال کند.

حسین شهرابی مدیرعامل شرکت «امیدفضا» می‌گوید یکی از ماهواره‌های ارسالی به مدار زمین دو هفته قبل از آغاز جنگ ۱۲ روزه یک «فرمان ناخواسته» دریافت کرد و ارتباطش قطع شد.

شهرابی، ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴ در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا درباره ماهواره «هدهد» گفت: «تا دو هفته قبل از جنگ ۱۲ روزه همه چیز خوب بود... یکسری اتفاقاتی افتاد که متأسفانه فرمان ناخواسته خارج از مجموعه کنترل ماهواره

سال‌هاست علیه آنست منحرف کنند. همچنین بر اساس «مشاهدات»، نویسندگان مقاله‌ی سوم اکتبر «هاآرتص» با اینکه در گزارش طولانی «سیتیزن لب» هیچ حرفی از پهلوی و شاهزاده و شاه و گیلا گاملیل نیست، «به نظر می‌رسد» که «احتمالا» این گزارش را دستاویز عقاید سیاسی خود کرده و یا آنکه «احتمالا» آن را با تأمین مالی از «منابع احتمالی» و به سود جمهوری اسلامی منتشر کرده‌اند.

گذشته از همه اینها، تیت خود «سیتیزن لب» مبنی بر اینکه «ما می‌گوییم که شما انقلاب می‌خواهید!» یعنی مردم ایران و اینهمه اعتراضات سال‌های گذشته و شعارهایشان مانند «ایران را پس می‌گیریم» که از قلب ایران برخاسته، و نیز جان باختن عزیزانشان همگی هیچ است و «احتمالاً تلاشی

بر سر چیست وقتی نمی‌توانند درستی یا نادرستی آن را تأیید کنند؟! ضمن اینکه کم نیستند کاربرانی که نه فقط در میان ایرانیان بلکه در همه جای جهان گاهی ایده‌هایی در استفاده از ویدئوها و موسیقی و هوش مصنوعی و... به کار می‌برند که ممکن است ناپخته و یا غیرحرفه‌ای باشد. مثلاً استفاده از لوگو و فرم رسانه‌ها برای خبرهای مسخره یا دروغ و طنز. بدون اینکه جزو هیچ کمپینی باشند. آیا باید اینها را هم «احتمالا» جزو کمپین «سازمانیافته» از سوی یک «دولت خارجی» به حساب آورد؟!!

باید توجه داشت که خود پلتفرم‌ها از جمله «ایکس» هرچند وقت یکبار اکانت‌های جعلی و مشکوک و همچنین «بات‌ها» را که با نام‌های دروغین و تصاویر غیرواقعی فعال هستند، تصفیه می‌کنند و این را هر کاربری با کمی دقت می‌تواند از کم شدن دنبال‌کنندگان خود و یا ناپدید شدن آنهایی که بلاک کرده است متوجه شود. به این ترتیب اکانت‌های جعلی به آن مفهومی که این گزارش‌ها به آن پرداخته‌اند (و نه افرادی که با نام مستعار و به عاریت گرفته شده در فضای مجازی فعال هستند) معمولاً عمر طولانی ندارند و اگر کمپینی هم در کار باشد، مانند سایبری‌های خود جمهوری اسلامی و یا سایبری‌های گروه‌های مختلف از جمله ضدپهلوی‌ها، به دلیل تصفیه شدن متناوب توسط پلتفرم‌ها و یا بلاک شدن توسط خود کاربرها، باید هر بار اکانت‌های جعلی جدید بسازند.

واقعیتی که نیاز به کمپین ندارد

تغییر نگاه ایرانیان تحت تبلیغات جمهوری اسلامی به آنهایی که رژیم مرتب به عنوان «دشمن» معرفی کرده، به ویژه آمریکا و اسرائیل، سال‌هاست که تغییر کرده و ربطی به کمپین مجازی و آنلاین و جنگ ۱۲ روزه و هفتم اکتبر ندارد و بسیار قدیمی‌تر است و به سال‌هایی برمی‌گردد که بسیاری دیگر حاضر نشدند پرچم این دو کشور را لگد کنند. اکنون نیز هر مطلبی در ارتباط با دوستی ایران و اسرائیل و مخالفت و مقابله با جمهوری اسلامی صرف نظر از هر تأثیری که ممکن است بر مخاطبان اسرائیلی و یا کشورهای دیگر داشته باشد، در رسانه‌های اجتماعی با اقبال بسیاری از کاربران ایرانی مواجه می‌شود. آنها به اسرائیل برای حمایت از مردم ایران و ضربه زدن به جمهوری اسلامی و مقاماتش دست می‌ریزاد می‌گویند! به این ترتیب، اگر هدف این نوع مقالات و گزارش‌ها، ایرانیان هستند، نتیجه بجز جنجال برخی رسانه‌های ضداسرائیلی و ضد پهلوی برای پر کردن برنامه‌هایشان، درست برعکس انتظار نویسندگان و ناشران آنهاست و خوب است کسی این واقعیت را به گوش آنها برساند! اگرچه با توجه به اینکه از قرار معلوم رسانه‌های اجتماعی ایرانیان را رصد می‌کنند، بعید است از آن موضوع بی‌خبر باشند!

نتیجه: گزارش غیرقابل انکاری که ربطی به واقعیت و پژوهش علمی ندارد

اگر مبنای کار «تحقیقاتی» بر سر رویدادی واقعی مانند وجود یک کمپین، و نه مسائل تئوریک و نظری، بر «احتمالا» و «به نظر می‌رسد» و «فرضیه» و... بدون سند و مدرک باشد، پس می‌توان با توجه به شواهد موجود و محتوای مقالات «هاآرتص» و «سیتیزن لب» مدعی شد «به نظر می‌رسد» که «احتمالا» و چه بسا «به احتمال زیاد» دست‌اندرکاران خود این مطالب از سوی دولت‌های خارجی که خواهان بقای جمهوری اسلامی و دشمنی بین ایران و اسرائیل هستند «تأمین مالی» شده‌اند تا با اتکا به فقط «۵۳ اکانت» چنین مطالبی را بنویسند و توجه افکار عمومی را از موضوع اصلی یعنی جمهوری اسلامی و اینکه جامعه ایران

ویرانی خودساخته‌ی چپ ایران: از وایمار تا تهران

یا به پادشاهی‌خواهان حمله می‌کنند- تنها جریانی که یک چشم‌انداز و یک رهبری سیاسی مشخص ارائه می‌کند و در برابر شکست‌های ساختاری رژیم که مدعی مخالفت با آنند سکوت اختیار می‌کنند؟

چپی که آینده‌ی جمهوری اسلامی شده است

چپ ایران در شکل کنونی‌اش، به تصویر وارونه‌ی همان استبدادی بدل شده که مدعی مبارزه با آن است. مانند روحانیت حاکم، خود را از خطا مصون می‌داند. همچون رژیم، به نام «ملت» سخن می‌گوید اما از مردم واقعی، از خواست‌ها و حقوق واقعی، میهن‌دوستی و خواست نظم و کرامت‌شان، بیزار است. و درست مانند رژیم، هنر تکفیر را به کمال رسانده است.

به همین دلیل است که تنها در برجسب زدن به مشروطه‌خواهان و لیبرال‌های ملی به عنوان «فاشیست» تبحر دارد. هدف بحث و استدلال نیست، حذف است. وقتی مخالف را غیرانسانی کردی، دیگر لازم نیست اندیشه‌اش را نقد کنی؛ کافی است وجودش را از میدان گفتگو پاک نمایی یا به قول عضوی از کانون نویسندگان سرش را به جدول خیابان بکوبی!

تناقض تلخ در اینجاست که همین حق به جانبی اخلاقی، مردم عادی را از چپ می‌رانند. پس از سال‌ها شنیدن خطابه‌هایی درباره‌ی «امپریالیسم و صهیونیسم»، «تقاطع ستم‌ها» و «نژادپرست بودن ایرانیان»، مردم هیچ بهبودی در زندگی خود نمی‌بینند. واژگان انتزاعی چپ به سپری بدل شده برای فرار از مسئولیت، پناهگاهی راحت برای آنان که می‌خواهند نیک جلوه کنند بی‌آنکه کاری کنند.

هم‌سرنوشتی جهانی: حق به جانبی و بیگانگی

این پدیده منحصر به ایران نیست. در سراسر جهان غرب، چپ در سراسری زوال است، به همان دلیل. در اروپا و ایالات متحده، احزاب سوسیال‌دموکرات و حتی چپ‌گراتر، که زمانی تکیه‌گاه طبقه‌ی کارگر بودند، در تمامی نسل‌ها رأی‌دهندگان‌شان را از دست داده‌اند. آنان سیاست نان و کار را با سیاست هویت و احساس گناه جایگزین کرده‌اند. رهبران‌شان بیش از آنکه از اجاره‌خانه، مهاجرت بی‌رویه یا فقر سخن بگویند، درباره‌ی ضمیر جنسیتی و فضیلت محیط زیستی و اخیراً «فری پلستاین» سخن می‌رانند.

بر هر دو بستر، غربی و ایرانی، لحن اخلاقی یکی است: تحقیر مردم عادی در لباس وجدان اخلاقی. نتیجه در انتخابات اکثریت کشورهای دموکراتیک و آن صدای پایی که «زانیار ابراهیمی» از آن سخن می‌گوید، که البته نه صدای پای فاشیسم بلکه صدای پای تکتگرایی، واقع‌گرایی و ایران‌گرایی است، واضح و روشن است. انسان‌هایی که به دنبال ثبات، رفاه و عزت ملی‌اند، دیگر خود را در میان طبقه خودخوانده‌ی «پیشرو» و «روشنفکر» نمی‌بینند که به تاریخ و خانواده و تمامی ارزش‌های سنتی جوامع می‌خندد و میهن‌دوستی را مسخره می‌کند.

خودبترتیبی اخلاقی چپ جهانی به نفرین آن بدل شده است. با واثمود کردن به اینکه تنها اوست که بر شفقت و انسانیت انحصار دارد، توان نقد از خود را از دست داده است. در حالی که هیچ گفتمان سیاسی بدون نقد خودزنده نمی‌ماند.

واقعیت ایران: میان فقر و خودنمایی فکری

در همین حال، ایران با فروپاشی اجتماعی تاریخی روبروست. میلیون‌ها نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. جوانان و متخصصان در ناامیدی از میهن‌شان



افول اقتدار اخلاقی چپ

آنچه امروز در ایران و در بسیاری از نقاط غرب می‌بینیم، تکرار همان الگوست. شیفستگی چپ جهانی به «اخلاق‌نمایی»، «سیاست هویت‌محور» و «برتری‌جویی اخلاقی» جای کار سیاسی واقعی و حل مسئله را گرفته است. چپ ایرانی نیز این بیماری فکری را بی‌کم و کاست وارد کرده و با زهر قدیمی سال ۱۳۵۷ درآمیخته است: تفکر ترجمه‌ای و وارداتی، هیستری ضدامپریالیستی و رمانتیسیم انقلابی.

بجای پرداختن به فروپاشی اقتصاد ایران، فقر عموم مردم، یأس اجتماعی یا انزوی ژئوپلیتیک، چپ ایران ترجیح می‌دهد جنگ‌های واژگانی بی‌پایان در شبکه‌های اجتماعی و مطبوعات در انحصار راه بیندازد؛ و مردم را به «پیشرو» (بخوانید روشنفکر) و «ارتجاعی» (بخوانید عقب‌افتاده و بی‌سواد)، «ستم‌دیده» و «ستمگر» تقسیم کند. اما کمتر کسی می‌پرسد: این نمایش اخلاقی بی‌پایان به سود کیست؟ بی‌شک نه به سود مردم ایران.

بیش از چهار دهه است که جمهوری اسلامی دقیقاً با سوء استفاده از همین دوگانگی‌ها دوام آورده است: خود را «صدای مستضعفان در برابر امپریالیسم» و یا حتی «نتیجه‌ی دیالکتیک تاریخی» جا زده، در حالی که کشور را غارت کرده و ملت را به بند کشیده است. هنگامی که چپ و اصلاح‌طلبان ایرانی همان واژگان را تکرار می‌کنند؛ از «مقاومت» و «نئولیبرالیسم» گرفته تا «غربزدگی»، در حقیقت قدرت را به چالش نمی‌کشند، بلکه آن را بازتولید می‌کنند.

به همین دلیل است که امروز بسیاری از ایرانیان از چنین جریانی و چهره‌های معدودش سرخورده‌اند. در شبکه‌های اجتماعی، جوانان بسیاری یک پرسش ساده و ویرانگر مطرح می‌کنند: چرا کسانی که خود را «پیشرو» می‌نامند، هرگز از تغییر واقعی سخن نمی‌گویند؟ یا در تمامی بزنگاه‌ها همدست قدرت حاکم می‌شوند؟ چرا این افراد تنها گروهی در ایران هستند که به راحتی هرچه می‌خواهند می‌گویند و می‌نویسند و برخورد امنیتی با آنان متفاوت از برخورد امنیتی با دیگر گروه‌ها است؟ چرا تنها یا به مردم عادی و

آنگاه که چپ آلمان هر نیروی محافظه‌کار، لیبرال یا میهن‌دوستی را «فاشیست» خواند، در عمل واژه‌ی فاشیسم را از معنا تهی کرد و بدین‌سان راه را برای ظهور فاشیست‌های واقعی هموار ساخت.

چپ ایرانی نیز تنها در برجسب زدن به مشروطه‌خواهان و لیبرال‌های ملی به عنوان «فاشیست» تبحر دارد. هدف بحث و استدلال نیست، حذف است. وقتی مخالف را غیرانسانی کردی، دیگر لازم نیست اندیشه‌اش را نقد کنی؛ کافی است وجودش را از میدان گفتگو پاک نمایی یا به قول عضوی از کانون نویسندگان سرش را به جدول خیابان بکوبی!

در سراسر جهان غرب، چپ در سراسری زوال است، به همان دلیل. در اروپا و ایالات متحده، احزاب سوسیال‌دموکرات و حتی چپ‌گراتر، که زمانی تکیه‌گاه طبقه‌ی کارگر بودند، در تمامی نسل‌ها رأی‌دهندگان‌شان را از دست داده‌اند. آنان سیاست نان و کار را با سیاست هویت و احساس گناه جایگزین کرده‌اند. رهبران‌شان بیش از آنکه از اجاره‌خانه، مهاجرت بی‌رویه یا فقر سخن بگویند، درباره‌ی ضمیر جنسیتی و فضیلت محیط زیستی و اخیراً «فری پلستاین» سخن می‌رانند.

چپ ایران هنوز فرصت انتخاب دارد: یا خود را اصلاح کند، از اشتباهات گذشته درس بگیرد و به آنها معترف شود یا ناپدید شود. یا به مردم بازگردد یا در انتزاعات دانشگاهی غرق گردد. یا با واقعیت روبرو شود یا همراه با رژیمی که روزی زاینده‌اش بود و امروز توجیه‌گرش است به زباله‌دان تاریخ ببیند.

علی بردبار جهانتیغی - در روزهای گذشته، سخنان «زانیار ابراهیمی» دانش‌آموخته علوم سیاسی از دانشگاه تهران، مترجم و نویسنده در فضای مجازی دست به دست می‌شد که او در آن موج رو به گسترش ایرانیانی را که خواستار دموکراسی، لیبرالیسم و برخی نیز بازسازی پادشاهی مشروطه‌اند، «صدای پای فاشیسم» نامید. اما در حقیقت، او از خطر استبداد سخن نگفت، بلکه پرده از فرسودگی و زوال فکری جریانی برداشت که سال‌هاست از واقعیت جامعه جدا افتاده است.

چپ ایرانی، از مارکسیست‌های کلاسیک تا اصلاح‌طلبان و نیمه‌جمهوری‌خواهان، سال‌هاست که نه با واقعیت، بلکه با واژگان می‌جنگد و بجای پاسخ دادن به مسائل واقعی مردم، به انحصار واژه‌ها پناه می‌برند: اینکه چه کسی «خوب» است، چه کسی «بد» است و چه کسی باید ساکت شود. روش همواره یکی است: با برجسب‌هایی چون «فاشیست» در تلاشتن تا مشروعیت هر مخالفی را سلب کنند.

اما این شیوه منحصر به ایران نیست؛ ریشه در سنت دیرپای اخلاق‌گرایی مطلق چپ در اروپا دارد. تجربه‌ی جمهوری وایمار آموزنده‌ترین نمونه است: آنگاه که چپ آلمان هر نیروی محافظه‌کار، لیبرال یا میهن‌دوستی را «فاشیست» خواند، در عمل واژه‌ی فاشیسم را از معنا تهی کرد و بدین‌سان راه را برای ظهور فاشیست‌های واقعی هموار ساخت.

زمانی که همه در گفتار فاشیست می‌شوند، در واقعیت دیگر هیچکس فاشیست نیست. و در این خلأ معنایی است که دشمنان واقعی آزادی و دموکراسی رشد می‌کنند و یا در مسند قدرت می‌مانند.

ریشه‌های حقیقی جنگ اوکراین



پاریس (۱۹۹۰) که هر دو به امضای اتحاد جماهیر شوروی نیز رسیده بودند، به صراحت تأکید دارند که هر کشور دارای حق حاکمیت است و می‌تواند آزادانه اتحادهای سیاسی و نظامی خود را انتخاب کند. کشورهای اروپای شرقی از جمله لهستان، کشورهای بالتیک و رومانی از همین حق بهره بردند و به ناتو پیوستند؛ زیرا از امپریالیسم روسیه بیم داشتند و تاریخ نشان داد که این ترس بجا بود.

هیچ کشوری با اجبار وارد ناتو نشد؛ آنها داوطلبانه این راه را برگزیدند. تهاجمات مکرر روسیه به کشورهای همسایه، از جمله گرجستان و اوکراین، درستی تصمیم آنها را تأیید کرد. حتی سوئد، کشوری که قرن‌ها بی‌طرف مانده بود، تنها پس از تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، درخواست عضویت در ناتو را ارائه داد.

بنابراین مسئله، گسترش ناتو به سمت شرق نیست؛ بلکه فرار ملت‌های آزاد به سمت غرب و دور شدن از سلطه مسکو است. کسانی که همچنان بر ادعای وجود چنین قولی پافشاری می‌کنند، هرگز نمی‌توانند سندی در تأیید آن نشان دهند.

در واقع، روسیه به این دلیل به اوکراین حمله نکرد که کی‌یف می‌خواست به ناتو بپیوندد؛ چراکه پیش از سال ۲۰۱۴، نظرسنجی‌ها نشان می‌داد اکثریت مردم اوکراین مخالف عضویت در ناتو بودند. اوکراین مورد حمله قرار گرفت دقیقاً به این دلیل که عضو ناتو نبود و در برابر تجاوز آسیب‌پذیر به نظر می‌رسید. تناقض جالب این است که وقتی فنلاند و سوئد با مرزهای طولانی در کنار روسیه تصمیم به پیوستن به ناتو گرفتند، واکنش کرملین بسیار محدود و محتاطانه بود.

تعهدات حقوقی روسیه نسبت به اوکراین

میان سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۳، روسیه چندین بار بطور رسمی در قالب توافق‌نامه‌ها و بیانیه‌های بین‌المللی، حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را تضمین کرد؛ توافقی نامه بلوژا (دسامبر ۱۹۹۱): میان روسیه، اوکراین و بلاروس امضا شد و بطور رسمی اتحاد شوروی را منحل و استقلال یکدیگر را به رسمیت شناختند.

سید عرفان نوربخش - هرگاه ولادیمیر پوتین درباره امکان برقراری صلح میان روسیه و اوکراین سخن می‌گوید، همواره تأکید دارد که برای دستیابی به صلح پایدار، باید «ریشه‌های اصلی» این مناقشه برطرف شوند. از دیدگاه کرملین، این ریشه‌ها عبارت‌اند از:

۱. خیانت قدرت‌های غربی پس از وعده ادعایی‌شان به اتحاد جماهیر شوروی و سپس فدراسیون روسیه مبنی بر گسترش نیافتن ناتو به سوی شرق؛
۲. تلاش غرب برای کشاندن اوکراین به درون ناتو و ایجاد پایگاهی برای تهدید روسیه؛
۳. حضور «عناصر نئونازی» در ساختار حکومت اوکراین که گویا اقلیت روس‌تبار را سرکوب می‌کنند؛
۴. ادعای تاریخی پوتین مبنی بر این‌که اوکراین پیش از ایجاد آن توسط ولادیمیر لنین وجود نداشته و سرزمین‌هایی را در اختیار دارد که شایسته‌اش نبوده است، بنابراین روسیه صرفاً سرزمین‌های خود را بازپس می‌گیرد.

هیچیک از این استدلال‌ها با واقعیت‌های تاریخی و حقوقی سازگار نیستند، و حتی اگر فرضاً درست هم می‌بودند، هیچ کشوری در جهان حق ندارد با استناد به آن به همسایه خود حمله کند، سرزمین‌هایش را اشغال نماید و آنها را به خاک خود ضمیمه کند. ادعاهای سوم و چهارم بقدری سخیف و مبتذل هستند که ارزش راست‌آزمایی ندارند. در ادامه به ادعای خیانت غرب در گسترش ناتو می‌پردازم.

افسانه گسترش ناتو

یکی از محورهای اصلی تبلیغات روسیه این است که ناتو «قول داده بود به شرق گسترش نیابد». در واقع، هیچ توافق الزام‌آور حقوقی، معاهده مکتوب یا تعهد امضاده‌ای در این زمینه وجود ندارد تنها برخی گفتگوهای غیررسمی در جریان مذاکرات اتحاد مجدد آلمان در سال ۱۹۹۰ مطرح شد که صرفاً به خاک آلمان شرقی مربوط می‌شد، نه به اروپای شرقی بطور کلی. افزون بر آن، سند نهایی هلسینکی (۱۹۷۵) و منشور

می‌گزیند، پدران برای امرار معاش اعضای بدن خود را می‌فروشدند، مهاجرت بی‌رویه از افغانستان به ایران امان جامعه را بریده، فساد ساختاری و رانت اقتصاد کشور را عملاً به فروپاشی رسانده، دسترسی به بهداشت و آموزش هرروز بدتر از دیروز است، سیاست خارجی مطلوب چپ ایرانی کشور را به انزوا و تحریم و جنگ کشانده و خفقان و خشونت سیاسی طبقه‌ی حاکم بر همگان روشن است. با این حال، در رسانه‌های چپ-چه در داخل و چه در خارج- بحث‌هایی بی‌پایان درباره‌ی «روایت‌های امپریالیستی و ضد اسرائیلی»، «گفتمان جنسیت و قومیت» یا «خطر فاشیسم» به گوش می‌رسد.

این گسست فاجعه‌بار است. جنبشی را نشان می‌دهد که ترجیح می‌دهد فلسفه بیافد تا راه حل ارائه دهد. جنبشی که از شفقت دم می‌زند اما در جهانی موازی زندگی می‌کند و طبقه‌ی به اصطلاح نخبه‌ی حافظ وضع موجود است. تراژدی در این نیست که چپ با پادشاهی خواهان یا لیبرال‌ها اختلاف دارد، اختلاف نظر واقعیت است. فاجعه در این است که حاضر نیست صادقانه رقابت کند. بجای ارائه‌ی مدل‌های سیاسی-اقتصادی یا برپایی نهادهای عملی، مرتب به نکوهش اخلاقی و برجسب زدن متوسل می‌شود. پشت پرچم فضیلت اخلاقی پنهان می‌شود چون چیزی واقعی برای عرضه ندارد یا از شباهت افکار و جهانبینی‌اش به قدرت حاکم شرمگین است!

مسیر پیش رو: چپ نو و صادق

اما ایران شایسته‌ی بهتر از این چپ موجود است. می‌توان چپ‌ی نو داشت، خواهان رفاه، دموکرات و واقع‌گرا. چنین چپ‌ی بجای اصلاح ظاهری نظام، خواهان پایان کامل جمهوری اسلامی خواهد بود. از تمامیت ارضی دفاع خواهد کرد، نه آنکه با تکه‌تکه‌سازی هویتی کشور بازی کند. و بجای شعارهای ضدغربی که توسعه‌ی ایران را تباه کرده، در کنار نظم جهانی دموکراسی‌های مدرن خواهد ایستاد.

مهم‌تر از همه، چنین چپ‌ی خواهد آموخت که مخالف خود را ببیزد، رقابت کند، نه تکفیر. بقاء هر فرهنگ دموکراتیک بر این اصل استوار است: کثرت‌گرایی ضعف نیست، بنیان آزادی است. چپ‌ کهنه، همان که عامل اصلی انقلاب ۵۷ بود، پوپولیسم خمینی را رمانتیزه کرد و سپس همان اوهام را در قالب اصلاح‌طلبی و یا جبهه مقاومت بازتولید نمود، پایان یافته است. این چپ همراه با جمهوری اسلامی، دوقلوی ایدئولوژیک خود، از میان خواهد رفت. تنها پرسش این است که آیا نسلی که با این روایات و پندهای اخلاقی دهه‌ها هدف قرار گرفته، شجاعت رهایی از افسانه‌هایش را خواهد داشت یا نه؟

داوری تاریخ

در نهایت، تاریخ با آنان که چشم بر واقعیت‌ها و تغییرات جهان می‌بندند بی‌رحم است. چپ ایران هنوز فرصت انتخاب دارد: یا خود را اصلاح کند، از اشتباهات گذشته درس بگیرد و به آنها معترف شود یا ناپدید شود. یا به مردم بازگردد یا در انتزاعات دانشگاهی غرق گردد. یا با واقعیت روبرو شود یا همراه با رژیم‌ی که روزی زاینده‌اش بود و امروز توجیه‌گرش است به زباله‌دان تاریخ بپیوندد.

اگر راه صداقت را برگزیند، اگر جرأت کند از فقر، حکومت تبهکار و فساد ساختاری سخن بگوید، شاید هنوز بتواند جایگاهی در آینده بیابد. اما اگر همچنان به همان مسیر ادامه دهد، هر دموکراتی را دشمن بخواند و هر پادشاهی‌خواهی را فاشیست بداند، سرنوشتی جز آنچه در انتظار جمهوری اسلامی است نخواهد داشت: ننگ و تدفین در زباله‌دان تاریخ.

حماس قابل اعتماد نیست و عین جمهوری اسلامی فریبکاری می‌کند



نیروهای حماس در غزه

● موافقت حماس با بخشی از طرح ترامپ که در واقع به آن تحمیل شده، به این دلیل است که می‌خواهد از منزوی شدن بیشتر خودش جلوگیری کرده و فریبکارانه نشان دهد که خواستار ادامه جنگ نیست.

● حماس در پاسخ خود و پس از این «آری» عملاً با خلع سلاح و دیگر مواد طرح ترامپ مخالفت کرده و تحقق آنها را «از طریق چارچوب ملی فلسطینی یکپارچه... که حماس نیز در آن حضور داشته باشد»، مشروط می‌کند.

● گروه تروریستی حماس با اینکه می‌داند با شرایطی که مطرح کرده موافقت نمی‌شود، اما با این موضع می‌خواهد عین جمهوری اسلامی در بین کشورهای که از طرح ترامپ حمایت می‌کنند اختلاف ببندد.

● حماس همچنین می‌خواهد به افکار عمومی و به ویژه مردم فلسطین نشان دهد که خواهان ادامه جنگ نیست. ولی هدف نهائی‌اش این است که از خلع سلاح خود جلوگیری کرده و به عنوان یکی از بازیگران در آینده فلسطین نقش داشته باشد تا بتواند از یکسو دوباره سر فرصت «اساسنامه» خود را علیه اسرائیل و یهودیان به اجرا بگذارد و از سوی دیگر، اگر در آینده وضعیت زندگی و رفاه مردم غزه بهبود یافت و کشور فلسطین نیز شکل گرفت، آن را به حساب «مقامت» خودش بگذارد و حتا دستاورد جنایات هفت اکتبر ۲۰۲۳ قلمداد کند!

حنیف حیدرنژاد- پاسخ گروه تروریستی حماس به طرح صلح ترامپ بر اساس همان مدل شناخته شده جمهوری اسلامی چیزی جز تلاش برای وقت خریدن و ایجاد دودستگی در بین حامیان این طرح نیست.

موافقت حماس با بخشی از طرح ترامپ که در واقع به آن تحمیل شده، به این دلیل است که می‌خواهد از منزوی شدن بیشتر خودش جلوگیری کرده و فریبکارانه نشان دهد که خواستار ادامه جنگ نیست. این نیروی تروریستی

در آلمان، دوره‌ای از ضعف و بی‌ثباتی شد که سرانجام راه را برای صعود پوتین هموار کرد. او در آغاز وعده ثبات و بهبود اقتصادی داد، اما به تدریج قدرت را متمرکز ساخت، مخالفان را سرکوب کرد و جاه‌طلبی‌های امپراتوری را زنده نمود. سخنان او درباره «بازگرداندن شکوه از دست‌رفته روسیه» و «حمایت از روس‌تباران در کشورهای دیگر» یادآور همان ادبیاتی است که هیتلر درباره «آلمانی‌های خارج از رایش» به کار می‌برد. در رابطه با روس‌تباران در کشورهای همسایه ذکر این نکته ضروری است که اکثریت آنها بومی این کشورها نبودند بلکه بعد از اشغال مجدد این سرزمین‌ها به دست ارتش سرخ در راستای برهم زدن تعادل جمعیتی به نفع کرملین به این سرزمین‌ها انتقال یافتند در مقابل جمعیت بومی به دست روس‌ها کشته یا به سبری و آسیای مرکزی تبعید شدند. اقلیت‌های روسی ساکن بالتیک مثال بارزی ازین فرآیند هستند.

ریشه واقعی جنگ

ریشه واقعی جنگ اوکراین نه در گسترش ناتو، بلکه در شکست روسیه در رویارویی با میراث اقتدارگرایانه شوروی و نبود پاسخگویی تاریخی نهفته است. نبود بازخواست برای جنایت‌های دوران شوروی سبب شد همان ساختارهای قدرت و ذهنیت امپراتوری، در قالبی تازه دوباره زاده شوند. تا زمانی که در روسیه کسانی بر سر کارند که قدرت را در امپراتوری و نه در دموکراسی می‌جویند، امنیت همسایگان آن کشور در خطر خواهد بود. پوتین با تحریف تاریخ و تمجید از قدرت مطلقه، صلح پایدار را ناممکن ساخته است. اگر تاریخ درسی برای ما داشته باشد، آن است که صلح بدون عدالت و پاسخگویی پایدار نخواهد بود. همانگونه که آلمان پس از ۱۹۴۵ تنها با پذیرش مسئولیت و اصلاح ساختار خود به کشوری دموکراتیک بدل شد، روسیه نیز باید با گذشته خود روبرو شود تا بتواند به عضوی صلح‌طلب و پایدار در جامعه جهانی تبدیل گردد. تا آن زمان، هر توافق صلحی با مسکو شکننده و موقتی خواهد بود.

مصیبتی که این جنگ برای کشور ما به ارمغان آورد به این دلیل بود که زمامداران جمهوری اسلامی و بخشی از جامعه بجای اینکه آن را تجاوز یک قدرت امپریالیستی علیه یک ملت مستقل بشمارند و خواستار بازگشت نیروهای متجاوز و برقراری صلح باشند، آن را جنگی نیابتی علیه ناتو دانستند. بنابراین، بجای بی‌طرفی، با ارسال تسلیحات به روسیه در تجاوز علیه یک ملت مستقل مشارکت کردند. این تصمیم نابخردانه کشور را به انزوای بیشتر و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل کشاند.

طنز تاریخ این است که آلمانی‌ها که در قرن بیستم دو بار جهان را به جنگ جهانی کشاندند تا شکوه و سرزمین‌های بیشتری را برای آلمان به ارمغان بیاورند، پس از اتمام هر دو جنگ، سرزمین‌ها و منابع انسانی بیشتری را نسبت به زمان شروع جنگ از کف دادند. آیا طرح پوتین برای بازگرداندن مرزهای شوروی سابق منجر به همین نتایج برای روسیه خواهد شد؟ از نظر منابع انسانی این اتفاق قبلاً افتاده است، روسیه حدود نیم میلیون نفر از جمعیت خود برای اشغال ۲۰٪ از خاک کشور همسایه از دست داده و صدها هزار نفر از به اصطلاح روس‌زبانان اوکراینی که در تبلیغات کرملین خواستار حمایت مسکو بودند، به دست ارتش مهاجم کشته و غارت شدند و یا سرزمین‌های اشغالی را ترک کرده‌اند. زمان به ما نشان خواهد داد چه مصیبت‌های بیشتری در انتظار روسیه با ادامه این تجاوز خواهد بود.

*سیدعرفان نوربخش کارشناس مسائل روسیه و اوراسیا

پروکتل آلماتا (دسامبر ۱۹۹۱): تأیید دوباره مرزها و حاکمیت جمهوری‌های سابق شوروی از جمله اوکراین. یادداشت بوداپست درباره تضمین‌های امنیتی (دسامبر ۱۹۹۴): میان روسیه، ایالات متحده و بریتانیا امضا شد. در ازای واگذاری زرادخانه هسته‌ای اوکراین، روسیه تعهد داد که استقلال، حاکمیت و مرزهای اوکراین را محترم بشمارد و از تهدید یا استفاده از زور خودداری کند.

پیمان دوستی، همکاری و مشارکت (۱۹۹۷): توافق دوجانبه‌ای که در آن روسیه و اوکراین مرزها و حاکمیت یکدیگر را به رسمیت شناختند.

با وجود این تعهدات روشن، روسیه در سال ۲۰۱۴ با الحاق شبه‌جزیره کریمه آنها را نقض کرد و سپس در سال ۲۰۲۲ جنگی تمام‌عیار را آغاز نمود.

در فاصله ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴، دو کشور سه توافق مهم دیگر در مورد کریمه امضا کردند؛ پیمان دوستی ۱۹۹۷، توافق تقسیم ناوگان دریای سیاه ۱۹۹۷ و توافق خارکیف ۲۰۱۰ که همگی کریمه را بخشی از خاک اوکراین می‌دانستند. از دیدگاه حقوق بین‌الملل، بنابراین تمام اقدامات روسیه از سال ۲۰۱۴ به بعد، غیرقانونی بوده است.

شبهات‌های تاریخی و ظهور دوباره اقتدارگرایی

برای درک ریشه‌های عمیق‌تر این جنگ، باید به تاریخ بازگردیم.

در سال ۱۹۱۸، هنگامی که آلمان در آستانه شکست تمام‌عیار در جنگ جهانی اول قرار داشت، رهبران نظامی برای گریز از مسئولیت، سیاستمداران غیرنظامی را واداشتند تا تسلیم‌نامه و معاهده ورسای را امضا کنند. پس از آن، افسانه‌ای به نام «خنجر از پشت» رواج یافت مبنی بر اینکه آلمان نه در میدان جنگ بلکه به دست دموکرات‌ها و یهودیان از پشت خنجر خورده است. این روایت خشم و تحقیر ملی را دامن زد و زمینه ظهور آدولف هیتلر را فراهم کرد؛ مردی که وعده داد مرزهای از دست‌رفته را بازگرداند و از اقلیت‌های آلمانی در کشورهای همسایه «دفاع» کند. نتیجه این سیاست‌ها، جنگی بود که مرگبارترین در تاریخ بشر شد.

پس از جنگ جهانی دوم، متفقین از اشتباهات گذشته آموختند. آنها تسلیم بی‌قید و شرط آلمان نازی را خواستار شدند، جنایتکاران جنگی را محاکمه کردند و روند «نازی‌زدایی» را اجرا نمودند. حاصل این سیاست‌ها، دگرگونی کامل آلمان و ژاپن به کشورهای دموکراتیک، باثبات و مسئول بود که از سال ۱۹۴۵ تاکنون تهدیدی برای صلح جهانی نبوده‌اند.

در پی فروپاشی رژیم‌های کمونیستی در اروپای شرقی در سال ۱۹۸۹، بسیاری از این کشورها نیز مقامات حزب کمونیست را از قدرت کنار گذاشتند و مرتکبان جنایت‌ها را محاکمه کردند. هرچه این روندها قاطع‌تر بود، دموکراسی در آن کشورها نیرومندتر شد.

اما در روسیه، پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، هیچیک از این اصلاحات انجام نشد. هیچ محاکمه‌ای برای مسئولان گولاگ‌ها و مسئولین شکنجه و جنایات رژیم کمونیستی یا مأموران کا.گ.ب برگزار نشد، و بیشتر آنان بدون پاسخگویی بازنشسته شدند یا دوباره به قدرت بازگشتند. ولادیمیر پوتین، خود از افسران پیشین کا.گ.ب، نمونه بارز این تداوم است. بدین ترتیب، در جامعه روسیه نوعی احساس قربانی بودن شکل گرفت؛ باوری که کشور نه در جنگ سرد شکست خورده، بلکه توسط نیروهای داخلی هوادار دموکراسی «از پشت خنجر خورده» است.

در چنین فضایی، دوران «یلتسین» بسان جمهوری وایمار

وزیر خارجه آلمان: جمهوری اسلامی در مذاکرات شفاف نبود؛ اثربخشی تحریم‌ها اجتناب‌ناپذیر شد



یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان

او تصمیمات مقامات جمهوری اسلامی را «پرهزینه و اشتباه» توصیف کرد که «ضربات اصلی آن به مردم ایران وارد شده است.»

وزیر خارجه آلمان همچنین گفت: «امید من این است که رژیم تهران اکنون مسیر تازه‌ای در پیش گیرد. به همین دلیل پیشنهاد ما برای از سر گرفتن مذاکرات همچنان روی میز است.»

پیشتر وزرای خارجه آلمان، فرانسه و انگلستان در بیانیه‌ای مشترک از رژیم ایران خواستند که از هر گونه اقدام تنش‌آفرین خودداری کرده و به تعهدات الزام‌آور خود بازگردد. آنها از کشورهای جهان خواست‌اند که این تحریم‌ها را رعایت کنند.

وادفول پیش از این در هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفته بود که جمهوری اسلامی «ایران شبکه‌ای از جنگ‌های نیابتی ایجاد کرده و سال‌هاست که برنامه هسته‌ای خود را دنبال می‌کند که فراتر از هرگونه کاربرد غیرنظامی محتمل است.»

مقامات و عوامل جمهوری اسلامی تهدید کرده بودند در صورت فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای NPT خارج خواهد شد. همچنین عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی آذرماه ۱۴۰۳ گفته بود جمهوری اسلامی اگر تحریم‌ها بازگردد به سمت ساختن بمب اتم متمایل خواهد شد.

ایرج ندیمی از نمایندگان پیشین مجلس شورای اسلامی نیز در یک سخنرانی تهدید کرده بود، «در صورت اجرای مکانیسم ماشه می‌توانیم راه ترانزیت مواد مخدر را به اروپا باز کنیم، خواهید دید که غربی‌ها بیچاره خواهند شد.» این تهدید پیشتر در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی توسط وی نیز مطرح شده بود.

● وزیر خارجه آلمان می‌گوید جمهوری اسلامی در دور اخیر مذاکرات اتمی، «از اعتبار و شفافیت لازم برخوردار نبود.» یوهان وادفول در مصاحبه با روزنامه «برلینر تسایتونگ» بار دیگر تأکید کرد که رژیم «ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند.»

● یوهان وادفول با اشاره به حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای در ایران گفت: «در کوتاه‌مدت [رژیم] ایران قادر به ساخت بمب اتمی نخواهد بود، اما در نهایت این خطر جدی وجود دارد؛ به همین دلیل بر راه حل از طریق مذاکره تأکید می‌کنیم تا این موضوع برای همیشه حل شود.»

● وزیر خارجه آلمان همچنین گفت: «امید من این است که رژیم تهران اکنون مسیر تازه‌ای در پیش گیرد. به همین دلیل پیشنهاد ما برای از سر گرفتن مذاکرات همچنان روی میز است.»

وزیر خارجه آلمان می‌گوید جمهوری اسلامی در دور اخیر مذاکرات اتمی، «از اعتبار و شفافیت لازم برخوردار نبود.» یوهان وادفول در مصاحبه با روزنامه «برلینر تسایتونگ» بار دیگر تأکید کرد که رژیم «ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند.»

یوهان وادفول با اشاره به حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای در ایران گفت: «در کوتاه‌مدت [رژیم] ایران قادر به ساخت بمب اتمی نخواهد بود، اما در نهایت این خطر جدی وجود دارد؛ به همین دلیل بر راه حل از طریق مذاکره تأکید می‌کنیم تا این موضوع برای همیشه حل شود.»

وادفول اطمینان داد که تحریم‌های جدید اقتصاد جمهوری اسلامی را به شدت تحت فشار قرار خواهد داد و گفت در مذاکرات گذشته «تهران از اعتبار و شفافیت لازم برخوردار نبود، بنابراین بازگشت تحریم‌ها اجتناب‌ناپذیر بود.»

→ اسلامگرا در بیانیه خود می‌نویسد: «جنبش مقاومت اسلامی حماس تلاش‌های عربی، اسلامی و بین‌المللی، و نیز تلاش‌های رئیس‌جمهور آمریکا را که با هدف توقف جنگ علیه نوار غزه، تبادل اسرا، ورود فوری کمک‌ها، مخالفت با اشغال نوار غزه و کوچاندن مردم فلسطین ارائه شده بود، ارج می‌نهد... در این چارچوب و برای تحقق توقف جنگ و خروج کامل اشغالگران از نوار غزه، جنبش حماس اعلام می‌کند که با آزادی تمامی اسرای اشغالگر، چه زنده و چه به صورت اجساد، مطابق فرمول تبادل ارائه شده در طرح رئیس‌جمهور آمریکا و با تأمین شرایط میدانی لازم برای انجام تبادل، موافقت می‌کند. در همین راستا، جنبش آماده است فوراً از طریق میانجی‌ها وارد مذاکرات برای بررسی جزئیات این موضوع شود همچنین جنبش حماس موافقت خود را با تحویل مدیریت نوار غزه به یک هیئت فلسطینی متشکل از افراد مستقل (تکنوکرات) بر اساس اجماع ملی فلسطین و با اتکا به حمایت‌های عربی و اسلامی اعلام می‌کند.»

بعد از این «آری»، حماس بلافاصله با چند اما و اگر بر سر راه پایان جنگ، چنین مانع‌تراشی می‌کند: «در خصوص دیگر مسائل مطرح‌شده در طرح رئیس‌جمهور ترامپ که به آینده نوار غزه و حقوق اصیل مردم فلسطین مربوط می‌شود، این موارد منوط به یک موضع ملی جامع و مبتنی بر قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی مرتبط است و از طریق چارچوب ملی فلسطینی یکپارچه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت که حماس نیز در آن حضور داشته و با تمام مسئولیت خود مشارکت خواهد کرد.»

با این موضع، حماس عملاً با خلع سلاح و دیگر مواد طرح ترامپ مخالفت کرده و تحقق آنها را «از طریق چارچوب ملی فلسطینی یکپارچه... که حماس نیز در آن حضور داشته باشد»، مشروط می‌کند.

گروه تروریستی حماس با اینکه می‌داند با شرایطی که مطرح کرده موافقت نمی‌شود، اما با این موضع می‌خواهد در بین کشورهایی که از طرح ترامپ حمایت می‌کنند اختلاف ببیند. این یکی از همان روش‌های شناخته‌شده جمهوری اسلامی است که همیشه در بازی با کشورهای غربی با پذیرش مشروط بخشی از خواسته‌های آنها، وقت خریده و با جلب حمایت بخشی از آنها، در یکپارچگی نیروهای مخالف خود اختلال ایجاد می‌کند.

حماس همچنین می‌خواهد به افکار عمومی و به ویژه مردم فلسطین نشان دهد که خواهان ادامه جنگ نیست. ولی هدف نهایی‌اش این است که از خلع سلاح خود جلوگیری کرده و به عنوان یکی از بازیگران در آینده فلسطین نقش داشته باشد تا بتواند از یکسو دوباره سر فرصت «اساسنامه» خود را علیه اسرائیل و یهودیان به اجرا بگذارد و از سوی دیگر، اگر در آینده وضعیت زندگی و رفاه مردم غزه بهبود یافت و اگر در آینده میان‌مدت، شانس به رسمیت شناخته شدن کشور و دولت فلسطینی به پیشرفت‌هایی دست یافت، آن را به حساب «مقامت» خودش گذاشته و حتا آن را دستاورد جنایات هفت اکتبر ۲۰۲۳ با همه خسارت‌هایی که برای مردم فلسطین به ویژه در غزه داشت، اما نهایتاً به وضعیت بهتری ختم شد، قلمداد کند.

جامعه جهانی چهل سال زمان نیاز داشت که بفهمد مماشات با جمهوری اسلامی بی‌فایده است. اگر آنها از این تجربه آموخته باشند، نباید به دام بازی جدید با حماس گرفتار شده و نباید دزدهای جا برای ابراز وجود و شرط و شروط این نیروی تروریست اسلامگرا باقی گذاشته باشد، بلکه باید با قاطعیت کامل هر اما و آگری را رد و خواهان پذیرش کامل طرح ترامپ از سوی این نیروی تروریستی و خلع سلاح و حذف آن در سرنوشت فلسطین شوند.

عرفان قانعی فرد: اگر به ایران دیپورت شوم سرنوشتی جز مرگ در انتظارم نیست



عرفان قانعی فرد

● عرفان قانعی فرد فعال سیاسی و نویسنده که در خطر دیپورت از آمریکا قرار دارد در تماس تلفنی با شبکه «ایران اینترنشنال» تأکید کرده است در صورتی که به ایران بازگردانده شود، «دادگاه انقلاب بدون اتلاف وقت مرا محاکمه خواهد کرد و سرنوشتی جز مرگ در انتظارم نیست.»

● قانعی فرد بیش از ۶ ماه است که توسط اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) در تگزاس بازداشت شده و به تازگی که خبر این بازداشت رسانه‌ای شده است، بسیاری از فعالان سیاسی و مدنی در مورد خطر تحویل دادن وی به جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند.

● طی این مدت افرادی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به انتشار مطالبی پرداخته‌اند که قابل راست‌آزمایی نیستند. مسعود پیما وکیل قانعی فرد با رد این ادعاها از جمله شنیده‌هایی در مورد ازدواج او برای دریافت گرین کارت یا بازداشتش از سوی اف‌بی‌آی، تأکید کرد که تنها دلیل بازداشت او، پرونده مهاجرتی اوست. این وکیل همچنین افزود که موکلش هیچ سابقه همکاری و یا استخدامی با نهادهای دولتی آمریکا در سطح فدرال یا ایالتی نداشته و صرفاً از طریق تدریس و نوشتن و مصاحبه زندگی‌اش را می‌گذراند.

● شماری از فعالان سیاسی برای کمک به قانعی فرد در حال جمع‌آوری امضاء جهت جلوگیری از تحویل وی به جمهوری اسلامی هستند.

عرفان قانعی فرد فعال سیاسی و نویسنده که در خطر دیپورت از آمریکا قرار دارد در تماس تلفنی با شبکه «ایران اینترنشنال» تأکید کرده است در صورتی که به ایران بازگردانده شود، «دادگاه انقلاب بدون اتلاف وقت مرا محاکمه خواهد کرد و سرنوشتی جز مرگ در انتظارم نیست.»

قانعی فرد بیش از ۶ ماه است که توسط اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) در تگزاس بازداشت شده و به تازگی که خبر این بازداشت رسانه‌ای شده است، بسیاری از فعالان سیاسی و مدنی در مورد خطر تحویل دادن وی به جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند.

عرفان قانعی فرد، نویسنده و پژوهشگر مسائل خاورمیانه در ۲۸ مارس ۲۰۲۵ (۸ فروردین ۱۴۰۴) در ایالت تگزاس بازداشت شد. او پیش از این در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ با ویزای تحصیلی در آمریکا یا حضور داشته یا به این کشور رفت و آمد می‌کرده است.

مسعود پیما وکیل عرفان قانعی فرد به تازگی متنی را در توضیح دستگیری و وضعیت او منتشر کرده است. قانعی فرد نخستین بار در سال ۲۰۱۳ در آمریکا درخواست پناهندگی داد اما به دلایلی که اعلام نشده پیش از به نتیجه رسیدن درخواست‌اش از آمریکا خارج شد. قانعی فرد در مارس ۲۰۱۷ از طریق مرز مکزیک دوباره وارد خاک آمریکا شد، خود را به ماموران مهاجرت در تگزاس معرفی کرد و همانجا درخواست پناهندگی داد.

در همین مدت، دولت آمریکا یکبار تلاش کرد او را به ایران بازگرداند. در سال ۲۰۱۹ تلاش‌هایی برای بازگرداندن قانعی فرد از طریق جمهوری آذربایجان به ایران صورت گرفت، اما او از سوار شدن به هواپیمای عازم تهران سر باز

زد و برنامه اخراج وی ناکام ماند.

طی این مدت افرادی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به انتشار مطالبی پرداخته‌اند که قابل راست‌آزمایی نیستند. مسعود پیما وکیل قانعی فرد با رد این ادعاها از جمله شنیده‌هایی در مورد ازدواج او برای دریافت گرین کارت یا بازداشتش از سوی اف‌بی‌آی، تأکید کرد که تنها دلیل بازداشت او، پرونده مهاجرتی اوست. این وکیل همچنین افزود که موکلش هیچ سابقه همکاری و یا استخدامی با نهادهای دولتی آمریکا در سطح فدرال یا ایالتی نداشته و صرفاً از طریق تدریس و نوشتن و مصاحبه زندگی‌اش را می‌گذراند.

در حال حاضر، پرونده قانعی فرد در دادگاه‌های فدرال و تجدید نظر مهاجرتی در حال پیگیری است. وکیل او در دادگاه فدرال در تگزاس دادخواستی برای آزادی او از بازداشتگاه اداره مهاجرت ثبت کرده است. همچنین، وکیل دوم او در دادگاه تجدید نظر مهاجرتی در ایالت ویرجینیا دادخواستی ثبت کرده است تا با مدارک جدید این دادگاه را قانع کند که با درخواست پناهجویی موکل‌اش موافقت کند. وکیل قانعی فرد می‌گوید که اداره مهاجرت آمریکا پس از بازداشت موکل‌اش، درخواست رسمی به دفتر حفاظت منافع ایران در واشنگتن ارسال کرده تا برای او پاسپورت یا جواز موقت سفر صادر شود که با استفاده از آن بتوان وی را به ایران بازگرداند. این درخواست اما هنوز پاسخی دریافت نکرده است.

وضعیت حقوقی و دلایل بازداشت عرفان قانعی فرد همچنان در حال‌های از ابهام قرار دارد و نهادهای حقوق بشری و سیاسی بین‌المللی نسبت به خطرات احتمالی برای او در صورت استرداد به جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند. شماری از فعالان سیاسی برای کمک به قانعی فرد در حال جمع‌آوری امضاء جهت جلوگیری از تحویل او به جمهوری اسلامی هستند.

اعدام شش زندانی در اهواز به اتهام عضویت در «یک شبکه تروریستی تجزیه طلب وابسته به رژیم صهیونیستی»



● فعالان حقوق بشر گزارش دادند علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خنفری، حبیب دریس، عدنان غیشاوی و سالم موسوی شش زندانی امنیتی بودند که بامداد امروز به دار آویخته شدند.

● خبرگزاری قوه قضاییه مدعی شده این افراد متهم به ترور چهار مأمور نیروی انتظامی و «نیروهای حافظ امنیت»، طراحی و اجرای اقدامات خرابکارانه‌ای نظیر ساخت و کارگذاری بمب، انفجار ایستگاه گاز خرمشهر، حمله مسلحانه به بانکها، پرتاب نارنجک به مرکز نظامی و تیراندازی به مساجد بوده‌اند.

● شش متهم دیگر این پرونده، فارس عموری در این پرونده به ۳۵ سال زندان، جاسم البوغیش ۱۵ سال زندان، و اسکندر مجدم، محمداقاسم مجدم، رعد منیعات و توفیق منیعات هر کدام به ۵ سال زندان محکوم شدند.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام شش نفر در اهواز به اتهامات امنیتی خبر داد نوشته این افراد اعضای «یک شبکه تروریستی تجزیه‌طلب وابسته به رژیم صهیونیستی» بودند اقدام به «طراحی و اجرای چندین عملیات خونبار» کرده بودند.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه از اعدام شش زندانی در شهر اهواز در بامداد شنبه ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴ خبر داده است.

خبرگزاری قوه قضاییه نام این شهروندان را اعلام نکرده اما فعالان حقوق بشر گزارش دادند علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خنفری، حبیب دریس، عدنان غیشاوی و سالم موسوی شش زندانی امنیتی بودند که بامداد امروز به دار آویخته شدند.

بر اساس ادعای خبرگزاری «میزان» این افراد متهم به ترور چهار مأمور نیروی انتظامی و «نیروهای حافظ

پخش اعتراف اجباری امیرحسین موسوی؛ سناریوی نخمای نهادهای امنیتی



امیرحسین موسوی

جرم علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقدسات» صادر شد. امیرحسین موسوی متولد بهمن ۱۳۴۴ و ساکن تهران در شبکه‌های اجتماعی فعال بود و در توییتر با اکانت پرمخاطب «جیمز بی‌دین» حضور داشت. او و همسرش ۲۸ آذرماه ۱۴۰۳ هنگام سفر به جزیره کیش، در فرودگاه مهرآباد و توسط مأموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بازداشت شد. شبنم حسین‌زاده همسر امیرحسین موسوی دو هفته بعد با قرار وثیقه آزاد شد.

بر اساس اطلاعات منتشرشده، او از شش ماه پیش از بازداشت شناسایی شده و در تور امنیتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی قرار داشت. شناسایی او توسط یک ایرانی ساکن کانادا و همکار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی صورت گرفته بود که توانسته بود در شبکه‌های اجتماعی با او ارتباط برقرار کرده و اعتمادش را جلب کند.

یک ماه پیش و در شهریورماه ۱۴۰۴ پرونده امیرحسین موسوی با صدور کیفرخواست از بابت اتهامات «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام»، به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی ارجاع شد.

او همچنین با اتهام «توهین به مقدسات» نیز روبرو شده که به گفته وکیل وی رسیدگی به این بخش از پرونده در صلاحیت دادگاه کیفری یک استان تهران است.

پیشتر رضا شفاخواه وکیل امیرحسین موسوی اعلام کرده بود که نخستین جلسه دادگاه موکلش در تاریخ ۱۱ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برگزار خواهد شد.

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده امیرحسین موسوی نیز به خبرگزاری «هرانا» گفته است که پرونده امیرحسین بعد از ۱۰ ماه رسیدگی در شعبه ۵ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۳ تهران با تشدید قرار وثیقه به ۱۰ میلیارد تومان به شعبه قضایی مذکور ارجاع داده شده است.

● صداسیماي جمهوری اسلامی شامگاه دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ اقدام به پخش ویدئویی از اعترافات اجباری امیرحسین موسوی کرد.

● در ویدئوی پخش‌شده در حالی امیرحسین موسوی را با اتهامات سنگینی چون جاسوسی و همکاری اطلاعاتی و امنیتی با اسرائیل روبرو کرده‌اند که کیفرخواست او ماه گذشته با سه اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقدسات» صادر شد.

● امیرحسین موسوی متولد بهمن ۱۳۴۴ و ساکن تهران در شبکه‌های اجتماعی فعال بود و در توییتر با اکانت پرمخاطب «جیمز بی‌دین» حضور داشت.

● امیرحسین موسوی و همسرش ۲۸ آذرماه ۱۴۰۳ هنگام سفر به جزیره کیش، در فرودگاه مهرآباد و توسط مأموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بازداشت شد.

● پیشتر رضا شفاخواه وکیل امیرحسین موسوی اعلام کرده بود که نخستین جلسه دادگاه موکلش در تاریخ ۱۱ آبان‌ماه ۱۴۰۴ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برگزار خواهد شد.

صداسیماي جمهوری اسلامی بخش‌هایی از اعترافات اجباری امیرحسین موسوی زندانی سیاسی را منتشر کرده است. اعترافات اجباری پخش‌شده نشان می‌دهد که به این فعال سیاسی اتهامات سنگینی چون جاسوسی و همکاری اطلاعاتی و امنیتی با اسرائیل نسبت داده شده است.

صداسیماي جمهوری اسلامی شامگاه دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ اقدام به پخش ویدئویی از اعترافات اجباری امیرحسین موسوی کرد. این زندانی سیاسی از ۱۰ ماه پیش در بازداشت نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار دارد.

امیرحسین موسوی در ویدئویی که از صداسیماي حکومت پخش شد، توضیحاتی درباره فعالیت‌های خود داده و در خصوص آنها ابراز پشیمانی می‌کند.

در این ویدئو امیرحسین موسوی از ارتباط با یک رابط و یک فرد اسرائیلی می‌گوید و توضیح می‌دهد که این افراد از او خواسته بودند فهرست و مشخصات مناطق حساس نظامی، هسته‌ای و پدافندی را در اختیار اسرائیل قرار دهد. در گزارش صداسیماي رژیم تصاویری از حملات نظامی اسرائیل به اماکن نظامی در جنگ ۱۲ روزه منتشر و این اطلاعات مربوط به اهداف از جمله ماموریت‌های امیرحسین موسوی اعلام شده است.

از سوی دیگر در این گزارش ادعا شده که انتشار تصاویر مربوط به حملات اسرائیل به جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه «آخرین مأموریت» امیرحسین موسوی بوده است. این در حالیست که امیرحسین موسوی شش ماه پیش از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی دستگیر شد و به زندان افتاد و در اواخر خردادماه که جنگ دوازده روزه رخ داد نه تنها او همچنان در بازداشت نهادهای امنیتی بود بلکه از مدت‌ها پیش از آن خبر بازداشت او نیز که هنوز رسانه‌ای شده بود.

در ویدئوی پخش‌شده در حالی امیرحسین موسوی را با اتهامات سنگینی چون جاسوسی و همکاری اطلاعاتی و امنیتی با اسرائیل روبرو کرده‌اند که کیفرخواست او ماه گذشته با سه اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب

امنیت»، طراحی و اجرای اقدامات خرابکارانه‌ای نظیر ساخت و کارگذاری بمب، انفجار ایستگاه گاز خرمشهر، حمله مسلحانه به بانک‌ها، پرتاب نارنجک به مرکز نظامی و تیراندازی به مساجد بوده‌اند.

این گزارش مدعی شده هر شش نفر به اتهامات موجود در پرونده اعتراف کرده بودند اما فعالان حقوق بشر می‌گویند اعتراف‌گیری از این افراد زیر فشار شکنجه و به صورت اجباری بوده است.

خبرگزاری «فارس» پیشتر گزارش داده بود که ۲۱ آبان ۱۳۹۷، دو بسیجی موتورسوار در جاده ساحلی اروند در شهر آبادان هدف تیراندازی قرار گرفتند. همان زمان برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی حمله به این دو بسیجی را ترور سازمانیافته توسط «سازمان حرکه‌النضال» نسبت دادند اما روز بعد دادستان و فرمانده نیروی انتظامی آبادان این ادعا را رد کردند و علت قتل را اختلاف خانوادگی اعلام کرده بودند.

اتهام دیگر شش نفری که امروز اعدام شدند ترور دو مأمور نیروی انتظامی در بندر شاهپور (امام) با اسلحه گرم در بهمن ۱۳۹۷ بوده است.

دو هفته پس از کشته شدن دو مأمور نیروی انتظامی در بندر شاهپور، علی مجدم و معین خنفری در خانه‌ای در خرمشهر بازداشت شدند.

به گزارش منابع حقوق بشری دست‌کم ۳۳ نفر از خانواده و دوستان این افراد توسط مأموران اطلاعات سپاه بازداشت و تحت شکنجه قرار گرفتند. همسر و فرزندان علی مجدم و حبیب دریس از جمله افراد بازداشت شده بودند که برای اعتراف اجباری زیر فشار قرار گرفتند.

حکم نهایی این پرونده در شعبه چهار دادگاه انقلاب اهواز به ریاست قاضی ادیبی مهر صادر شد. بر اساس حکم صادر شده علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خنفری، حبیب دریس، عدنان غیشاوی و سالم موسوی به اعدام محکوم و شش متهم دیگر پرونده به زندان محکوم شدند. بر اساس گزارش‌های حقوق بشری فارس عموری در این پرونده به ۳۵ سال زندان، جاسم البوغیبش ۱۵ سال زندان، و اسکندر مجدم، محمدقاسم مجدم، رعد منیعات و توفیق منیعات هر کدام به ۵ سال زندان محکوم شدند.

جزئیات زیادی از این پرونده در دست نبوده و مشخص نیست اتهام وابستگی و ارتباط متهمان با اسرائیل از ابتدا در این پرونده وجود داشته و یا با توجه به جنگ ۱۲ روزه و تلاش جمهوری اسلامی برای اجرای نمایش بازداشت و اعدام «عوامل و جاسوسان اسرائیل» شش متهم اعدام شده نیز به اسرائیل ربط داده شده‌اند.

پس از جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل صدها شهروند به اتهام ارتباط با اسرائیل یا جاسوسی برای این کشور بازداشت و با پرونده قضایی روبرو شدند.

جمهوری اسلامی حکم اعدام برخی متهمان امنیتی از جمله بهرام چوبی‌اصل و بابک شهبازی را به اتهام جاسوسی برای اسرائیل اجرا کرده است.

صدور حکم اعدام برای شهروندانی که پس از جنگ ۱۲ روزه بازداشت شده‌اند هم ادامه دارد. حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز روز شنبه پنجم مهرماه ۱۴۰۴ از صدور حکم اعدام و حبس برای متهمان «شبکه جاسوسی مرتبط با موساد و منافقین» در کرج خبر داد.

حسین فاضلی هریکندی مدعی شده این پرونده مربوط به «شبکه جاسوسی چهار نفره مرتبط با موساد و منافقین در کرج» با چهار متهم بوده که دادگاه دو متهم را به اعدام و حبس و دو متهم دیگر را به زندان محکوم کرده است.

نامه امیرحسین موسوی از زندان اوین:

ویدئوی پخش شده از صداوسیما «اجباری» و تحت فشار بازجو گرفته شد



امیرحسین موسوی

● امیرحسین موسوی در نامه‌ای از زندان اوین نوشته «بعد از ۱۴۸ روز تحمل سلول انفرادی، بازداشت همسر، ضرب و شتم‌های شدید اولیه و فشار جانکاه انفرادی و بلا تکلیفی، با تهدید به بازداشت مجدد همسر و تکرار و تجدید تمام آنچه بر من گذشته بود، این مصاحبه اجباری گرفته شد.»

● این زندانی سیاسی افزوده «در آن مصاحبه تقریباً تمامی جملاتی که گفتم، حاصل القای بازجو و تحمیل وی بود. همان گفته‌ها نیز با تقطیع و تحریف بسیار از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد.»

● رضا شفاخواه، وکیل موسوی، پخش اعترافات تلویزیونی پیش از برگزاری دادگاه را «نقض آشکار حقوق قانونی» او دانست.

● صداوسیما جمهوری اسلامی شامگاه دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ اقدام به پخش ویدئویی از اعترافات اجباری امیرحسین موسوی کرد. این زندانی سیاسی از ۱۰ ماه پیش در بازداشت نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار دارد.

یک روز پس از پخش ویدئویی از اعتراف اجباری امیرحسین موسوی از صداوسیما جمهوری اسلامی، این زندانی سیاسی در نامه‌ای از زندان اوین اعلام کرد: «اعتراف اجباری‌ام را با تهدید گرفتند و در تلویزیون تحریف کردند.» او اتهاماتی را که علیه‌اش در این ویدئو مطرح شده رد کرد و گفت اعترافاتی که در این برنامه از او پخش شده، «اجباری» بوده و تحت فشار بازجو گرفته شده است.

صداوسیما جمهوری اسلامی شامگاه دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ اقدام به پخش ویدئویی از اعترافات اجباری امیرحسین موسوی که با نام «جیمز بی‌دین» در «توییتر» فعال بود کرد. این زندانی سیاسی از ۱۰ ماه پیش در بازداشت نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در زندان بسر می‌برد.

او یک روز پس از پخش ویدئویی از اعتراف اجباری‌اش در نامه‌ای از زندان اوین تأکید کرده «بعد از ۱۴۸ روز تحمل سلول انفرادی، بازداشت همسر، ضرب و شتم‌های شدید اولیه و فشار جانکاه انفرادی و بلا تکلیفی، با تهدید به بازداشت مجدد همسر و تکرار و تجدید تمام آنچه بر من گذشته بود، این مصاحبه اجباری که پایه گزارش ۲۰:۳۰ بود، از من گرفته شد.»

این زندانی سیاسی افزوده «در آن مصاحبه تقریباً تمامی جملاتی که گفتم، حاصل القای بازجو و تحمیل وی بود. همان گفته‌ها نیز با تقطیع و تحریف بسیار از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد.»

امیرحسین موسوی متولد بهمن ۱۳۴۴ و ساکن تهران در شبکه‌های اجتماعی فعال بود و در «توییتر» (ایکس) با اکانتهای پرمخاطب «جیمز بی‌دین» حضور داشت. او و همسرش ۲۸ آذرماه ۱۴۰۳ هنگام سفر به جزیره کیش، در فرودگاه مهرآباد و توسط مأموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بازداشت شد. شبنم حسین‌زاده همسر امیرحسین موسوی دو هفته بعد با قرار وثیقه آزاد شد.

بر اساس اطلاعات منتشرشده، او از شش ماه پیش از بازداشت شناسایی شده و در تور امنیتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی قرار داشت. شناسایی او توسط یک ایرانی ساکن کانادا و همکار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی صورت گرفته بود که توانسته بود در شبکه‌های اجتماعی با

سکوت بر لبانم زده بودم و قصد نداشتم تا زمان برگزاری دادگاه (که تاریخ آن ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ به تازگی به من ابلاغ شده است) در زمینه پرونده‌ام حرفی بزنم اما در گزارش دیشب، موضوعاتی مطرح شد که هیچ‌یک از آنها حقیقت نداشت و من تصمیم گرفتم از حق مشروع دفاع از خودم استفاده کنم و سکوت خود را بشکنم.

۱. از همان ابتدا، در عنوان گزارش چنین گفته می‌شود که (صهیونیست‌ها چطور در طول جنگ ۱۲ روزه... از «عوامل سلطنت‌طلب» استفاده کردند.) تاریخ دستگیری من، چنان که گفتم، ۲۸ آذر ماه ۱۴۰۳ بود یعنی حدود ۶ ماه قبل از آن جنگ کذاب. این معنا چطور درست درمی‌آید؟

۲. بعد از ۱۴۸ روز تحمل سلول انفرادی، بازداشت همسر، ضرب و شتم‌های شدید اولیه و فشار جانکاه انفرادی و بلا تکلیفی، با تهدید به بازداشت مجدد همسر و تکرار و تجدید تمام آنچه بر من گذشته بود، این مصاحبه اجباری که پایه گزارش ۲۰:۳۰ بود از من گرفته شد. در آن مصاحبه، تقریباً تمامی جملاتی که گفتم، حاصل القای بازجو و تحمیل وی بود. و چنانکه اشاره خواهد شد، حتی همان گفته‌ها نیز با تقطیع و تحریف بسیار از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد.

۳. در آن گزارش، گروه موسوم به «صد محله» از عوامل اعتراضات ۱۴۰۱ معرفی شد، در حالی که این گروه اساساً در سال ۱۴۰۱ وجود نداشت. در فروردین ۱۴۰۲ شروع به فعالیت در زمینه تولید محتوای انتقادی کرد و در مهر ماه همان سال، یعنی پیش از یکسال قبل از دستگیری من، منحل شد. بنابراین صفحات مجازی مذکور هیچ ارتباطی به اعتراضات سال ۱۴۰۱ نداشتند.

۴. آن گزارش، خانم «الیه» را «عامل رژیم صهیونیستی» معرفی می‌کند. ایشان، یک دوست از صدها دوست عادی من در توییتر بود و چت با ایشان، یکی از هزاران چت من، مطلقاً ارتباطی بین این خانم و رژیم اسرائیل وجود نداشت، یا اگر داشت، من نه خبری از این امر داشتم و نه حتی کوچکترین ظنی به این مورد کردم. مدت زیادی بود ←

او ارتباط برقرار کرده و اعتمادش را جلب کند. در ویدئوی پخش شده در حالی امیرحسین موسوی را با اتهامات سنگینی چون جاسوسی و همکاری اطلاعاتی و امنیتی با اسرائیل روبرو کرده‌اند که کیفرخواست او ماه گذشته با سه اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقدسات» صادر شد.

از سوی دیگر در شرایطی ویدئویی از اعتراف اجباری امیرحسین موسوی در نیمه مهرماه از صداوسیما جمهوری اسلامی پخش شد که نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات او قرار است آبان‌ماه برگزار شود. رضا شفاخواه، وکیل موسوی، پخش اعترافات تلویزیونی پیش از برگزاری دادگاه را «نقض آشکار حقوق قانونی» او دانست.

امیرحسین موسوی نیز در نامه‌اش تأکید کرده «برآیند کلی این گزارش و اعترافات اجباری این است که به مخاطب القا کنند سربازان گمنام امام زمان بعد از جنگ ۱۲ روزه یک «جاسوس موساد» را گرفته‌اند و ناکامی خود در شناسایی جاسوسان واقعی اسرائیل را به گردن شخصی بیندازند که قریب به یک سال است که بلا تکلیف در زندان است. من امیرحسین موسوی (جیمز بی‌دین) فرزند و پرورده مردم ایران، نه تبادل اطلاعاتی‌ای با خارج داشته‌ام، و نه -طبعاً- در این یک سال بازداشت، دخالتی در رسانه‌ها داشته‌ام.»

متن کامل نامه امیرحسین موسوی به شرح زیر است:

«درود بر مردم شریف و وطنم ایران

من امیرحسین موسوی (کاربر توییتری جیمز بی‌دین) هستم که در تاریخ ۲۸ آذر ۱۴۰۳ دستگیر شده‌ام و تاکنون در زندان به سر می‌برم. در تاریخ ۱۴ مهر ۱۴۰۴ در برنامه خبری ۲۰:۳۰ گزارشی در مورد من پخش شد که در آن اتهاماتی بسیار، همگی نادرست، به من زده شد. بنابراین لازم دانستم در این زمینه حقایقی را به اطلاع مردم شریف کشورم برسانم.

ضمن اینکه من در تمام ایام بازداشت «موقت» مهر

دوران محمدرزاشاهی؛ ایران، خانه امن ملت

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

در راه پیشرفت آن کوشید.»

۲۹ اردیبهشت پل فلزی زاینده رود به وسیله منوچهر اقبال نخست‌وزیر گشایش یافت. سپس نخست‌وزیر نخستین کلنگ کارخانه قند اسپهان را بر زمین زد. گنجایش آغازین این کارخانه یک هزار تن در روز بود.

اردیبهشت ۱۳۳۸ به مناسبت یکصدمین سال تأسیس صلیب سرخ جهانی شاه در پیامی گفت: «ملت ایران همواره در نوع‌پروری و خیرخواهی پیش‌قدم بوده و در شمار نخستین مللی است که اساس فکر و ایجاد صلیب سرخ جهانی را پذیرفت و بدان پیوست و با جدیت و صمیمیت

می‌گذارد تا به بینندگان القا کند که من در نشر آن تصاویر نقش داشته‌ام، در حالی که تصریح می‌کنم که من از آذر ماه

۱۴۰۳ در بازداشت و انفرادی بوده‌ام و هنوز هم در زندان اوین هستم و در جنگ ۱۲ روزه مثل سایر زندانیان جز به اخبار صدا و سیما هیچ دسترسی به هیچ رسانه یا شبکه اجتماعی‌یی نداشتم.

۱۲. گزارشگر به دروغ می‌گوید انتشار آن تصاویر می‌شود «آخرین مأموریت» من، و بعد به دست سربازان گمنام امام زمان دستگیر می‌شوم. کدام مأموریت؟ بار این کلمه چنان سنگین است که علناً به من برچسب «مأمور» بودن می‌زند. مأمور کدام نهاد؟ کدام پول؟ گویی من مأمور اسرائیل بوده‌ام و بعد از جنگ ۱۲ روزه بازداشت شده‌ام. بارها گفتم و بار دیگر می‌گویم، حدود یک سال است که در زندانم (۶ ماه آن در بازداشتگاه و انفرادی) و حدود ۶ ماه پیش از جنگ ۱۲ روزه دستگیر شده‌ام.

۱۳. در انتهای گزارش در جمله از مصاحبه اجباری را تقطیع کردند و به هم چسباندند: «حمایت از اسرائیل سیاه‌ترین کاری بود که کردم» و «الان اگر ازم بپرسند چند نفر کشته و زخمی شدند نمی‌دانم» و این‌گونه القا می‌کنند که جمله دوم را در مورد جنگ ۱۲ روزه گفتم. مردم عزیز! مصاحبه را در اردیبهشت ۱۴۰۴ گرفتند یعنی یک ماه پیش از حمله اسرائیل! پرسشی که پاسخش را شنیدید، دقیقاً این بود: «می‌دونی تو جریان مهسا امینی (کذا) چند نفر کشته و زخمی شدند؟» و من گفتم نمی‌دانم. به نظر می‌رسد این تقطیع و چسباندن‌ها، حتی در مورد مصاحبه کاملاً اجباری خودشان، تنها یک دلیل دارد و آن، القا کردن این حس به

پاینده باد ایران و ایرانی
امیرحسین موسوی
۱۴۰۴/۷/۱۵
زندانی اوین»

➔ که با این خانم در توئیتر دوست بودم و مثل هر دوست دیگری، در موضوعات و زمینه‌های مختلف برای من کامنت می‌گذاشت یا با من چت می‌کرد. بریدن و چسباندن و سر هم کردن قطعاتی از چت‌های من و ایشان (که حتی در همان‌ها هم دوستی عادی من و ایشان هویداست) کاری است خطا و ناجوانمردانه.

۵. گزارش کاربری با نام «Avi» را یک رتبه بالاتر از الهه معرفی می‌کند، به گونه‌ای که انگار صحبت از درجات نظامی است. ایشان هم مثل خانم الهه صرفاً یک کاربر فعال توئیتر است و من به دلیل آن که با ایشان آشنا شده بودم، فقط یک‌بار به یک چت سه نفره با ایشان رفتم.

۶. به ادعای گزارشگر، کاربر AVi اطلاعاتی را که از من گرفته، مستقیماً برای موساد فرستاده است، در حالی که من هیچ اطلاعاتی، تاکید می‌کنم هیچ اطلاعاتی حتی اطلاعات عمومی هم به او نداده‌ام. اگر مدرکی خلاف گفته من وجود دارد، خوشحال می‌شوم آن را منتشر کنند. اصلاً شروع آشنایی من با ایشان به این دلیل بود که الهه وی را یک شهروند عادی اسرائیلی و منتقد دولت خود معرفی کرده بود. مدرک این چت هم موجود است.

۷. ادعای گزارشگر در مورد اینکه از من سوال شده باشد که (هدف گرفتن پدافندها، تاسیسات هسته‌ای، اماکن نظامی یا کدام محل جامعه را به آشوب می‌کشد؟) خلاف واقع است. اساساً من اعتقاد دارم تصمیم اسرائیل برای هدف گرفتن نقاطی در ایران حاصل تحقیقات طولانی و مستقل آنهاست، نه اینکه یک کاربر توئیتری از یک کاربر دیگر نظری بپرسد و این نظر تبدیل به تصمیم راهبردی و نظامی یک کشور بشود.

۸. بخشی کاملاً تقطیع شده از حرف‌های من در مصاحبه اجباری در مورد مراکز انتظامی (یگان ویژه و ...) پخش شد و این نکته به عمد ناکفته ماند که من -چنانکه حتی در اعترافاتم تصریح کرده بودم- از قصد به آن کاربر اطلاعاتی همراه کننده در مورد استقرار این نهادها دادم و از نقاط حضور آنها اظهار بی‌اطلاعی کردم و حتی در چت‌های پرینت شده من در آن گفتگو این نکته مشهود است که به محض آنکه آن شخص کلمه «موساد» را نوشت بلافاصله من به چت خاتمه دادم و دیگر هرگز با آن شخص گفتگو نکردم. زیرا از آن لحظه به بعد، بوی خیانت به کشورم به مشام خورد و به عنوان شخصی بی‌نهایت ایران‌دوست هرگز، هرگز حاضر به خیانت به آب و خاکم نبوده و نیستم.

۹. در آن گزارش توئیتی از من نشان داده می‌شود که تاریخ آن تعمداً بریده شده است. این توئیتر در واقع بعد از حمله اسرائیل در پاسخ به عملیات وعده صادق ۲ در تابستان ۱۴۰۳ نوشته شده است. کاربران معترض و منتقد توئیتر در آن زمان و هر زمان دیگر که درگیری پیش می‌آمد، همگی عکس‌های ماهواره‌ای عمومی و در دسترس را به طنز و جد توئیتر می‌کردند و هیچ‌گونه اطلاعات محرمانه‌ای در هیچ‌یک از آن عکس‌ها نبود و من هم آن عکس ماهواره‌ای را از توئیتر برداشته و توئیتر کرده‌ام و من اساساً به اطلاعات و عکس‌های محرمانه دسترسی نداشتم.

۱۰. گزارشگر در فرازی از دروغ‌های خود به «تأمین اطلاعات مراکز حساس نظامی» اشاره می‌کند، در صورتی که من هیچ اطلاعاتی در این زمینه به هیچ کاربری نداده‌ام. و چنان که گفتم، من که یک شغل آزاد ساده داشتم، اصولاً اطلاعاتی نداشتم که بخواهم با ارائه آنها به میهنم خیانت کنم. من تنها یک شهروند عادی معترض و آزادی‌خواهم.

۱۱. در پایان این گزارش تقطیع شده و بر پایه مصاحبه اجباری، گزارشگر ادعا می‌کند که در مرحله بعد از ارائه اطلاعات، من نتایج حمله اسرائیل را نشر داده‌ام، و سپس تصاویری از انفجارهای حاصل از حمله اسرائیل به نمایش

چهار وزیر دولت پزشکیان در مسیر استیضاح؛ اصلاح طلبان می‌گویند رقابت جناحی است



● بحران‌های موجود، از اقتصاد تا محیط زیست، آنقدر عمیق شده و آثار ویرانگر و خسارتباری برجای گذاشته که دیگر فراکنی و وعده‌فروشی مقامات نمی‌تواند برای دولت «فرصت» بخرد.

● نمایندگان مجلس شورای اسلامی که غالب آنها از طیف اصولگرا و نزدیک به «جبهه پایداری» به عنوان جدی‌ترین رقیب دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان هستند، از عملکرد مردود دولت برای استیضاح وزرا استفاده می‌کنند.

● عباس‌علی‌آبادی وزیر نیرو، احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی و غلامرضا نوری قزلقه وزیر جهاد کشاورزی در نوبت استیضاح در صحن مجلس شورای اسلامی هستند.

● اصلاح‌طلبان حامی دولت پزشکیان تلاش می‌کنند تدوین طرح استیضاح برای چهار وزیر دولت مورد حمایت خود را به رقابت‌های بین جناحین حکومت ربط دهند.

● جمهوری اسلامی اما با بحران بزرگتر یعنی نارضایتی عمومی شهروندان روبروست و هیچ‌یک از جریان‌های درون حکومت نمی‌توانند با وعده‌فروشی و اقداماتی چون استیضاح وزرا پایگاه اجتماعی کسب کرده یا مردم را امیدوار به تغییراتی موثر برای بهبود اوضاع کنند!

عملکرد دولت پزشکیان طی سیزده ماه گذشته از یکسو با وعده‌های انتخاباتی او فاصله قابل توجهی دارد و از سوی دیگر نتوانسته در مسیر ساماندهی به بحران‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط زیستی قدم بردارد. در بسیاری از وزارتخانه‌ها «بی‌عملی» و «بی‌برنامگی» کاملاً نمایان است و وزرا در رویارویی با خبرنگاران تنها به تکرار مشکلات و کلی‌گویی می‌پردازند. این در حالیست که بحران‌های موجود، از اقتصاد تا محیط

زیست، آنقدر عمیق شده و آثار ویرانگر و خسارتباری برجای گذاشته که دیگر فراکنی و وعده‌فروشی مقامات نمی‌تواند برای دولت «فرصت» بخرد.

در چنین شرایطی نمایندگان مجلس شورای اسلامی که غالب آنها از طیف اصولگرا و نزدیک به «جبهه پایداری»، به عنوان جدی‌ترین رقیب دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان هستند، از عملکرد مردود دولت برای استیضاح وزرا استفاده می‌کنند.

چهار عضو هیئت وزیران دولت پزشکیان اکنون در تیرس تلاش نمایندگان برای استیضاح قرار دارند. به گفته علی‌نیکزاد نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی، عباس‌علی‌آبادی وزیر نیرو، احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی و غلامرضا نوری قزلقه وزیر جهاد کشاورزی در نوبت استیضاح در صحن مجلس هستند.

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیش از سه وزیر دیگر با پافشاری نمایندگان برای استیضاح روبروست بطوری که ۲۵ نماینده از ۵۸ نماینده‌ای که پای طرح استیضاح میدری را امضا کرده‌اند نام و امضای خود را با رنگ قرمز ثبت کرده‌اند.

زهرا سعیدی سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس درباره امضای قرمز رنگ ۲۵ نماینده گفته «این نمایندگان با استامپ قرمز پای برگه‌ها انگشت زده و سوگند خوردند از امضا عقب‌نشینی نکنند. در این صورت نام امضاکنندگان منتشر خواهد شد.»

احمد میدری اصلاح‌طلب شناخته شده و از چهره‌های نزدیک به دولت خاکی و روحانی است. در متن استیضاح آمده: «در شرایط حساس کنونی کشور و پس از جنگ ۱۲ روزه، ترک‌فعل‌ها و ضعف‌های مدیریتی وزیر رفاه تهدیدی

جدی برای ثبات اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود.» محورهای استیضاح نیز شامل بی‌ثباتی در مدیریت صندوق‌ها، ادغام غیرقانونی صندوق‌های بازنشستگی، بحران مالی سازمان تأمین اجتماعی، زیان سنگین هلدینگ‌های وابسته، و بی‌برنامگی در دهک‌بندی یارانه‌ها عنوان شده و آنهم در حالی که میدری، چندی پیش پس از پاسخ به سؤال سیاسی نماینده تهران درباره انتصاباتش، کارت زرد دریافت کرده بود؛ نشانه‌ای از آغاز روند فشار سیاسی علیه وی.

عباس‌علی‌آبادی وزیر نیرو دولت پزشکیان نیز با بلبشویی که با بحران کمبود انرژی و آب در نیمه اول امسال به راه افتاد، بهانه کافی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی داد تا ۱۰۰ امضا برای استیضاح او جمع‌آوری کنند.

موافقان استیضاح عباس‌علی‌آبادی می‌گویند وزارت نیرو در مدیریت اوضاع تابستانه شکست خورده و برنامه‌ای برای کاهش ناترازی ندارد. حامیان دولت پزشکیان هم توجیه می‌کنند که کمبود برق، نتیجه مستقیم سرمایه‌گذاری‌های متوقف‌شده در دوره تحریم است و استیضاح وزیر نمی‌تواند چاره‌ساز باشد.

فرزانه صادق تنها وزیر زن دولت نیز از بهار امسال و پس از انفجار در بندر «رجایی» مورد توجه نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و طرح استیضاح او تدوین شد و البته موارد دیگری از جمله «ضعف در اجرای طرح‌های مسکن و بی‌ثباتی مدیریتی» به این طرح افزوده شده است. «تعطیلی سامانه ثبت‌نام مسکن ملی و بلا تکلیفی طرح‌های حمایتی از اقشار کم‌درآمد» از دیگر محورهای استیضاح فرزانه صادق است.

حامیان دولت پزشکیان درباره استیضاح وزیر راه نیز مشکلات را به گردن دولت قبل می‌اندازند و معتقدند ←

«بازی بیست»؛ از شگفتی‌های باستانی «شهر سوخته» در سیستان



ویدئو

سخران، بهتر است آن را «بازی بیست» نامید، در واقع نیای شطرنج و تخته نرد است. در ابتدا سخران دربار کشف تاریخی شهر سوخته و نام آن و همچنین اشیای باارزشی که در آن کشف شده، توضیحاتی داد و گفت که شهر سوخته در سیستان ایران از کل تاریخ هند قدیمی‌تر است. کیهان لندن گزارشی از این نشست تهیه کرده است.

در نشست اخیر کانون فرهنگی پارس (کانون ایران) سام جلوه مقدم در باره شگفتی‌های یافت‌شده در شهر سوخته پرداخت. وی متخصص بازی‌های باستانی است و به همین جهت نقطه تمرکز سخرانی وی رومایی از یک بازی باستانی بود که در شهر سوخته پیدا شده که با همین نام «بازی شهر سوخته» نیز معروف شده است. این بازی که به گفته‌ی

جشنواره مهرگان در لندن



ویدئو

نوشیدنی و همچنین صنایع دستی خود را عرصه کنند. در این جشنواره مسابقه آواز و رقص هم برگزار شد و با رای هئنت داوران همراه با رای حاضران برندگان این مسابقات انتخاب شدند. کیهان لندن گزارشی از این جشن تهیه کرده است.

همزمان با جشن کهن مهرگان چند گروه جامعه ایرانیان از شهرهای مختلف برینانیا گرد آمدند و جشنواره‌ای در منطقه پارک رویال لندن برگزار کردند. مسئولیت اصلی این جشنواره با انجمن ایرانیان لیورپول بود که فرصتی فراهم کرد تا شرکت‌کنندگان کالاهای تولیدی خوردنی و

که وزارت راه درگیر ساختارهای معیوب انباشته از دولت قبل است و فرصت کافی برای اصلاح ندارد. غلامرضا نوری قزلجه وزیر جهاد کشاورزی که سابقه طولانی در نمایندگانی مجلس شورای اسلامی دارد و مانند مسعود پزشکیان از کرسی نمایندگی مجلس راهی دولت چهاردهم شده از دیگر وزاری است که عملکرد او طی یک سال گذشته با انتقادهای زیادی روبرو بوده است. او حالا از سوی همکاران پیشین خود در مجلس شورای اسلامی با طرح استیضاح روبرو شده است.

«تاخیر در پرداخت مطالبات گندمکاران، قیمت‌گذاری‌های ناعادلانه محصولات کشاورزی و کمبود نهاده‌های دامی» از محورهای اصلی استیضاح وزیر جهاد کشاورزی است. در شرايطی که نمایندگان منتقد عملکرد غلامرضا نوری قزلجه در مدیریت وزارت جهاد کشاورزی هستند، او می‌گوید بخش عمده این مشکلات ناشی از تحریم‌های بانکی و موانع واردات نهاده‌ها است.

در آنسوی ماجرا، اصلاح‌طلبان حامی دولت پزشکیان تلاش می‌کنند تدوین طرح استیضاح برای چهار وزیر دولت مورد حمایت خود را به رقابت‌های بین جناحین حکومت ربط دهند.

محمد عطریانفر فعال اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی گفته استیضاح وزرا اقدامی حزبی و جناحی است و اگر کابینه نیاز به تغییر و ترمیم داشته باشد این رئیس‌جمهور است که باید درباره آن تصمیم بگیرد.

او همچنین گفته «از رئیس‌جمهور انتظار داریم وزرای خود را هم قسم کند که شرایط کشور، عادی نیست و در شرایط بحرانی باید مضاعف کار کنند، دقت کنند و سطح نظارت خود را افزایش دهند.»

اگرچه جریانی از نمایندگان موفق شده‌اند طرح استیضاح چهار نماینده را پیش ببرند و پیشتر نیز در اسفندماه عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد را استیضاح و عزل کردند اما جریان حامی پزشکیان نیز تلاش دارد تا استیضاح نمایندگان را عقب بیاورد.

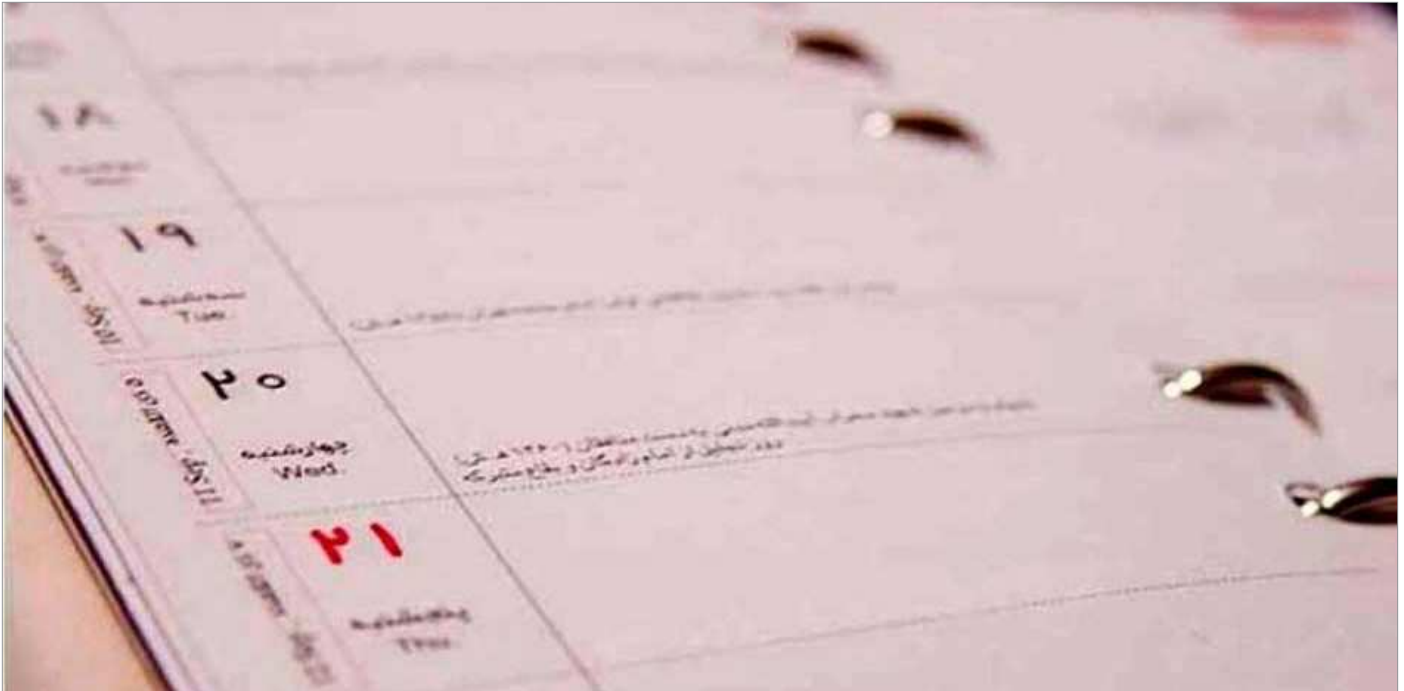
برای نمونه در حالی که چند هفته پیش طرح استیضاح احمد میدری به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود اما نمایندگان موافقان استیضاح از «تعطل» در به جریان انداختن این طرح خبر می‌دهند.

در همین رابطه زهرا سعیدی سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با اشاره به امضای ۲۵ نماینده برای استیضاح وزیر کار با رنگ قرمز، گفته «به دلیل تعطل در پیگیری حدود ۲۴ تا ۲۵ نفر از نمایندگان دیگر نیز مجدد برای پیگیری استیضاح میدری وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی وارد عمل شدند.»

او افزوده «ما نگران بودیم که چرا این استیضاح پیگیری نمی‌شود بنابراین همگی سوگند یاد کردیم که به هیچ عنوان عقب‌نشینی نکنیم. همچنین اعلام کردیم هر نماینده‌ای که امضا کند و سپس پس بگیرد، نام او را منتشر خواهیم کرد.» با وجود افزایش رقابت‌ها و درگیری‌های بین‌جناحی در جمهوری اسلامی که استیضاح وزرای دولت پزشکیان یکی از جلوه‌های آن است؛ اما در مجموع جمهوری اسلامی با بحران بزرگتری روبروست؛ نارضایتی عمومی شهروندان از شیوه مدیریت کشور و تشدید بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و...

این در حالیست که به نظر می‌رسد هیچ یک از جریانات درون حکومت نمی‌توانند با وعده‌فروشی و اقداماتی چون استیضاح وزرا پایگاه اجتماعی کسب کرده یا مردم را امیدوار به تغییراتی موثر برای بهبود اوضاع کنند!

تعطیلی کارکنان دولت در روزهای پنجشنبه به استانداران سپرده شد؛ تبعیض آشکار علیه کارکنان بخش خصوصی



روزهای پنجشنبه به تبعیض میان کارکنان دولت و اقشار کارگری است.

منتقدان می‌گویند کارکنان دولت که بسیاری آنان را محصول استخدام‌های رانتی و پارتی می‌دانند، از تعطیلی پنجشنبه بهره‌مند می‌شوند و این در حالیست که کارگران و کارمندان بخش خصوصی همچنان باید ۶ روز در هفته سر کار باشند.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» هم در گزارشی نوشته نتیجه تصمیم تبعیض‌آمیز مجلس منجر به یک شکاف عمیق در ادراک اجتماعی از عدالت خواهد شد؛ به ویژه آنکه بر اساس قانون کار که مبنای استخدام کارگران و کارمندان شاغل در بخش خصوصی است، موضوع دو روز تعطیلی در هفته برای کارکنان پیش‌بینی نشده و حتی بسیاری از کارگران در روزهای جمعه نیز به صورت شیفتی ناچار به کار هستند.

این گزارش تأکید کرده «آنچه «امتیاز» برای یک گروه است، به چشم دیگران یک ظلم آشکار است. این روند نه تنها احساس تبعیض را میان جامعه شدت می‌بخشد بلکه بدون تردید می‌تواند منجر به احساس خشم و سرخوردگی نیز شود.»

از سوی دیگر در حالیکه موضوع دو روز تعطیلی رسمی در هفته از دهه هفتاد خورشیدی تا کنون مطرح بوده و طی دو سال گذشته در لایحه‌ای از سوی دولت به صورت جدی در مجلس شورای اسلامی دنبال شده و در نهایت معلق مانده بود، اکنون دولت و مجلس شورای اسلامی به علت بحران کمبود انرژی در عمل تعطیلی روزهای پنجشنبه به عنوان دومین روز تعطیل هفته را فقط مشمول ادارات و سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و نیمه‌دولتی کرده‌اند.

فعالان کارگری می‌گویند اگر دولت و مجلس شورای اسلامی همان لایحه مرتبط با تعطیلی دو روز در هفته را به سرانجام رسانده و به قانون تبدیل شده بود، تمام

وارد نکند، در اختیار استانداران است. به این ترتیب تعطیلی پنجشنبه‌ها برای کارمندان دولت اجرا خواهد شد.

علاءالدین رفیع‌زاده رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور نیز در پاسخ به پویش برای تمدید تعطیلی پنجشنبه‌ها گفته که دولت پیش از این لایحه‌ای دو فوریتی در این زمینه به مجلس شورای اسلامی ارائه کرده بود؛ «هرچه در مجلس به تصویب برسد، ما آن را اجرا خواهیم کرد.»

احمد بیگدلی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز پیشتر از تأکید مجلس بر تعطیلی روزهای پنجشنبه همراه با حفظ ۴۲ ساعت و ۳۰ دقیقه کار هفتگی خبر داده بود.

تا کنون استانداران استان‌های آذربایجان شرقی، قزوین، سمنان و مازندران روزهای پنجشنبه را تا آخر سال جاری تعطیل اعلام کرده‌اند.

تعطیلی روزهای پنجشنبه مدت‌هاست تحت بررسی در مجلس شورای اسلامی بوده و البته انتقاداتی نیز به آن مطرح بوده است اما مقامات دولت پزشکیان به علت بحران کمبود انرژی تلاش کردند تعطیلات رسمی در هفته را از یک روز به دو روز افزایش دهند.

حاکم مکران سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ماه گذشته گفته بود که «وضعیت بلا تکلیفی در تعطیلی روزهای پنجشنبه نه تنها اعتماد مردم به مدیریت اجرایی را کاهش داده، بلکه زندگی روزمره آنها را نیز مختل کرده است؛ ضرورت دارد تا مجلس شورای اسلامی هر چه سریع‌تر موضوع تعطیلی پنجشنبه‌ها را تصویب کند تا عدالت در سراسر کشور جاری شود. تا آن زمان، انتظار می‌رود که ما بقی استان‌ها نیز به تبع تهران تعطیل شوند تا تبعیض اداری و سردرگمی کارکنان برطرف شده و عدالت و آرامش و بهره‌وری تضمین شود.»

بخش زیادی از انتقاد به تعطیلی ادارات دولتی در

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت اعلام کرده که تعطیلی پنجشنبه چنانچه به موضوع ساعت کاری قانونی ایراد وارد نکند، در اختیار استانداران است. به این ترتیب تعطیلی پنجشنبه‌ها برای کارمندان دولت اجرا خواهد شد.

احمد بیگدلی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز پیشتر از تأکید مجلس بر تعطیلی روزهای پنجشنبه همراه با حفظ ۴۲ ساعت و ۳۰ دقیقه کار هفتگی خبر داده بود.

منتقدان می‌گویند کارکنان دولت که بسیاری آنان را محصول استخدام‌های رانتی و پارتی می‌دانند، از تعطیلی پنجشنبه بهره‌مند می‌شوند و این در حالیست که کارگران و کارمندان بخش خصوصی همچنان باید ۶ روز در هفته سر کار باشند.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» نوشته «آنچه «امتیاز» برای یک گروه است، به چشم دیگران یک ظلم آشکار است. این روند نه تنها احساس تبعیض را میان جامعه شدت می‌بخشد بلکه بدون تردید می‌تواند منجر به احساس خشم و سرخوردگی نیز شود.»

فعالان کارگری می‌گویند اگر دولت و مجلس شورای اسلامی لایحه مرتبط با تعطیلی دو روز در هفته را به سرانجام رسانده و به قانون تبدیل شده بود، تمام کارفرمایان در بخش خصوصی نیز ناچار به اجرای آن می‌شدند.

پس از ماه‌ها کشمکش بین دولت پزشکیان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تکلیف تعطیلی پنجشنبه‌ها مشخص شد و دولت اعلام کرد که تعطیلی پنجشنبه‌ها تا جایی که به ساعت کاری قانونی ایراد وارد نکند، در اختیار استانداران است.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت اعلام کرده که تعطیلی پنجشنبه هم چنانچه به موضوع ساعت کاری قانونی ایراد

«ارزان‌نمایی» با حذف چهار صفر از پول ملی؛ اقدامی هزینه‌زا و بی‌اثر بر کاهش تورم!



شورای اسلامی تصویب شد. اگر چه دولت با ادعای اصلاح ساختاری و اقدامی برای کاهش تورم این طرح را تدوین کرده اما کارشناسان معتقدند برآیند حذف چهار صفر از پول ملی در شرایط کنونی اقتصاد ایران منفی است و اثری بر کاهش تورم نخواهد داشت.

لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی کشور درباره حذف چهار صفر از پول ملی روز یکشنبه ۱۳ مهرماه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی بررسی و با ۱۴۴ رای موافق، ۱۰۸ رای مخالف و ۳ رای ممتنع از مجموع ۲۶۲ نماینده حاضر به تصویب رسید.

حذف چهار صفر از پول ملی سال‌هاست به عنوان اقدامی در جهت کاهش تورم در دستور کار دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی قرار داشته است. با اینهمه کارشناسان معتقدند در شرایط کنونی اقتصاد کشور این اقدام بر کاهش تورم اثر چندانی نخواهد داشت و دولت باید بر رفع عوامل تورم‌زا تمرکز کرده و تلاش کند ارزش پول ملی را افزایش دهد.

احمد انارکی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته «حذف چهار صفر از پول ملی بیشتر بعد روانی دارد. اما ریال به واقع آن‌قدر کوچک بود که از سکه افتاده بود و در حقیقت چیزی به عنوان ریال نداشتیم. با حذف چهار صفر اسم ریال احیا شد.»

وی تأکید کرده که «حذف چهار صفر روی تورم، اقتصاد و معیشت اثر چندانی ندارد، اما می‌تواند بر به کار نبردن همت و... تاثیر داشته باشد. با توجه به اینکه تورم بالاست این احتمال وجود داشت که واحدهای دیگری هم به صورت غیررسمی تعریف شود.»

او افزوده «در کنار حذف چهار صفر بهتر است که پول ملی تقویت شود. در حال حاضر روزانه بیش از

● بر اساس این مصوبه، واحد پول ملی ایران همچنان ریال باقی خواهد ماند، اما چهار صفر از آن حذف می‌شود. بدین معنا که هر ۱۰۰،۰۰۰ ریال فعلی معادل ۱ ریال جدید خواهد بود. برای معاملات خرد نیز واحد «قران» تعریف شده که هر ۱۰۰ قران برابر با ۱ ریال جدید است.

● کارشناسان معتقدند در شرایط کنونی اقتصاد کشور این اقدام بر کاهش تورم اثر چندانی نخواهد داشت و دولت باید بر رفع عوامل تورم‌زا تمرکز کرده و تلاش کند ارزش پول ملی را افزایش دهد.

● تجربه دیگر کشورهایی که با تورم بالا اقدام به حذف صفر از پول ملی خود کردند نیز نشان می‌دهد حذف چهار صفر از پول ملی به تنهایی نمی‌تواند تورم را کنترل کند یا اقتصاد را نجات دهد، بلکه باید در کنار اصلاحات ساختاری، سیاست‌های پولی و مالی دقیق و اعتمادسازی عمومی صورت گیرد.

● مرتضی افقه اقتصاددان: حذف چهار صفر از پول ملی بی‌فایده است و به وقت، انرژی و هزینه‌هایی که برای آن صرف می‌شود، نمی‌ارزد؛ مگر اینکه در همین مدتی که قرار است روند حذف صفر از پول ملی انجام شود، هم تحریم‌ها برداشته شوند، هم شرایط جنگی مرتفع شود و هم ساختارهای ناکارآمد و ضد تولید داخلی که منشا تورم هستند اصلاح شوند.

● کامران ندری اقتصاددان: دولت و مجلس وقت خود را با کارهای بی‌اهمیت پر کردند و انگار بجای رفع مشکلات در پی این هستند که سر خود را گرم کنند. اینکه در وضعیت تشدید رکود تورمی دست به صفرهای پول ملی زده شود را نمی‌توانیم به عنوان اصلاحات اقتصادی در نظر بگیریم.

لایحه مربوط به حذف چهار صفر از پول ملی در مجلس

کارفرمایان در بخش خصوصی نیز ناچار به اجرای آن می‌شدند.

حسن صادقی فعال کارگری معتقد است با تصمیم اخیر دولت و مجلس شورای اسلامی درباره تعطیلی پنجشنبه‌های برای کارمندان «کارفرماها آتش به اختیار هستند که ۴۴ ساعت کار مفید از نیروی کار انتظار داشته باشند و آن را معمولاً با نصف روز پنجشنبه تنظیم می‌کردند.»

این فعال کارگری افزوده «اتفاقی که رخ می‌دهد برای اقتصاد دولتی ماست که بیشترین سهم کیک اقتصاد را در تسط دارد؛ بنابراین در حوزه تعاون و بخش خصوصی که حدود ۳۰ درصد سهم دارند، تأثیری نخواهد گذاشت. بخش خصولتی هم کماکان از این مصوبه دولت بهره‌مند می‌شود و پنجشنبه‌ها رسماً تعطیل می‌شوند؛ بنابراین کارگران این بخش‌ها از این مزیت برخوردار می‌شوند و بخش خصوصی الزامی به تبعیت ندارد چراکه منفعتش را در عدم تعطیلی دنبال می‌کند.»

حسن صادقی گفته «از دولتی با این ناکارآمدی و لختی که با ۸۰ میلیون جمعیت، ۵ میلیون کارمند دارد، اما از آن طرف آمریکا که ۳۷۵ میلیون جمعیت دارد، با ۱ میلیون و ۲۰۰ کارمند کشور را اداره می‌کند، چیزی بیش از این توقع نمی‌رفت. این یکی از معضلات ماست و برای دولت فرقی هم نمی‌کند که کارمندانش تعطیل باشند یا خیر. کارمندان در خانه هم بنشینند نه تنها حقوق می‌گیرند بلکه اضافه کار هم دریافت می‌کنند. زیان‌کننده این نوع تصمیمات، کارگران بخش خصوصی هستند که اگر تعطیلی هم مشمول حالشان شود در حقیقت ۸ ساعت از حقوقشان کم می‌شود.»

بیش از دو سال پیش موضوع تعطیلی روزهای شنبه به عنوان دومین روز تعطیل هفته مطرح شد. از مدتها پیشتر بسیاری از شرکت‌ها و ادارات روزهای پنجشنبه تعطیل یا نیمه تعطیل بودند.

موافقان طرح تعطیلی روزهای شنبه می‌گفتند تعطیلی روزهای پنجشنبه و جمعه در ایران و تعطیلی شنبه و یکشنبه در اکثر نقاط جهان، در عمل دسترسی تجار و فعالان اقتصادی را چهار روز در هفته با جهان قطع می‌کند در حالیکه اگر روزهای جمعه و شنبه تعطیل اعلام شود دست‌کم این عدم ارتباط به سه روز در هفته کاهش پیدا می‌کند و روند ارتباطات و تبادلات مالی و اداری شرکت‌های ایرانی با دیگر کشورها بهبود پیدا می‌کند.

بخشی از مقامات حکومتی اما معتقد بودند همزمان بودن روزهای شنبه با مراسم «شیات» یهودیان غیرقابل پذیرش است و حتی چنین درخواستی از سوی فعالان اقتصادی و بخشی از نمایندگان مجلس را به عنوان توطئه‌ای از سوی صهیونیست‌ها ارزیابی کرده بودند.

این نگاه در نهایت سبب شد امرداد سال گذشته شورای نگهبان تعطیلی روز شنبه در لایحه افزایش تعطیلات آخر هفته را خلاف موازین شرع دانسته و با آن مخالفت کند. مدتی بعد نیز خبری درباره موافقت نمایندگان با تعطیلی روزهای پنجشنبه به عنوان دومین روز تعطیل هفته در تقویم رسمی کشور منتشر شد اما این مصوبه هم همچنان به قانون تبدیل نشد.

در ماه‌های گذشته با تشدید بحران کمبود انرژی و آب، دولت مسعود پزشکیان همزمان با جیره‌بندی برق و آب برای بخش خانگی و صنعتی، برخی ادارات را روزهای شنبه تعطیل و در مقطعی دیگر این تعطیلی به روزهای پنجشنبه منتقل شد. اینهمه در حالیکه که در نهایت قرار است با اختیار استانداران، ادارات و سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی برای روزهای پنجشنبه تصمیم‌گیری کنند.

➔ ۱۰ هزار میلیارد پول چاپ می‌کنیم و امیدوارم به روزی برسیم که به واقع پول ملی‌مان ارزشمند شود.»

در لایحه پیشنهادی اولیه دولت قرار بود واحد پول ملی با حذف سه صفر از ریال قدیمی، به «تومان» تبدیل شود اما قانون در نهایت واحد پول جدید را «ریال» و واحد فرعی را «قران» (هر یک ریال معادل ۱۰۰ قران) تعیین کرد.

بر اساس لایحه‌ای که دو روز پیش در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و قرار است طی یک فرآیند پنج ساله اجرایی شود، ساختار پولی ایران دستخوش تغییراتی بنیادین خواهد شد.

بر اساس این مصوبه، واحد پول ملی ایران همچنان ریال باقی خواهد ماند، اما چهار صفر از آن حذف می‌شود. بدین معنا که هر ۱۰۰۰۰۰ ریال فعلی معادل ۱ ریال جدید خواهد بود. برای معاملات خرد نیز واحد «قران» تعریف شده که هر ۱۰۰ قران برابر با ۱ ریال جدید است. این تغییر نه تنها ظاهر پول ملی را دگرگون می‌کند، بلکه پیامدهای روانی، اقتصادی، محاسباتی و حتی فرهنگی قابل توجهی به همراه دارد.

دولت برای اجرای این طرح، دو مرحله اصلی در نظر گرفته است؛ نخست دوره آماده‌سازی زیرساخت‌ها به مدت دو سال که شامل اصلاح نرم‌افزارهای بانکی، آموزش عمومی، چاپ اسکناس‌های جدید و هماهنگی با نهادهای مالی داخلی و بین‌المللی خواهد بود. سپس، دوره گذار سه‌ساله آغاز می‌شود که در آن اسکناس‌های قدیمی و جدید به‌صورت همزمان در گردش خواهند بود تا مردم و بازار به تدریج با واحد پولی جدید سازگار شوند.

این در حالیست که کارشناسان اقتصادی انتقاداتی اساسی به اجرای این «اصلاح پولی» در شرایط کنونی اقتصاد دارند و معتقدند دولت نخواهد توانست به هدف کاهش تورم با اجرای این طرح دست پیدا کند.

کامران ندری اقتصاددان و کارشناس امور بانکی نیز معتقد است که «نهایت دستاورد سیاست حذف چهار صفر از پول ملی این باشد که بخشی از محاسبات، به خصوص در سطح نرم‌افزارهای مهندسی، تسهیل خواهد شد. البته این تسهیل می‌توانست با اقداماتی دیگر در بخش‌های دیگر هم حس شود.»

کامران ندری افزوده «متأسفانه دولت و مجلس وقت خود را با کارهای بی اهمیت پر کردند و انگار بجای رفع مشکلات در پی این هستند که سر خود را گرم کنند. اینکه در وضعیت تشدید رکود تورمی دست به صفرهای پول ملی زده شود را نمی‌توانیم به عنوان اصلاحات اقتصادی در نظر بگیریم.»

این اقتصاددان تأکید کرده «من با تعبیر جراحی زیبایی از این جنبه موافقم که در میانه مشکلات ساختاری، نظام تصمیم‌گیری در پی یکسری اقدامات نالازم و حتی تجملی رفته است. فردی که سرطان دارد اگر بجای شیمی درمانی سراغ عمل زیبایی برود، تنها مرگ خود را تسریع کرده است البته وقت درمان خود را صرف کارهای دیگری کرده است.»

مهدی دارابی کارشناس مسائل اقتصادی نیز درباره این لایحه گفته «از آنجایی که انتظارات تورمی مردم کاهش نیست، این احتمال وجود دارد که با حذف چهار صفر، مردم وضعیت را با شرایط کشورهای دارای ابر تورم مانند زیمبابوه و ونزوئلا مقایسه کنند نه با کشورهایی مانند ترکیه که اصلاحات اقتصادی انجام دادند. از این رو یکی از مخاطرات آن ایجاد فشار تورمی است. مسائلی که در حوزه اقتصاد با آن مواجه هستیم، بسیار جدی‌تر از حذف چهار صفر است

و این باید آخرین کار می‌بود. به خصوص اینکه در وضعیت پولی و ارزی فعلی، تمرکز و انرژی بانک مرکزی باید صرف انجام این تغییرات شود.»

مرتضی افقه اقتصاددان هم برآیند سود و زیان حذف چهار صفر از پول ملی در مقطع کنونی را منفی ارزیابی کرده و گفته «با وجود حذف چهار صفر از پول ملی، اگر نرخ‌های تورم افسارگسیخته در دو دهه اخیر به عنوان عامل افزایش صفرها، در سال‌های آینده نیز تکرار ادامه داشته باشد و تورم کنترل نشود، دولت مجبور می‌شود در چند سال آینده، دوباره صفرهای پول ملی را حذف کند.»

به گفته مرتضی افقه «حذف چهار صفر از پول ملی روی متغیرهای واقعی اقتصاد تأثیری ندارد. یعنی در واقع ابتدا باید اقداماتی انجام شود که متغیرهای واقعی اقتصاد اصلاح شود و بعد این اقدام مکمل صورت بگیرد. مشخص نیست هدف مجلس یا طراحان این سیاست در شرایط فعلی و با وجود اینکه می‌دانند این اقدام اثری ندارد، چیست، اما یک‌سری ددرس‌های جدید هم ایجاد می‌کند؛ زیرا مدت‌ها طول می‌کشد تا به لحاظ روانی و اجتماعی، مردم خود را با حذف چهار صفر تطبیق دهند.»

این اقتصاددان نیز تأکید کرده «حذف چهار صفر از پول ملی بی‌فایده است و به وقت، انرژی و هزینه‌هایی که برای آن صرف می‌شود، نمی‌ارزد؛ مگر اینکه در همین مدتی که قرار است روند حذف صفر از پول ملی انجام شود، هم تحریم‌ها برداشته شوند، هم شرایط جنگی مرتفع شود و هم ساختارهای ناکارآمد و ضد تولید داخلی که منشا تورم هستند اصلاح شوند. حتی اگر شرایط تحریمی و جنگی رفع شود، اما ساختارهای ضد تولید داخلی همچنان تولید تورم می‌کنند و این اقدامات نتیجه‌ای نخواهد داشت.»

تجربه دیگر کشورهایی که با تورم بالا اقدام به حذف صفر از پول ملی خود کردند نیز نشان می‌دهد حذف چهار صفر از پول ملی به تنهایی نمی‌تواند تورم را کنترل کند یا اقتصاد را نجات دهد، بلکه باید در کنار اصلاحات ساختاری، سیاست‌های پولی و مالی دقیق و اعتمادسازی عمومی صورت گیرد.

در همین رابطه وبسایت «اقتصاد ۲۴» با بررسی تجربه دیگر کشورها گزارش داده که ترکیه یکی از نمونه‌های موفق در این زمینه است. در سال ۲۰۰۵، دولت ترکیه شش صفر از واحد پولی لیره را حذف و لیره جدید را جایگزین کرد. این اقدام پس از یک دوره کنترل تورم، اصلاحات اقتصادی و ثبات نسبی انجام شد و توانست جایگاه پول ملی ترکیه را در مبادلات داخلی و خارجی ارتقاء دهد. مهم‌ترین عامل موفقیت ترکیه، اجرای همزمان سیاست‌های ضدتورمی و اصلاحات بانکی بود.

در مقابل، زیمبابوه نمونه‌ای از شکست در حذف صفرهاست. این کشور در دهه ۲ هزار میلادی با تورم افسارگسیخته‌ای مواجه شد و چندین بار اقدام به حذف صفر از واحد پولی خود کرد. در نهایت به دلیل عدم کنترل تورم و نبود اعتماد عمومی، مجبور شد استفاده از دلار آمریکا و رند آفریقای جنوبی را به‌عنوان واحد پولی جایگزین کند. تجربه زیمبابوه نشان داد که حذف صفرها بدون اصلاحات اقتصادی و ثبات سیاسی، نه‌تنها مؤثر نیست بلکه می‌تواند بحران را تشدید کند.

برزیل نیز در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ چندین بار اقدام به حذف صفر از واحد پولی خود کرد. این کشور با تورم بالا و بی‌ثباتی اقتصادی مواجه بود و در نهایت با اجرای برنامه ریال پلانو و اصلاحات گسترده، توانست ثبات نسبی را به اقتصاد خود بازگرداند. حذف صفرها در برزیل بخشی از یک بسته جامع اصلاحات بود، نه یک اقدام مستقل.

سفره‌های خالی، درآمدهای ناکافی و گرانی روزانه کالاها در ایران

● قدرت خرید خانوارها با درآمدهای ناکافی به شدت کاهش یافته و تورم فزاینده تهیه ضروری‌ترین مواد غذایی را نیز با دشواری روبرو کرده است.

● قیمت مرغ این روزها در بازار به بیش از ۱۶۰ هزار تومان در هر کیلو رسیده است. قیمت هر کیلو گوشت گوساله به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان افزایش یافته، یک کیلو سبزی خوردن ۸۰ هزار تومان به فروش می‌رسد و هر عدد از انواع نان از ۱۰ تا حتی ۴۰ هزار تومان قیمت دارد.

● در شهریورماه گروه نان و غلات با تورم سالانه ۹۴/۳ درصد و سبزیجات و حبوبات با ثبت تورم سالانه ۶۴/۹ درصدی، بیشترین تورم را در گروه خوراکی‌ها ثبت کردند.

● مقامات حکومت درباره وضعیت موجود به فراقکنی و مقصر نشان دادن «دشمن» مشغول هستند و هیچ برنامه حمایتی از اقشاری که دیگر نان و سبب‌زمینی را هم قسطی و نسیه خریداری می‌کنند ندارند.

● سعید علیزاده فعال صنفی بازنشستگان تامین اجتماعی گفته: «با واریز یارانه نقدی در ۳۱ شهریورماه، مشخص شد طی دو ماه ۳ میلیون و ۶۲ هزار نفر از دریافت یارانه محروم شده‌اند که برخی از این افراد، کارگران ساختمانی، سرایدار مدرسه، بازنشستگان فرهنگی یا بازنشستگان تامین اجتماعی هستند.»

دلار در پایان هفته نخست مهرماه مرز ۱۱۸ هزار تومان را رد کرد و ریال ایران را در صدر جدول بی‌ارزش‌ترین پول جهان نشاناند. قدرت خرید خانوارها با درآمدهای ناکافی به شدت کاهش یافته و تورم فزاینده تهیه ضروری‌ترین مواد غذایی را نیز با دشواری روبرو کرده است. مقامات حکومت درباره وضعیت موجود به فراقکنی و مقصر نشان دادن «دشمن» مشغول هستند و هیچ برنامه حمایتی از اقشاری که دیگر نان و سبب‌زمینی را هم قسطی و نسیه خریداری می‌کنند ندارند.

در شرایطی که تورم و رقم‌های ناچیز درآمدها سفره خانوارها در اقشار مختلف درآمدی را کوچک کرده و بازارها با افزایش قیمت روزانه کالاها روبرو هستند، دولت پزشکیان نه تنها برنامه حمایتی کارآمدی برای کمک به معیشت و سفره خانوارهای کم‌درآمد و حقوق‌بگیر ندارد بلکه یارانه بخشی از دهک‌های درآمدی را نیز حذف کرده است.

بر اساس گزارش‌های مختلفی که در رسانه‌های داخلی کار شده جمعیت قابل توجهی از افرادی که یارانه‌شان حذف شده، وضع مالی و معیشتی مناسبی ندارند و صرفاً به دلیل تراکنش‌های مالی بالا که غالباً پول خودشان هم نبوده، یارانه‌شان حذف شده است.

در همین رابطه سعید علیزاده فعال صنفی بازنشستگان تامین اجتماعی گفته: «با واریز یارانه نقدی در ۳۱ شهریورماه، مشخص شد طی دو ماه ۳ میلیون و ۶۲ هزار نفر از دریافت یارانه محروم شده‌اند. برخی از این افراد، کارگران ساختمانی، سرایدار مدرسه، بازنشستگان فرهنگی یا



افشار کم‌درآمد در سالهای گذشته می‌توانستند با جایگزین کردن مواد خوراکی ارزش غذایی سفره‌های خود را حفظ کنند. برای مثال حبوبات را جایگزین گوشت و مرغ می‌کردند اما اکنون افزایش قیمت حبوبات، سهم این کالا را نیز از سبد خرید خانوارها کاهش داده است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه گروه

و معلمان آمریکایی سالی ۷۰ هزار دلار حقوق می‌گیرند.» همچنین محمد رشیدی نماینده کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی چهارشنبه ۹ مهرماه ۱۴۰۴ در نشست علنی خطاب به محمدباقر قالیباف رئیس مجلس هشدار داد: «وضعیت حقوق و معیشت نیروهای مسلح چه نیروهای نظامی، چه انتظامی نگران کننده است.»

بازنشستگان تأمین اجتماعی هستند. اینکه چه اتفاق مثبتی در طول یکسال اخیر برای این ۳ میلیون و ۶۲ هزار نفر افتاده که دیگر نباید یارانه دریافت کنند موضوعی است که دولت و وزارت کار باید پاسخگو باشند! این فعال صنفی تأکید کرده گرانی‌های صد درصدی، محروم ماندن یک میلیون دانش‌آموز از تحصیل و رشد ۳۰



سبزیجات و حبوبات در تیرماه ۱۴۰۴ با ثبت ۶۶ درصد بیشترین افزایش قیمت را در میان کالاهای اساسی داشته است. همچنین در مردادماه این گروه با تورم ماهانه ۸/۷ درصد پس از میوه و خشکبار در جایگاه دوم قرار گرفت.

روند افزایش تورم در مواد خوراکی با شدت ادامه یافته بطوری که در شهریورماه گروه نان و غلات با تورم سالانه ۹۴/۳ درصد و سبزیجات و حبوبات با ثبت تورم سالانه ۶۴/۹ درصدی، بیشترین تورم را در گروه خوراکی‌ها ثبت کردند. تورم و گسترش فقر پیامدهای گسترده‌ای از جمله در حوزه اجتماعی و امنیت داشته بطوری که آمار رسمی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ میان رشد تورم و افزایش سرقت در کشور رابطه‌ای مستقیم برقرار بوده است. هر بار که نرخ تورم جهش کرده، میزان سرقت نیز روند صعودی پیدا کرده است.

این داده‌ها نشان می‌دهد فشارهای اقتصادی و تنگنای معیشتی، تنها در سفره مردم خلاصه نمی‌شود و به امنیت اجتماعی نیز سرایت می‌کند؛ بطوری که رشد مداوم قیمت‌ها در یک دهه اخیر، همزمان با بالا رفتن نرخ وقوع جرائم مرتبط با سرقت بوده است.

همچنین میان افزایش نرخ طلاق با گسترش فقر و تورم نیز ارتباط مستقیمی برقرار است. در همین رابطه سعید معیدفر، جامعه‌شناس با بیان در تهران ۵۲ درصد از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شوند گفته عوامل اقتصادی در افزایش نرخ طلاق موثر است بطوری که اگر شرایط اقتصادی در تهران کمی بهتر بود شاید این عدد به جای ۵۲ درصد، ۴۸ درصد می‌شد.

نماینده کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: «هم اکنون لازم است رئیس مجلس شورای اسلامی در جهت بهبود معیشت و ترمیم حقوق نیروهای مسلح که اصلاً مکفی و در شأن آنها نیست، ورود کند.»

آمارهای تورم نشان می‌دهد مواد خوراکی در صدر افزایش قیمت‌ها قرار دارند. قیمت مرغ این روزها در بازار به بیش از ۱۶۰ هزار تومان در هر کیلو رسیده است. قیمت هر کیلو گوشت گوساله به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان افزایش یافته، یک کیلو سبزی خوردن ۸۰ هزار تومان به فروش می‌رسد و هر عدد از انواع نان از ۱۰ تا حتی ۴۰ هزار تومان قیمت دارد.

حیب اسدالله‌نژاد مدیر عامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی، درباره افزایش قیمت مرغ در هفته اخیر توضیح داده که رشد هزینه‌های تولید، به ویژه نهاده‌های دامی که حدود ۴۰ درصد قیمت تمام‌شده مرغ را تشکیل می‌دهند، از دلایل اصلی افزایش قیمت است.

به گفته مدیر عامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی مشکلات مربوط به تأمین و بارگیری نهاده‌ها نیز بر افزایش قیمت تأثیر داشته است. تا حدود ۱۰ روز پیش، بارگذاری نهاده‌ها در سامانه بازارگاه با اختلال مواجه بود و برخی مرغداران برای تأمین نیاز خود مجبور به خرید از بازار آزاد شدند، که موجب رشد قیمت‌ها شد.

تولیدکنندگان گوشت نیز دلائلی مشابه برای افزایش قیمت محصولات پروتئینی عنوان می‌کنند. افزایش هر یک از مواد خوراکی سبب کاهش مصرف یا حذف آنها از سفره خانوارهای کم‌درآمد و حقوق‌بگیر می‌شود.

درصدی قیمت لوازم التحریر، خرید قسطی گوشت کیلویی یک میلیون تومان، پر کشیدن غذاهای معمولی و ساده مثل آش رشته از سفره مردم، افزایش زیر میزی و گران شدن هر روزه دارو و درمان، مشکلات بیمه تکمیلی بازنشستگان و سقوط بی‌سابقه‌ی ارزش پول ملی که به تبع آن قدرت خرید مردم هر روز کاهش می‌یابد، شاخص‌های زندگی مردم در یک سال اخیر است که همه از برنامه‌های غلط نشات گرفته است.

با اینهمه افشاری که یارانه دریافت می‌کنند هم همچنان با بحران شدید معیشتی روبرو هستند. ماده ۴۱ قانون کار و ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی بر افزایش مزد و مستمری متناسب با نرخ تورم تأکید کرده اما نه تنها در ابتدای سال میزان افزوده شده بر رقم دستمزد هیچ تناسبی با نرخ تورم نداشتند، تورم در هر ماه نیز افزایش یافته اما بر خلاف خواسته فعالان کارگری و بازنشسته، احمد میدری وزیر کار تأکید کرده رقم دستمزد در سال جاری افزایش نخواهد یافت.

دامنه اعتراضات به دستمزدهای ناچیز از افشار کارگری فراتر رفته و به کارمندان رسیده است. محمدرضا نیک‌نژاد عضو کانون صنفی معلمان کشور اعلام کرده طبق آمار دیوان عدالت اداری بیشترین حقوق کشور با ۴۵ میلیون تومان متعلق به وزارت نفت و کمترین میزان، ۱۵ میلیون تومان متعلق به معلمان است.

این فعال صنفی با اشاره به اختلاف دستمزد آموزگاران در ایران و دیگر کشورها گفته «معلمان ایرانی سالی دو هزار دلار حقوق می‌گیرند و معلمان آلمانی سالی ۹۲ هزار دلار

شیوع سرطان خون و بیماری‌های خودایمنی و نادر در میان ساکنان اطراف تالاب گاوخونی



روزنامه «اعتماد» گفته «فعالیت من در حسن‌آباد و روستای دستجرد متمرکز است و بر اساس مشاهدات عینی، وضعیت به گونه‌ای است که تقریباً در هر خانه‌ای با بیماری‌های مختلفی از جمله سرطان خون، انواع سرطان‌ها و بیماری‌های خودایمنی مواجه هستیم.»

فرشته عالمشاه از این وضعیت به شدت نگران‌کننده با عنوان نوعی «اپیدمی» یاد کرده که باعث شده است سال گذشته در تصمیمی خودجوش یک طرح آمارگیری خانه به خانه را همراه گروهی از همکاران و فعالان محیط زیست انجام بدهند تا وضعیت دقیق‌تر بررسی و نوع سرطان‌های شایع در این منطقه کوچک با جمعیت حدود ۵ هزار نفر مشخص شود.

او گفته «نتایج اولیه نشان داد که سرطان خون در این منطقه شایع‌ترین نوع سرطان است و متأسفانه اکثر بیماران از این بیماری جان سالم به در نمی‌برند. درمان موثر و گسترده‌ای برای این نوع سرطان وجود ندارد و روش‌هایی مانند پیوند مغز استخوان نیز محدودیت‌ها و مشکلات خاص خود را دارند. بعد از سرطان خون، بیماری‌های خودایمنی نیز بطور چشمگیری در این منطقه شیوع یافته است. این روند گسترش بیماری‌ها به گونه‌ای است که در برخی از خانواده‌ها، حتی در جمعیتی کوچک، چهار نفر از اعضا به این بیماری‌ها مبتلا هستند که این وضعیت کاملاً غیرطبیعی و نگران‌کننده است.»

فرشته عالمشاه که خودش اهل همان منطقه است در گفتگو با روزنامه «اعتماد» نمونه‌های زیادی از اطرافیان را مثال می‌زند که در این سال‌ها به سرطان یا بیماری‌های نادر مبتلا شده، به همین دلیل فوت کرده یا هنوز درگیر بیماری هستند. او گفته «مردم بطور پیوسته و ناگهانی جلوی چشم‌مان پرپر می‌شوند و این وضعیت بسیار دردناک و هشداردهنده است.»

این فعال محیط زیست همچنین از ضرورت دخالت سازمان غذا و دارو در مسئله خروج معدن نمک اشاره کرده و

جرقویه و ورزنه طی سال‌های گذشته به قدری بوده است که حالا ساکنان منطقه در طوماری خواستار رسیدگی به وضعیت و انجام تحقیقاتی در این زمینه شده‌اند.

در این طومار که خطاب به استاندار و مدیران محیط زیست اصفهان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شرکت آب منطقه‌ای و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نوشته شده و تصویر آن به همراه امضای اهالی منطقه در اختیار خبرنگار روزنامه «اعتماد» قرار گرفته، آمده است: «ما امضاکندگان زیر، اهالی بخش‌های جرقویه و ورزنه (ساکنان حاشیه تالاب بین‌المللی گاوخونی) خواستاریم که در جهت پیشگیری از بروز فاجعه انسانی بر اثر خشکی بستر تالاب گاوخونی و پراکنش شدید ریزگردهای آلوده به فلزات سنگین در منطقه و نگرانی از تشدید بروز انواع بیماری‌ها، امکان جریان حداقلی دائمی آب زاینده‌رود برای رسیدن به تالاب گاوخونی و ایجاد پوشش مرطوب، در جهت حفظ سلامت مردم منطقه و احیای زیست‌بوم این تالاب را فراهم نمایند.»

در بخش دیگری از این نامه از مقامات استان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواسته شده که «از انجام هرگونه فعالیت صنعتی و معدنی که منجر به آسیب رسیدن به بستر بحرانی تالاب و گسترش ریزگردها و خشکی بیش از پیش تالاب می‌گردد، جلوگیری نمایند.»

امضاکندگان که ساکنان روستاهای اطراف گاوخونی و شهر اصفهان هستند در این نامه خواستار بررسی فوری میزان تأثیرات سوء ایجاد شده و در کمین نشسته این مواد بر سلامت ساکنان حاشیه تالاب، به ویژه میزان گسترش انواع سرطان‌ها شده‌اند تا دستور انجام پروژه‌های تحقیقاتی لازم در این زمینه صادر شود.

روزنامه «اعتماد» نوشته مسئولان تا کنون هیچ پاسخی به این درخواست‌ها نداده‌اند. فرشته عالمشاه، عضو گروه «بوم سبز کویر» و مدیر عامل موسسه «رویش سرزمین امید» که به همراه چند فعال محیط زیست و استاد دانشگاه درباره وضعیت اطراف تالاب گاوخونی تحقیق کرده به

● بیماری‌های نادر و همچنین انواع سرطان‌ها و به ویژه سرطان خون در میان مردم حسن‌آباد و بخش‌های جرقویه و ورزنه طی سال‌های گذشته گسترش یافته است.

● فعالیت طولانی معادن و به ویژه معدن نمک و برداشت پتاس در حاشیه تالاب گاوخونی عامل افزایش ابتلا به سرطان در میان ساکنان اطراف تالاب گاوخونی اعلام شده است.

● نتایج پژوهش‌های محققان دانشگاه اصفهان نیز نشان داده که ذرات گرد و غبار برخاسته از بستر خشک تالاب گاوخونی، آلوده به فلزات سنگین است و غلظت برخی از این فلزات تا هزار برابر بیش از حد مجاز و برخی دیگر تا ۷۰۰ برابر فراتر از استانداردها است.

● علی ارواحی متخصص مدیریت زیست‌بوم‌های تالابی پیشتر گفته بود پس از خشک شدن تالاب گاوخونی، همین یک درصد آبی که در ورودی تالاب قرار می‌گیرد، شامل فلزات سنگین ناشی از فعالیت کشاورزی است. این مواد به تالاب می‌ریزند و بعد در قالب غبار راهشان به هوا باز می‌شود و غباری با فلزات سنگین هوای اصفهان و شهرهای اطراف و حتی پایتخت را می‌پوشاند.

دو روز پس از انتشار گزارشی درباره افزایش شیوع بیماری سرطان در میان ساکنان اطراف دریاچه ارومیه منتشر شد، روزنامه «اعتماد» در گزارشی از شیوع بیماری سرطان خون در میان ساکنان اطراف تالاب گاوخونی اصفهان خبر داده است. ابتلا به بیماری سرطان در میان ساکنان اطراف تالاب گاوخونی نخستین بار اواخر بهار امسال خبری شد. فعالیت طولانی معادن و به ویژه معدن نمک و برداشت پتاس در حاشیه تالاب گاوخونی عامل افزایش ابتلا به سرطان در میان ساکنان اطراف تالاب گاوخونی اعلام شده است.

با گذشت چهار ماه حالا روزنامه «اعتماد» گزارش داده گسترش بیماری‌های نادر و همچنین انواع سرطان‌ها و به ویژه سرطان خون در میان مردم حسن‌آباد و بخش‌های

حمله به پایگاه بسیج سروآباد استان کردستان با پنج کشته و زخمی



سپاه کردستان

«سپاه بیت‌المقدس» در بیانیه‌ای اعلام کرد این حمله توسط «گروهک‌های تروریستی معاند و ضدانقلاب» انجام گرفته اما به اسم هیچ گروه مشخصی اشاره نشده است. بعد از جنگ ۱۲ روزه حضور نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در نواحی مرزی استان‌های غربی ایران تقویت شد، زیرا مقامات و فرماندهان نظامی مدعی شدند که بخش عمده‌ای از پهباداها و حتا نیروهای وابسته به اسرائیل بطور زمینی و از این راه وارد ایران شدند. در هفته‌های اخیر شماری از کولبران نیز در نواحی مرزی توسط نیروهای امنیتی هدف تیراندازی قرار گرفتند. بر اساس گزارش منابع محلی، بامداد یکشنبه ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴ یک کولبر به نام مهدی شریفی اهل بانه بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز «سارداو» کشته شد. به گفته یک منبع مطلع، نظامیان حکومتی بدون اخطار قبلی این کولبر را مورد شلیک مستقیم قرار دادند. نیمه‌شب نهم مهر ۱۴۰۴ نیز ریبوار محمدزاده اهل روستای «سپیداره» از توابع بانه در منطقه مرزی «سورکیو» این شهرستان با شلیک مستقیم نیروهای نظامی جان خود را از دست داد.

● پایگاه بسیج سروآباد در استان کردستان شامگاه دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ هدف حمله فرد یا افراد مسلح قرار گرفت. براساس گزارش منابع داخلی، دست‌کم دو نفر از نیروهای «سپاه بیت‌المقدس» کشته شدند.

● منابع داخلی گزارش دادند در پی حمله به «حوزه مقاومت سهراب حزب‌الله» دو نفر از جمله یک آخوند به نام علیرضا ولی‌زاده و یک پاسدار به نام ایوب شیری کشته و سه نفر دیگر زخمی شدند.

● منابع غیررسمی گزارش دادند این حمله با نارنجک انجام شده است.

پایگاه بسیج سروآباد در استان کردستان شامگاه دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ هدف حمله فرد یا افراد مسلح قرار گرفت. بر اساس گزارش منابع داخلی، دست‌کم دو نفر از نیروهای «سپاه بیت‌المقدس» کشته شدند.

منابع داخلی گزارش دادند در پی حمله به «حوزه مقاومت سهراب حزب‌الله» دو نفر از جمله یک آخوند به نام علیرضا ولی‌زاده و یک پاسدار به نام ایوب شیری کشته و سه نفر دیگر زخمی شدند. منابع غیررسمی گزارش دادند این حمله با نارنجک انجام شده است.

قرار دارد. حقایق تالاب گاوخونی بسته به میزان بارندگی سالانه در سرشاخه‌های حوضه زاینده‌رود متفاوت است و سناریوهای مختلفی برای میزان تأمین نیاز آبی تالاب تعریف شده است؛ ۱۷۶ میلیون مترمکعب حداقل حقایق‌ها است که وزارت نیرو موظف است در سال‌های کم بارش و خشکسالی برای گاوخونی توزیع کند.

حقایق گاوخونی در شرایط خشکسالی ۱۷۶ میلیون مترمکعب در سال و در سال‌های با بارش نرمال، ۴۶۰ میلیون مترمکعب تعیین شده است. پهنه ۴۷ هزار هکتاری تالاب گاوخونی برای اینکه بتواند کارکردهای اکوسیستمی و زیست محیطی خود را داشته باشد نیازمند دریافت چنین منابع آبی است اما در سال‌های گذشته نیاز آبی این تالاب حتی از برنامه منابع و مصارف وزارت نیرو حذف شده است. سدسازی‌های غیراصولی و عدم تخصیص حقایق بسیاری از تالاب‌ها و دریاچه‌ها و آبگیرها در ایران را با خشکی روبرو

گفته نمک‌های آلوده به فلزات سنگین، حتی به عنوان نمک خوراکی با بسته‌بندی‌های مناسب وارد بازار می‌شوند و همین موضوع سلامت مردم را به خطر می‌اندازد.

او توضیح داده که هیچ اطلاعاتی هم درباره مسیر تولید این نمک‌ها و فرآیند تصفیه و فرآوری آنها برای کاهش خطرات آن در دسترس نیست. این در حالی است که حتی برخی رستوران‌ها به صورت عمده از این نمک‌ها استفاده می‌کنند که نتیجه آن مشکلات جدی برای سلامت اهالی منطقه است.

فرشته عالمشاه افزوده «ما این موضوع را بطور عینی مشاهده کرده‌ایم و از منابع مختلفی که این نمک‌ها را به رستوران‌داران عرضه کرده‌اند، اطلاع یافته‌ایم. این مساله به صورت تصادفی و پراکنده اتفاق افتاده است، اما می‌تواند یکی از عوامل مهم در گسترش بیماری‌های سرطانی در منطقه باشد.»

جدا از فعالیت معدن نمک، نتایج پژوهش‌های محققان دانشگاه اصفهان نیز نشان داده که ذرات گرد و غبار برخاسته از بستر خشک تالاب گاوخونی، آلوده به فلزات سنگین است و غلظت برخی از این فلزات تا هزار برابر بیش از حد مجاز و برخی دیگر تا ۷۰۰ برابر فراتر از استانداردها است. دکتر میثم تدین امرداد امسال نتایج اولیه این طرح پژوهشی با عنوان «بررسی زمین‌شناسی و زیست‌محیطی رسوبات گاوخونی» را اعلام کرد که وجود غلظت‌های بسیار بالای عناصری مانند آرسنیک، سرب، کادمیوم، جیوه، منیزیم و آهن در این منطقه را تایید می‌کند.

در شرایطی که بستر تالاب و بخش‌های پایانی زاینده‌رود خشک شده است اهالی منطقه با وزش هر نسیم ملایمی هم شاهد خیزش گرد و غبار آلوده به فلزات سنگین از بستر خشک شده به هوا و انتقال آن به سمت اصفهان و روستاهای اطراف خواهند بود.

دکتر میثم تدین تأکید کرده بود که این آلودگی‌ها نه تنها از طریق استنشاق هوا بلکه از راه‌های دیگر وارد بدن می‌شود. او هم ارتباط مستقیم افزایش بیماری‌های مانند ام‌اس و سرطان با افزایش این آلودگی‌ها را بر اساس بررسی‌ها تأیید کرده و گفته که تنها راهکار موثر برای جلوگیری از این آلودگی جاری شدن دوباره آب زاینده‌رود تا حدی است که لایه‌های چند سانتی‌متری از آب سطح رسوبات را بپوشاند و مانع از بلند شدن گرد و غبار شود.

حسین اکبری معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل محیط زیست استان اصفهان دی‌ماه سال گذشته اعلام کرد که «۹۹ درصد سطح تالاب بین‌المللی گاوخونی خشک بوده و تنها یک درصد در مصب تالاب به صورت لکه‌های کوچکی مرطوب است.»

او گفته بود با اینکه در سند تعیین تکلیف حقایق‌های زاینده‌رود، برای تالاب گاوخونی ۱۵.۵ درصد لحاظ شده است اما این حقایق تحقق پیدا نکرد و «در برنامه‌ریزی رهاسازی اخیر آب برای کشاورزی، سهم تالاب گاوخونی در کاغذ مکتوب و مستند نشد که الزامی برای توزیع حقایق تالاب باشد.»

همزمان علی ارواحی متخصص مدیریت زیست‌بوم‌های تالابی در گفتگو با روزنامه «پیام ما» گفته بود همین یک درصد آبی که در ورودی تالاب قرار گرفته، شامل فلزات سنگین ناشی از فعالیت کشاورزی است. این مواد به تالاب می‌ریزند و بعد در قالب غبار راهشان به هوا باز می‌شود و غباری با فلزات سنگین هوای اصفهان و شهرهای اطراف و حتی پایتخت را می‌پوشاند.

تالاب بین‌المللی گاوخونی با ۴۷ هزار هکتار وسعت در انتهای رودخانه زاینده‌رود و در جنوب شرق استان اصفهان

۱۲ میلیارد دلار اتلاف گاز در ایران؛ معادل نیمی از کل اقتصاد ارمنستان!



این میزان از انتشار دی‌اکسید کربن و دیگر گازهای سمی، معادل کل تولید گازهای گلخانه‌ای ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی در جمهوری آذربایجان طی سال ۲۰۲۳ است!

مرکز داده‌های باز ایران نیز در گزارشی با استناد به آمارهای بانک جهانی و آژانس بین‌المللی انرژی نوشته‌ی روزانه حدود ۸۶ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در ایران در مراحل تولید، انتقال و توزیع هدر می‌رود.

این رقم معادل روزانه ۵۵۰ هزار بشکه نفت خام و بیش از یک سوم میزان نفت پیش‌بینی شده برای صادرات در لایحه بودجه ۱۴۰۴ است. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، صادرات روزانه نفت خام و میعانات گازی ۳/۱ میلیون بشکه با قیمت هر بشکه ۶۳ دلار پیش‌بینی شده بود.

«داده‌های باز ایران» نوشته بنا بر داده‌های بانک جهانی، ایران سال گذشته بطور متوسط روزانه ۶۳ میلیون مترمکعب گاز استخراج‌شده از میادین نفتی را به دلیل نبود تجهیزات جمع‌آوری، در همان مرحله تولید سوزانده است؛ رقمی معادل ۴۳ درصد متوسط مصرف روزانه گاز ترکیه در ۲۰۲۴!

ایران از نظر مشعل‌سوزی گاز، پس از روسیه در جایگاه دوم جهان است و حجم مشعل‌سوزی در یک دهه گذشته دو برابر شده است.

تبعات ضد محیط زیست مشعل‌سوزی نیز بسیار سنگین است بطوری که در سال گذشته همین بخش به تنهایی باعث انتشار ۶۱ میلیون تن گازهای سمی گلخانه‌ای (دی‌اکسید کربن و غیره) در کشور شده است.

آژانس بین‌المللی انرژی نیز می‌گوید روزانه حدود ۲۳ میلیون مترمکعب متان (گاز طبیعی) از تاسیسات نفت و گاز ایران نشت می‌کند.

مجموع مشعل‌سوزی و نشت متان در ایران معادل ۴۰ درصد از مصرف گاز کل خانوارها است. ارزش سالانه این میزان از تلفات گاز در بازارهای جهانی معادل ۱۲ میلیارد دلار یا تقریباً نصف اقتصاد ارمنستان است.

طبق آمار رسمی وزارت نیرو، سالانه بیش از ۹۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی و سوخت‌های مایع در نیروگاه‌های کشور برای تولید برق مصرف می‌شود؛ معادل مصرف روزانه ۵۵/۱ میلیون بشکه نفت خام. اما راندمان متوسط

روزانه حدود ۸۶ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در ایران در مراحل تولید، انتقال و توزیع هدر می‌رود. این رقم معادل روزانه ۵۵۰ هزار بشکه نفت خام و بیش از یک سوم میزان نفت پیش‌بینی شده برای صادرات در لایحه بودجه ۱۴۰۴ است.

مجموع مشعل‌سوزی و نشت متان در ایران معادل ۴۰ درصد از مصرف گاز کل خانوارها است. ارزش سالانه این میزان از هدر رفتن گاز در بازارهای جهانی معادل ۱۲ میلیارد دلار یا تقریباً نصف اقتصاد ارمنستان است.

بنا بر داده‌های بانک جهانی، ایران سال گذشته بطور متوسط روزانه ۶۳ میلیون مترمکعب گاز استخراج‌شده از میادین نفتی را به دلیل نبود تجهیزات جمع‌آوری، در همان مرحله تولید سوزانده است؛ رقمی معادل ۴۳ درصد متوسط مصرف روزانه گاز ترکیه در ۲۰۲۴!

بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ برنامه‌ای با عنوان «ابتکار برای پرت صفر گاز» به اجرا گذاشت. ۳۴ کشور این برنامه را تأیید کردند که بر اساس آن متعهد شده‌اند تا سال ۲۰۳۰ «پرت» معمول گاز (هدر رفتن) از میادین نفت و گاز خود را به صفر برسانند.

مقامات حکومتی در حالی شهروندان را متهم به مصرف بالای گاز می‌کنند که آمارها نشان می‌دهد هدر رفتن گاز در ایران معادل بیش از ۴۰ درصد مصرف کل خانوارها است.

کمبود گاز در ایران به علت ناتوانی جمهوری اسلامی در تولید و توزیع سبب ایجاد بحران شدید کمبود گاز در دومین کشور دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان شده است. مقامات حکومتی در حالی شهروندان را متهم به مصرف بالای گاز می‌کنند که آمارها نشان می‌دهد هدر رفتن گاز در ایران معادل بیش از ۴۰ درصد مصرف کل خانوارها است.

میزان هدر رفتن و نشت گسترده گاز از تاسیسات نفت و گاز ایران تکانه‌دهنده است. حکومتی که چهار دهه توسعه صنعت گاز کشور را به فراموشی سپرده، در سال‌های گذشته که میزان تولید گاز همواره رقمی کمتر از نیاز داخلی بوده، شهروندان را متهم به مصرف بالای گاز کرده است.

آمارها اما حقیقت دیگری را نشان می‌دهد؛ مردم ایران نه تنها گاز زیادی مصرف نمی‌کنند بلکه یکی از دلایل تشدید بحران کمبود گاز، هدر رفتن آن است که رقم زیان سالانه آن از سوی علی‌اصغر رجبی مدیر انرژی و کربن شرکت ملی گاز حدود ۸۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

آمارهای بانک جهانی و شرکت «بی‌پی» بریتانیا که سال گذشته ارائه شده نشان می‌دهد تلفات گاز ایران به ۲۱ میلیارد مترمکعب در سال گذشته رسیده بود.

این آمارها نشان می‌دهد مشعل‌سوزی (فلیرینگ) گازهای همراه نفت ایران در سال ۲۰۲۳ با ثبت یک رکورد تاریخی به ۲۱ میلیارد مترمکعب رسید که این رقم عظیم معادل ۴۰ درصد از کل گاز مصرفی ترکیه در این سال بوده است. همچنین مشعل‌سوزی در ایران در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال ۲۰۲۲ جهشی ۱۹ درصدی را نشان می‌داد.

آمارهای شرکت «بی‌پی» بریتانیا که در ابتدای تابستان گذشته ارائه شد نیز نشان می‌داد که تولید گازهای گلخانه‌ای ایران از محل مشعل‌سوزی در سال ۲۰۲۲ با ۱۹ درصد افزایش نسبت به سال قبل از آن، به بالای ۴۳ میلیون تن رسیده بود.

نرخ بیکاری تابستان امسال با «نامیدی و خروج جویندگان از بازار کار» کاهش یافت



● بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، تعداد شاغلان بخش صنعت و کشاورزی نسبت به تابستان سال ۱۴۰۳ به ترتیب ۲۳۰ هزار و ۹۹ هزار نفر کاهش یافته است.

● در تابستان سال جاری نرخ مشارکت اقتصادی با کاهش حدود یک واحد درصدی نسبت به مدت مشابه در سال گذشته به ۸/۴۰ درصد رسیده است.

● نرخ مشارکت اقتصادی زیر ۵۰ درصدی در هر کشوری هشدار آمیز محسوب می‌شود؛ این در حالی است که این نرخ در ایران در حال ورود به کانال ۳۰ درصدی است که نشان از وضعیت هشدارآمیز انگیزه نیروی کار برای فعالیت در اقتصاد ایران است.

مرکز آمار ایران مدعی است نرخ بیکاری در تابستان امسال با کاهش ۱/۰ درصدی به ۴/۷ درصد رسیده است. این در حالیست که همزمان نرخ مشارکت اقتصادی نیز کاهش یافته است. کارشناسان معتقدند کاهش همزمان نرخ بیکاری و نرخ مشارکت بطور معمول نشانه روشنی از رکود در بازار کار است، نه بهبود وضعیت اشتغال!

مرکز آمار ایران در گزارشی نرخ بیکاری و اشتغال در تابستان ۱۴۰۴ را اعلام کرده است. بر اساس این گزارش نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر نشان می‌دهد که ۴/۷ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به فصل مشابه در سال قبل (تابستان ۱۴۰۳) ۱/۰ درصد کاهش یافته است.

در تابستان ۱۴۰۴، به میزان ۸/۴۰ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند، یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (تابستان ۱۴۰۳)، ۹/۰ درصد کاهش یافته است.

جمعیت شاغلین ۱۵ ساله و بیشتر در این فصل ۲۴ میلیون و ۹۵۸ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل تقریباً ۱۷۱ هزار نفر کاهش داشته است. همچنین جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی (اعم از افراد محصل، خانه‌دار، دارای درآمد بدون کار مانند بازنشستگان و ...) ۳۹ میلیون و ۱۰۸ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل تقریباً یک میلیون و ۴۲ هزار نفر افزایش داشته است.

بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در تابستان ۱۴۰۴، بخش خدمات با ۱/۵۳ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۶/۳۲ درصد و کشاورزی با ۲/۱۴ درصد قرار دارند.

اگر چه خیرگزاری‌های حامی دولت پزشک‌ها با تمرکز بر کاهش ۱/۰ درصدی نرخ بیکاری تلاش دارند این کاهش جزئی را دستاوردی برای دولت نشان دهند که جزییات کاهش نرخ مشارکت و کاهش اشتغال در بخش صنعت و همچنین وضعیت اشتغال زنان هشدارهایی را در پی داشته است.

در تابستان سال جاری نرخ مشارکت اقتصادی با کاهش حدود یک واحد درصدی نسبت به مدت مشابه در سال گذشته به ۸/۴۰ درصد رسیده است. بر اساس تعاریف، نرخ مشارکت اقتصادی زیر ۵۰ درصدی در هر کشوری هشدار آمیز محسوب می‌شود؛ این در حالیست که این نرخ در ایران

وبسایت «اقتصاد ۲۴» نیز با بررسی آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نوشته گزارش رسمی مرکز آمار یک تناقض آشکار دارد: از یک سو می‌گوید نرخ بیکاری پایین آمده، از سوی دیگر اعلام می‌کند جمعیت غیرفعال و اشتغال ناقص افزایش یافته‌اند. همین نکته نشان می‌دهد که در بازار کار ایران، بیکاری پنهان در حال گسترش است؛ و دقیقاً همان جمعیتی که از آمار بیکاری حذف می‌شوند، چون دیگر جست‌وجوی شغل نمی‌کنند؛ را باید نشانی از یک وقوع یک بحران اجتماعی دانست.

روزنامه «جهان صنعت» هم با هشدار درباره وضعیت بازار کار در ایران نوشته کاهش ۱/۰ درصدی نرخ بیکاری در تابستان ۱۴۰۴ در نگاه اول نویدبخش است، اما بررسی دقیق‌تر آمارها نشان می‌دهد که این کاهش ظاهری نمی‌تواند واقعیت تلخ بازار کار را پنهان کند.

این مطلب افزوده کاهش شدید اشتغال در صنعت و کشاورزی، کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و کاهش کل اشتغال، همه حاکی از ورود بازار کار به یکی از چالش‌برانگیزترین دوره‌های سال‌های اخیر هستند، به ویژه در شرایطی که چشم‌انداز رشد اقتصادی نیز منفی است. همانطور که روزنامه «جهان صنعت» تأکید کرده چشم‌انداز رشد اقتصادی ایران منفی ارزیابی می‌شود. بحران‌های بین‌المللی از جمله سایه جنگ، فعال شدن مکانیسم ماشه و تشدید انزوای اقتصادی ایران در صحنه جهانی، در کنار بحران‌هایی چون کمبود شدید انرژی و آب و نرخ بالای خروج سرمایه از کشور، نشان می‌دهد اقتصاد ایران با روندی منفی در رشد اقتصادی روبرو خواهد بود.

بانک جهانی نیز پیش‌بینی خود از رشد اقتصادی منطقه‌ای شامل خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان را برای سال ۲۰۲۵ افزایش داده، اما برای ایران و لیبی سال آینده را به دلیل درگیری‌ها و کاهش تولید نفت، سال کاهش رشد پیش‌بینی کرده است.

بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی اقتصاد ایران در سال جاری میلادی ۷/۱ درصد کوچک می‌شود و در سال آینده نیز ۸/۲ درصد دیگر کاهش خواهد یافت. این در حالیست که بانک جهانی در آوریل پیش‌بینی کرده بود ایران در سال ۲۰۲۴ رشد ۷/۰ درصدی را تجربه خواهد کرد.

در حال ورود به کانال ۳۰ درصدی است که نشان از وضعیت هشدارآمیز انگیزه نیروی کار برای فعالیت در اقتصاد ایران است.

از سوی دیگر در تابستان امسال، نرخ بیکاری زنان معادل ۱۵ درصد بوده که نسبت به تابستان سال گذشته ۱ واحد درصد و نسبت به بهار سال جاری ۵/۱ واحد درصد افزایش یافته است. این به معنای خروج بیشتر زنان از بازار کار ایران و افزایش شکاف جنسیتی در بازار کار است.

برخی تحلیلگران معتقدند کاهش نرخ اشتغال زنان در تابستان نشانه تشدید رکود در واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی است و مانند همیشه زنان، قربانیان نخست اخراج نیروی کار بوده‌اند.

آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تعداد شاغلان کشور در تابستان ۱۴۰۴ نسبت به تابستان ۱۴۰۳، حدود ۱۷۱ هزار نفر کاهش یافته که در این میان اشتغال زنان ۲۳۹ هزار نفر کاهش و اشتغال مردان ۱۲۲ هزار نفر افزایش را نشان می‌دهد.

جزئیات آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد بحران کمبود انرژی و آب چگونه در مدت کوتاهی اشتغال در کشور را متأثر کرده است. در تابستان سال جاری، سهم اشتغال در بخش کشاورزی و صنعت نسبت به مدت مشابه در سال گذشته کاهش یافته، اما این سهم در بازه زمانی مذکور با افزایش ۱ واحد درصدی به ۱/۵۳ درصد رسیده است. این مسئله نشان می‌دهد که ناترازی انرژی و بحران آب در کشور موجب شده تا مشاغل این چینی آسیب‌پذیر شوند.

بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، تعداد شاغلان بخش صنعت و کشاورزی نسبت به تابستان سال ۱۴۰۳ به ترتیب ۲۳۰ هزار و ۹۹ هزار نفر کاهش یافته و تعداد شاغلان بخش خدمات افزایش ۱۶۳ هزار نفری داشته است.

فاطمه عزیزخانی کارشناس بازار کار نیز معتقد است که «نمی‌توان دلخوش به بهبود وضعیت بازار کار ایران بود؛ زیرا سهم عمده‌ای از جمعیت در سن کار (در حدود یک میلیون نفر)، از بازار کار خارج شده و ناامید از یافتن شغل هستند و در این میان زنان بیشترین سهم (در حدود ۷۰ درصد) را دارند».

بیش از یک پنجم جمعیت ۱۵ تا ۱۷ ساله کشور از تحصیل بازمانده‌اند!



- نابرابری آموزشی در ایران از مناطق محروم به دیگر مناطق کشور گسترش و نرخ بازماندن از تحصیل افزایش یافته و کیفیت آموزش در مدارس کشور سقوط کرده است.
- برخی استان‌های مرزی به ویژه سیستان و بلوچستان، با نرخ بی‌سوادی ۲۰ درصدی، ترک تحصیل گسترده (تا ۷۷٪ در متوسطه دوم)، و میانگین نمرات پایین‌تر از ۸، نژاد آشکار شکست نظام آموزشی در مناطق حاشیه‌ای هستند.
- بحران تنها به استان‌های مرزی کشور محدود نیست؛ بیش از یک چهارم جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله در کشور فاقد مدرک دیپلم‌اند، و در برخی استان‌های برخوردار نظیر تهران و گلستان، این نرخ از ۳۵ درصد نیز فراتر رفته است.
- بیش از ۲۷ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله کشور فاقد مدرک متوسطه هستند. این سهم در سیستان و بلوچستان به ۵۸ درصد و در آذربایجان غربی به ۴۱ درصد می‌رسد؛ همچنین در استان‌های گلستان، تهران و خراسان «رضوی» بالای ۳۵ درصد است.
- ۵۴ درصد رتبه‌های زیر سه هزار کنکور سراسری از دهک‌های پردرآمد نهم و دهم آمده‌اند، در حالی که سهم دهک‌های کم‌درآمد اول و دوم تنها ۳ درصد است.

در حالی که سهم دو دهک پایین تنها ۳ درصد است! مرکز داده‌های باز ایران در گزارشی نوشته بر پایه جدیدترین داده‌های موجود در گزارش «فقر آموزش» مرکز پژوهش‌های مجلس، میانگین ملی نرخ بی‌سوادی در سال ۱۴۰۲ بیش از ۱۲ درصد بوده است. اما این نرخ در سیستان و بلوچستان ۲۰ درصد، در کردستان ۱۹ و در استان‌های آذربایجان غربی و ایلام بالای ۱۷ درصد است. کم‌ترین نرخ بی‌سوادی (۶۲/۵) در یزد ثبت شده است.

نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان نیز طی سال‌های گذشته روندی افزایشی را طی کرده است. این در حالیست که بر اساس «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» (مصوب ۱۳۹۹) آموزش تا پایان دوره متوسطه اجباری است. از سوی دیگر در اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف شده که وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای تمام ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم کند و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به صورت رایگان گسترش دهد.

به‌طرز نگران‌کننده‌ای افزایش یافته و آموزش باکیفیت به کلایی نایاب تبدیل شده است.

این گزارش با اشاره به «شکست نظام موزشی» نوشته برخی استان‌های مرزی به ویژه سیستان و بلوچستان، با نرخ بی‌سوادی ۲۰ درصدی، ترک تحصیل گسترده (تا ۷۷٪ در متوسطه دوم)، و میانگین نمرات پایین‌تر از ۸، نژاد آشکار شکست نظام آموزشی در مناطق حاشیه‌ای هستند.

با اینهمه تأکید شده که بحران تنها به مرزها محدود نیست؛ بیش از یک‌چهارم جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله در کشور فاقد مدرک دیپلم‌اند، و در برخی استان‌های برخوردار نظیر تهران و گلستان، این نرخ از ۳۵ درصد نیز فراتر رفته است.

از سوی دیگر، شانس قبولی در کنکور برای جوانان

آمارهای ارائه شده از سوی مرکز داده‌های باز ایران نشان می‌دهد نرخ بازماندن از تحصیل در مقطع دوم متوسطه برابر با ۲۱ درصد است؛ به بیان دیگر بیش از یک پنجم جمعیت ۱۵ تا ۱۷ ساله کشور از تحصیل در مدرسه بازمانده‌اند.

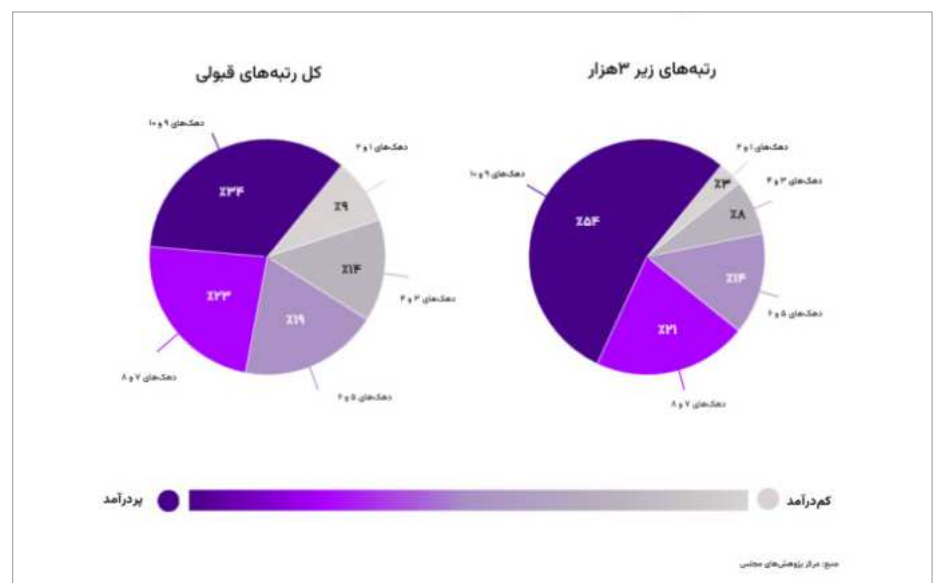
مرکز داده‌های باز ایران در گزارشی که بر پایه داده‌های رسمی تهیه شده نشان داده نابرابری آموزشی در ایران از مناطق محروم به دیگر مناطق گسترش و نرخ بازماندن از تحصیل افزایش یافته و کیفیت آموزش در مدارس کشور سقوط کرده است.

در مقدمه این گزارش تأکید شده فقر و نابرابری آموزشی در ایران، دیگر صرفاً معضلی محدود به مناطق محروم

اکنون مرکز داده‌های باز ایران با استخراج آمارهای سال ۱۴۰۲ مشخص کرده بیش از ۲۷ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله کشور فاقد مدرک متوسطه هستند.

این سهم در سیستان و بلوچستان به ۵۸ درصد و در آذربایجان غربی به ۴۱ درصد می‌رسد؛ همچنین در استان‌های گلستان، تهران و خراسان «رضوی» بالای ۳۵ درصد است. کم‌ترین نرخ محرومیت از مدرک متوسطه دوم به اصفهان با ۱۵ درصد تعلق دارد. در استان‌های مازندران، گیلان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد و سمنان نیز این نرخ کمتر از ۲۰ درصد است.

در بخش دیگری از این گزارش آمده یکی از شاخص‌های کلیدی برای سنجش فقر آموزشی، نرخ بازماندن از تحصیل است؛ یعنی نسبت کودکانی که در سن تحصیل قرار دارند اما در سال تحصیلی مورد نظر (اینجا سال ۱۴۰۲) در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، کودکانی که در مدارس غیررسمی تحصیل می‌کنند نیز در زمره بازماندگان از تحصیل محسوب می‌شوند.



دهک‌های پردرآمد بیش از ۵/۳ برابر دهک‌های کم‌درآمد است؛ نابرابری‌ای که در رتبه‌های برتر به اوج می‌رسد: ۵۴ درصد از رتبه‌های زیر سه‌هزار کنکور از دو دهک بالای درآمدی‌اند،

نیست، بلکه به بحرانی ساختاری و ریشه‌ای تبدیل شده است. تحلیل شاخص‌های آموزشی در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد شکاف بین طبقات اجتماعی و مناطق جغرافیایی

افزایش شاگردان «مدرسه رستم» در لندن



کووید ۱۹ تعداد شاگردان را خیلی کم کرد. قبل از کووید حدود ۳۲۰ شاگرد داشتیم که در زمان کووید به ۲۰۰ تن کاهش پیدا کرد. ما در این دوره با زوم کلاسهای مجازی داشتیم. در عین حال، کووید باعث شد که ما تعدادی شاگرد از شهرهای دیگر بریتانیا و حتی از کشورهای دیگر به دست آوریم. بعد از کووید هم تصمیم گرفتیم که کلاسها را به صورت دوگانه یعنی تلفیق مجازی و واقعی برگزار کنیم. در نتیجه، تعداد شاگردانمان بیشتر شد. شرایط خارج از مدرسه نیز در این میان تاثیرگذار هستند، از جمله علاقه والدین به فرهنگ ایران، زبان فارسی و ایرانزمین؛ هرچند که نمی‌توان مسائل را در این محدوده خلاصه کرد. یعنی موضوع مربوط است به طرز تفکر اغلب خانواده‌هایی که از چندی پیش به بریتانیا مهاجرت کرده‌اند. مشاهدات ما نشان می‌دهد که در میان اینها قبلاً طرز تفکر حاکم در مورد فراگیری زبان فارسی آن بود که به هر حال بچه‌ها ما فارسی بلدند و ما در خانه فارسی صحبت می‌کنیم پس بگذاریم که تمرکز آنها بیشتر روی زبان انگلیسی باشد تا گیج نشوند یعنی فعلاً لازم نیست فارسی یاد بگیرند؛ هر وقت که انگلیسی یاد گرفتند بعد برمی‌گردیم به فارسی. البته این یک تئوری است که بارها ثابت شده درست نیست. یعنی بچه‌ها از همان بدو ورود به کشور میزبان، اگر یاد گرفتن فارسی را ادامه بدهند بهتر است، چنانکه عده‌ای متوجه شده‌اند که GCSE, A Level زبان فارسی برای ورود به دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها ارزش دارد. به خصوص زمانی که بچه‌ها در بدو ورود به اینجا زبان فارسی‌شان قوی است، در همان یکی دو سال اول با این پشتوانه قوی سریع‌تر پیشرفت می‌کنند. در حال حاضر ما بچه‌هایی داریم که تازه از ایران آمده‌اند و اولیا آنها هم علاقمندند بچه‌هایشان در یکی دو سال اول فارسی را ادامه دهند. یعنی طرز تفکر در این مورد به نظر می‌رسد که نسبت به گذشته فرق کرده‌است. ما می‌بینیم که علاقمندی اولیا و تشویق فرزندان به ادامه فارسی در چند سال اخیر بیشتر شده. شاید در این میان علاقمندی به ایران و آینده آن، با وجود مهاجرت به

● **شهلا طاهری مدیر مدرسه رستم:** تعداد شاگردانی که در این مدرسه به یادگیری زبان فارسی می‌پردازند از بدو تاسیس در سال ۱۹۸۱ بطور کلی روند صعودی داشته است. در آن زمان ما فقط ۱۸ دانش‌آموز داشتیم ولی طی ۴۴ سال بطور یکسان رو به افزایش بوده است.

● **«مدرسه رستم و مدارس دیگر فارسی در زمینه اطلاع‌رسانی در مورد پژوهش‌های مربوط به یادگیری زبان مادری در نقاط مختلف دنیا پیگیرانه تلاش کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که یادگیری زبان مادری نه فقط باعث گیج شدن بچه‌ها می‌شود بلکه مزایای بسیاری از نظر افزایش قدرت تفکر و رشد و پرورش شخصیت آنها دارد.»**

آدوم صابونچیان - «مدرسه رستم» در لندن یکی از مراکز قدیمی آموزش زبان فارسی در بریتانیا به شمار می‌رود. در ارتباط با آغاز سال تحصیلی جدید، کیهان لندن با خانم شهلا طاهری مدیر این مدرسه گفتگو کرده است.

● **خانم طاهری، در سال‌های گذشته تعداد شاگردان مدرسه رستم چه روندی داشته است؟**

- تعداد شاگردانی که در این مدرسه به یادگیری زبان فارسی می‌پردازند از بدو تاسیس در سال ۱۹۸۱ بطور کلی روند صعودی داشته است. در آن زمان ما فقط ۱۸ دانش‌آموز داشتیم ولی طی ۴۴ سال بطور یکسان رو به افزایش بوده است. به همین دلیل ما مجبور بودیم اتاق‌های مدرسی را اجاره کنیم که برای تعداد شاگردان و کلاس‌های ما فضای کافی داشته باشد. البته سال‌هایی داشتیم که تعداد شاگردان کم شد ولی بعداً افزایش یافت. پیشرفت و ارتقاء کیفی فعالیت‌های آموزشی مدرسه در این میان تاثیر مهمی در افزایش تعداد شاگردان داشته است.

ولی برای پاسخ دقیق‌تر باید بگویم که افزایش شاگردان در سنین مختلف فرق می‌کند. مثلاً در دوره دبستان تعداد بچه‌هایی که برای فراگیری زبان فارسی می‌آیند خیلی بیشتر از دوره دبیرستان است. ما فعالیت‌هایی داشته‌ایم که بچه‌ها را تشویق می‌کند به دوره دبیرستان هم توجه کنند و علاقمند شوند که یاد گرفتن زبان فارسی را ادامه دهند.

بر اساس این آمار، نرخ بازماندن از تحصیل در مقطع متوسطه دوم برابر با ۲۱ درصد (۲۱۲ هزار) است؛ به بیان دیگر، بیش از یک‌پنجم جمعیت ۱۵ تا ۱۷ ساله کشور از تحصیل در مدرسه بازمانده‌اند. این شاخص در مقطع ابتدایی کمتر از ۳ درصد (۲۶ هزار) و در مقطع متوسطه اول بیش از ۶ درصد (۶۱ هزار) گزارش شده است.

وضعیت نرخ بازماندن از تحصیل در استان سیستان و بلوچستان به مراتب وخیم‌تر از میانگین کشوری است. نرخ بازماندن از تحصیل این استان در مقطع متوسطه دوم به ۷۷ درصد می‌رسد. در مقطع متوسطه اول این نرخ ۲۸ درصد و در مقطع ابتدایی حدود ۱۰ درصد گزارش شده است.

در مقابل، استان‌های اصفهان، یزد و البرز در مقایسه با سایر استان‌ها کمترین نرخ بازماندن از تحصیل را دارند و وضعیت بهتری را نشان می‌دهند.

بازماندن از تحصیل به دلایلی چون مشکلات اقتصادی خانوارها در تأمین هزینه تحصیل، نیاز خانواده به کار کودکان برای ایجاد درآمد، و همچنین نبود امکانات آموزشی در مناطق محروم، از جمله روستاها، در حال افزایش است. وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در حالیکه نتوانسته امکان تحصیل همه کودکان تا مقطع دیپلم را بر اساس قانون اساسی و «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» فراهم کند که حتی کیفیت آموزشی نیز با سقوط روبرو بوده است.

مرکز داده‌های باز ایران در اینبار نوشته اگر نمرات دانش‌آموزان را مهم‌ترین شاخص برای سنجش کیفیت آموزشی بدانیم، آنگاه باید وضعیت کیفی آموزش در ایران را به شدت بحرانی توصیف کرد. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس به نقل از داده‌های وزارت آموزش و پرورش، میانگین نمرات کل دروس در امتحانات خرداد ۱۴۰۲ در سطح کشور کمتر از ۱۰ بوده؛ یعنی پایین‌تر از حد نصاب قبولی.

در میان استان‌ها نیز، همانند سایر شاخص‌ها، سیستان و بلوچستان بدترین وضعیت را دارد؛ جایی که میانگین نمرات دانش‌آموزان به کمتر از ۸ رسیده است. پس از آن، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، آذربایجان غربی و هرمزگان در پایین‌ترین رده‌ها قرار دارند.

در سوی دیگر جدول، استان‌های یزد، خراسان جنوبی، سمنان، اصفهان و قم قرار گرفته‌اند. هرچند وضعیت آنها هم چندان مطلوب نیست، اما یزد تنها استانی است که میانگین نمرات دانش‌آموزانش بیش از ۱۲ گزارش شده است. در بخش دیگری از این گزارش نرخ قبولی در کنکور به عنوان یکی دیگر از شاخص «فقر آموزشی» مورد بررسی قرار گرفته و آمده به دلیل وجود نظام سهمیه‌بندی و محدودیت داده‌ها، امکان مقایسه استانی وجود ندارد؛ اما بر اساس آمار مرکز پژوهش‌های مجلس که از نمونه‌های تصادفی به دست آمده، سهم دو دهک پردرآمد از قبولی در کنکور ۳۴ درصد بوده، در حالی که سهم دو دهک کم‌درآمد تنها ۹ درصد است. به عبارتی، احتمال قبولی در میان طبقات پردرآمد بیش از سه و نیم برابر طبقات کم‌درآمد است.

این شکاف در رتبه‌های برتر بسیار عمیق‌تر است: ۵۴ درصد رتبه‌های زیر سه هزار کنکور سراسری از دهک‌های پردرآمد نهم و دهم آمده‌اند، در حالی که سهم دهک‌های کم‌درآمد اول و دوم تنها ۳ درصد است.

مرکز داده‌های باز ایران تأکید کرده «با این اوصاف، می‌توان نتیجه گرفت که نظام سهمیه‌بندی کنکور در تحقق عدالت آموزشی شکست‌خورده است؛ چرا که همچنان طبقات کم‌درآمد در رقابت با طبقات پردرآمد، عملاً شانس برای دسترسی به رشته‌های معتبر دانشگاهی ندارند.»

خارج کشور، نقش خود را داشته است. به هر حال تغییر تدریجی در رویکرد اولیا در افزایش تعداد شاگردان نقش مهمی داشته است.

ناگفته نماند تلاش‌هایی که ما و مدارس دیگر کرده‌اند هم در این میان موثر بوده. ما در مورد نتایج مثبت فراگیری زبان مادری و اساساً فراگیری همزمان چند زبان کار روشنگرانه بسیاری کرده‌ایم. ما نشان داده‌ایم بچه‌هایی که با تسلط بر دو یا چند زبان بزرگ می‌شوند از قابلیت اندیشیدن قوی‌تر و موفقیت بیشتر در آینده حرفه‌ای خود بهره‌مند می‌شوند.

● لطفاً درباره دلایلی توضیح بدهید که فکر می‌کنید



شهلا طاهری مدیر مدرسه رستم

باعث تغییر رویکرد قبلی خانواده‌های ایرانی درباره ضرورت یاد گرفتن زبان فارسی شده است.

این امر دلایل مختلف دارد. نخست اینکه، چنانکه در بالا گفتیم، والدین و بچه‌ها متوجه شده‌اند که مدارک رسمی فارسی برای ورود به دبیرستان‌های خوب و دانشگاه بطور کلی می‌تواند کمک کند. فارسی جزو ۱۰ زبانی است که در سیستم آموزشی بریتانیا به آنها Foreign Modern Language می‌گویند که ارزش تحصیلی دارند و برای ورود به دانشگاه معادل فرانسه، آلمانی، اسپانیولی و سایر زبان‌های دوم امتیاز شمرده می‌شوند.

دوم آنکه مدرسه رستم و مدارس دیگر فارسی در زمینه اطلاع‌رسانی در مورد پژوهش‌های مربوط به یادگیری زبان مادری در نقاط مختلف دنیا پیگیرانه تلاش کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که یادگیری زبان مادری نه فقط باعث گیج شدن بچه‌ها می‌شود بلکه مزایای بسیاری از نظر افزایش قدرت تفکر و رشد و پرورش شخصیت آنها دارد. ما اطلاعاتی داریم که همیشه روی میز در مدرسه است و برای اولیا هم آن را فرستاده‌ایم. این اطلاعات به صورت مختصر مزایای چند زبانه بودن و دلایلی را که بهتر است در این مسیر گام برداشته شود توضیح می‌دهد. این نظر دیگر در مدرسه و در میان اولیا شاگردان جا افتاده که ادامه آموختن زبان مادری سودمند است و مزایایی دارد.

عامل دیگر همان عرق ملی و میهن‌دوستی و علاقه به فرهنگ ایران و زبان فارسی در میان اولیا است. این احساس از دیرباز بین ایرانیان بوده و چه بسا در سال‌های اخیر بیشتر شده است.

عامل چهارم که شاید پوشیده می‌ماند و در برخی از والدین عمل می‌کند همانا درجه‌ای از بدبینی نسبت به

سیستم تعلیم و تربیت بریتانیا است. این اولیا فکر می‌کنند که این سیستم بیش از حد آزاد است و مدیران و کادر مدارس نسبت به نوجوانان آن سختگیری لازم را ندارند. پس گمان می‌کنند با فرستادن فرزندانشان به مدارس فارسی می‌توانند این کمبود و «بدمآوزی» را جبران کنند.

عامل پنجم سیستم آموزشی و روش کار مدارس است که چقدر پیشرفته باشد تا بتواند شاگردان را جذب کند تا اولیا نگران نباشند که بچه‌هایشان در مدرسه فارسی خسته و بی‌حوصله شده‌اند و شنبه یا یکشنبه‌شان از دست رفته است؛ یعنی اینطور نباشد که از سر اجبار و فشار اولیا به مدرسه بروند. سیستم ما در مدرسه رستم تلفیقی است از تعلیم و تربیت بریتانیایی و عناصری از فرهنگ آموزشی ایران. از نظر تدریس و روش کار با بچه‌ها ما اصولی مانند تنبیه نکردن، منفی نبودن، محیطی خوش و لذت‌بخش برای شاگردان ایجاد کردن، دفترچه‌ها را نه با رنگ قرمز بلکه با رنگ سبز تصحیح کردن پیروی می‌کنیم. طرز رفتار ما با بچه‌ها بسیار تعیین‌کننده است. ما در مدرسه محیطی ایجاد می‌کنیم که شنبه‌ی بچه‌ها ادامه روزهای هفته آنها باشد زیرا ما فکر می‌کنیم بچه‌های ما ایرانی/ بریتانیایی هستند.

● اجازه بدهید جذابیت کتاب‌های درسی مدرسه رستم را نیز اضافه کنیم که بر اساس سیستم رایج در بریتانیا تهیه و تدوین شده‌اند.

ما ۹ کتاب درسی را تهیه و چاپ کرده‌ایم که شامل کلاس اول تا A Level است. یعنی برای GCSE و A Level فقط کتاب‌های رستم هستند که ما به مدارس دیگر در لندن و سایر شهرهای بریتانیا و حتی مدارس در کشورهای دیگر مانند استرالیا، کانادا و نیوزیلند و آمریکا هم می‌دهیم. ما سعی کرده‌ایم که کتاب شاد باشد و از رنگ‌های زنده استفاده کرده‌ایم. سعی کرده‌ایم که تمرین‌های این کتاب‌ها برای سنین پایین بیشتر بازی مانند باشند و یا برای سنین بالاتر مانند پرسش‌های امتحانات رسمی باشد.

● درباره کلاس‌ها و مراتب آنها لطفاً توضیح بدهید.

ما در سال اول دبستان امسال ۴ کلاس و حدود ۱۰۰ نفر شاگرد داریم. ولی وقتی به کلاس ششم یا سال اول دبیرستان می‌رسیم این تعداد به ۱۶ نفر کاهش پیدا می‌کند. برای A Level وقتی تعدادی از بیرون به ما ملحق می‌شود، اگر مثلاً تعداد بشود ۲۰ نفر ما خیلی خوشحال می‌شویم. ما هرچه بیشتر شاگرد و کاندید GCSE و A Level داشته باشیم حوزه‌های امتحانی بریتانیا کار را ادامه می‌دهند. ولی اگر برای امتحان شاگرد کم داشته باشیم از نظر مالی برای آنها صرف نمی‌کند که امتحانات فارسی برگزار کنند. امسال حدود ۳۸۰ نفر شاگرد در رستم ثبت نام کرده‌اند.

● خانم طاهری، آیا موافق هستید که در سال‌های اخیر علاقه و اهمیتی که ایرانیان خارج کشور و لندن به جشن‌ها و مناسبت‌های ملی مانند نوروز، یلدا، مهرگان و سده و یا روز کوروش می‌دهند، بیشتر شده و این روی فضای مدارس هم تاثیر مثبت گذاشته است؟

حتماً ولی در عین حال به نظر من مدارس هم به صورت آگاهانه و ابتکاری در این امر شرکت آگاهانه و فعال داشته‌اند. یعنی برگزاری این مراسم و جشن‌های ایرانی در مدارس باعث جلب توجه بیشتر والدین به اهمیت آنها شده است. وقتی ما این جشن‌ها را برگزار می‌کنیم، اولیا را نیز دعوت می‌کنیم که بیایند و شرکت کنند. اساساً اولیا مدرسه در تدارک و برگزاری این جشن‌ها شرکت مستقیم دارند. ما در مدرسه انجمن دوستدار رستم را داریم که متشکل از والدین قبلی و کنونی است و در کنار کادر آموزشی و شاگردان ضلع سوم مدرسه را ایجاد می‌کنند.

پژواک ملودی‌های ایرانی در آثار احمد پژمان؛ از الهام‌های بومی تا زبان جهانی در موسیقی سنتی ایران

● فرنوش بهزاد درباره احمد پژمان می‌گوید: «نام احمد پژمان در تاریخ موسیقی معاصر ایران، همواره با دو ویژگی درخشان همراه بوده است: ریشه داشتن در موسیقی ملی و همزمان دستیابی به بیان جهانی. پژمان در آثارش صرفاً ملودی‌های ایرانی را بازتاب نمی‌داد بلکه آنها را به زبانی تازه و فراتر از مرزهای ملی ارتقاء می‌داد.»

● «احمد پژمان با آثارش نشان داد که چگونه می‌توان با وفاداری به ریشه‌های ملی آفرینشی تازه پدید آورد که نه تنها در داخل کشور شنیده شود و به روحیات و فرهنگ مردم ایران نزدیک باشد، بلکه در گفتگوی فرهنگی میان ایران و جهان جایگاهی در خور بیابد. این میراث ماندگار احمد پژمان است.»

آدوم صابونچیان - روز جمعه ۴ مهرماه پیکر احمد پژمان از تالار رودکی با نوا «دلاور سهند»، اپرایی که او برای افتتاح آن تالار ساخته بود، در میان دوستداران و عاشقان فرهنگ و هنر ایران تشییع و در سرزمین مادری وی به خاک سپرده شد. برای بررسی جایگاه این هنرمند برجسته در موسیقی ایران، کیهان لندن با فرنوش بهزاد آهنگساز، رهبر ارکستر و موسیقیدان گفتگو کرده است.

فرنوش بهزاد درباره این موسیقیدان می‌گوید: «نام احمد پژمان در تاریخ موسیقی معاصر ایران، همواره با دو ویژگی درخشان همراه بوده است: ریشه داشتن در موسیقی ملی و همزمان دستیابی به بیان جهانی. پژمان در آثارش صرفاً ملودی‌های ایرانی را بازتاب نمی‌داد بلکه آنها را به زبانی تازه و فراتر از مرزهای ملی ارتقاء می‌داد.»

● آقای بهزاد، از نیمه دوم دهه چهل خورشیدی شاهد یک دوره شکوفایی چشمگیر در فعالیت‌های فرهنگی و هنری در ایران به ویژه در عرصه موسیقی ایران هستیم. بر چنین بستری، احمد پژمان نیز در کنار دیگر آهنگسازان و موسیقیدانان فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرد. به نظر شما چه عواملی زمینه‌ساز این رونق فرهنگی شدند و چه شخصیت‌ها و نهادهایی در شکل‌گیری این بستر نقش مهم داشتند؟

- بستر فرهنگی‌ای که آهنگسازان وارد به موسیقی کلاسیک غربی را در دامن خود پرورش داد از دهه‌ها پیش و بخصوص از دهه ۳۰ بعد در جامعه ایران به تدریج شکل گرفته بود. از دهه‌ها پیش کنسرواتوار یا هنرستان عالی موسیقی تهران که به کار تدریس موسیقی در زمینه تئوری و عمل موسیقی اشتغال داشت تأسیس شده بود. از اوایل دهه سی خورشیدی انجمن فیلامونیک تهران که نهادی غیردولتی، غیرانتفاعی و مردم نهاد بود در تهران آغاز

➔ به کار و ارکستر خود را دایر کرد. انجمن فیلارمونیک ایران به دنبال تحکیم، گسترش و اعتلای موسیقی کلاسیک در ایران بود. ارکستر سمفونیک تهران هم که از قدیم همواره فعال بوده و از دهه ۵۰ خورشیدی مورد حمایت دولت قرار گرفت. ولی از اواسط دهه چهل است که تحولات مهمی در حوزه موسیقی رخ می‌دهد. تالار رودکی در سال ۱۳۴۶ افتتاح می‌شود و به عنوان یک مرکز آموزشی و اجرایی، به نقطه عطفی در تاریخ موسیقی ایران بدل می‌گردد. همچنین راه اندازی رشته موسیقی در دانشکده هنرهای زیبا بستی جدی برای پرورش و شکوفایی موسیقی کلاسیک به وجود می‌آورد. حمایت دولت یکی از عوامل کلیدی در این دوره بود. برای نمونه می‌توان به تاسیس رادیو و تلویزیون ملی ایران و ایجاد ارکستر مجلسی وابسته به آن اشاره کرد.

حکومت پهلوی برای مدرن‌سازی فرهنگ، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای از جمله در موسیقی کرد. از نتایج آن می‌توان به شکل‌گیری ارکستر سمفونیک تهران، و بخش اپرا و باله در تالار رودکی اشاره کرد. در کنار این سازمان‌های دولتی، چنانکه اشاره شد انجمن فیلارمونیک به عنوان نهادی غیردولتی نقش ارزشمندی در ترویج موسیقی کلاسیک غربی در ایران ایفا کرد.

در این دوره شماری از شخصیت‌های کلیدی نیز ظهور کردند مانند حسین دهلوی، روبین گریگوریان، حشمت سنجری، امانوئل ملیک اصلانیان، فریدون ناصری، ثمن باغچه‌بان، هرمز فرهت، لوریس چکناواریان، حسین ناصحی، مرتضی حنانه و امین‌الله حسین (خارج از ایران) و آهنگسازان دیگر. همچنین رهبران ارکستری مانند فرهاد مشکات، علی رهبری و حشمت سنجری نقشی تعیین‌کننده در تقویت ارکسترها، آموزش نیروهای جوان و پرورش استعدادها تازه داشتند.

در این میان نباید از ارتباطات قوی بین‌المللی غافل شد. حضور و همکاری نوازندگان و موسیقیدانان غربی در ایران و اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا و آمریکا، نقشی اساسی در ارتقای سطح موسیقی کشور ایفا کرد. بسیاری از آهنگسازان، از جمله احمد پژمان، پس از گذراندن دوره‌های تخصصی با استانداردهای جهانی در غرب به ایران بازگشتند. آنان در کنار آهنگسازی و اجرای آثارشان، در دانشگاه‌ها نیز تدریس می‌کردند و به تربیت نسل تازه‌ای از موسیقیدانان می‌پرداختند. بر چنین بستر غنی و پرتحرکی بود که احمد پژمان توانست فعالیت خلاقانه و حرفه‌ای خود را آغاز کند و جایگاهی ویژه در موسیقی ایران به دست آورد.

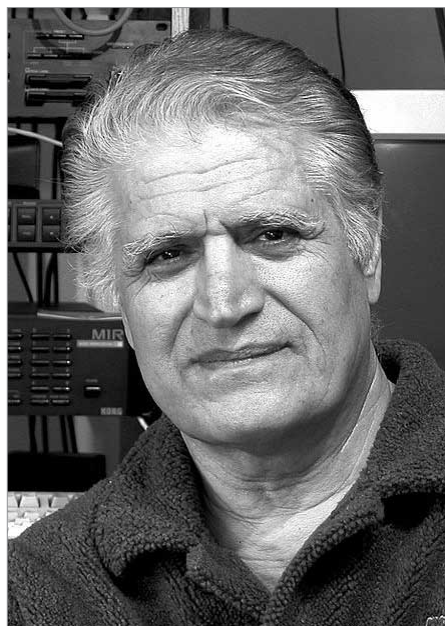
● در مورد حضور ملودی‌های ایرانی در آثار احمد پژمان چه نظری دارید؟

-بی‌تردید پژمان از ملودی‌ها و فضای موسیقی ایرانی در آثارش بسیار بهره برده است. اما نکته مهم آن است که او به شکلی ساده و مستقیم از این ملودی‌ها استفاده نکرده، بلکه با نگاهی مدرن و در پیوند با موسیقی غربی، آنها را به مثابه «موتیف» وارد بافت آثار خود کرده و با بهره گرفتن از شیوه‌های مدرن آهنگسازی و پرداخت‌های پیچیده و چندلایه، به قطعاتی با ساختاری تازه و جهانی تبدیل‌شان کرده است. این روند، بازتابی از روح زمانه در دهه‌های چهل و پنجاه در ایران بود، چرا که در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی و هنری، تلاش می‌شد که عناصر بومی را با زبان جهانی و مدرن تلفیق کنند. نمونه‌ای از این رویکرد، یعنی همنشینی بومی و جهانی را می‌توان در کار آهنگسازان دیگر این دوره نیز دید. برای مثال حسین دهلوی، که یک سوی کارش در موسیقی ایرانی ریشه داشت و سوی دیگرش در موسیقی کلاسیک غربی، ملودی‌های الهام گرفته از موسیقی ایرانی را وارد آثارش می‌کرد و با زبان موسیقی غربی پرورش

می‌داد. احمد پژمان نیز همین مسیر را در پیش گرفت، اما با رویکردی متفاوت. یعنی او بجای اقتباس ساده با برداشتن موتیف‌های محلی و الهام از موسیقی ایرانی آنها را در قالب قطعات ارکسترال و ساز دگرگون کرد و توانست به فرم‌ها و استانداردهای جهانی نزدیک شود. در واقع، همین توانایی در ترکیب هویت ملی با بیان بین‌المللی، یکی از ویژگی‌های برجسته و ماندگار کار احمد پژمان به شمار می‌آید.

● بطور کلی میراث احمد پژمان را چگونه می‌توان خلاصه کرد؟

-احمد پژمان با آثارش نشان داد که چگونه می‌توان با



وفاداری به ریشه‌های ملی آفرینشی تازه پدید آورد که نه تنها در داخل کشور شنیده شود و به روحيات و فرهنگ مردم ایران نزدیک باشد، بلکه در گفتگوی فرهنگی میان ایران و جهان جایگاهی در خور بیابد. این میراث ماندگار احمد پژمان است.

● احمد پژمان در کنار دیگر موسیقیدانان و آهنگسازان برجسته، چه نقش و جایگاهی در شکل‌گیری و غنای موسیقی کلاسیک ملی ایران دارد؟

-احمد پژمان بیش از هر چیز بر بستر اندیشه و جریان‌های موسیقی قرن بیستم پرورش یافت و آهنگسازی کرد. برای درک این موضوع باید به تفاوت بنیادین میان موسیقی قرن نوزدهم و بیستم توجه کنیم. موسیقی قرن نوزدهم بر پایه تم‌ها شکل می‌گرفت، در حالی که موسیقی قرن بیستم بیش از همه بر موتیف‌ها تکیه داشت. آهنگسازان ایرانی در این دوره می‌کوشیدند عصاره ملودی‌های ایرانی را دریابند، یعنی همان جوهره‌ای که یک رشته نت را به ملودی ایرانی بدل می‌کند. آنان این عصاره را همچون موتیف برمی‌گزیدند، بر روی آن کار می‌کردند و به گسترش و تکاملش می‌پرداختند. این شیوه رویکردی تازه و ابتکاری در ایران بود. در موسیقی سنتی ما، چنین نوع پرداخت و بسطی وجود نداشت. ما در موسیقی غرب، این تکنیک‌ها ریشه‌دار و گسترده بودند و اساس بسیاری از ساختارهای موسیقایی را شکل می‌دادند. در موسیقی غرب همین الگو در ساختار ملودی و هارمونی وجود دارد.

یکی از ارکان این تحول، هارمونی است؛ عاملی که وقتی به کار گرفته می‌شود، شکل ملودی را دگرگون و پیچیده‌تر می‌کند. در غرب، هارمونی و ملودی چنان در هم تنیده شده‌اند

که دیگر جدایی ناپذیرند. نمونه درخشان آن آثار بلابارتوک آهنگساز بزرگ مجارستانی است که موسیقی فولکلوریک سرزمین خود را در قالبی نو و مدرن بازآفرینی کرد. احمد پژمان نیز با رویکردی مشابه، توانست جوهره ملودی‌های ایرانی را به زبان موسیقی معاصر جهان پیوند بزند.

● آیا درست است که اپرا و باله رشته‌هایی در موسیقی کلاسیک هستند که نسبت به موسیقی بدون کلام نقش ملموس‌تر و برجسته‌تری دارند و می‌توانند در تحول و تکوین موسیقی کلاسیک ملی ایفا کنند؟

-ما می‌دانیم که احمد پژمان موسیقی اپرا و باله نیز کار کرده است. او سه اپرا به نام‌های «جشن دهقان»، «دلاور سهند» و «سمندر» ساخته است. او اپرای «دلاور سهند» را به مناسبت افتتاح تالار رودکی نوشت که در همان روز بازگشایی هم اجرا شد. او همچنین یک باله به نام «عیاران» در کارنامه خود دارد که در اواسط دهه پنجاه خورشیدی ساخته است. آشکار است که داستان‌های این اپراها و باله داستان‌های ملی و تاریخی هستند.

بله، اپرا و باله می‌توانند به قصه‌ها و روایت‌های ملی اتکا داشته باشند و از این نظر ظرفیت بالایی برای برقرار کردن ارتباط با مردم دارند. من فکر می‌کنم که پژمان به این امر واقف بود که از طریق اپرا و باله می‌تواند ارتباط بیشتر و عمیق‌تری با مردم برقرار کند. در آن زمان اپرا و باله فرم‌های ناآشنا و غریبی در فرهنگ ما بودند. امروزه این غرابت کمتر شده و این دو فرم بیشتر در ایران شناخته شده‌اند هرچند که پس از ۵۷ محدودیت‌های اجرایی پیدا کردند. در این کارها هم احمد پژمان از تکنیک‌ها مدرن و موسیقی زمان خود استفاده کرده‌است. یعنی زبان این آثار، زبان جهانی است ولی با داشتن نخ تسبیح که همان اسطوره‌ها، داستان‌ها و روایت‌های ملی باشند کارش را خوب انجام داده و انتخاب درستی کرده است.

● به نظر شما آیا فعالیت متنوع احمد پژمان در عرصه‌های مختلف موفق بوده یا اینکه این تنوع به کارش لطمه وارد کرده است؟

-واقعیت آن است که در ایران، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، آهنگساز موسیقی کلاسیک برای تامین معاش ناگزیر است در عرصه‌های مختلف فعالیت کند و حتی تدریس موسیقی را نیز بر عهده بگیرد، چرا که حمایت مالی پایدار از سوی نهادهای دولتی وجود ندارد. به همین دلیل، بسیاری از آهنگسازان در دوره‌های مختلف زندگی هر فرصت کاری را که پیش آمده است پذیرفته‌اند. این موضوع در مورد احمد پژمان هم صادق است.

پیش از انقلاب، تعداد محدودی از آهنگسازان از سوی نهادهای دولتی حمایت می‌شدند و سفارش‌های سالانه دریافت می‌کردند. اما دیگران برای گذران زندگی ناچار بودند علاوه بر کار خلاقه، به تدریس در دانشگاه یا کلاس‌های خصوصی بپردازند. مقایسه شرایط آهنگسازان ایرانی با چهره‌هایی چون واگنر یا روسینی قیاسی درست نیست. در ایتالیا، اپرا در قرن نوزدهم محبوبیتی مثل سینمای هالیوود در دنیای امروز داشت و بستر اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای برای حمایت از آهنگسازان فراهم بود؛ چیزی که در ایران هرگز وجود نداشته است. پژمان به عنوان یک آهنگساز برجسته نیز چنین فرصت‌هایی را در ایران نیافت. پس از انقلاب، به آمریکا مهاجرت کرد و در کنار فعالیت در عرصه موسیقی کلاسیک، برای خوانندگان ایرانی موسیقی پاپ ساخت. آثار او در این عرصه نیز به دلیل کیفیت بالا تأثیر چشمگیری بر موسیقی پاپ ایرانی در خارج کشور گذاشتند. بسیاری از خوانندگان از جمله داریوش همواره به همکاری با پژمان افتخار کرده‌اند.

مانور تبلیغاتی مقامات دولت پزشکیان درباره کشف ذخایر جدید در میدان گازی پازن

● فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت: میدان پازن در حوالی شهر جم در استان بوشهر شناسایی شده است که حدود ۱۰ هزار میلیارد فوت گاز خواهد داشت که به ظرفیت گازی کشور کمک می‌کند.

● اگرچه مقامات دولت این خبر را به شکلی ارائه کردند که انگار میدان گازی پازن به تازگی و توسط دولت چهاردهم کشف شده، اما این میدان در سال ۱۳۹۴ کشف شد و قرار بود بعد از چهار سال به بهره‌برداری برسد که معلق ماند! حالا بر اساس توضیحات مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران به تازگی ذخایر جدید گاز و نفت در این میدان شناسایی شده است.

● کارشناسان معتقدند میزان گاز قابل برداشت حدود ۱۹۸ میلیارد مترمکعب است، این در حالیست که حجم ذخیره درجای گاز طبیعی میدان پارس جنوبی در حدود ۵۱ هزار میلیارد مترمکعب است.

● وبسایت «تجارت نیوز» نوشته داشتن ذخایر عظیم زیرزمینی به تنهایی تضمین‌کننده امنیت انرژی نیست، مگر آنکه توان فنی، مالی و مدیریتی لازم برای استخراج و بهره‌برداری از آنها فراهم شود.

مقامات دولت پزشکیان کشف ذخایر جدیدی در میدان گازی پازن را به عنوان کشف این میدان گازی مطرح کرده‌اند. این در حالیست که میدان گازی پازن ده سال پیش کشف شد و قرار بود بعد از چهار سال بهره‌برداری شود که همچنان معلق مانده است.

طی روزهای گذشته وزیر نفت و سخنگوی دولت اظهاراتی درباره کشف میدان گازی پازن مطرح کرده‌اند. میدان گازی پازن در سال ۱۳۹۴ کشف شد و به نظر می‌رسد به تازگی ذخایر جدید گاز و نفت در این میدان شناسایی شده است. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت روز سه‌شنبه ۱۵ مهرماه در نشست با خبرنگاران گفت: «میدان پازن در حوالی شهر جم در استان بوشهر شناسایی شده است که حدود ۱۰ هزار میلیارد فوت گاز خواهد داشت که به ظرفیت گازی کشور کمک می‌کند، البته این به معنای عدم نیاز به صرفه‌جویی نیست و اتفاقاً باید صرفه‌جویی را دنبال کنیم و در این زمینه نیازمند اقدامات متعددی هستیم.»

یک روز پیشتر نیز محسن پاک‌نژاد از «کشف» ذخایر نفت و گاز در میدان گازی پازن خبر داده بود. اگرچه مقامات دولت این خبر را به شکلی ارائه کرده‌اند که انگار میدان گازی پازن به تازگی و توسط دولت چهاردهم کشف شده اما کشف این میدان گازی جدید نیست. میدان پازن که در جنوب استان فارس و در نزدیکی شهرستان جم و ۱۷۰ کیلومتری شیراز قرار گرفته در سال ۱۳۹۴ کشف شد. حجم گاز درجای این میدان پیشتر ۱۹/۵ تریلیون فوت مکعب و میعانات گازی درجای آن نیز ۳۱۲ میلیون بشکه اعلام شده بود. اردیبهشت‌ماه امسال قرارداد طرح توسعه میدان‌های گازی

گردان و پازن بین شرکت ملی نفت ایران، هلدینگ پتروفهنگ، گروه باختر و انرژی گستر هانا با ارزشی بیش از ۹۴۸ میلیون دلار امضا شد. این قرارداد شامل تولید ۱۷۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز و ۵۸ میلیون و ۱۹۰ هزار بشکه میعانات گازی در طول دوره اجرای طرح بوده است.

یک ماه پیش نیز داوودرضا ربانی مدیر عامل گروه پتروشیمی باختر اعلام کرد قرارداد توسعه میدان‌های گازی پازن و گردان با هدف حفر ۲۴ حلقه چاه و تولید روزانه ۳۱/۵ میلیون مترمکعب گاز در فاز نهایی به امضا رسیده است.

مدیرعامل گروه پتروشیمی باختر توضیح داده بود که «این قرارداد ۲۰ ساله شامل حفر ۲۴ حلقه چاه است. تولید اولیه ۸ میلیون مترمکعب در روز خواهد بود و در فاز نهایی به ۳۱/۵ میلیون مترمکعب در روز می‌رسد. مجموع تولید گاز در دوره قرارداد ۱۸۰ میلیارد مترمکعب برآورد شده که ارزش آن ۲۷ میلیارد دلار است. افزون بر آن ۵۸ میلیون بشکه میعانات گازی به ارزش ۴/۶ میلیارد دلار تولید می‌شود و مجموع عواید

مترمکعب تخمین زده است. برآوردهای وزارت نفت ایران حاکی از این است که ذخیره گاز در بخش ایرانی این میدان مشترک ۱۴ هزار میلیارد مترمکعب به‌همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است. میزان ذخایر گازی قابل استحصال نیز هشت میلیارد مترمکعب است.

وبسایت «تجارت نیوز» نیز در گزارشی نوشته ذخایر قابل برداشت در پارس جنوبی حدود ۴۰ برابر ذخایر قابل برداشت در میدان پازن است. این گزارش افزوده حجم ذخایر کشف‌شده در میدان پازن گرچه می‌تواند در ناترازی [کمبود] گاز و البته افزایش تولید نفت کمک‌کننده باشد، اما لزوماً نمی‌تواند کمکی به توسعه اقتصاد کشور کند.

«تجارت نیوز» تأکید کرده اهمیت اصلی در مرحله برداشت و تولید از میادین است. داشتن ذخایر عظیم زیرزمینی به تنهایی تضمین‌کننده امنیت انرژی نیست، مگر آنکه توان فنی، مالی و مدیریتی لازم برای استخراج و بهره‌برداری از آنها فراهم شود. در واقع، فاصله میان اکتشاف



و تولید پایدار همانجایی است که سرنوشت توسعه انرژی کشور رقم می‌خورد.

در این گزارش تأکید شده نباید تمرکز بر میادین تازه کشف‌شده موجب غفلت از میادین بزرگ و در حال بهره‌برداری شود. نمونه بارز آن میدان گازی پارس جنوبی است که بخش عمده گاز مصرفی کشور را تأمین می‌کند و هم‌اکنون با چالش افت فشار روبروست. حجم گازی که پارس جنوبی روزانه به شبکه تزریق می‌کند، با هیچیک از دیگر میادین ایران قابل مقایسه نیست. بنابراین اجرای فوری طرح‌های فشارافزایی برای حفظ تولید این میدان و کاهش ناترازی گاز بسیار اساسی است؛ زیرا هر میزان کاهش در تولید پارس جنوبی، بطور مستقیم بر تأمین گاز خانگی و صنعتی کشور اثر می‌گذارد.

محمد بهرامی سیف‌آبادی نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی هم گفته «در بحث فشارافزایی پارس جنوبی مشکلاتی در زمینه منابع، مطالعات و تجهیزات وجود دارد. ایران تحریم است و تجهیزاتی که در اختیار کشورهای عربی همسایه ایران قرار می‌گیرد، در ایران وجود ندارد. یا حتی در رابطه با مطالعات، امروز می‌بینید شرکت‌های بسیار قوی و قدری هستند که دقیق‌تر عمل می‌کنند. هرچند که در این زمینه هم پیشرفت‌هایی داشته‌ایم و می‌تواند در بسیاری از مسائل جوابگو باشد. ولی در هر صورت، باید اسباب موضوع در این رقابتی که ایران با دنیا دارد، فراهم شود.»

دولت از این پروژه حدود ۳۲ میلیارد دلار می‌شود.» بر اساس اطلاعات جدیدی که از سوی محی‌الدین جعفری مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران ارائه شده در ادامه مطالعات و عملیات حفاری چاه دوم میدان گازی پازن که به تازگی آغاز شده بود، دو لایه مخزنی جدید شامل یک مخزن گازی و یک مخزن نفتی با ذخیره قابل استحصال ۲۰۰ میلیون بشکه شناسایی شده است.

محی‌الدین جعفری افزوده بود که میدان پازن هم‌اکنون به عنوان بزرگترین میدان گازی غیرآبی و در سطح خشکی کشور شناخته می‌شود و از نظر حجم گاز در مقایسه با سایر میدان‌های خشکی، جایگاه نخست را دارد. محسن پاک‌نژاد وزیر نفت هم گفته برآورد می‌شود حدود ۴۰ ماه آینده، امکان برداشت از این میدان فراهم شود.

کارشناسان معتقدند میزان گاز قابل برداشت از این میدان حدود ۱۹۸ میلیارد مترمکعب است در حالی که حجم ذخیره درجای گاز طبیعی میدان پارس جنوبی در حدود ۵۱ هزار میلیارد مترمکعب است. با اینهمه جمهوری اسلامی سال‌هاست تمرکز بر توسعه میدان گازی پارس جنوبی را رها کرده و برداشت از این میدان گازی را افزایش نداده است! قابل توجه اینکه میدان گازی پارس جنوبی، میدانی مشترک با کشور قطر است و قطر با بالاترین ظرفیت در حال برداشت از این میدان گازی است.

آژانس بین‌المللی انرژی میزان گاز قابل برداشت در بخش قطری میدان گازی پارس جنوبی را حدود ۲۶ هزار میلیارد

خالی شدن روستاها به علت توفان نمک برخاسته از دریاچه ارومیه

همین دلیل است که می‌گویم بحران دریاچه ارومیه تنها محدود به یک پهنه آبی نیست، بلکه تبعات آن سراسر کشور را درگیر خواهد کرد.»

دبیرکل فدراسیون صنعت آب ایران توضیح داده که «یکی از مهم‌ترین کارکردهای این دریاچه، تأمین رطوبت نسبی هوا بود. اکنون با نابودی آن، نه تنها رطوبت کاهش یافته، بلکه بستر خشک و نمکی دریاچه خود به منبع عظیمی از گرد و غبار شور تبدیل شده است. بادهای منطقه‌ای، این ذرات نمکی را به هوا می‌برند و به شکل مستقیم بر سلامت مردم اثر می‌گذارند. در آینده‌ای نه‌چندان دور، افزایش چشمگیر بیماری‌های آلرژیک، مشکلات ریوی و بیماری‌های مزمن تنفسی در میان جمعیت محلی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.»

پژوهشگران دانشگاه تبریز هم هشدار داده بودند که از همان دوره‌های اولیه خشکی دریاچه، بروز بیماری‌های پوستی، چشمی و ریوی در میان ساکنان مناطق اطراف افزایش یافته است. این آسیب‌ها به ویژه در کودکان و دانش‌آموزان

می‌شود که بیشتر، بیش از ۴۷۰ خانوار در آن ساکن بودند؛ اما به دنبال خشک‌شدن تدریجی دریاچه ارومیه، بسیاری از اهالی ناچار به ترک روستا و مهاجرت به شهرهای اطراف شده‌اند و عمدتاً در حاشیه شهرها سکونت یافته‌اند.»

او با بیان اینکه جمعیت این روستا به شدت کاهش یافته گفته است: «در حال حاضر تنها حدود ۱۳۰ خانوار در گورچین‌قلعه زندگی می‌کنند که بیش از ۵۰ درصد آنها را افرادسالخورده تک‌نفره تشکیل می‌دهند. این کاهش جمعیت نه‌تنها بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستا تأثیر منفی گذاشته، بلکه حیات فرهنگی و سنتی آن را نیز به خطر انداخته است.»

عضو شورای روستا همچنین از شیوع بیماری در میان روستاییان خبر داده و گفته «در سال‌های اخیر، شیوع بیماری‌های مزمن به‌ویژه سرطان در این منطقه افزایش قابل‌توجهی داشته که به نظر می‌رسد با شرایط زیست‌محیطی ناشی از خشکی دریاچه و آلودگی ناشی از آن مرتبط باشد.»



دید می‌شود و گروه‌های آسیب‌پذیرتر مانند سالمندان و بیماراران مزمن بیشترین صدمه را متحمل می‌شوند.

همه این هشدارها در حالی طی سال‌های گذشته داده شده است که در نهایت جمهوری اسلامی نتوانست برای احیای دریاچه ارومیه اقدام موثری انجام دهد و با بی‌اعتنایی به برداشت گسترده منابع آب زیرزمینی در منطقه، روند خشک شدن دریاچه را سرعت داد بطوریکه اکنون این دریاچه به «روز صفر آبی» رسیده است.

علی حاجی‌مرادی کارشناس منابع آب دو روز پیش اعلام کرد که «میانگین عمر دریاچه ارومیه در شرایط پرآبی هم بیشتر از ۲/۵ سال نبوده و اکنون ۴ سال است که با حداقل ورودی آب به دریاچه مواجه هستیم، در همین سال آبی منتهی به شهریور ۱۴۰۴ فقط ۳۲۰ میلیون متر مکعب آب وارد دریاچه ارومیه شده بود که این عدد ۹ درصد نیاز زیست محیطی دریاچه است. در نتیجه، به همان نسبت هم تبخیر به آب ورودی غلبه کرده و کل آبی که بر پیکره آبی دریاچه ارومیه وجود داشته طی یک سال اخیر از بین رفته است.»

این کارشناس تأکید کرد «دریاچه به روز صفر خود رسیده و ما هر ساله شاهد تغییرات سطح آب دریاچه ناشی از فصول گرم و خشک و سرد هستیم احتمالاً در انتهای زمستان با جریان حداقلی ناشی از بارش‌های زمستانی شاهد انتشار اخباری مبنی بر افزایش نیم متری تراز دریاچه هستیم که این این وضعیت در مقایسه با سال قبل فاقد هرگونه ارزش محیط زیستی خواهد بود.»

● روستاییان می‌گویند خشکی دریاچه و کم‌آبی باعث شده زمین‌هایشان غیرقابل استفاده شود و در حالی که سده‌ها معاش آنها به لطف دریاچه ارومیه از کشاورزی و دامپروری تأمین می‌شد حالا دیگر خبری از محصول و درآمد نیست!

● یکی از روستاییان گفته «خشکی دریاچه نه تنها باعث از بین رفتن محصولات کشاورزی شده بلکه بیماری‌های ناشی از گرد و غبار نمکی هم به معضل جدید ما تبدیل شده است. چند نفر از همسایگان ما به دلیل توفان‌های نمکی به بیماری‌های تنفسی و مزمن درگیر شده‌اند.»

● پژوهشگران دانشگاه تبریز بیشتر هشدار داده بودند که از همان دوره‌های اولیه خشکی دریاچه، بروز بیماری‌های پوستی، چشمی و ریوی در میان ساکنان مناطق اطراف افزایش یافته است.

● علی حاجی‌مرادی کارشناس منابع آب: دریاچه به روز صفر خود رسیده و ما هر ساله شاهد تغییرات سطح آب دریاچه ناشی از فصول گرم و خشک و سرد هستیم.

خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی اعلام کرده روستاییان اطراف دریاچه ارومیه به علت توفان‌های نمک برخاسته از بستر خشک دریاچه ناچار به ترک خانه‌های خود شده‌اند. این گزارش بر شیوع گسترده سرطان در میان ساکنان اطراف دریاچه نیز تأکید کرده است.

در گزارش خبرگزاری «ایلنا» آمده، خشکی گسترده دریاچه ارومیه و کاهش بی‌سابقه منابع آبی، بطور مستقیم موجب تخریب زمین‌های کشاورزی و تضعیف معیشت کشاورزان حاشیه این دریاچه شده است. این وضعیت بحرانی، بسیاری از کشاورزان را ناچار به تغییر مسیر شغلی و حتی مهاجرت اجباری کرده است.

روستاییان می‌گویند خشکی دریاچه و کم‌آبی باعث شده زمین‌هایشان شده و در حالی که سده‌ها معاش آنها به لطف دریاچه ارومیه از کشاورزی و دامپروری تأمین می‌شد حالا دیگر خبری از محصول و درآمد نیست!

یک کشاورز به خبرگزاری «ایلنا» گفته که شرایط به گونه‌ای پیش رفت که دیگر کشاورزی برای آنها مقرون به صرفه نیست. نبود آب کشاورزی و توفان‌های نمک حاصل دسترنج یکساله آنان را نابود کرده است.

او افزوده «خشکی دریاچه نه تنها باعث از بین رفتن محصولات کشاورزی شده بلکه بیماری‌های ناشی از گرد و غبار نمکی هم به معضل جدید ما تبدیل شده است. چند نفر از همسایگان ما به دلیل توفان‌های نمکی به بیماری‌های تنفسی و مزمن درگیر شده‌اند.»

علی طهمورث عضو شورای روستای گورچین‌قلعه در گفتگو با «ایلنا» با اشاره به مهاجرت گسترده ساکنان این روستا در پی خشکی دریاچه ارومیه گفته «گورچین‌قلعه یکی از هفت روستای دارای بافت باارزش کشور محسوب

در این میان سعید عبیسی‌نژاد مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه، مهاجرت روستاییان ساکن در روستاهای اطراف دریاچه ارومیه، را «قویاً» تکذیب کرده و گفته «این اخبار نادرست توسط رسانه‌های معاند با هدف ایجاد تفرقه و اختلاف در جامعه منتشر شده است.»

دریاچه ارومیه که زمانی ۳۲ میلیارد مترمکعب آب در خود جای داده بود، حالا تنها به دشت نمک بدل شده و ۹۹ درصد مساحت آن خشکیده است.

پیشتر علی شریعتی دبیرکل فدراسیون صنعت آب هشدار داده بود که «خشک شدن دریاچه ارومیه تنها از دست دادن یک منبع آبی نیست، بلکه یکی از بزرگترین بحران‌های زیست‌محیطی ایران و منطقه محسوب می‌شود؛ این بحران تبعاتی گسترده در حوزه‌های محیط زیست، بهداشت عمومی، اقتصاد، اجتماع و حتی امنیت ملی خواهد داشت.» به گفته دبیرکل فدراسیون آب ایران، بستر نمکی که پس از خشک شدن دریاچه ارومیه ایجاد می‌شود، نور خورشید را بسیار بازتاب می‌دهد و این پدیده باعث شکل‌گیری «اثر جزیره گرمایی» می‌شود که بدین معناست اطراف مناطق ارومیه، بازرگان، کردستان و حتی نواحی شرقی آذربایجان آب و هوای «گرم‌تر و خشک‌تر» از گذشته خواهند داشت.

او افزوده که «با از بین رفتن سطح آبی دریاچه، ظرفیت طبیعی آن برای ایجاد خنک‌کنندگی نیز از دست می‌رود و این مسئله به کاهش میزان بارندگی، افزایش طول دوره‌های خشکسالی و شدت گرفتن بیابان‌زایی منجر خواهد شد. به

اقدام خطرناک دولت پزشکيان:

واگذاری سهام شرکت ملی نفت ایران به اسم «خصوصی سازی»!

● واگذاری سهام شرکت ملی نفت ایران از اواخر شهریورماه در دستور کار دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفته و اعلام شده این طرح «در راستای سیاست‌های مولدسازی دارایی‌های دولت» تدوین شده است.

● مرتضی بهروزی‌فر کارشناس نفت و انرژی: شرکت ملی نفت ایران هیچگونه مالکیتی در خصوص منابع نفتی و گازی کشور ندارد. منابع نفت و گاز طبق قانون اساسی و طبق شرع، عرف و اخلاق، متعلق به مردم ایران است و شرکت ملی نفت ایران به نمایندگی از مردم دارد کار انجام می‌دهد.

در روزهای گذشته خبرهایی درباره تصمیم دولت مبنی بر «خصوصی‌سازی» شرکت ملی نفت ایران مطرح شده است. محسن پاکنژاد وزیر نفت دولت پزشکيان این اقدام را «تصمیم بزرگ و راهبردی» عنوان کرده اما منتقدان با واگذاری سهام شرکت ملی نفت که از دارایی‌های ملی و متعلق به همه مردم ایران به شمار می‌رود به «افراد خاص» هشدار می‌دهند.

واگذاری سهام شرکت ملی نفت ایران از اواخر شهریورماه در دستور کار دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفته و اعلام شده این طرح «در راستای سیاست‌های مولدسازی دارایی‌های دولت» تدوین شده است.

در نشست که روز یکشنبه ۲۳ شهریور در کمیسیون اقتصادی، بازرگانی و اداری دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و با حضور علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد برگزار شد محورهای اصلی این طرح «تعمیق بازار سرمایه، افزایش ظرفیت تولید نفت و تامین مالی پروژه‌های زیرساختی وزارت نفت» اعلام شده است.

به نظر می‌رسد دولت، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام با این طرح موافق هستند و در نتیجه به زودی سهام شرکت ملی نفت ایران به اسم خصوصی‌سازی واگذار خواهد شد.

در تازه‌ترین اظهار نظر در اینباره محسن پاکنژاد وزیر نفت جمهوری اسلامی گفته «خصوصی‌سازی شرکت ملی نفت یکی از تصمیمات بزرگ و راهبردی است که باید با دقت و نگاه کارشناسی مورد بررسی قرار گیرد تا آثار اقتصادی آن به‌خوبی تحلیل شود.»

با وجود برگزاری نشست وزیر اقتصاد با کمیسیون اقتصادی، بازرگانی و اداری دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، محسن پاکنژاد گفته «این طرح نیازمند مطالعات جامع و بحث‌های تخصصی است و «قبل از هرگونه تصمیم‌گیری نهایی، بررسی‌های کارشناسی دقیق باید به انجام برسد تا ساختار اقتصادی کشور تحت تأثیرات منفی قرار نگیرد.»

پس از جلسه وزیر اقتصاد در مجمع تشخیص مصلحت نظام، محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی دبیرخانه مجمع تشخیص گفته بود که «در دولت‌های قبل اقدامات کارشناسی این طرح انجام شده اما به دلایل مختلف عملیاتی نشده است، این موضوع در کمیسیون اقتصادی مجمع مورد بحث و بررسی قرار گرفت.»

برخلاف ادعای وزیر نفت درباره لزوم بررسی‌های کارشناسی، محمدرضا پورابراهیمی گفته بود که «مقرر شد در راستای کمک به تعمیق بازار سرمایه کشور، افزایش ظرفیت تولید نفت و تامین مالی حوزه‌های زیر ساختی



از یک نهادی تخصصی که کار آن نفت و انرژی و از دهه ۴۰ تجربه اندوخته بود، گرفته‌اند و به نهادهایی داده‌اند که تخصص و تجربه نداشته‌اند. با این کار نه تنها شرایط بهتر نشده، بلکه بدتر هم شده است.»

مرتضی بهروزی‌فر تأکید کرده که «به بخش‌های پتروشیمی، پالایشی، نیروگاهی و... که نگاه شود می‌توان دید کمتر جایی وجود دارد که خصوصی شده و وضعیت آن از قبل بهتر شده باشد. یعنی افزایش تولید، بهره‌وری و... در این شرکت‌ها مشاهده نمی‌شود. این مورد اول است که مربوط به تجربه خصوصی‌سازی است که در کشور وجود دارد.»

او افزوده «شرکت ملی نفت ایران هیچگونه مالکیتی در خصوص منابع نفتی و گازی کشور ندارد. منابع نفت و گاز طبق قانون اساسی و طبق شرع، عرف و اخلاق، متعلق به مردم ایران است و شرکت ملی نفت ایران به نمایندگی از مردم دارد کار انجام می‌دهد. اینکه سهام شرکت واگذار و به افراد خاص داده شود، اصلاً خصوصی‌سازی نیست. چگونه می‌خواهند مخازن نفتی و دیگر موارد را قیمت‌گذاری کنند؟

بر چه مبنایی می‌خواهند این کار را انجام دهند؟ آیا یک اشتباه دیگری را می‌خواهند تکرار کنند؟ هیچگونه توجیهی در مورد این کار وجود ندارد. نفتی که ملی و متعلق به مردم است را چطور می‌خواهند به افراد خاص واگذار کنند؟»

به عقیده مرتضی بهروزی‌فر «اینکه بخواهند شرکت ملی نفت را خصوصی کنند و سهام آن را به افراد و شرکت‌های خاص واگذار کنند، مشخص نیست چه نتیجه‌ای دارد. به عنوان مثال اگر ۳۰۰ میلیارد دلار پول لازم است، قرار است افرادی که می‌آیند ۳۰۰ میلیارد دلار در صنعت نفت تزریق کنند؟ همین افراد در صنعت پتروشیمی و نیروگاهی کشور چقدر تزریق کردند که ما در تابستان مشکل برق و در زمستان مشکل گاز داریم؟»

او تأکید کرده «همین سازمان‌ها و بنیادها کجا توانستند سرمایه‌گذاری کنند و توسعه بدهند و باعث افزایش اشتغال یا افزایش تولید شده باشند؟ اینهم مسلماً همان است. اگر کسی بخواهد با منطق به موضوع نگاه کند، باید جلوی این کار را بگیرد.»

وزارت نفت، امکان عرضه سهام این شرکت با رعایت ضوابط قانونی از سوی وزارت اقتصاد فراهم شود، مجمع نیز در این راستا آماده همکاری است.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم با این طرح موافق هستند. موسی احمدی رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در خصوص مولدسازی دارایی دولت از طریق واگذاری سهام شرکت ملی نفت، گفته «این اقدام، به معنای ایجاد منابع جدید برای توسعه زیرساخت‌های حیاتی کشور است؛ با این مزیت مهم که این منابع بدون افزایش پایه پولی و خلق نقدینگی جدید تأمین می‌شوند. واگذاری شرکت ملی نفت در راستای مولدسازی یکی از مهم‌ترین دارایی‌های کشور است.»

جعفر پورکیبگانی، نماینده بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی هم مدعی است که اجرای این طرح «قطعاً در راستای تحقق سیاست کلی کشور مبنی بر اقتصاد مقاومتی و مشارکت دادن مردم در اقتصاد ملی است. تحقق مشارکت مردم در توسعه اقتصادی کشور با مولدسازی مهم‌ترین دارایی دولت یعنی سهام شرکت ملی نفت محقق خواهد شد. به این ترتیب، زمینه برای تحرک بخشیدن به اقتصاد به وجود می‌آید.»

برخلاف ادعاهای مقامات حکومتی، تجربه سه دهه خصوصی‌سازی در جمهوری اسلامی اما نگرانی‌های عمیقی درباره طرح دولت پزشکيان برای واگذاری سهام شرکت ملی نفت را در میان کارشناسان در پی داشته است.

در همین رابطه مرتضی بهروزی‌فر، کارشناس نفت و انرژی، در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» گفته «تجربه خصوصی‌سازی در ایران حداقل دو دهه یا سه دهه گذشته وجود دارد. [ایران-جمهوری اسلامی] متخصص خراب‌کردن موضوعات خوب است. یعنی اگر نام خصوصی‌سازی خوب باشد، در عمل کاری می‌کنند که از آن فراری شویم. وگرنه توسعه بخش خصوصی موضوعی است که باعث توسعه در تمام دنیا شده، اما در ایران برعکس شده است.»

این کارشناس گفته «یک بخشی را ایجاد کرده‌اند که نه دولتی است و نه خصوصی. به عنوان مثال، پتروشیمی را

موج افزایش قیمت مواد غذایی؛

یک شانه تخم مرغ ۲۰۰ هزار تومان و یک کیلو لوبیا چینی ۷۰۰ هزار تومان!



● در اوایل مهرماه امسال یک بسته ۹۰۰ گرمی به قیمت ۶۳۹ هزار و ۹۰۰ تومان عرضه می‌شد که نشان می‌دهد هر کیلو لوبیا چینی به ۷۰۰ هزار تومان رسیده است.

● دولت اقدام به حذف ارز ترجیحی با نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی برای واردات حبوبات کرد و واردکنندگان ناچار شدند حبوبات را با ارز توافقی که نرخ حدود ۷۰ هزار تومان دارد وارد کنند.

● نرخ تورم سالانه گروه سبزیجات و حبوبات در تیرماه ۱۴۰۴ با ثبت ۶۶ درصد بیشترین افزایش قیمت را در میان کالاهای اساسی داشته است.

افزایش قیمت مواد خوراکی با سرعت ادامه دارد و قیمت هر کیلو لوبیا چینی ۷۰۰ هزار تومان این کالا را از سفره اقشار کم‌درآمد حذف کرده است. قیمت هر شانه تخم مرغ به ۲۰۰ هزار تومان رسیده است.

قیمت لوبیا چیتی از سال گذشته تا اکنون ۶ برابر شده بطوری که قیمت لوبیا چیتی بسته‌بندی فروشگاه‌های در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۴۰۳ حدود ۱۴۴ هزار و ۹۰۰ تومان بود؛ اما تنها چند ماه بعد، در ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ این رقم به ۲۷۹ هزار و ۹۰۰ تومان رسید و این روند صعودی همچنان ادامه داشت تا اینکه در ۲۲ شهریور ۱۴۰۴، قیمت این محصول به ۶۶۴ هزار و ۷۰۰ تومان رسید.

در اوایل مهرماه امسال یک بسته ۹۰۰ گرمی به قیمت ۶۳۹ هزار و ۹۰۰ تومان عرضه می‌شد که نشان می‌دهد هر کیلو لوبیا چیتی به ۷۰۰ هزار تومان رسیده است.

این رقم نشان می‌دهد اگر یک خانواده چهار نفره بخواهد تنها برای ناهار و شام، خوراک لوبیا بخورد و در هر وعده ۵۰۰ گرم لوبیا با قیمت ۶۳۹ هزار و ۹۰۰ تومان مصرف کند، هزینه ماهانه آنها برای ۶۰ وعده غذایی به حدود ۱۹ میلیون و ۱۹۷ هزار تومان خواهد رسید؛ این در حالیست که کف حقوق کارگران حدود ۱۵ میلیون تومان است؛ یعنی حتی اگر هیچ هزینه دیگری نداشته باشند، باز هم باید ماهانه نزدیک به ۴ میلیون تومان قرض بگیرند تا فقط بتوانند «لوبیا» بخورند.

قیمت دیگر انواع حبوبات نیز با افزایش قابل توجهی روبرو بوده است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه گروه سبزیجات و حبوبات در تیرماه ۱۴۰۴ با ثبت ۶۶ درصد بیشترین افزایش قیمت را در میان کالاهای اساسی داشته است. همچنین در امرداد این گروه با تورم ماهانه ۸/۷ درصد پس از میوه و خشکبار در جایگاه دوم قرار گرفته است.

کارشناسان دلیل اصلی این جهش را تغییر سیاست ارزی و حذف ارز ترجیحی می‌دانند که با جایگزینی ارز مبادله‌ای هزینه واردات را بالا برد. در کنار آن، افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی مانند کود و سموم به دلیل تأمین با ارز توافقی فشار مضاعفی بر تولید داخلی گذاشته است.

دولت اقدام به حذف ارز ترجیحی با نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی برای واردات حبوبات کرد و واردکنندگان ناچار شدند حبوبات را با ارز توافقی که نرخ حدود ۷۰ هزار تومان دارد وارد کنند. این تغییر نوع ارز تخصیص یافته برای واردات حبوبات از دلایل اصلی افزایش قیمت این کالا ارزیابی می‌شود.

از سوی دیگر صادرات بی‌رویه در زمان نیاز داخلی، تأخیر در ثبت سفارش‌ها، مشکلات تخصیص ارز و ماندن محموله‌ها در

برای نمونه قیمت هر شانه تخم‌مرغ به ۲۰۰ هزار تومان افزایش یافته است. عدم تخصیص به موقع ارز برای واردات نهاده‌های دامی و همچنین بی‌نظمی در توضیح نهاده‌های دامی سبب افزایش قیمت نهاده‌ها در داخل کشور شده و برخی تولیدکنندگان قادر به پرداخت این هزینه برای تهیه خوراک طیور نیستند.

همچنین بحران کمبود انرژی دامن مرغدارها را هم گرفت و سبب جیره‌بندی برق در این واحدهای تولیدی شد. طی ماه‌های گذشته گزارش‌های زیادی از تلف شدن مرغ‌های مرغدارها منتشر شد. این موضوع در کنار افزایش هزینه‌های دیگر مانند کارگر و اجاره و حمل و نقل سبب افزایش هزینه تولید شده و مرغداران ناچار به افزایش قیمت محصولات تولیدی خود شدند.

در همین رابطه فرزاد طلاکش مشاور رئیس سازمان نظام دامپزشکی، هشدار داده «در حالی که کمبودی در تولید وجود ندارد، اما اگر مشکل تأمین ارز برای نهاده‌ها و تداوم صادرات حل نشود، مشکلات تازه‌ای در راه است. به گفته وی، کشتی‌های حامل ذرت و سویا ماه‌هاست در گمرک بلاتکلیف مانده‌اند و ادامه این وضعیت می‌تواند تولید را با مشکل مواجه کند.»

فرزاد طلاکش افزوده «مشکل نهاده‌ها حل نشود، یعنی اگر مسئله ارز همچنان باقی بماند، صنعت دچار بحران خواهد شد. در حال حاضر ذرت و سویا در گمرکات مانده و کشتی‌ها منتظر تخلیه‌اند، اما به دلیل نبود ارز، این نهاده‌ها بلاتکلیف مانده‌اند. حتی برخی کشتی‌ها از تیرماه سال گذشته تاکنون ارز دریافت نکرده‌اند و محموله‌هایشان، مانند دانه سویا، دیگر ارزش خوراکی برای مرغ ندارد.»

در دامداری‌های نیز تولیدکنندگان با دلالتی مشابه از افزایش هزینه تولید خبر داده و می‌گویند افزایش قیمت گوشت و شیرخام به همین علت رخ داده است.

سیاست‌های نادرست غلامرضا نوری قزلبچه وزیر کشاورزی دولت پزشکیان بر بحران‌ها افزوده با اینهمه او معتقد است افزایش قیمت حبوبات منطقی است و تازه در مقایسه با قیمت‌های جهانی ارزان هم هست!

گمرک باعث کمبود عرضه و افزایش قیمت‌ها شد. داود لپه‌چی رئیس انجمن حبوبات ایران نیز درباره مشکلات تولید و تأمین حبوبات گفته «در سال گذشته حدود ۷۰۰ هزار تن تولید داشتیم که نسبت به سال قبل از آن کاهش نشان می‌دهد. سرانه مصرف حبوبات در کشور حدود ۱۰ کیلوگرم است، در حالی که میانگین جهانی بین ۱۳ تا ۱۴ کیلوگرم است؛ بنابراین ما حدود سه تا چهار کیلوگرم از میانگین جهانی عقب هستیم و باید برای افزایش مصرف داخلی برنامه‌ریزی کنیم.»

رئیس انجمن حبوبات ایران افزوده «یکی از دغدغه‌های دولت و انجمن باید این باشد که سرانه مصرف حبوبات به سطح جهانی نزدیک شود. با این حال، حمایت از تولیدکننده نباید منجر به افزایش قیمت برای مصرف‌کننده نهایی شود؛ در شرایط فعلی اولویت ما باید تأمین کالا برای مردم باشد، چه از مسیر تولید داخلی و چه از مسیر واردات.»

داود لپه‌چی تأکید کرده که «حدود ۳۰ درصد نیاز کشور به حبوبات از طریق واردات تأمین می‌شود. تأخیر پنج تا شش‌ماهه در روند واردات باعث شده که کسری واردات نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۲۰ درصد افزایش یابد و احتمالاً در ماه‌های آینده بیشتر هم خواهد شد.»

در آنسو تولیدکنندگان در داخل کشور نیز با افزایش شدید تولید از جمله هزینه کود و بذر و کارگر و حمل‌ونقل روبرو شدند و همچنین بحران کمبود انرژی و آب و جیره‌بندی برق و آب در بخش کشاورزی، و خروج برخی از کشاورزان تولیدکننده حبوبات از بخش کشاورزی به علت به صرفه نبودن تولید، همگی سبب کاهش تولید در داخل شده است.

افزایش قیمت حبوبات در حالیست که طی سال‌های گذشته بسیاری از خانوارهای کم درآمد به علت افزایش قیمت مرغ و گوشت، حبوبات را جایگزین پروتئین حیوانی کرده بودند. اکنون با افزایش قیمت حبوبات این مواد غذایی نیز از سفره خانوارهای کم‌درآمد حذف شده است.

بحران در تولید مواد غذایی و عدم تخصیص ارز برای واردات کالا و مواد اولیه، قیمت دیگر کالاهای خوراکی را نیز با افزایش قابل توجهی روبرو کرده است.

مخالفت سازمان برنامه و بودجه با سیاست ارزی وزیر اقتصاد



بسیاری از کارشناسان معتقدند در شرایط فعلی ایران تک‌نرخ‌سازی بیش از آنکه یک سیاست واقعی و عملی باشد، بیشتر به شعار سیاسی شبیه است. زیرا نه ذخایر ارزی کافی در اختیار است، نه اصلاحات نهادی جدی صورت گرفته و نه اعتماد عمومی به سیاست‌گذاران در سطحی قرار دارد که بتواند بار چنین سیاستی را تحمل کند.

روزنامه «جهان صنعت» نیز با اشاره به سخنان علی مدنی‌زاده نسبت به اجرای سیاست تک‌نرخ‌سازی در زمان نامناسب هشدار داده و نوشته «از نگاه سیاست‌گذاری تک‌نرخ‌سازی در این زمان به معنای کاهش مداخلات دستوری و بازگرداندن نرخ ارز به مکانیسم بازار است. در چنین شرایطی، دولت به جای آنکه با تخصیص‌های اداری و تصمیمات مقطعی بازار را هدایت کند، بیشتر نقش ناظر و تنظیم‌گر را ایفا می‌کند. این تغییر رویکرد می‌تواند هزینه‌های مبادلاتی را کاهش دهد، شفافیت را افزایش دهد و اعتماد فعالان اقتصادی را بالا ببرد. با این حال اجرای موفق چنین سیاستی نیازمند مجموعه‌ای از پیش‌شرط‌هاست که تحقق آن‌ها در اقتصاد ایران بسیار دشوار بوده است.»

«جهان صنعت» تأکید کرده «نخستین پیش‌شرط وجود ذخایر ارزی کافی است. دولت باید بتواند در مواقع بروز شوک‌های اقتصادی، از طریق مداخله در بازار ارز واحد، ثبات را حفظ کند. بدون این پشتوانه هرگونه تک‌نرخ‌سازی به سرعت با سفته‌بازی و افزایش نوسانات از هم می‌پاشد.» در ادامه آمده «دومین شرط اصلاحات ساختاری در نظام بودجه‌ای و بانکی است. کسری بودجه مزمن دولت، فشار دائمی بر منابع ارزی وارد می‌کند و نظام بانکی ناکارآمد نیز توان مدیریت شوک‌های ارزی را ندارد. سومین شرط مدیریت انتظارات بازار است. اگر فعالان اقتصادی مطمئن نباشند که دولت توانایی و اراده لازم برای پایداری نرخ واحد را دارد، به سرعت به سمت بازار آزاد و رفتارهای سفته‌بازانه متمایل می‌شوند.»

جاری گفته بود لایحه اصلاحی بودجه ۱۴۰۴ برای مجلس ارسال می‌شود و دولت با علم به «هزینه‌های سیاسی» به سوی کاهش بخشی از هزینه‌ها و تک‌نرخ‌سازی اقدام می‌رود تا بازار ثبات پیدا کرده و از جهش‌های ناگهانی جلوگیری شود.

وزیر اقتصاد تأکید کرده بود که «ما تلاش می‌کنیم تغییراتی به وجود بیاوریم که به سمت تک‌نرخ‌سازی شدن ارز حرکت کنیم که واقعاً بازار ارز یک نرخ داشته باشد و بانک مرکزی بتواند آن نرخ را در قانون خودش که سیاست‌های شناور مدیریت شده است، مدیریت و کنترل کند تا افزایش نرخ ارز به صورت جهشی نداشته باشیم و اقتصاد بتواند ثبات داشته باشد.»

مدنی‌زاده در حالی بر اجرای تک‌نرخ‌سازی در ارز اصرار دارد که اجرای همین سیاست از سوی عبدالناصر همتی وزیر پیشین اقتصاد دولت پزشکیان سبب سرعت افزایش قیمت ارز در کشور شد و البته به رفقای دولت در مجلس شورای اسلامی بهانه کافی برای کشاندن همتی به جلسه استیضاح و عزل او در اسفندماه گذشته را داد.

آذرماه گذشته که عبدالناصر همتی با توقف فعالیت بازار ارز نیما، بازار ارز تجاری را دایر کرد که قیمت‌ها در آن پیرو قیمت‌ها در بازار آزاد ارز بودند. واردکنندگان باید ارز مورد نیاز خود را که پیشتر از بازار نیما تهیه می‌کردند، اکنون ارز مورد نیاز را از بازار ارز تجاری تهیه می‌کردند که قیمت‌ها در آن طی یک بازه دو ماهه با ۵۰ درصد افزایش روبرو شد!

اگر چه کارشناسان اقتصادی ارز تک‌نرخ‌سازی را راهی برای افزایش شفافیت در اقتصاد کشور ارزیابی می‌کنند اما اجرایی شدن آن در شرایطی که رکود تورمی اقتصاد را در بر گرفته و دولت نیز با کاهش شدید درآمدهای ارزی و کسری بودجه روبروست، آسیب‌زا ارزیابی کرده و زیان اجرای این طرح در حال حاضر را بیش از سود آن ارزیابی می‌کنند!

● سازمان برنامه و بودجه در نامه‌ای رسمی به دولت اعلام کرده «در شرایط فعلی بازار و وضعیت اقتصادی، اجرای چنین طرحی [تک‌نرخ‌سازی] می‌تواند تبعات سنگین معیشتی و تورمی ایجاد کند و زمان‌بندی آن به هیچ وجه مناسب نیست.»

● سازمان برنامه و بودجه هشدار داده آزادسازی نرخ ارز و حذف نظام فعلی تخصیص، بدون ایجاد زیرساخت‌های نظارتی، منجر به جهش قیمت کالاهای اساسی، فشار شدید بر اقشار کم‌درآمد و حتی انحراف صادرات خواهد شد.

● تک‌نرخ‌سازی در ارز از مهمترین سیاست‌های وزارت اقتصاد دولت مسعود پزشکیان بود که در پاییز و زمستان گذشته از سوی عبدالناصر همتی وزیر قبلی اقتصاد پیگیری شد. پس از عزل عبدالناصر همتی توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انتخاب علی مدنی‌زاده به عنوان وزیر اقتصاد، او نیز تک‌نرخ‌سازی در ارز را مهمترین سیاست خود در این وزارتخانه اعلام کرده بود.

طرح «ارز تک‌نرخ‌سازی» یکی از مهمترین سیاست‌های علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان، با مخالفت سازمان برنامه و بودجه روبرو شد.

تک‌نرخ‌سازی در ارز از مهمترین سیاست‌های وزارت اقتصاد دولت مسعود پزشکیان بود که در پاییز و زمستان گذشته از سوی عبدالناصر همتی وزیر قبلی اقتصاد پیگیری می‌شد. پس از عزل عبدالناصر همتی توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انتخاب علی مدنی‌زاده به عنوان وزیر اقتصاد، او نیز تک‌نرخ‌سازی در ارز را مهمترین سیاست خود در این وزارتخانه اعلام کرده بود.

اکنون سازمان برنامه و بودجه در نامه‌ای رسمی به دولت اعلام کرده «در شرایط فعلی بازار و وضعیت اقتصادی، اجرای چنین طرحی می‌تواند تبعات سنگین معیشتی و تورمی ایجاد کند و زمان‌بندی آن به هیچ‌وجه مناسب نیست.»

در متن این پاسخ آمده است که آزادسازی نرخ ارز و حذف نظام فعلی تخصیص، بدون ایجاد زیرساخت‌های نظارتی، منجر به جهش قیمت کالاهای اساسی، فشار شدید بر اقشار کم‌درآمد و حتی انحراف صادرات خواهد شد.

سازمان برنامه و بودجه تأکید کرده که «حفظ برخی مداخلات کنترلی و نرخ‌های ترجیحی محدود، در حال حاضر برای تأمین کالاهای حیاتی کشور ضروری است.»

نامه سازمان برنامه و بودجه در پاسخ به ابراهیم سوزنچی، از مشاوران علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد، صادر شده است. ابراهیم سوزنچی با ارسال نامه‌ای رسمی به ریاست جمهوری، خواستار حذف کامل ارز ترجیحی، جایگزینی مکانیسم عرضه و تقاضا در تعیین نرخ ارز و اصلاح ساختارهای ارزی کشور شده بود.

مشاور وزیر اقتصاد اعلام کرده این پیشنهاد با هدف ظاهری «تقویت پول ملی» و «افزایش بنیه ارزی» ارائه شد. بر اساس گزارش‌ها دفتر مسعود پزشکیان پس از دریافت این پیشنهاد، آن را برای بررسی کارشناسی به سازمان برنامه و بودجه ارجاع داد و البته این سازمان هم با این پیشنهاد مخالفت و نسبت به پیامدهای تک‌نرخ‌سازی در ارز هشدار داده است.

علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان امداد امسال با اشاره به کسری بودجه ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی در سال

بازگشت تحریم‌های فولاد ایران از سوی اتحادیه اروپا



● تحریم‌های جدید شامل ممنوعیت کامل فروش، تأمین، انتقال یا صادرات گرافیت، همچنین فلزات خام و محصولات نیمه‌ساخته، به ویژه آلومینیوم و محصولات فولاد، به شرکت‌های ایرانی یا برای استفاده در ایران است. واردات این مواد از ایران به اتحادیه اروپا نیز ممنوع شده است.

● دامنه محدودیت‌های تحریمی مانند دیگر تحریم‌های سازمان ملل، فراتر از تجارت فیزیکی است بطوری که این تحریم‌ها شامل تأمین مالی، بیمه، خدمات کارگزاری و کمک‌های فنی مرتبط با فولاد و سایر محصولات فلزی می‌شود.

● بر اساس این تحریم‌ها، قراردادهایی که قبل از ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵ امضا شده‌اند ممکن است امکان ادامه پیدا کنند؛ البته در صورتی که موعد تحویل کالا تا اول ژانویه ۲۰۲۶ باشد و پس از این تاریخ، تمامی تحویل‌ها متوقف خواهد شد.

● در ۹ ماه نخست سال ۱۴۰۳، ایران ۲۱/۶ میلیون تن فولاد به ارزش ۵/۵ میلیارد دلار صادر کرد که نسبت به سال پیشتر، افزایش ۷۳ درصدی در حجم صادرات و ۱۹ درصدی در ارزش صادرات را نشان می‌دهد. ایتالیا، بلژیک و اسپانیا در اتحادیه اروپا جزو مهمترین واردکنندگان محصولات فولاد از ایران به شمار می‌روند.

تن محصول شامل گرم، سرد، گالوانیزه و تختال به بازارهای جهانی صادر شد که رشدی ۱۲۰ درصدی نسبت به سال گذشته را نشان می‌دهد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» از استان هرمزگان نیز گزارش داده که در شرایطی که محدودیت‌های برق، چالشی جدی برای صنعت فولاد کشور ایجاد کرده و بسیاری از واحدهای تولیدی با کاهش محسوس تولید مواجه شدند، شرکت فولاد هرمزگان توانسته به میزان تولید هدفگذاری شده برای شش ماهه نخست امسال دست پیدا کند.

همچنین صنایع فولاد دارای رشد اقتصادی و ارزآوری قابل توجهی هستند. صنعت فولاد در سال ۱۴۰۳ با رشد ۵/۸ درصدی و رونق صادرات محصولات مانند تیرآهن و میلگرد روبرو شد.

در ۹ ماه نخست سال ۱۴۰۳، ایران ۲۱/۶ میلیون تن فولاد به ارزش ۵/۵ میلیارد دلار صادر کرده است که نسبت به سال پیشتر، افزایش ۷۳ درصدی در حجم صادرات و ۱۹ درصدی در ارزش صادرات را نشان می‌دهد. ایتالیا، بلژیک و اسپانیا در اتحادیه اروپا جزو مهمترین واردکنندگان محصولات فولاد از ایران به شمار می‌روند.

اکنون تحریم صنایع فولاد و دیگر فلزات ایران نه تنها بخش صنایع فلزی بلکه درآمدهای ارزی و رشد اقتصادی ایران را نیز متأثر خواهد کرد.

تحریم‌های اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ نیز شامل بخش مالی و ممنوعیت تجارت نفت، محصولات پتروشیمی و برخی فلزات از جمله فولاد و آلومینیوم بود که جزو سخت‌ترین تحریم‌ها در روابط تجاری این اتحادیه با ایران به شمار می‌رفت. در سال ۲۰۱۵ پس از توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) محدودیت‌ها برداشته شده بود و اکنون با فعال شدن مکانیسم ماشه بار دیگر تحریم‌های پیشین یکی پس از دیگری در حال اجرایی شدن هستند.

تقویت کنند. بنابراین، صادرات آنها به این کشور به عنوان تهدید مستقیم امنیتی محسوب می‌شود.

تحریم صنایع فولاد ایران خسارت قابل توجهی را در پی خواهد داشت. صنایع فلزی، به ویژه فولاد، در سالهای گذشته که نفت ایران تحت تحریم گسترده ایالات متحده قرار داشت سهم قابل توجهی در درآمدزایی داشته است.

بر اساس آمارهای گمرک ایران در ژوئیه ۲۰۲۵ واردات اسلب از ایران به اتحادیه اروپا به ۲۲/۶ هزار تن رسیده است، در حالیکه در سال پیشتر هیچ وارداتی وجود نداشته است. این در حالیست که تحریم‌های جدید در عمل تجارت رسمی محصولات نیمه‌ساخته فولاد بین اروپا و ایران را نیز متوقف خواهد کرد.

از سوی دیگر صنایع فولاد در سال‌های گذشته با گسترش تولید نیز روبرو بوده‌اند؛ آمارها نشان می‌دهد میزان ظرفیت اسمی فولاد میانی در حال حاضر در ایران برابر با ۴۴ میلیون تن در سال است. طی ۱۱ سال اخیر این کشور بطور میانگین حدود ۷۰ درصد از ظرفیت اسمی خود را تولید کرده که در سال ۱۴۰۲ این عدد به ۷۲ درصد رسیده است.

براساس آمارهای Wordsteel ایران در سال ۲۰۲۳ با حدود ۱۲ میلیون تن صادرات به عنوان یازدهمین صادرکننده بزرگ دنیا شناخته شده است.

همچنین عملکرد کارخانه فولاد مبارکه اصفهان، به عنوان یکی از اصلی‌ترین کارخانه‌های تولید فولاد در ایران، نشان می‌دهد این کارخانه در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴ با وجود رکود بازار داخلی، محدودیت‌های انرژی و نوسانات قیمت جهانی فولاد، توانسته صادرات قابل توجهی داشته باشد.

کارخانه فولاد مبارکه در نیمه نخست سال جاری ۱۵۲ هزار میلیارد تومان درآمدها داشته و همزمان، بیش از ۷۵۰ هزار

با اجرای مکانیسم ماشه از یکشنبه ششم مهرماه و در پی بازگشت یکی پس از دیگری تحریم‌های سازمان ملل، اتحادیه اروپا نیز تحریم‌های صنایع فولاد و دیگر فلزات ایران را بازگردانده است. در سال‌های گذشته و در شرایطی که نفت ایران تحت تحریم ایالات متحده قرار داشت، صادرات محصولات فولاد و دیگر فلزات سهم قابل توجهی از درآمدهای ارزی را به خود اختصاص داده بود.

وبسایت تخصصی «فولاد نیوز» در گزارشی با اشاره به بازگشت تحریم‌های صنایع فولاد و دیگر فلزات از سوی اتحادیه اروپا نوشته این تحریم‌ها از ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵ به اجرا درآمده است.

بر اساس این تحریم‌ها، قراردادهایی که قبل از ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵ امضا شده‌اند ممکن است امکان ادامه پیدا کنند؛ البته در صورتی که موعد تحویل کالا تا اول ژانویه ۲۰۲۶ باشد و پس از این تاریخ، تمامی تحویل‌ها متوقف خواهد شد.

تحریم‌های جدید شامل ممنوعیت کامل فروش، تأمین، انتقال یا صادرات گرافیت، همچنین فلزات خام و محصولات نیمه‌ساخته، به ویژه آلومینیوم و محصولات فولاد، به شرکت‌های ایرانی یا برای استفاده در ایران است. واردات این مواد از ایران به اتحادیه اروپا نیز ممنوع شده است.

دامنه محدودیت‌های تحریمی مانند دیگر تحریم‌های سازمان ملل، فراتر از تجارت فیزیکی است بطوری که این تحریم‌ها شامل تأمین مالی، بیمه، خدمات کارگزاری و کمک‌های فنی مرتبط با فولاد و سایر محصولات فلزی می‌شود.

شورای اروپایی تأکید کرده است که فلزات می‌توانند به توسعه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران کمک و همچنین صنایع تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را

تغییر سبک زندگی به علت گرانی؛ از خرید جهیزیه دست دوم تا حلقه نقره



که در پی کاهش قدرت خرید خانوارها در سبک زندگی ایرانیان ایجاد شده است.

فعالان بازار طلا نیز گزارش می‌دهند بسیاری از زوج‌های جوان به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه‌های حلقه طلا، به ناچار حلقه نقره برای ازدواج خود خریداری می‌کنند.

همچنین گزارش دیگری که به تازگی منتشر شده نشان می‌دهد تقاضا برای برگزاری جشن ازدواج در تالارها به شدت کاهش یافته و بسیاری از تالارها ماه‌هاست هیچ مراسم ازدواجی برگزار نکرده و به مکانی برای برگزاری مراسم ختم تبدیل شده‌اند.

روزنامه «همشهری» گزارش داده تغییر سبک زندگی جوانان و شرایط اقتصادی موجب شده است تا مراسم‌های عروسی به مهمانی‌های خلوت‌تر و کم هزینه‌تر تبدیل شود. بیژن عبداللهمی‌مقدم، رئیس اتحادیه تالارهای پذیرایی با اشاره به کساد بازار تالارهای عروسی گفته «عروسی‌ها نسبت به گذشته خیلی کمتر شده است، اگر بخواهیم در اطراف خود مقایسه کنیم، مشخص است که در دهه ۹۰ چقدر عروسی می‌رفتیم و الان به چه شکل است. مهمترین نکته مسائل اقتصادی است. الان اگر هزار تالار در تهران باشد، فقط ۱۵۰ تا ۲۰۰ تالار به شکل مستمر کار می‌کنند، آنها هم در حد تأمین هزینه‌های جاری کار می‌کنند.»

رئیس اتحادیه تالارهای پذیرایی گفته «الان بیشتر مراسم‌های ما مربوط به ختم است. ۸۰ درصد مراسم‌ها مربوط به ختم و فقط ۲۰ درصد عروسی است. الان میانگین هزینه‌ها ۳۰۰ هزار تومان برای هر نفر است، در زمان قدیم میگفتند که تالار را برای کمتر از ۳۵۰ نفر ندهید اما الان اگر یک تالار ۱۵۰ نفر مهمان داشته باشد، خیلی خوشحال می‌شود.»

اینهمه نشان می‌دهد تورم فزاینده که بیش از یک دهه است اقتصاد ایران را درگیر کرده در کنار فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی، چگونه توانسته بر سبک زندگی و حتی فرهنگ مردم موثر باشد.

گاز را هم که جزو وسیله‌های بسیار مهم محسوب می‌شود، از ما خریدند، چه رسد به تیر و تخته.»

سمسار دیگری در محله جوادیه در پاسخ به اینکه آیا تا به حال زوج جوانی را دیده که برای تهیه وسایل اول زندگی به آنجا سر زده باشند، به «شرق» گفته «چند بار شده که زوج‌ها آمده‌اند و هربار هم یک‌جوری رفتار کردند که ما نفهمیم. من هم خودم را زدم به آن راه که خجالت نکشند. البته خجالت هم ندارد. مردم دزدی‌های بزرگ می‌کنند سرشان هم بالاست، اینکه دیگر ایرادی ندارد.»

به گفته او، تعداد زوج‌های جوان خیلی زیاد نیست اما در گذشته اصلا نبوده و حالا بیشتر به چشم می‌آید: «قدیم‌ها اصلا از این خبرها نبود. حتی خانواده‌های سطح پایین هم با یک پس‌اندازی از پس خرج وسایل عروس و داماد برمی‌آمدند. حالا اما بیشتر شده. هم زوج جوان، هم مثلا پوهو یک عاقله مردی که هم‌سن پدر ماست و مثلا معلم است، می‌آید و برای خونه‌اش از ما گاز دست‌دوم می‌خرد. باور کنید من خودم ناراحت می‌شم.»

در سایت «دیوار» که یکی از بزرگترین وبسایت‌های خرید و فروش کالا و خدمات است نیز بررسی آگهی‌های درج‌شده در کالای خاص «ماشین لباسشویی»، در بازه زمانی سال ۱۴۰۰ تا امروز نشان می‌دهد تعداد آگهی‌های ماشین لباسشویی «در حد نو» در سال ۱۴۰۰، عدد ۳۱ هزار و ۹۸۱ مورد را نشان می‌دهد که این عدد در حدود شش ماه نخست امسال، ۴۵ هزار و ۳۷۸ مورد بوده است.

همچنین آگهی‌های ماشین لباسشویی «کارکرده» در سال ۱۴۰۰ و طبق این جدول، ۲۷ هزار و ۴۹۹ مورد بوده و در سال جاری، ۴۷ هزار و ۸۳۶ مورد را نشان می‌دهد. بر اساس این داده‌ها، مردم سه هزار و ۵۷۸ ماشین لباسشویی «نیازمند تعمیر» در سال ۱۴۰۰ در سایت دیوار ثبت کرده بودند که این عدد برای امسال ۱۰ هزار و ۵۲۲ مورد بوده است.

خرید وسائل دست دوم از سوی زوج‌هایی که در حال چیدن نخستین خانه مشترک هستند یکی از تغییراتی است

● افزایش تقاضا برای خرید لوازم دست دوم به علت گرانی سرسام‌آور قیمت لوازم خانگی نو از سال‌ها پیش گزارش شده بود اما اکنون بازار لوازم خانگی دست دوم با ورود متقاضیان جدیدی روبرو شده است؛ زوج‌های جوانی که در حال سر و سامان دادن به خانه مشترک خود هستند.

● یک سمسار گفته «من مشتری داشتم که زن و شوهر جوان هر دو شاغل بودند و مدرک تحصیلی بالا داشتند، اما در توان‌شان نبوده که لوازم زندگی‌شان را نو بخرند. حتی یخچال و ماشین لباسشویی و گاز را هم که جزو وسیله‌های بسیار مهم محسوب می‌شود، از ما خریدند، چه رسد به تیر و تخته.»

● فعالان بازار طلا نیز گزارش می‌دهند بسیاری از زوج‌های جوان به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه‌های حلقه طلا، به ناچار حلقه نقره برای ازدواج خود خریداری می‌کنند.

● تقاضا برای برگزاری جشن ازدواج در تالارها به شدت کاهش یافته و بسیاری از تالارها ماه‌هاست هیچ مراسم ازدواجی برگزار نکرده و به مکانی برای برگزاری مراسم ختم تبدیل شده‌اند.

افزایش تورم و گرانی کالاها و خدمات، سبک زندگی الگوی غذایی تا حتی آداب و رسوم را دستخوش تغییرات کرده است. یکی از تغییرات در هزینه‌هایی است که زوج‌های جوان برای ازدواج و آغاز زندگی مشترک دارند. عدم برگزاری مراسم در سالن‌ها و تالارها، خرید حلقه نقره بجای حلقه طلا و تهیه وسایل دست دوم به جای جهیزیه نو از جمله این تغییرات هستند که به علت کاهش قدرت خرید شهروندان گسترش یافته است.

افزایش تقاضا برای خرید لوازم دست دوم به علت گرانی سرسام‌آور قیمت لوازم خانگی نو از سال‌ها پیش گزارش شده بود اما اکنون بازار لوازم خانگی دست دوم با ورود متقاضیان جدیدی روبرو شده است؛ زوج‌های جوانی که در حال سر و سامان دادن به خانه مشترک خود هستند.

در همین رابطه روزنامه «شرق» گزارش داده در روزهایی که فشارهای اقتصادی سنگینی بر زندگی مردم سایه افکنده، بازار کالاهای دست‌دوم به یک گزینه محبوب و پرطرفدار تبدیل شده است. آنچه زمانی شاید تنها به عنوان راهکاری موقت و جایگزین دیده می‌شد، امروز به یک روند پایدار و گسترده تبدیل شده است؛ به ویژه در میان تازه‌عروس و دامادها که برای شروع زندگی مشترک خود با محدودیت‌های مالی جدی روبرو هستند.

تیمور فروشنده یک سمساری در محله یوسف آباد تهران به «شرق» گفته «قبلا سابقه نداشت عروس و داماد جنس دست‌دوم بخرند. حتی من خاطریم هست که خانواده‌های کم‌پضاعتی که توان مالی مناسبی نداشتند، همسایه‌ها و دوست و آشنا جمع می‌شدند و با جمع‌آوری مبالغی برای آن زوج لوازم اولیه شروع زندگی را تهیه می‌کردند. الان اما بیشتر مردم دست‌شان تنگ است و قیمت‌ها هم که سر به فلک می‌کشد. در نتیجه چنین کارهایی شدنی نیست. الان من مشتری داشتم که زن و شوهر جوان هر دو شاغل بودند و مدرک تحصیلی بالا داشتند، اما در توان‌شان نبوده که لوازم زندگی‌شان را نو بخرند. حتی یخچال و ماشین لباسشویی و

بحران کمبود آب و خشکی تالابها و دریاچه‌ها؛ راهکارهای دولت غیرکارشناسی و ناکارآمد است!



● ۹ تالاب معروف ایران شامل تالاب‌های بامدژ، حوض سلطان، دریاچه نمک، شیمبار، بختگان، گاوخونی، مهارلو، میانگران و هامون از جمله تالاب‌هایی هستند که در پایان سال آبی گذشته خشک شدند.

● اگرچه مقامات دولتی تلاش دارند وضعیت بحرانی ذخایر آبی را به کاهش بارندگی‌ها و افزایش دمای هوا ارتباط دهند اما کارشناسان تأکید دارند شرایط کنونی بیش از هر چیز به سوء مدیریت منابع آبی و الگوی نادرست کشاورزی برداشت بی‌رویه از ذخایر آب زیرزمینی باز می‌گردد.

● به عقیده کارشناسان کاهش شدید ذخیره آب سدها نه تنها بر تامین آب آشامیدنی مردم اثر می‌گذارد، بلکه زنجیره‌ای از پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی را هم به دنبال دارد. نخستین پیامد، افزایش محدودیت‌های آبی برای خانوارها و صنایع است.

با تداوم بحران کمبود آب، تالابها و دریاچه‌ها و سدهای ایران یکی پس از دیگری خشک می‌شوند. در تازه‌ترین خبرها ۹ تالاب دیگر به فهرست تالاب‌های خشک شده در سال ۱۴۰۴ افزوده شده و وضعیت ذخایر آبی در سدهای استان تهران بحرانی اعلام شده است.

آخرین آمارها از وضعیت تالابها و دریاچه‌های کشور نشان می‌دهد ۹ تالاب معروف ایران شامل تالاب‌های بامدژ، حوض سلطان، دریاچه نمک، شیمبار، بختگان، گاوخونی، مهارلو، میانگران و هامون از جمله تالاب‌هایی هستند که در پایان سال آبی گذشته خشک شدند. وضعیت دریاچه ارومیه هم همچنان بحرانی است بطوری که این دریاچه که زمانی ۳۲ میلیارد مترمکعب آب در خود جای داده بود، حالا تنها به دشت‌های نمکی بدل شده و ۹۹ درصد مساحت آن خشکیده است. سدهای کشور نیز با کاهش شدید ذخایر آب روبرو هستند بطوری که حجم آب سد امیرکبیر ۱۵ درصد، لتیان ۲۵ درصد، لار ۲ درصد، طالقان ۴۱ درصد است.

همچنین حجم مرده مخزن سد ماملو ۲۸ میلیون مترمکعب از آب کف مخزن را شامل می‌شود و در حال حاضر که ذخیره آبی این سد تنها ۱۹ میلیون مترمکعب است، این سد رسماً از مدار بهره‌برداری خارج شده است.

میانگین آمار ذخایر سد ماملو که یکی از پنج سد اصلی تأمین آب تهران است در شروع پاییز هر سال در آمار درازمدت ۱۰۲ میلیون مترمکعب بوده و اکنون با کاهش ۸۱ درصدی ذخایر آب روبرو شده است.

اگرچه مقامات دولتی تلاش دارند وضعیت بحرانی ذخایر آبی را به کاهش بارندگی‌ها و افزایش دمای هوا ارتباط دهند اما کارشناسان تأکید دارند شرایط کنونی بیش از هر چیز به سوء مدیریت منابع آبی و الگوی نادرست کشاورزی برداشت بی‌رویه از ذخایر آب زیرزمینی باز می‌گردد.

روزنامه «پیام ما» در مطلبی با اشاره به عواملی که باعث خشکی یکی پس از دیگری تالابها و دریاچه‌ها می‌شود نوشته ساختار سنتی و نسبتاً ایستای سازمان حفاظت محیط زیست است که به یکی از موانع جدی در مسیر بازسازی تالابها و دریاچه‌ها تبدیل شده است.

در این مطلب آمده سازمان حفاظت محیط زیست در ابتدا با عنوان «سازمان شکاربانی» تأسیس شد و تمرکزش بر حفاظت فیزیکی از گونه‌ها و زیستگاه‌ها، به‌ویژه در

مناطق تحت حفاظت، بود. هر چند این رویکرد در زمان خود ضروری به نظر می‌رسید، اما استمرار و عدم بازآفرینی آن تا به امروز باعث شده است سازمان نتواند نقش مؤثری در سیاستگذاری‌های کلان توسعه ایفا کند. در شرایط کنونی، بازسازی اکوسیستم‌های تالابی صرفاً یک وظیفه حفاظتی نیست، بلکه نیازمند ورود فعال به فرایندهای توسعه، بهره‌برداری، حکمرانی و تصمیم‌گیری‌های فراجنسی است. در بخش دیگری از مطلب روزنامه «پیام ما» آمده کم‌توجهی به توانمندسازی نیروی انسانی و جذب متخصصان مسلط به چارچوب‌های توسعه پایدار است. بسیاری از کارشناسان و مدیران سازمان دارای پیشینه‌ای در حوزه‌های بوم‌شناسی و حفاظت طبیعت هستند؛ پیشینه‌ای که بی‌تردید ضروری است، اما برای مواجهه با چالش‌های چندلایه‌ای مانند تعارض منافع بین‌بخشی، سیاستگذاری‌های بخشی و الزامات توسعه‌ای کشور، کافی نیست.

«ضعف نهادی سازمان در زمینه تعیین و صیانت از حقایق تالابها» نیز از دیگر عوامل از بین رفتن تالاب‌های کشور عنوان و تأکید شده مکانیسم‌های پایش و نظارت بر تخصیص حقایقها نیز ناکافی است. درحالی‌که وزارت نیرو ممکن است در بالادست رهاسازی آب را به‌عنوان تأمین حقایق معرفی کند، تا رسیدن آب به بستر تالاب بخشی از آن در مسیر به مصارف دیگر اختصاص می‌یابد. اتکای صرف به تصاویر ماهواره‌ای یا ابزارهای ساده برای نظارت، هم کفایت لازم را ندارد.

از سوی دیگر کارشناسان درباره بحران تأمین آب در استان تهران با توجه به کاهش شدید منابع آب ذخیره پست سدهای استان هشدار می‌دهند. به عقیده کارشناسان کاهش شدید ذخیره آب سدها نه تنها بر تامین آب آشامیدنی مردم اثر می‌گذارد، بلکه زنجیره‌ای از پیامدهای اجتماعی و محیط زیستی را هم به دنبال دارد. نخستین پیامد، افزایش محدودیت‌های آبی برای خانوارها و صنایع است. کاهش فشار آب، قطعی‌های مقطعی و اعمال سیاست‌های سهمیه‌بندی می‌تواند بخشی از

برنامه‌های اضطراری مدیریت بحران باشد. در حالیکه مقامات دولت پزشکیان به انتقال آب استان‌های مجاور به تهران به عنوان راهکار حل بحران کمبود آب این استان اصرار دارند، کارشناسان معتقدند وابستگی تهران به انتقال آب از استان‌های مجاور، فشارهای اجتماعی و حتی تنش‌های منطقه‌ای را تشدید خواهد کرد. در کنار آن، تخلیه سدها به زیست‌بوم رودخانه‌های پایین‌دست آسیب جدی وارد می‌کند و احتمال فرونشست زمین در دشت‌های اطراف تهران را افزایش می‌دهد. بطور کلی راهکارهای مقامات دولتی برای مدیریت بحران آب و نابودی محیط زیست کارآمد و کارشناسی نیست و بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد و در بسیاری موارد اگر وارد فاز اجرایی شود خسارت‌بار هستند.

برای نمونه عیسی بزرگزاده سخنگوی آب کشور به تازگی از صرفه‌جویی ۴۷۵ میلیون مترمکعبی برای احیای دریاچه ارومیه سخن گفته است. کارشناسان معتقدند با این ارقام حتی نمی‌توان کف دریاچه‌ای را که زمانی ۳۲ میلیارد مترمکعب آب داشته نیز مرطوب کرد!

خرگرز «تسنیم» در گزارشی با اشاره به ادعای عیسی بزرگزاده نوشته بر اساس مطالعات، نیاز محیط زیستی سالانه دریاچه ارومیه دست‌کم ۳ میلیارد مترمکعب است؛ یعنی شش برابر رقمی که بزرگزاده به آن اشاره کرده است. به بیان دیگر، حتی اگر همه اصلاحات پیشنهادی در کشاورزی اجرا شود، تنها کسری از نیاز واقعی دریاچه جبران خواهد شد. این در حالی است که در اوج تاریخی خود در سال ۱۳۷۰، دریاچه بیش از ۳۲ میلیارد مترمکعب آب داشت و برای بازگشت به آن شرایط، دیگر عملاً هیچ امکانی وجود ندارد.

واقعیت این است که صرفه‌جویی ۴۷۵ میلیون مترمکعبی می‌تواند شروعی مثبت باشد، اما به‌تنهایی درمانی برای دریاچه نیست. در کنار اصلاح کشاورزی، باید هر ساله حداقل حقایق محیط زیستی ۳ میلیارد مترمکعب به دریاچه تخصیص یابد تا روند مرگ تدریجی آن متوقف شود!

سقوط ۲۶۱ درصدی ارزش دستمزد کارگران در کمتر از یک دهه

درجاتی رسیده‌ایم که زندگی برایمان فقط تأمین معاش است و دیگر هیچ!» و افزوده «بخشی از این تنزل ناخواسته به افت منزلت و شان معنوی کارگران و مزدبگیران برمی‌گردد؛ او می‌گوید: وقتی کارگر «مجبور» به هر کاری می‌شود تا کرایه خانه بدهد، شان و منزلتی ندارد، وقتی تغذیه مناسب نیست، آموزش و پرورش طبقاتی‌ست و فرزندان ما آینده‌ای ندارند.»

این فعال کارگری با بیان اینکه «رکورد زدن قیمت دلار یعنی مزدبگیران به سمت فقر می‌روند و ثروتمندان و دلان و رانتخوران ثروتمندتر می‌شوند و این شکاف مدام عمیق‌تر می‌شود» گفته «شکاف عمیق هزینه‌های زندگی و مزد و حقوق دریافتی، با یارانه نهایت ۳ دلاری دولت و کالابری چند صد هزار تومانی اصلاً پر نمی‌شود؛ خبری از ترمیم

آمریکا بوده است؛ اگر مزایای مزدی را به این رقم بیفزاییم و دلار ۳ هزار تومانی آن روزگاران نه چندان دور را در نظر بگیریم، دریافتی حداقلی کارگران به ۳۰۰ دلار و یا کمی بیشتر می‌رسد.

با اینهمه طی سال‌های گذشته با وجود افزایش رقم دستمزد اما ارزش واقعی آن با کاهش روبرو بوده بطوری که حداقل دستمزد کارگران بدون احتساب مزایای جانبی در سال جاری، فقط ۹۱ دلار است که اگر مزایای مزدی همه شمول را به آن بیفزاییم، شاید به حدود ۱۱۰ دلار برسد.

خرگزاری «ایلنا» تأکید کرده که دستمزد واقعی سال جاری فقط ۳۸۰/۰ دستمزدی‌ست که کارگران در سال ۹۵ دریافت می‌کردند. ارزش واقعی حداقل دستمزد کارگران (نه دستمزد اسمی و ریالی) در یک بازه زمانی ۹ ساله، ۲۶۱ درصد سقوط

پایه دستمزد ۲۳۸ دلاری سال ۹۵ در طول یک بازه زمانی ۹ ساله، به ۹۱ دلار رسیده؛ به عبارتی، دستمزد واقعی سال جاری فقط ۳۸۰/۰ دستمزدی است که کارگران در سال ۹۵ دریافت می‌کردند!

افزایش تورم نیز در همین فاصله سبب شده که هزینه زندگی خانوارها از جمله اقشار کارگری و بازنشسته با افزایش قابل توجهی روبرو شود.

آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ به بعد و در ۶۱ ماه گذشته با تورم بالای ۳۰ درصد روبرو بوده است.

فرامرز توفیقی فعال کارگری در محاسباتی نشان داده درصد پوشش حداقل دستمزد یک خانواده متوسط ۳/۳ نفره که رقم ۱۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است به ۴۳/۱۲



مزد هم نیست و شورای عالی کار به عنوان یک نهاد متولی دستمزد، کاملاً به خواب رفته است.»

افزایش فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی سبب شده کارگران چند شغله شوند و بازنشستگان نیز با وجود سن بالا ناچار شوند دوباره کار کنند تا شاید بتوانند هزینه‌های ضروری زندگی را پوشش دهند.

در همین رابطه سمیه گلپور، رئیس کانون عالی انجمن های صنفی کارگری کشور از چند شغله بودن بیش از ۶۰ درصد از کارگران در کشور خبر داده و گفته «کارگران برای تأمین مایحتاج روزانه خود مجبور به پذیرش شغل‌های غیررسمی و کم‌درآمد شوند. در چنین شرایطی، زندگی کارگران به شکل سخت و پر فشار ادامه پیدا می‌کند و این وضعیت ناشی از کاهش قدرت خرید و پایین بودن دستمزدها نسبت به تورم واقعی است.»

او تأکید کرده «کارگرانی که حتی با دریافت حداقل دستمزد رسمی روزگار می‌گذرانند، به دلیل هزینه‌های بالای مسکن، درمان، تحصیل و خوراک، ناچار به پذیرش شغل دوم یا سوم شده‌اند.»

کرده است! دریافتی کارگران متوسط‌بگیر و متخصص نیز در همین حدود دچار تنزل شده و قدرت واقعی خود را از دست داده است.

افزایش تورم نیز در همین فاصله سبب شده که هزینه زندگی خانوارها از جمله اقشار کارگری و بازنشسته با افزایش قابل توجهی روبرو شود.

آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ به بعد و در ۶۱ ماه گذشته با تورم بالای ۳۰ درصد روبرو بوده است. رئیس کل بانک مرکزی دو سال پیش هدف‌گذاری تورم زیر ۲۰ درصد را مطرح کرده بود اما ماه‌هاست تورم به بالای ۴۰ درصد رسیده است.

در همین حال فرامرز توفیقی، فعال کارگری، در محاسباتی نشان داده درصد پوشش حداقل دستمزد یک خانواده متوسط ۳/۳ نفره که رقم ۱۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است به ۴۳/۱۲ درصد هزینه‌های حداقلی زندگی رسیده و فقط ۳/۳ نفره که رقم ۱۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است

مخارج ساده و حداقلی ۵ تا ۶ روز ماه را کفاف می‌دهد. بهرام حسینی نژاد فعال کارگری در توضیح شرایط معیشتی کارگران و دیگر حداقل‌بگیران گفته «ما مزدبگیران به

درصد هزینه‌های حداقلی زندگی رسیده و فقط مخارج ساده و حداقلی ۵ تا ۶ روز ماه را کفاف می‌دهد.

افزایش فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی سبب شده کارگران چند شغله شوند و بازنشستگان نیز با وجود سن بالا ناچار شوند دوباره کار کنند تا شاید بتوانند هزینه‌های ضروری زندگی را پوشش دهند.

خرگزاری «ایلنا» در محاسباتی نشان داده که پایه دستمزد ۲۳۸ دلاری سال ۹۵ در طول یک بازه زمانی ۹ ساله، به ۹۱ دلار رسیده؛ به عبارتی، دستمزد واقعی سال جاری فقط ۳۸۰/۰ دستمزدی است که کارگران در سال ۹۵ دریافت می‌کردند!

خرگزاری «ایلنا» در گزارش خود آورده که قیمت دلار در فروردین ۹۵، یعنی کمتر از ده سال پیش در بازار آزاد، حدود ۳ هزار و ۴۰۰ تومان بوده است؛ در همان سال حداقل دستمزد ماهانه کارگر (بدون مزایایی مانند حق سنوات و حق اولاد و بن خواربار) بر اثر تصویب شورای عالی کار، ۸۱۲ هزار تومان بوده است. بنابراین در فروردین ۹۵، حداقل دستمزد کارگری بدون احتساب مزایای مزدی، ۲۳۸ دلار

افزایش آمار بزه و جرم با ریشه‌های اقتصادی و مالی



● خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده در طرح اخیر پلیس آگاهی پایتخت برای جمع‌آوری سارقان، چهره‌هایی کم‌سن و سال، حتی ۱۸ ساله، در جمع متهمان به چشم می‌خورند.

● بهزاد رضوی فرد عضو هیئت علمی و مدیر گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه «علامه» معتقد است «مهم‌ترین عامل، مسائل اقتصادی است که معمولا در بستر از هم‌گسیختگی خانوادگی شکل می‌گیرد.»

آمارهای جرم و بزهکاری در ایران با افزایش قابل توجهی روبرو شده و بخش حوادث خبرگزاری‌ها هر روز گزارش‌هایی از قتل و زورگیری و سرقت در نقاط مختلف کشور را منتشر می‌کنند. کارشناسان تشدید بحران‌های اقتصادی و معیشتی را علت اصلی افزایش بزهکاری‌ها و جنایات در کشور می‌دانند. خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده در طرح اخیر پلیس آگاهی پایتخت برای جمع‌آوری سارقان، چهره‌هایی کم‌سن و سال، بعضاً ۱۸ ساله، در جمع متهمان به چشم می‌خورند. بررسی میدانی این خبرگزاری نشان می‌دهد که اغلب دستگیرشدگان مسیری مشابه را طی کرده‌اند؛ ترک تحصیل در سال‌های ابتدایی دبستان، زندگی در خانواده‌های گرفتار مشکلات مالی، رشد در محله‌هایی که سرقت در آن قبح چندانی ندارد و دوستی‌هایی که بیش از همراهی، به بیراهه می‌کشاند.

یکی از این جوانان بازداشت شده که تنها ۱۸ سال داشته به خبرگزاری «ایلنا» گفته که برای نخستین بار دست به سرقت گوشی زده و سابقه بازداشت نداشته است. تحصیلاتش تنها تا کلاس دوم دبستان ادامه داشت و پس از آن، درس را برای همیشه کنار گذاشت. این سارق علت سرقت خود را مشکل مالی بیان کرد.

خبرگزاری «ایلنا» نوشته کودکانی که مدرسه را زود رها می‌کنند، در سایه فقر و محله‌های پرآسب بزرگ می‌شوند، به جمع دوستانی با رفتارهای پرخطر می‌پیوندند و سرانجام در نخستین تجربه بازداشت و با عنوان «سارق» معرفی می‌شوند. بهزاد رضوی فرد عضو هیئت علمی و مدیر گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه «علامه» درباره عوامل موثر در بروز سرقت میان نوجوانان، گفته «مهم‌ترین عامل، مسائل اقتصادی است که معمولا در بستر از هم‌گسیختگی خانوادگی شکل می‌گیرد.»

این استان دانشگاه معتقد است از منظر جرم‌شناسی، ترک تحصیل یکی دیگر از علل و زمینه‌های وقوع سرقت یا سایر رفتارهای خلافکارانه است. از منظر جامعه‌شناسی جنایی نیز، ترک تحصیل باعث می‌شود که فرایند و مدل ارتباطات کودکان زیر ۱۸ سال متحول شود و به سمت یک مدل لجام‌گسیخته، آزاد و بدون کنترل هدایت شود. دلیل این امر آن است که نقش مدرسه و نقش محیط آموزشی در نوعی کنترل و نظارت بر کودکان و نوجوانان به اثبات رسیده است. بهزاد رضوی افزوده میان احساس محرومیت اقتصادی و اجتماعی و ارتکاب به جرم و بزه نیز ارتباط مستقیمی برقرار است و «از منظر جرم‌شناسی اقتصادی بحث می‌شود که فقر و محرومیت اجتماعی تا چه میزان به ارتکاب بزهکاری در گروه‌های سنی مختلف منجر می‌شود. طبق مباحثی که جرم‌شناسان مطرح می‌کنند، قطعاً فقر و محرومیت اجتماعی می‌تواند یکی از علل مهم و اساسی ارتکاب سرقت باشد.»

با اینهمه سرقت‌های خرد و افزایش شمار نوجوانان سارق تنها نمود از افزایش جرائم با ریشه‌های اقتصادی نیست. آمار

تکانه‌ندهای نشان می‌دهد ۲۴ قتل خانوادگی در ۵۳ روز در ایران رخ داده که در بسیاری آنها انگیزه‌های مالی نقش مهم داشته است.

برای نمونه چهارم امرداد ۱۴۰۴ در منطقه چیتگر تهران، جسد مادر جوان و دختر ۱۳ ساله‌اش به دلیل اصابت گلوله به سر کشف شد. ابتدا پدر خانواده مدعی شد هنگام بازگشت به خانه با صحنه مواجه شده اما بررسی‌ها و تناقض‌های گفته‌های او، بازداشتش را در پی داشت و او در نهایت به قتل همسر و دخترش اعتراف کرد. قاتل پس از ارتکاب جرم سلاح را مخفی و طلاها را نیز جا به جا کرده و تلاش کرده صحنه‌سازی کند اما شواهد و اظهارات همسایه‌ها و پلیس مسیر تحقیقات را به سمت او هدایت کرد.

متهم در شرح انگیزه گفت چند سال بیکار بوده و این واقعیت را از همسرش پنهان کرده بود؛ او از دست رفتن بخش زیادی از پول‌ها، هشدار صاحب‌خانه برای تخلیه منزل و مشاجرات مکرر خانوادگی را عامل فشار روحی و آغاز اختلافات دانست که به درگیری و شلیک منجر شد؛ او گفته در کشمکش بطور ناخواسته همسرش هدف گلوله قرار گرفت و سپس در شرایطی از ترس و آشفتگی، دخترش را هم کشته است.

خبرگزاری دولتی «ایرنا» با اشاره به افزایش آمار جنایت با انگیزه‌های مالی نوشته از آنجا که فقر و ناامنی اقتصادی عامل اصلی بسیاری از تنش‌های اجتماعی است، هرگونه سیاست‌گذاری ملی برای ایجاد شغل، کنترل تورم و بهبود وضعیت معیشت، بطور غیرمستقیم نرخ خشونت‌های خانوادگی را کاهش خواهد داد. همچنین از آنجایی که برخی از قتل‌ها بر سر املاک و دارایی‌ها رخ می‌دهد، ساده‌سازی فرآیندهای قانونی مربوط به مالکیت و تقسیم ارث می‌تواند از طولانی شدن اختلافات مالی که ریشه‌ساز کینه و خشونت می‌شوند، جلوگیری کند.

کامبیز نوروزی حقوقدان نیز در یادداشتی با عنوان «اقتصادی که مولد سرقت است» در روزنامه «شرق» نوشته رشد ۶۰۰ درصدی جرم سرقت در ایران زنگ خطری است که مدت‌هاست به صدا درآمده و کسی نمی‌خواهد بشنود. روند افزایش انواع جرائم در ایران بر اثر بی‌توجهی نظام قانون‌گذاری و نظام برنامه‌ریزی بسیار نگران‌کننده است.

کامبیز نوروزی حقوقدان نیز در یادداشتی با عنوان «اقتصادی که مولد سرقت است» در روزنامه «شرق» نوشته رشد ۶۰۰ درصدی جرم سرقت در ایران زنگ خطری است که مدت‌هاست به صدا درآمده و کسی نمی‌خواهد بشنود. روند افزایش انواع جرائم در ایران بر اثر بی‌توجهی نظام قانون‌گذاری و نظام برنامه‌ریزی بسیار نگران‌کننده است.

آمار جرائم مالی، به‌ویژه سرقت از بهترین شاخص‌ها برای فهم میزان جرم‌زایی جامعه است. در این یادداشت آمده که سرقت، واکنش ارادی ناپهناچار فرد است به اوضاع اقتصادی جامعه، شکاف طبقاتی، تبعیض، دشواری تأمین نیازهای اولیه زندگی، ناکارآمدی و عقب‌ماندگی نظام مبارزه با بزه، فقدان سیاست کیفری در راستای برنامه‌ریزی ضد جرم در سراسر برنامه‌های عمرانی و آموزشی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، گسیختگی نظام‌های هنجاری و اخلاقی، وجود فساد در اقشار فوقانی قدرت، گستردگی احساس نبود امنیت اقتصادی و... .

به عقیده این حقوقدان جرم سرقت بهتر از دیگر جرائم وضعیت جرم‌خیز جامعه را نشان می‌دهد، زیرا این جرم برخلاف جرایمی مانند نزاع یا قتل عمد یک جرم مطلقاً ارادی است که با برنامه‌ریزی و قصد و آگاهی قبلی رخ می‌دهد. کامبیز نوروزی با اشاره به همسویی آمار تورم و سرقت نوشته نوسان در نرخ تورم که بر همه اقتصاد خرد و کلان کشور اثر می‌گذارد، به سادگی موجب احساس نبود امنیت اقتصادی در زندگی مردم می‌شود. مردم روز به روز فقیرتر شده و درباره آینده اقتصادی خود حس اطمینان را از دست می‌دهند. روشن است که آدمی بر اساس غریزه در جستجوی امنیت است. یکی از آثار چنین وضعیتی انتخاب راه‌حل‌های مجرمانه برای کسب اطمینان از آینده است. برای عده‌ای سرقت یکی از این انتخاب‌ها است.

کامبیز نوروزی افزوده نقص بسیار بزرگ و آسیب‌زای نظام قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی مجلس و دولت در ایران [جمهوری اسلامی] این است که در تصمیمات خود هیچ‌گونه نگاهی به آثار جرم‌زای قوانین و برنامه‌ها و سیاست‌ها ندارند. آنها کمترین اعتنایی ندارند که وقتی قانونی را تصویب می‌کنند یا برنامه‌ای اقتصادی و اجتماعی را تدوین می‌کنند، چگونه ممکن است بذر جرم در جامعه برویاند و جامعه را از درون بپوساند. او تأکید کرده «تا زمانی که سازمان برنامه و بودجه، وزارتخانه‌ها و مجلس در تصمیم‌گیری‌های خود به ابعاد جرم‌شناختی برنامه‌ها و قوانین این‌گونه بی‌توجه باشند که در همه این سال‌ها بوده‌اند، باید منتظر ابعاد وسیع‌تر و ویرانگرتری از افزایش انواع جرائم بود.»



درد مشترک دو ملت
ایران و اسرائیل



شاهزاده رضا پهلوی در «شورای روابط خارجی» از کارزار ملی و چشم‌انداز ایران آزاد و آباد و دموکراتیک می‌گوید



نواحق اسرائیل و حماسی برای «آتش‌بس»: ترامپ: باور دارم ایران نیز بخشی از روند صلح خواهد بود



«۵۳ اکانت» و «پژوهش» برای روایت‌سازی و جعل واقعیت؛ با پشتیبانان واقعی چه می‌کنید؟!
الاهه بقرات



حمله به کنیسه‌ای در منچستر در یوم کیپور



کاشفان سلول‌های نگهبان سیستم ایمنی، برنده جایزه نوبل پزشکی ۲۰۲۵ شدند



برندگان جایزه نوبل شیمی ۲۰۲۵ معرفی شدند



سه دانشمند از بریتانیا، آمریکا و فرانسه برنده نوبل فیزیک ۲۰۲۵ شدند



در مهرماه خبری از کوین نیست!



تشکیل پرونده علیه کاربران رسانه‌های اجتماعی به جرم «لایک» کردن!



اتحادیه اروپا: طرح غزه فرصتی واقعی برای پایان جنگ است



گردش ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی بازار اینستاگرام در ایران



پرتاب راکت از غزه به سمت اسرائیل در دومین سالگرد حمله تروریستی «هفتم اکتبر»



کشته شدن و مصدومیت چند دانشجو به علت انفجار در دانشگاه تهران



زمین‌لرزه ۵/۳ ریشتری در استان اصفهان



احتمال افزایش قیمت بنزین بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۵



مهاجرت، نخستین انتخاب
بسیاری از پرستاران در ایران!



بانک مرکزی جلوی اختصاص
سه‌میه ارز دارو را گرفت



دریاچه «سراب نیلوفر» هم
کاملاً خشک شد



هشدار درباره کاهش کیفیت
داروهای ساخت ایران به علت عدم
تخصیص ارز



تهدید تکراری عضو کمیسیون «امنیت ملی»
مجلس شورای اسلامی:
در صورت جلوگیری از فروش نفت،
تنگه هرمز را می‌بندیم!



اقتصاددانی رئیس شورای فقهی بانک مرکزی:
دشمن با گرانی ارز، جنگ روانی
به راه انداخته!



سرکوب و اقدام قضایی
برای مبارزه با گرانی کالا!



ایران را پس بگیریم
طرح دریافتی



ادعای عجیب محمدباقر قالیباف:
توزیع کوپن باعث آرامش پایدار در
جامعه می‌شود!



ادعای سخنگوی دولت درباره بحران آب:
تهران تا مرز تخلیه پیش رفت



افت تحصیلی ۴۳ درصدی
دانش‌آموزان به دلیل تعطیلی‌های
ناشی از بحران انرژی



خطر شیوع گسترده تب دنگی
در استان مازندران



سقوط هلی‌کوپتر هلال احمر
با هشت سرنشین در اشترانکوه



ادعای محمدرضا نقدی:
دشمن از روز چهارم جنگ ۱۲ روزه
برای آتش‌بس التماس می‌کرد



تأیید حکم اعدام یک دانشجوی
۲۲ ساله در دیوان عالی کشور



عصر دهم مهرماه:
قیمت دلار از ۱۱۸ هزار تومان گذشت



عکس هفته | دو سال و یک روز پس از هفتم اکتبر

یک روز پس از دومین سالگرد حمله تروریستی حماس به اسرائیل، وقتی اعلام شد مرحله اول طرح ۲۰ ماده‌ای صلح ترامپ در مصر مورد توافق طرفین قرار گرفته و آتش‌بس و مبادله گروگان‌ها و زندانی‌ها به اجرا در می‌آید، مردم در غزه و اسرائیل به شادی پرداختند. این عکس کودکان «دیر البلح» را در غزه با پرچم مصر نشان می‌دهد.